



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

گلشن

پیرانہ

صد منتقبت در مقامات
حضرت زہرا

محمد علی محمدی

تخلیق

موسسہ اسلامی، قرآنی اسکالرشپ، بیروت و رسول امیر محمدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گلشن یاس نبی

نویسنده:

محمد علی بهبهانی

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	گلشن یاس نبی
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست مطالب
۳۰	مقدمه
۳۲	بخش اول: فاطمه زهرا علیها السلام پیش از خلقت تکوینی و پس از آن
۳۲	اشاره
۳۴	فصل اول: پیش از خلقت
۳۴	منقبت اول: قبول محنت پیش از خلقت
۳۶	منقبت دوم: وجود حقیقت فاطمیه علیها السلام در غامض علم خدا
۳۸	فصل دوم: خلقت نورانی
۳۸	منقبت سوم: خلقت از نور عظمت خدا
۴۰	منقبت چهارم: اقتباس نور فاطمه علیها السلام از نور پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۲	منقبت پنجم: لولا فاطمه علیها السلام لما خلقتکما
۴۴	فصل سوم: پیدایش خلقت آن حضرت علیها السلام در بهشت
۴۴	منقبت ششم: پیدایش مایه جسمانی فاطمه زهرا علیها السلام از شجره طوی
۴۹	فصل چهارم: خلقت جسمانی آن حضرت علیها السلام
۴۹	منقبت هفتم: سخن گفتن در بطن مادر و لحظات تولد و اشراق در آن هنگام
۵۸	بخش دوم: فاطمه زهرا علیها السلام در حریم الهی
۵۸	اشاره
۶۰	منقبت هشتم: رضا و غضب خدا به تبع رضا و غضب فاطمه زهرا علیها السلام
۶۲	منقبت نهم: اصابت ثلث نور وجه الله به فاطمه زهرا علیها السلام
۶۴	منقبت دهم: نصرت الهی، نصرت فاطمه زهرا علیها السلام

- ۶۸ منقبت یازدهم: اشتقاق اسم فاطمه علیها السلام از اسم فاطر و فاطم خداوند
- ۷۳ منقبت دوازدهم: حجّت خدا در غیب
- ۷۵ منقبت سیزدهم: حجّت خدا بر خلق
- ۸۰ بخش سوم: فاطمه زهرا علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۸۰ اشاره
- ۸۲ منقبت چهاردهم: اُت متی و انا منک
- ۸۴ منقبت پانزدهم: نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و ثمره قلب آن حضرت
- ۸۸ منقبت شانزدهم: پاره وجود پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۰ منقبت هفدهم: شاخه و شعبه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۹۲ منقبت هجدهم: عنصر درخت رسالت و امامت
- ۹۴ منقبت نوزدهم: شباهت به پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتار و حدیث و نشست
- ۹۶ منقبت بیستم: شبیه ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله در سیما و صورت
- ۹۸ منقبت بیست و یکم: قلب و روح پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۰ منقبت بیست و دوم: زیارت فاطمه علیها السلام، زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۲ منقبت بیست و سوم: پدرت به فدایت
- ۱۰۷ منقبت بیست و چهارم: محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۱۱۰ منقبت بیست و پنجم: احترام متقابل از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۱۲ منقبت بیست و ششم: آخرین وداع و اولین دیدار
- ۱۱۴ منقبت بیست و هفتم: خروج از مُصلی و سلام بر پ-یامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۱۶ بخش چهارم: فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه طاهرین
- ۱۱۶ اشاره
- ۱۱۸ فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام
- ۱۱۸ منقبت بیست و هشتم: حضرت زهرا علیها السلام رکن امیر مؤمنان علیه السلام
- ۱۲۰ منقبت بیست و نهم: کفو امیرمؤمنان علیه السلام
- ۱۲۲ منقبت سی ام: حضرت زهرا علیها السلام و امیرمؤمنان علیه السلام «شفع» در سوره فجر
- ۱۲۴ فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه علیهم السلام

- ۱۲۴ منقبت سی و یکم: بذر خوشه امامت
- ۱۲۶ منقبت سی و دوم: حجت خدا بر ائمه علیهم السلام
- ۱۲۸ فصل سوم: فاطمه زهرا علیها السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه
- ۱۲۸ منقبت سی و سوم: اسوه حسنه امام عصر عجل الله تعالی فرجه
- ۱۳۰ بخش پنجم: فاطمه زهرا علیها السلام و پیامبران علیهم السلام
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۲ منقبت سی و چهارم: معرفت فاطمه علیها السلام، شرط تکامل نبوت
- ۱۳۴ منقبت سی و پنجم: وجوب اطاعت فاطمه زهرا علیها السلام بر انبیاء علیهم السلام و جمیع مخلوقات
- ۱۳۶ منقبت سی و ششم: اقتدا به حضرت زهرا علیها السلام در غیاب شمس رسالت و قمر ولایت
- ۱۳۸ منقبت سی و هفتم: برتر از جمیع انبیا علیهم السلام
- ۱۴۰ بخش ششم: فاطمه زهرا علیها السلام و زنان برگزیده عالم
- ۱۴۰ اشاره
- ۱۴۲ فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت خدیجه علیها السلام
- ۱۴۲ منقبت سی و هشتم: سلام و تسلیت خداوند در وفات مادر
- ۱۴۴ فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام
- ۱۴۴ منقبت سی و نهم: فاطمه زهرا علیها السلام مریم کبری
- ۱۵۱ بخش هفتم: فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان آن حضرت و مؤمنین
- ۱۵۱ اشاره
- ۱۵۳ فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان ایشان
- ۱۵۳ منقبت دهم: حرام شدن آتش بر ذریه حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۵۸ منقبت یازدهم: سلام بر ذریه در وصیت آخرین
- ۱۶۲ منقبت چهارم و دوم: حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، بِرَ فاطمه و فرزندان
- ۱۶۴ فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام و مؤمنان
- ۱۶۴ منقبت چهارم و سوم: فاطمه زهرا علیها السلام أم المؤمنین
- ۱۶۶ بخش هشتم: فاطمه زهرا علیها السلام و ملائکه
- ۱۶۶ اشاره

- ۱۶۸ ----- منقبت چهل و چهارم: محدّثه ملائک و سرور تمام زنان هستی
- ۱۷۰ ----- منقبت چهل و پنجم: مَلک، گهواره جنبان فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۷۲ ----- بخش نهم: فاطمه زهرا علیها السلام با قرآن، دین و حقایق تشریحی
- ۱۷۲ ----- اشاره -----
- ۱۷۴ ----- فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام محل نزول قرآن کریم
- ۱۷۴ ----- منقبت چهل و ششم: ليله القدر خدا -----
- ۱۷۶ ----- منقبت چهل و هفتم: حقیقت ليله مبارکه -----
- ۱۷۸ ----- فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام و حقیقت دین -----
- ۱۷۸ ----- منقبت چهل و هشتم: فاطمه زهرا علیها السلام حقیقت دین ق-یمه -----
- ۱۸۰ ----- فصل سوم: فاطمه زهرا علیها السلام و ولایت بر هستی -----
- ۱۸۰ ----- منقبت چهل و نهم: عرضه ولایت فاطمه زهرا علیها السلام بر تمام هستی -----
- ۱۸۲ ----- فصل چهارم: فاطمه زهرا علیها السلام و عبادت -----
- ۱۸۲ ----- منقبت پنجاهم: عابدترین امت -----
- ۱۸۴ ----- فصل پنجم: فاطمه زهرا علیها السلام و دعا -----
- ۱۸۴ ----- منقبت پنجاه و یکم: تعلیم دعای نور به سلمان -----
- ۱۹۰ ----- فصل ششم: فاطمه زهرا علیها السلام و اذکار -----
- ۱۹۰ ----- منقبت پنجاه و دوم: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام محبوبتر از هزار رکعت نماز -----
- ۱۹۶ ----- منقبت پنجاه و سوم: تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام افضل عبادت ها -----
- ۱۹۸ ----- فصل هفتم: فاطمه زهرا علیها السلام و اعمال -----
- ۱۹۸ ----- منقبت پنجاه و چهارم: الحاق به خاتم انبیا صلی الله علیه و آله در بهشت با صلوات بر فاطمه زهرا علیها السلام -----
- ۲۰۰ ----- منقبت پنجاه و پنجم: وجوب بهشت با سه روز سلام بر فاطمه زهرا علیها السلام -----
- ۲۰۲ ----- منقبت پنجاه و ششم: فضیلت طواف از جانب فاطمه زهرا علیها السلام -----
- ۲۰۴ ----- بخش دهم: فاطمه زهرا علیها السلام در عوالم تکوینی -----
- ۲۰۴ ----- اشاره -----
- ۲۰۶ ----- فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام در عالم ارواح -----
- ۲۰۶ ----- منقبت پنجاه و هفتم: فاطمه زهرا علیها السلام روح القدس -----

۲۰۸	فصل دّوم: فاطمة زهرا عليها السلام در آسمان ها و زمين
۲۰۸	منقبت پنجاه و هشتم: خلقت آسمان و زمين و روشنایی آن ها از پرتو نور فاطمی عليها السلام
۲۱۲	منقبت پنجاه و نهم: فاطمة زهرا عليها السلام بلد امين
۲۱۵	بخش یازدهم: شمه ای از صفات و خصائص فاطمة زهرا عليها السلام
۲۱۵	اشاره
۲۱۷	فصل اول: فاطمة زهرا عليها السلام و محوریت معرفت به آن حضرت
۲۱۷	منقبت شصتم: معرفت فاطمة زهرا عليها السلام محور ادوار خلقت
۲۱۹	فصل دّوم: علم فاطمة زهرا عليها السلام
۲۱۹	منقبت شصت و یکم: علم فاطمة زهرا عليها السلام به گذشته و آینده
۲۲۱	منقبت شصت و دوم: باز گرفتن از شیر، توأم با علم
۲۲۳	منقبت شصت و سوم: مصحف فاطمة زهرا عليها السلام
۲۲۷	منقبت شصت و چهارم: نزول جبرئیل بر حضرت زهرا عليها السلام
۲۲۹	فصل سوّم: قدرت فاطمة زهرا عليها السلام
۲۲۹	منقبت شصت و پنجم: ظهور قدرت فاطمة زهرا عليها السلام با کنده شدن دیوارمسجد النبی صلی الله علیه و آله
۲۳۳	فصل چهارم: عصمت
۲۳۳	منقبت شصت و ششم: شمس عصمت فاطمیه عليها السلام
۲۳۵	فصل پنجم: طهارت
۲۳۵	منقبت شصت و هفتم: طهارت از هر آلودگی
۲۳۷	فصل ششم: حُسن مطلق
۲۳۷	منقبت شصت و هشتم: برتر از حقیقت حُسن
۲۳۹	فصل هفتم: صبر و تحمل سختی ها
۲۳۹	منقبت شصت و نهم: صبر بر سختی ها و گرسنگی، و فراغ از آن به دعای خاتم صلی الله علیه و آله
۲۴۱	فصل هشتم: صدق
۲۴۱	منقبت هفتادم: راستگوترین خلائق
۲۴۲	فصل نهم: انفاق
۲۴۲	منقبت هفتاد و یکم: حکایت سه روز روزه و نزول هل أتت سی

- ۲۵۶ ----- منقبت هفتاد و دوم: برکت الهی در ایثار گردنبند آن حضرت علیها السلام
- ۲۶۴ ----- منقبت هفتاد و سوم: بخشش لباس عروسی
- ۲۷۰ ----- منقبت هفتاد و چهارم: برکت اکرام میهمان
- ۲۷۴ ----- فصل دهم: هدایت و ارشاد
- ۲۷۴ ----- منقبت هفتاد و پنجم: راهنمایی مادر پیش از ولادت
- ۲۷۶ ----- منقبت هفتاد و ششم: فضیلت پاسخ به سؤال دینی و تکفل ایتام آل محمد علیهم السلام
- ۲۸۰ ----- منقبت هفتاد و هفتم: اجر ارشاد در امر دین و پاسخ شبهات
- ۲۸۲ ----- منقبت هفتاد و هشتم: اسلام آوردن زنان یهودی با دیدن لباس بهشتی آن حضرت علیها السلام
- ۲۸۴ ----- فصل یازدهم: انذار
- ۲۸۴ ----- منقبت هفتاد و نهم: فاطمه زهرا علیها السلام إحدى الکبیر و نذیراً للبشر
- ۲۸۶ ----- فصل دوازدهم: خصائص اسماء مبارکه فاطمه زهرا علیها السلام
- ۲۸۶ ----- منقبت هشتادم: اسماء آن حضرت علیها السلام در مقام عندآلهی
- ۲۸۸ ----- بخش دوازدهم: اشراقات نوری فاطمه زهرا علیها السلام
- ۲۸۸ ----- اشاره
- ۲۹۰ ----- منقبت هشتاد و یکم: اشراق آسمان به هنگام تولد آن حضرت علیها السلام
- ۲۹۲ ----- منقبت هشتاد و دوم: مشکات نور و کوکب دُری
- ۲۹۴ ----- منقبت هشتاد و سوم: تابشی چون خورشید و ماه و کوکب
- ۲۹۶ ----- منقبت هشتاد و چهارم: جلوه های سفید و زرد و سرخ
- ۳۰۰ ----- منقبت هشتاد و پنجم: اشراق نورفاطمه زهرا علیها السلام در محراب بر سماواتیان
- ۳۰۲ ----- منقبت هشتاد و ششم: اشراق بهشت از نور خنده امیرمؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام
- ۳۰۴ ----- منقبت هشتاد و هفتم: اسلام هشتاد یهودی به نور چادر حضرت زهرا علیها السلام
- ۳۰۶ ----- بخش سیزدهم: خدمت در آستان فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۰۶ ----- اشاره
- ۳۰۸ ----- منقبت هشتاد و هشتم: مقام خادمین فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۱۰ ----- منقبت هشتاد و نهم: مبعوث شدن زوقاییل یا جبرائیل برای خدمت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۳۱۲ ----- منقبت نودم: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، خدمت گزاران فاطمه زهرا علیها السلام

۳۱۷	بخش چهاردهم: فاطمه زهرا علیها السلام در قیامت
۳۱۷	اشاره
۳۱۹	فصل اول: شفاعت در محشر
۳۱۹	منقبت نود و یکم: شفاعت در نزول آیه (و لسوف یعطیک ربک فترضی) -
۳۲۱	منقبت نود و دوم: مظهر عفو و رحمت الهی و شفاعت کبری در محشر
۳۲۸	منقبت نود و سوم: مهریه حضرت زهرا علیها السلام شفاعت گنهکاران امت
۳۳۴	فصل دوم: اولین شخصیت انسانی در جنت خلد
۳۳۴	منقبت نود و چهارم: اولین شخصیتی که به بهشت در آید
۳۳۶	فصل سوم: کیفیت ورود به بهشت
۳۳۶	منقبت نود و پنجم: ورود به محشر با بهترین صورت و کرامت و منظر
۳۳۸	منقبت نود و ششم: حضور در صحرای محشر با پیراهن خونین امام حسین علیه السلام
۳۴۳	منقبت نود و هفتم: مشاهده رگ های بریده امام حسین علیه السلام در محشر
۳۵۱	فصل چهارم: نام آن حضرت بر درب بهشت
۳۵۱	منقبت نود و هشتم: نام فاطمه زهرا علیها السلام بر باب جنت
۳۵۳	فصل پنجم: قبه آن حضرت در بهشت
۳۵۳	منقبت نود و نهم: قبه الزهراء علیها السلام
۳۵۸	فصل ششم: آثار محبت آن حضرت علیها السلام در قیامت
۳۵۸	منقبت صد: آثار محبت فاطمه زهرا علیها السلام در صد موطن از موت تا قیامت
۳۶۰	فهرست منابع کتاب
۳۶۰	اشاره
۳۶۲	کتاب شیعه
۳۷۳	کتاب اهل تسنن
۳۸۱	درباره مرکز

سرشناسه : بهبهانی، محمدعلی، 1352 -

عنوان و نام پدیدآور : گلشن یاس نبی / محمدعلی بهبهانی؛ ویراستار جواد برکچیان، سیدحسن یوسفی؛ [تحقیق مهدی امامی، مرتضی اسلامی، سیدرسول میرحسینی].

مشخصات نشر : اصفهان: عطر عترت، 1394.

مشخصات ظاهری : 352 ص.؛ 20×10/5 س م.

شابک : 100000 ریال 15-160-243-600-978

یادداشت : فارسی -- عربی.

یادداشت : عنوان روی جلد: صد منقبت در مقامات حضرت زهرا علیه السلام.

یادداشت : کتابنامه: ص. [341 - 352]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : صد منقبت در مقامات حضرت زهرا علیه السلام.

عنوان دیگر : صد منقبت در مقامات حضرت زهرا علیه السلام.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11 ق. -- مدایح و مناقب

موضوع : Fatimah Zahra, The Saint -- Eulogies

شناسه افزوده : امامی، مهدی

شناسه افزوده : اسلامی، مرتضی

شناسه افزوده : میرحسینی، سیدرسول

رده بندی کنگره : 835/بBP27/26 گ8 1394

رده بندی دیویی : 297/973

شماره کتابشناسی ملی : 5068694

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

گلشن یاس نبی

محمد علی بهبهانی

فهرست مطالب

بخش اول:

فاطمه زهرا علیها السلام پیش از خلقت تکوینی و پس از آن / 17

فصل اول: پیش از خلقت 19

منقبت اول: قبول محنت پیش از خلقت 19

منقبت دوم: وجود حقیقت فاطمیه علیها السلام در غامض علم خدا 21

فصل دوم: خلقت نورانی 23

منقبت سوم: خلقت از نور عظمت خدا 23

منقبت چهارم: اقتباس نور فاطمه علیها السلام از نور پیامبر صلی الله علیه و آله 25

منقبت پنجم: لولا فاطمه علیها السلام لما خلقتکما 27

فصل سوم: پیدایش خلقت آن حضرت علیها السلام در بهشت 29

منقبت ششم: پیدایش مایه جسمانی فاطمه زهرا علیها السلام از شجره طویلی 29

فصل چهارم: خلقت جسمانی آن حضرت علیها السلام 33

منقبت هفتم: سخن گفتن در بطن مادر و لحظات تولد و اشراق در آن هنگام 33

فاطمه زهرا در حریم الهی / 41

منقبت هشتم: رضا و غضب خدا به تبع رضا و غضب فاطمه زهرا علیها السلام 43

منقبت نهم: اصابت ثلث نور وجه الله به فاطمه زهرا علیها السلام 45

منقبت دهم: نصرت الهی، نصرت فاطمه زهرا علیها السلام 47

منقبت یازدهم: اشتقاق اسم فاطمه علیها السلام از اسم فاطر و فاطم خداوند 51

منقبت دوازدهم: حجّت خدا در غیب 55

منقبت سیزدهم: حجّت خدا بر خلق 57

فاطمه زهرا علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله / 61

منقبت چهاردهم: أنت منی و أنا منک 63

منقبت پانزدهم: نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و ثمره قلب آن حضرت 65

منقبت شانزدهم: پاره وجود پیامبر صلی الله علیه و آله 69

منقبت هفدهم: شاخه و شعبه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله 71

منقبت هجدهم: عنصر درخت رسالت و امامت 73

منقبت نوزدهم: شباهت به پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتار و حدیث و نشستن 75

منقبت بیستم: شبیه ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله در سیما و صورت 77

منقبت بیست و یکم: قلب و روح پیامبر صلی الله علیه و آله 79

منقبت بیست و دوم: زیارت فاطمه علیها السلام، زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله 81

منقبت بیست و سوم: پدرت به فدایت 83

منقبت بیست و چهارم: محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله 87

منقبت بیست و پنجم: احترام متقابل از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام 89

منقبت بیست و ششم: آخرین وداع و اولین دیدار 91

منقبت بیست و هفتم: خروج از مُصلی و سلام بر پ-یامبر صلی الله علیه و آله 93

بخش چهارم:

فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه طاهرين / 95

فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام 97

منقبت بیست و هشتم: حضرت زهرا علیها السلام رکن امیر مؤمنان علیه السلام 97

منقبت بیست و نهم: کفو امیر مؤمنان علیه السلام 99

منقبت سی ام: حضرت زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام «شفع» در سوره فجر 101

فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه علیهم السلام 103

منقبت سی و یکم: بذر خوشه امامت 103

منقبت سی و دوم: حجّت خدا بر ائمه علیهم السلام 105

فصل سوم: فاطمه زهرا علیها السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه 107

منقبت سی و سوم: اسوه حسنه امام عصر عجل الله تعالی فرجه 107

بخش پنجم:

فاطمه زهرا علیها السلام و پیامبران علیهم السلام / 109

منقبت سی و چهارم: معرفت فاطمه علیها السلام، شرط تکامل نبوت 111

منقبت سی و پنجم: وجوب اطاعت فاطمه زهرا علیها السلام بر انبیاء علیهم السلام و جمیع مخلوقات 113

منقبت سی و ششم: اقتدا به حضرت زهرا علیها السلام در غیاب شمس رسالت و قمر ولایت 115

منقبت سی و هفتم: برتر از جمیع انبیا علیهم السلام 117

بخش ششم:

فاطمه زهرا عليها السلام و زنان برگزیده عالم / 119

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و حضرت خدیجه عليها السلام 121

منقبت سی و هشتم: سلام و تسلیت خداوند در وفات مادر 121

فصل دوم: فاطمه زهرا عليها السلام و حضرت مریم عليها السلام 123

منقبت سی و نهم: فاطمه زهرا عليها السلام مریم کبری 123

بخش هفتم:

فاطمه زهرا عليها السلام و فرزندان آن حضرت و مؤمنین / 129

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و فرزندان آن 131

منقبت چهل و یکم: حرام شدن آتش بر ذریه حضرت زهرا عليها السلام 131

منقبت چهل و یکم: سلام بر ذریه در وصیت آخرین 135

منقبت چهل و دوم: حیّ علی خیر العمل، بر فاطمه و فرزندان 139

فصل دوم: فاطمه زهرا عليها السلام و مؤمنان 141

منقبت چهل و سوم: فاطمه زهرا عليها السلام أم المؤمنین 141

بخش هشتم:

فاطمه زهرا عليها السلام و ملائکه / 143

منقبت چهل و چهارم: محدّثه ملائک و سرور تمام زنان هستی 145

منقبت چهل و پنجم: ملک، گهواره جنیان فرزندان فاطمه زهرا عليها السلام 147

بخش نهم:

فاطمه زهرا عليها السلام با قرآن، دین و حقایق تشریحی / 149

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام محل نزول قرآن کریم 151

منقبت چهل و ششم: ليله القدر خدا 151

منقبت چهل و هفتم: حقیقت ليله مبارکه 153

فصل دوم: فاطمه زهرا عليها السلام و حقیقت دین 155

منقبت چهل و هشتم: فاطمه زهرا عليها السلام حقیقت دین ق-یمه 155

فصل سوم: فاطمه زهرا عليها السلام و ولایت بر هستی 157

منقبت چهل و نهم: عرضه ولایت فاطمه زهرا عليها السلام بر تمام هستی 157

فصل چهارم: فاطمه زهرا عليها السلام و عبادت 159

منقبت پنجاهم: عابدترین امت 159

فصل پنجم: فاطمه زهرا عليها السلام و دعا 161

منقبت پنجاه و یکم: تعلیم دعای نور به سلمان 161

فصل ششم: فاطمه زهرا عليها السلام و اذکار 167

منقبت پنجاه و دوم: تسیحات حضرت زهرا عليها السلام محبوبتر از هزار رکعت نماز 167

منقبت پنجاه و سوم: تسیحات فاطمه زهرا عليها السلام افضل عبادت ها 171

فصل هفتم: فاطمه زهرا عليها السلام و اعمال 173

منقبت پنجاه و چهارم: الحاق به خاتم انبیا صلی الله علیه و آله در بهشت با صلوات بر فاطمه زهرا عليها السلام 173

منقبت پنجاه و پنجم: وجوب بهشت با سه روز سلام بر فاطمه زهرا عليها السلام 175

منقبت پنجاه و ششم: فضیلت طواف از جانب فاطمه زهرا عليها السلام 177

بخش دهم:

فاطمه زهرا علیها السلام در عوالم تکوینی / 179

فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام در عالم ارواح 181

منقبت پنجاه و هفتم: فاطمه زهرا علیها السلام روح القدس 181

فصل دوم: فاطمه زهرا علیها السلام در آسمان ها و زمین 183

منقبت پنجاه و هشتم: خلقت آسمان و زمین و روشنائی آن ها از پرتو نور فاطمی علیها السلام 183

منقبت پنجاه و نهم: فاطمه زهرا علیها السلام بلد امین 187

بخش یازدهم:

شمه ای از صفات و خصائص فاطمه زهرا علیها السلام / 189

فصل اول: فاطمه زهرا علیها السلام و محوریت معرفت به آن حضرت 191

منقبت شصتم: معرفت فاطمه زهرا علیها السلام محور ادوار خلقت 191

فصل دوم: علم فاطمه زهرا علیها السلام 193

منقبت شصت و یکم: علم فاطمه زهرا علیها السلام به گذشته و آینده 193

منقبت شصت و دوم: باز گرفتن از شیر، توأم با علم 195

منقبت شصت و سوم: مُصحف فاطمه زهرا علیها السلام 197

منقبت شصت و چهارم: نزول جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام 201

فصل سوم: قدرت فاطمه زهرا علیها السلام 203

منقبت شصت و پنجم: ظهور قدرت فاطمه زهرا علیها السلام با کنده شدن دیوار مسجد النبی صلی الله علیه و آله 203

فصل چهارم: عصمت 207

منقبت شصت و ششم: شمس عصمت فاطمیه علیها السلام 207

فصل پنجم: طهارت 209

منقبت شصت و هفتم: طهارت از هر آلودگی 209

فصل ششم: حُسن مطلق 211

منقبت شصت و هشتم: برتر از حقیقت حُسن 211

فصل هفتم: صبر و تحمل سختی ها 213

منقبت شصت و نهم: صبر بر سختی ها و گرسنگی، و فراغ از آن به دعای خاتم صلی الله علیه و آله 213

فصل هشتم: صدق 215

منقبت هفتادم: راستگوترین خلائق 215

فصل نهم: انفاق 217

منقبت هفتاد و یکم: حکایت سه روز روزه و نزول هل ات-ی 217

منقبت هفتاد و دوم: برکت الهی در ایثار گردنبد آن حضرت علیها السلام 227

منقبت هفتاد و سوم: بخشش لباس عروسی 235

منقبت هفتاد و چهارم: برکت اکرام میهمان 241

فصل دهم: هدایت و ارشاد 245

منقبت هفتاد و پنجم: راهنمایی مادر پیش از ولادت 245

منقبت هفتاد و ششم: فضیلت پاسخ به سؤال دینی و تکفل ایتام آل محمد علیهم السلام 247

منقبت هفتاد و هفتم: اجر ارشاد در امر دین و پاسخ شبهات 251

منقبت هفتاد و هشتم: اسلام آوردن زنان یهودی با دیدن لباس بهشتی آن حضرت علیها السلام 253

فصل یازدهم: انذار 255

منقبت هفتاد و نهم: فاطمه زهرا علیها السلام إحدى الکبر و نذیراً للبشر 255

منقبت هشتادم: اسماء آن حضرت علیها السلام در مقام عندالهی 257

بخش دوازدهم:

اشراقات نوری فاطمه زهرا علیها السلام / 259

منقبت هشتاد و یکم: اشراق آسمان به هنگام تولد آن حضرت علیها السلام 261

منقبت هشتاد و دوم: مشکات نور و کوکب دُری 263

منقبت هشتاد و سوم: تابشی چون خورشید و ماه و کوکب 265

منقبت هشتاد و چهارم: جلوه های سفید و زرد و سرخ 267

منقبت هشتاد و پنجم: اشراق نور فاطمه زهرا علیها السلام در محراب بر سماواتیان 271

منقبت هشتاد و ششم: اشراق بهشت از نور خنده امیر مؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام 273

منقبت هشتاد و هفتم: اسلام هشتاد یهودی به نور چادر حضرت زهرا علیها السلام 275

بخش سیزدهم:

خدمت در آستان فاطمه زهرا علیها السلام / 277

منقبت هشتاد و هشتم: مقام خادمین فاطمه زهرا علیها السلام 279

منقبت هشتاد و نهم: مبعوث شدن زوقاییل یا جبرائیل برای خدمت فاطمه زهرا علیها السلام 281

منقبت نودم: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، خدمت گزاران فاطمه زهرا علیها السلام 283

بخش چهاردهم:

فاطمه زهرا علیها السلام در قیامت / 287

فصل اول: شفاعت در محشر 289

منقبت نود و یکم: شفاعت در نزول آیه (و لسوف یعطیک ربک فترضی) 289

منقبت نود و دوم: مظهر عفو و رحمت الهی و شفاعت کبری در محشر 291

منقبت نود و سوم: مهريه حضرت زهرا عليها السلام شفاعت گنهكاران امت 297

فصل دّوم: اولین شخصیت انسانی در جنت خُلد 303

منقبت نود و چهارم: اولین شخصیتی که به بهشت در آید 303

فصل سوّم: کیفیت ورود به بهشت 305

منقبت نود و پنجم: ورود به محشر با بهترین صورت و کرامت و منظر 305

منقبت نود و ششم: حضور در صحرای محشر با پیراهن خونین امام حسین علیه السلام 307

منقبت نود و هفتم: مشاهده رگ های بریده امام حسین علیه السلام در محشر 311

فصل چهارم: نام آن حضرت بر درب بهشت 319

منقبت نود و هشتم: نام فاطمه زهرا علیها السلام بر باب جتّ 319

فصل پنجم: قبه آن حضرت در بهشت 321

منقبت نود و نهم: قبه الزهراء علیها السلام 321

فصل ششم: آثار محبت آن حضرت علیها السلام در قیامت 325

منقبت صدم: آثار محبت فاطمه زهرا علیها السلام در صد موطن از موت تا قیامت 325

فهرست منابع کتاب: 327

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى فطر الخلائق بفاطريته، وأزهرت السماوات والأرض بالنور الزاهر الذى خلقه من نور عظمته، ثم الصلوات الطيبات و التسليمات الناميات على أشرف الممكنات و مدار الكائنات و خلاصه الموجودات، أول الأولياء و خاتم الأنبياء محمد المصطفى صلى الله عليه وآله و أهل بيته الطيبين و الطاهرين، معادن الجود و الرحمة و خزان العلم و الحكمة و الأسماء الحسنى الإلهية و مبادئ الفيوضات الربانية.

این صحیفه مبارکه، منشوری است از فضائل و مناقب کوثر سماء رسالت، قلب و روح خاتمیت، کفو امیر ولایت، مادر بروج امامت، معدن علم و رحمت، اصل جود و سماحت، سرچشمه بحار فضیلت، عنصر کواکب منقبت، جوهره و کنه عبودیت، ثمره شجره بعثت، امّ الأئمه النجباء، الصدیقه الكبرى، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام .

گر چه احصاء فضائل آن دریای بیکران، و اکتناه هر منقبتی از مناقب آن کوکب درّی آسمانیان، از عهده بشریت خارج و عالم انسانیت واله و حیران یک لمحه از فروغ آن ليله القدر ناشناخته شجره محمدی صلى الله عليه وآله است، ولی المیسور لا یتک بالمعسور.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

زین روی به حکم آنکه در مناقب کفو والایش امیر مؤمنان علیه السلام صد منقبت به تصویر آمده و مأه منقبه نام گرفته، این مصحف مناقب فاطمی علیها السلام را به مأه منقبه فی مقامات الصدیقه الطاهره علیها السلام عنوان نهاده، و به «گلشن یاس نبی» مسما نمودیم تا شاید در حریم درگاه اهل بیت طاهرینش، آن شمس طالعه سماوات معرفت، و آن اقمار دوائر افلاک رفعت مقبول افتد، و فرزندان و ذریه داغدار آن حضرت علیها السلام را تسلیی در خاطر آید.

در ختام زحمات بی دریغ و تلاش فراوان سروران گرامی و محققین مکرم و معزز حضرات آقایان حجج اسلام و مسلمین، مهدی امامی، مرتضی اسلامی، سید رسول میرحسینی، سید جواد برکچیان، سید حسن یوسفی که در امر تحقیق، ترجمه و ویراستاری این اثر، نقش بسزایی داشته اند، شایسته کمال تشکر و مورد تقدیر و امتنان است.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین علیهم السلام .

محمد علی بهبهانی

بخش اول: فاطمه زهرا عليها السلام پیش از خلقت تکوینی و پس از آن

اشاره

فصل اول: پیش از خلقت

فصل دوم: خلقت نورانی

فصل سوم: پیدایش خلقت آن حضرت علیها السلام در بهشت

فصل چهارم: خلقت جسمانی آن حضرت علیها السلام

فصل اول: پیش از خلقت

منقبت اول: قبول محنت پیش از خلقت

إبراهيمُ بنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْعَرَبِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ قَالَ: «إِذَا صِرْتَ إِلَى قَبْرِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقُلْ يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً.» (1)

ترجمه:

ابراهیم بن محمد بن عیسیٰ عربی گفت: روزی امام جواد علیه السلام به ما فرمود:

1- تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج6، ص9 - 10؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج14، ص367 - 368؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج97، ص194. همچنین در زیات حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ وَ كُنْتَ لِمَا امْتَحَنَكَ بِهِ صَابِرَةً...» سلام بر تو ای کسی که به محنت ها دچار شده ای، خدایی که تو را آفرید، پیش از آن که تو را خلق نماید، محنت را بر تو عرضه نمود، پس تو را بر آن محنت، صابر یافت. مزار، شیخ مفید، ص178؛ مصباح المتعجد، شیخ طوسی، ص711؛ جمال الأسبوع، سید ابن طاووس، ص39؛ مزار، محمد بن جعفر مشهدی، ص79؛ مزار، شهید اول، ص21؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج99، ص212.

هنگامی که به جانب قبر جدّه ات فاطمه علیها السلام رفتی بگو: ای امتحان شده، خدایی که تو را آفرید، پیش از آن که تو را خلق نماید، امتحانت فرمود، پس تو را بر آنچه امتحانت نمود، صابر یافت.

منقبت دوم: وجود حقیقت فاطمیه علیها السلام در غامض علم خدا

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسَدِ كَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ حَوَاءَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ تَبَخَّرَا فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ آدَمُ لِحَوَاءَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى جَبْرَائِيلَ أَنْ انْتَبِي بِعَبْدَتِي الَّتِي فِي جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى فَلَمَّا دَخَلَا الْفِرْدَوْسَ نَظَرَا إِلَى جَارِيَةٍ عَلَى دُرُوكٍ مِنْ دَرَانِيكِ الْجَنَّةِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ وَفِي أُذُنَيْهَا قُرْطَانٍ مِنْ نُورٍ قَدْ أَشْرَقَتْ الْجَنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا [مِنْ نُورٍ وَجْهِهَا].

قَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ مَنْ هَذِهِ الْجَارِيَةُ الَّتِي قَدْ أَشْرَقَتْ الْجَنَانُ مِنْ حُسْنِ وَجْهِهَا؟ فَقَالَ: هَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ مِنْ وُلْدِكَ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا هَذَا التَّاجُ الَّذِي عَلَى رَأْسِهَا؟ قَالَ: بَعَلُّهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا الْقُرْطَانِ اللَّذَانِ فِي أُذُنَيْهَا؟ قَالَ: وَلَدَاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ أَخْلِقُوا قَبْ-لِي؟ قَالَ: هُمْ مَوْجُودُونَ فِي غَامِضِ عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ بِأَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ». (1)

1- كشف الغممة، اربلی، ج 2، ص 83 - 84 (اربلی، از کتاب الآل ابن خالویه، نقل کرده)؛ صراط المستقیم، بیاضی، ج 1، ص 209 - 210؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 232؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 25، ص 5 - 6 و ج 43، ص 52.

از امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

آن هنگام که خدای تعالی آدم و حوا را آفرید، ایشان در بهشت به خود بالیدند، و آدم علیه السلام به حوا فرمود: خدای تعالی خلقی بهتر از ما نیافریده است.

خدای عزوجل به جبرئیل وحی فرمود: آن بنده من که در بهشت فردوس اعلی جای دارد، را به نزد من بیاور. پس چون آدم علیه السلام و حوا به فردوس داخل شدند، چشمشان به جاریه ای افتاد که بر فراز فرشی از فرش های بهشت نشسته بود، بر سرش تاجی از نور و در دو گوشش، دو گوشواره از نور قرار داشت و بهشت از حُسن صورتش [نور صورتش] روشن شده بود.

آدم علیه السلام فرمود: ای حبیب من جبرائیل! این جاریه ای که بهشت از حُسن صورتش روشن شده کیست؟ جبرئیل فرمود: این (جاریه)، فاطمه علیها السلام است دختر محمد صلی الله علیه و آله - پیامبری از فرزندان تو در آخرالزمان -.

آدم علیه السلام پرسید: این تاج که بر سر اوست چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: شوهرش علی بن ابی طالب علیه السلام.

آدم علیه السلام پرسید: این دو گوشواره که در گوش او هستند، چیست؟ جبرئیل علیه السلام پاسخ داد: دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام.

آدم علیه السلام پرسید: ای حبیبم جبرئیل! آیا ایشان قبل از من آفریده شده اند؟ جبرئیل فرمود: ایشان چهار هزار سال قبل از این که تو خلق شوی در غامض علم الله موجود بودند.

فصل دوم: خلقت نورانی

منقبت سوم: خلقت از نور عظمت خدا

عَنْ جَابِرِ [بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ، زَهْرَاءُ؟ فَقَالَ: «لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِنُورِهَا...» (1)

ترجمه:

از جابر بن یزید جعفی، از امام صادق علیه السلام روایت شده که گفت: پرسیدم چرا

1- امامه و التبصره، علی ابن بابویه قمی، ص 133؛ علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 179 - 180؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 64؛ دلائل الامامه، طبری شیعی، ص 149؛ نوادر المعجزات، طبری (شیعی)، ص 82 (طبری روایت را از جابر بن عبد الله، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است)؛ دُرُ النظیم، عاملی، ص 456؛ عدد القویه، علامه حلی، ص 227؛ کشف الغمه، إربلی، ج 2، ص 92؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 234؛ مجمع البحرین، طریحی، ج 3، ص 321؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 239؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 12. منبع اهل تسنن: اهل البيت، توفیق ابوعلم، ص 112: (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 10).

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، «زهراء» نامیده شدند؟ حضرت علیه السلام فرمود: برای این که خدای تعالی او را از نور عظمت خود آفرید و زمانی که آن نور درخشید، تمام آسمانها و زمین به نور او روشن گشت. (1)

1- همچنین: «عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ قَبْلَ خَلْقِ آدَمَ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ فِيهِ أَرْوَاحًا. فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَدَّهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ نُورًا؟ فَقَالَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الحُسَيْنِ وَتَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ»؛ امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند چهارده هزار سال قبل از آفرینش آدم، چهارده نور را از نور عظمت خود آفرید که آنها ارواح ما هستند. عرض شد آنها را نام ببرید که آن چهارده نور چه کسانی هستند؟ حضرت علیه السلام فرمود: محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام و نه نفر از فرزندان حسین علیه السلام که نهمین نفر از ایشان قائم عجل الله تعالی فرجه ایشان است. محضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 228؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 25، ص 4.

منقبت چهارم: اقتباس نور فاطمه عليها السلام از نور پیامبر صلی الله علیه و آله

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْعَالِمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ نُورَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ نُورٍ اخْتَرَعَهُ مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ وَهُوَ نُورٌ لَا هَوِيَّتَهُ الَّذِي ابْتَدَأَ مِنْ لَاهٍ أَيْ مِنْ إِلَهِيَّتِهِ مِنْ إِبْتِئَةِ الَّذِي ابْتَدَأَ مِنْهُ وَتَجَلَّى لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِهِ فِي طُورِ سَيْنَاءَ فَمَا اسْتَقَرَّ لَهُ وَلَا طَاقَ مُوسَى لِرُؤْيَيْهِ وَلَا ثَبَتَ لَهُ حَتَّى خَرَّ صَاعِقًا مَغْشِيًّا عَلَيْهِ وَكَانَ ذَلِكَ التُّورُ مُحَمَّدًا [صلى الله عليه وآله] فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَ مُحَمَّدًا [صلى الله عليه وآله] مِنْهُ قَسَمَ ذَلِكَ التُّورَ شَطْرَيْنِ فَخَلَقَ مِنَ الشَّطْرِ الْأَوَّلِ مُحَمَّدًا [صلى الله عليه وآله] وَمِنَ الشَّطْرِ الْآخِرِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَلَمْ يَخْلُقْ مِنْ ذَلِكَ التُّورِ غَيْرَهُمَا... ثُمَّ اقْتَبَسَ مِنْ نُورِ مُحَمَّدٍ [صلى الله عليه وآله] فَاطِمَةَ [عليها السلام] ابْنَتَهُ؛ كَمَا اقْتَبَسَ نُورَهُ مِنْ نُورِهِ وَاقْتَبَسَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ وَعَلِيٍّ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ [عليهم السلام] كَأَقْتَبَاسِ الْمَصَابِيحِ. هُمْ خُلِقُوا مِنَ الْأَنْوَارِ...» (1)

ترجمه:

جابر بن یزید جعفی از امام عالم موسی بن جعفر علیهما السلام نقل نموده که فرمودند: خدای

1- تأویل الآیات، استرآبادی، ج 1، ص 397 - 399؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 4، ص 192 - 193؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 1، ص 36 - 38؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 35، ص 28 - 29.

تعالی نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از نوری آفرید که از نور عظمت و جلالش اختراع نموده بود و آن نور لاهوتیت اوست که از «لاه» است؛ یعنی الوهیت و اثبتی که شروع خلقت از او است و با آن نور بر موسی بن عمران علیهما السلام در طور سینا تجلی نمود که موسی بن عمران در برابر آن تجلی، استقرار و طاقت دیدار نداشت و نتوانست تحمل کند تا بیهوش بر زمین افتاد و آن نور، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود و چون خدا اراده نمود که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از آن خلق نماید آن نور را دو قسمت نمود و از قسمت اول، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و از قسمت دوم، علی بن ابی طالب علیهما السلام را آفرید و غیر از ایشان کسی را از آن نور نیافرید.

سپس از نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله [نور] حضرت فاطمه علیها السلام دخترش را اقتباس نمود، همانطور که نور حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از نور خود اقتباس نموده بود و از نور حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام [نور] امام حسن و امام حسین علیهما السلام را اقتباس نمود همانگونه که چراغی را از چراغی می افروزند و ایشان همه از آن نورها آفریده شده اند.

منقبت پنجم: لولا فاطمه عليها السلام لما خلقتكما

[بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ] فِي كِتَابِ كَشْفِ اللَّائِلِيِّ لِصَالِحِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ الْعَرْنَدَسِيِّ أَنَّهُ رَوَى عَنِ الشَّيْخِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ الذَّرَاقِيِّ عَنِ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ هِلَالِ الْجَزَائِرِيِّ عَنِ الشَّيْخِ أَحْمَدِ بْنِ فَهْدِ الْجَلِيِّ عَنِ الشَّيْخِ زَيْنِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْخَازِنِ الْحَايِرِيِّ عَنِ الشَّيْخِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مَكِّيِّ الشَّهِيدِ بِطَرَفِهِ الْمُتَّصِلِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيِّ بِطَرَفِهِ إِلَى جَابِرِ بْنِ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ قَالَ:

«يَا أَحْمَدُ لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ وَ لَوْلَا عَلِيُّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةَ لَمَا خَلَقْتُكُمَا».

ثُمَّ قَالَ جَابِرٌ: هَذَا مِنْ الْأَسْرَارِ الَّتِي أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكِتْمَانِهِ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ. (1)

1- مجمع النورين، مردی، ص 14 و 187 (مردی، از کتاب بحر المعارف نقل نموده)؛ مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی، ج 3، ص 168 - 169 و ج 8، ص 243 (نمازی، از کتاب ضیاء العالمین نقل نموده)؛ جنه العاصمه، علامه میرجهانی، ص 248 (علامه میرجهانی، از کتاب کشف اللئالی، صالح بن عبد الوهاب بن عرندس)؛ فاطمه بهجه قلب المصطفی، رحمانی همدانی، ص 9.

[به سند صحیح] صالح بن عرندس در کتاب کشف اللآلی (1) از شیخ ابراهیم بن حسن ذرق از شیخ علی بن هلال جزائری از شیخ احمد بن محمد حلّی از شیخ زین الدین علی بن حسن خازن حائری از شیخ ابی عبدالله محمد بن مکی (شهید اول) و ایشان به طُرُق متصله خودش (2) سند را به علی بن موسی بن بابویه قمی و ایشان به طریق خودش (3) از جابر بن یزید جعفی از جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و آن حضرت فرمودند که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«ای احمد صلی الله علیه و آله اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم و اگر علی علیه السلام نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه علیها السلام نبود شما را خلق نمی کردم.»

سپس جابر گفت: این حدیث از اسرار است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما امر فرموده تا آن را کتمان کنیم و فقط به اهلسن برسانیم.

1- علامه میر جهانی قدس سره می فرماید: مؤلف کتاب کشف اللآلی یکی از علمای قرن نهم هجری بوده است. او یکی از مؤلفین از علمای شیعه در فقه و اصول و حدیث بوده، کَانَ عَالِمًا نَاسِكًا زَاهِدًا وَرَعَا أَدِيبًا شَاعِرًا، و در حدود هشتصد و چهل هجری تقریباً وفات یافته، و قبر او در حلّه هیفاء مزاری است که به آن تبرک می جویند. سلسله راویان حدیث همه عدل امامی و از بزرگان مشیخه به شمار می روند و سند حدیث در نهایت اتقان است.

2- طریق الشهید الأول قدس سره إلى الشيخ الصدوق قدس سره: عن الشيخ فخر الدين أبي طالب محمد ابن الشيخ الإمام العلامة جمال المله و الدين الحسن بن المطهر عن والده عن شيخه المحقق نجم الدين أبي القاسم جعفر بن الحسن بن سعيد عن السيد السعيد شمس الدين أبي علي فخار بن معد الموسوي عن الشيخ الإمام أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمي عن الشيخ الفقيه عماد الدين أبي جعفر بن القاسم الطبري عن الشيخ أبي علي الحسن بن الشيخ السعيد أبي جعفر بن الحسن الطوسي عن والده مؤلف التهذيب و الإستبصار عن الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (الشيخ الصدوق قدس سره) مؤلف من لا يحضره الفقيه. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 107، ص 27.

3- طریق الشيخ الصدوق قدس سره إلى جابر الجعفی: عن محمد بن علي ماجيلويه عن عمه محمد بن أبي القاسم، عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي عن أبيه، عن عمرو بن شمر عن جابر بن يزيد الجعفی. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج 4، ص 424.

فصل سوم: پیدایش خلقت آن حضرت علیها السلام در بهشت

منقبت ششم: پیدایش مایه جسمانی فاطمه زهرا علیها السلام از شجره طوبی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْثِرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَأَنْكَرَتْ [فَغَضَبَتْ مِنْ] ذَلِكَ عَائِشَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَائِشَةُ إِنِّي لَمَّا أُسِّرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَذْنَانِي جَبْرَائِيلُ مِنْ شَجَرِهِ طُوبَى وَنَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا فَأَكَلْتُ فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَافَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَمَا قَبَلْتُهَا قَطُّ إِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةَ شَجَرِهِ طُوبَى مِنْهَا.» (1)

ترجمه:

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را بسیار

1- تفسیر عیاشی، عیاشی، ج 2، ص 212؛ تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج 1، ص 365؛ تأویل الآیات، استر آبادی، ج 1، ص 236؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 3، ص 254؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 18، ص 364 و ج 43، ص 6؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج 3، ص 131. و با اختلاف کم در این منابع: تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج 6، ص 37؛ اعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 297؛ دُرُ النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 106؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 238؛ زبده التفاسیر، ملا فتح الله کاشانی، ج 3، ص 449.

می بوسید. عایشه از این موضوع اظهار ناراحتی کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عایشه! وقتی که مرا به آسمان بردند، داخل بهشت شدم. و جبرئیل مرا نزدیک درخت طوبی برد و مقداری از میوه های آن به من داد. پس از خوردن آن میوه، خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل نمود. هنگامی که به زمین بازگشتم با خدیجه علیها السلام مواجهه نمودم و او به فاطمه علیها السلام حامله شد؛ پس هیچ گاه فاطمه علیها السلام را نبوسیده ام مگر اینکه بوی درخت طوبی را از او استشمام کرده ام. (1)

1- همچنین: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كُنْتُ أَرَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَأَسْمَاءَ] وَ سَلَّمَ يَقْبَلُ فَاطِمَةَ [عَلَيْهَا السَّلَامُ] فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَأَسْمَاءَ] وَ سَلَّمَ إِنِّي أَرَاكَ تَفْعَلُ شَيْئًا مَا كُنْتُ أَرَاكَ تَفْعَلُهُ مِنْ قَبْلُ؟ فَقَالَ: يَا حُمَيْرَاءُ إِنَّهُ لَمَّا كَانَ لَيْلَهُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَوَقَفْتُ عَلَى شَجَرِهِ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَى [أَرَى] فِي الْجَنَّةِ شَجَرَةً هِيَ أَحْسَنُ مِنْهَا حُسْنًا وَ لَا أْبْيَضُ مِنْهَا وَرَقَةً وَ لَا أَطْيَبُ مِنْهَا ثَمَرًا فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرَاتِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نُظْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَإِذَا أَنَا أَشْتَمْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَدَّ مَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ» از عایشه روایت شده که گفت: می دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را می بوسد. گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله می بینم کاری میکنید که پیش از این نمی کردید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای حمیرا! وقتی که در شب معراج مرا به آسمان بردند، مرا وارد بهشت کردند. برابر درختی از درختان بهشت ایستادم که در تمام بهشت درختی از آن زیباتر و برگهایی از برگهای آن سفیدتر و میوه ای از میوه آن خوشبوتر ندیدم! میوه ای را از آن درخت تناول کردم نطفه ای در صلب من شکل گرفت، آنگاه که به زمین بازگشتم با همسر خدیجه علیها السلام و خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام آبتن شد. لذا هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم فاطمه علیها السلام را می بویم. منابع اهل تسنن: معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 401؛ مجمع الزوائد، هیشمی، ج 9، ص 202 (هیشمی گوید: رواه الطبرانی و فيه أبو قتاده الحرانی و ثقہ أحمد و قال کان یتحرى الصدق و أنکر علی من نسبه إلى الکذب)؛ دُر المثنور، سیوطی، ج 4، ص 153؛ و با اختلاف کم در این منابع: مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 105؛ فراند السمطین، جوینی، ج 2، ص 61 (عبارت جوینی: کنت أرى النبی صلی الله علیه و سلم كثيرا ما یقبل نحر فاطمه ... لَمَّا كَانَ لَيْلَهُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ، وَ كَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِي جِبْرَائِيلَ فَأَوْقَفَنِي عَلَى شَجَرَةٍ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرِ فِي الْجَنَّةِ شَجَرًا هِيَ أَنْضَرُ مِنْهَا وَ زَقَّةٌ وَ لَا أَحْسَنُ مِنْهَا لَوْنًا، وَ لَا أَطْيَبُ مِنْهَا رَائِحَةً، ... شَمَمْتُ فَاطِمَةَ). همچنین: استشمام رایحه بهشتی از فاطمه زهرا علیها السلام عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّكَ تَأْتِمُّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ تَلْتَزِمُهَا وَ تُدْنِيهَا مِنْكَ وَ تَفْعَلُ بِهَا مَا لَا تَفْعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَنَاتِكَ فَقَالَ: إِنَّ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي بِتَفَاحِهِ مِنْ تَفَاحِ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ مَاءً فِي صُلْبِي ثُمَّ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَأَنَا أَشَمُّ مِنْهَا رَائِحَةَ الْجَنَّةِ». امام باقر علیه السلام فرمودند: جابر گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، چرا شما فاطمه علیها السلام را می بوسید و او را کنار خود و نزدیک خویش می نشانید و به هیچ یک از دخترانتان به این اندازه لطف و عنایت ندارید؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل سببی از سبب های بهشت برایم آورد و من آن را خوردم. سبب در صلب من به آبی مبدل شد. سپس با خدیجه علیها السلام مواجهه نمودم و او به فاطمه علیها السلام باردار شد. از این رو من از فاطمه علیها السلام بوی بهشت را استشمام می کنم. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 183؛ نوادر المعجزات، محمد بن جریر طبری (شیعی)، ص 99؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 5؛ و با اختلاف کم در این منابع: دلائل الامامة، محمد بن جریر طبری، ص 146 محتضر، حسن بن سلیمان حلّی، ص 238؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 5. همچنین: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ... قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جِبْرَائِيلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاوَلَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُظْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ فَكَلَّمَا اشْتَمْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَدَّ مَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» امام رضا علیه السلام « امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می فرمایند که

ایشان فرمودند: هنگامی که به آسمان عروج کردم، جبرئیل دستم را گرفته وارد بهشت نمود و خرمایی بهشتی به من داد. خرما را خوردم. آن خرما به صورت نطفه ای در صلب من در آمد، هنگامی که به زمین بازگشتم، با خدیجه مواجهه نمودم و او به فاطمه حامله گردید، پس فاطمه علیها السلام حوریه ای به شکل انسان است و من هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم، بوی دخترم فاطمه را استشمام می کنم. امالی، شیخ صدوق، ص 546؛ توحید، شیخ صدوق، ص 118؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 1، ص 107؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 149؛ احتجاج، شیخ طبرسی، ج 2، ص 191؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 239؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 4، ص 4. و همچنین: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَال: دَخَلْتُ عَمَائِشَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقْبَلُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَقَالَتْ... فَإِذَا أَنَا بِرُطْبٍ أَلْيَنَ مِنَ الرُّبْدِ وَأَطْيَبَ رَائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطْبَهُ فَأَكَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتِ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنْ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَفَاطِمَةُ حُورَاءٌ إِنْشَاءً فَإِذَا اللَّهُ تَنَزَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَمِمَتْ رَائِحَةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ». از ابن عباس نقل شده که وی گفت: عائشه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که حضرت، فاطمه علیها السلام را می بوسید... [پیامبر صلی الله علیه و آله جریان معراج را برای عایشه باز گو فرمودند] به درخت خرمایی بر خوردم که خرمایش نرمتر از کف و خوشبوتر از مشک و شیرین تر از عسل بود یک خرما چیدم و خوردم این خرما مبدل به نطفه در صلب من شد وقتی به زمین فرود آمدم با حضرت خدیجه علیها السلام مواجهه نمودم، او به فاطمه علیها السلام باردار شد پس فاطمه علیها السلام حوراء انسیه است و هر گاه من مشتاق بهشت شوم بوی فاطمه علیها السلام را استشمام می کنم. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 184؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 114؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 239؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 8، ص 189. و همچنین: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَيْلَهُ أُسْرِي بِي أَتَانِي جِبْرَائِيلُ بِسَهْفَرَجَلَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا فَوَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَعَلَقَتْ بِفَاطِمَةَ فَكُنْتُ إِذَا اسْتَمْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ سَمِمْتُ رَقَبَةَ فَاطِمَةَ فَأَجِدُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که به معراج رفتم، جبرئیل یک "به" از میوه های بهشت برای من آورد و من آن را خوردم و با خدیجه مواجهه نمودم و ایشان به فاطمه [علیها السلام] حامله شد. پس هر وقت مشتاق بوی بهشت می شوم گردن فاطمه [علیها السلام] را می بویم. منابع اهل تسنن: مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 156 (حاکم گوید: رواه ثقات)؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 106؛ مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغازلی، ص 281؛ دُر المنثور، سیوطی، ج 4، ص 153. کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 109؛ إتحاف السائل، قلقشندی، ص 24. به این منابع نیز رجوع شود: تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 5، ص 292 - 293؛ المجروحین، ابن حبان، ج 2، ص 29 - 30؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج 2، ص 518؛ نزه المجالس، صفوری شافعی، ج 2، ص 3 22 (به نقل از شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 9)؛ الرقائق معروف بالأخانیات، شیخ عبد الله حنفی، ص 250 (به نقل از شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 4، ص 474)؛ روض الفائق، شیخ شعیب أبو مدین بن سعد مصری، ص 214 (بنا بر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 10)

فصل چهارم: خلقت جسمانی آن حضرت علیها السلام

منقبت هفتم: سخن گفتن در بطن مادر و لحظات تولد و اشراق در آن هنگام

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ كَانَ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرَتْهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يُسَلَّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةُ لِذَلِكَ وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حَدْرًا عَلَيْهِ.

فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا فَسَمِعَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ مَنْ تُحَدِّثِينَ؟ قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُونُسُنِي.

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا خَدِيجَةُ هَذَا جَبْرِيْلُ يُخْبِرُنِي [بِئْسْرُنِي] أَنَّهَا أَنْثَى وَأَنَّهَا النِّسْمَةُ [النَّسْلَةُ] الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَسَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً وَيَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ.

فَلَمْ تَزَلْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَ رَتْ وِلَادَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَبَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصِيْبَتَنَا وَ

لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَتَرَوَجْتِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَبِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَلَا نَلِي مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا.

فَاعْتَمَّتْ خَدِيجَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِذَلِكَ فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِّرٍ طَوَالٍ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَأَرْسَلْنَا رَبُّكَ إِلَيْكِ وَنَحْنُ أَخَوَاتُكِ أَنَا سَارَةُ وَهَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَهِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَهَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَهَذِهِ كُلثُومُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكِ لِنَلِي مِنْكِ مَا تَلِي النِّسَاءَ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَآخَرَى عَنْ يَسَارِهَا وَالثَّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَالرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ خَدِيجَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا التُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَلَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ التُّورُ وَدَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طُسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَإِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَفِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَتْ لَهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَأَخْرَجَتْ خَرْقَتَيْنِ بَيْضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَفَتَعَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَنَطَقَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَقَالَتْ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوُلْدِي سَادَةُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَسَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَأَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَتَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِينُ وَبَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَحَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَقَالَتِ النَّسْوَةُ: خَدِيجَةُ يَا خَدِيجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ رَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بُورِكَ فِيهَا وَفِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَأَلْقَمَتْهَا ثَدْيَهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا.

فَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تَنَمِي فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَتَنَمِي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنَمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ. (1)

1- امالي، شيخ صدوق، ص 690؛ دلائل الامامه، طبري، ص 77؛ روضه الواعظين، فتال نيشابوري، ص 143؛ خرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، ج 2، ص 524؛ دُرُ النظم، عاملي، ص 454؛ محتضر، حسن بن سليمان حلي، ص 56؛ عدد القويه، على بن يوسف حلي، ص 222 (با اختلاف كم)؛ غايه المرام، علامه بحراني، ج 2، ص 210؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 16، ص 80، و ج 43، ص 2. و همچنين: مناقب آل ابى طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 118 (به همين مضمون و به صورت خلاصه)؛ اثبات الهداه، حر عاملي، ج 2، ص 194 (قسمت اول روايت را ذكر كرده).

از مفضل بن عمر نقل شده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ولادت حضرت فاطمه علیها السلام چگونه بوده است؟ امام علیه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، زنان مکه از خدیجه علیها السلام کناره گیری نمودند و نزد وی نمی رفتند؛ به او سلام نمی کردند و به هیچ زنی اجازه نمی دادند که با او معاشرت و تماس داشته باشد. این برخورد زنان سبب ناراحتی و اندوه خدیجه علیها السلام شد، البته غم و اندوه وی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود [که مبادا آسیبی متوجه وی گردد].

وقتی خدیجه علیها السلام به حضرت فاطمه علیها السلام حامله شد، فاطمه علیها السلام در رحم مادر [همدم او بود و] با او سخن می گفت، و وی را به صبر توصیه می نمود. خدیجه علیها السلام این موضوع را از رسول خدا صلی الله علیه و آله مخفی می داشت تا اینکه یک روز پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه علیها السلام آمد و شنید که او با فاطمه علیها السلام سخن می گوید. پس به او گفت: ای خدیجه! با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه علیها السلام گفت: بچه ای که در رحم دارم با من سخن می گوید و مونس ساعات تنهایی من است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای خدیجه! جبرئیل مرا بشارت داده که او دختری پاک و مبارک است و خداوند تبارک و تعالی مقدر نموده که نسل من از طریق او برقرار و پایدار بماند و مقرر فرموده که فرزندان او پس از انقطاع وحی، امام و خلیفه خدا در زمین باشند.

خدیجه علیها السلام دائماً در همین حال بود تا اینکه هنگام وضع حمل وی فرا رسید. کسی

را نزد زنان قریش و بنی هاشم فرستاد که بیایید و مرا در امر تولد فرزند یاری نمایید. آنان در جواب گفتند: چون تو سخن ما را در باره ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله نادیده گرفتی و با آن مرد فقیر و یتیم ازدواج کردی، ما نیز نزد تو نخواهیم آمد و تو را در این امر یاری نخواهیم نمود.

خدیدجه علیها السلام از شنیدن این جواب غمگین شد. در همان حال چهار زن گندمگون و بلند بالا که خدیجه فکر می کرد از زنان بنی هاشم هستند نزد او حاضر شدند. هنگامی که خدیجه علیها السلام آنها را دید اظهار ناراحتی کرد، یکی از آنان گفت: ای خدیجه! نگران نباش، زیرا ما فرستاده خداییم تا تو را در امر زایمان کمک کنیم. ما خواهران تو هستیم، من ساره هستم و این بانو آسیه دختر مزاحم - که در بهشت دوست و همراه تو خواهد بود - و این مریم دختر عمران و آن دیگری کلثوم خواهر موسی بن عمران است، پس یکی از آنان در سمت راست خدیجه و یکی در طرف چپ وی و دیگری در مقابل او و چهارمی ایشان در بالای سر او نشستند و بدین ترتیب خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را در حالیکه پاک و پاکیزه بود به دنیا آورد.

هنگامی که آن حضرت متولد شد نوری از او ساطع گردید و داخل خانه های مکه شد به طوری که در شرق و غرب این شهر محلی باقی نماند مگر آنکه آن نور در آن محل تابید. آنگاه ده حور العین داخل اتاق شدند در حالی که به دست هر کدامشان یک طشت و آبریز بود از بهشت که در آن آب کوثر بود. آن بانویی که در پایین پاهای خدیجه قرار گرفته بود حضرت فاطمه علیها السلام را گرفت و با آب کوثر شستشو داد. سپس دو حوله سفید - که از شیر سفید تر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود - در آورد و یکی را به دور طفل پیچید و با دیگری سر او را پوشانید و بعد از آن از او خواست که سخن بگوید. حضرت فاطمه علیها السلام زبان به شهادتین گشود و فرمود: شهادت می دهم که معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد، و شهادت می دهم که پدرم رسول خدا و برترین پیامبران است و همسرم علی، برترین اوصیا و فرزندانم برترین فرزندان و سرور مردمان

هستند. آنگاه به آن بانوان سلام کرد و هر یک را به نامشان خطاب نمود. آنان نیز خندان و شادمان رو به سوی او کردند و حور العین تولد و اهل آسمان ولادت او را به یکدیگر تبریک می گفتند و [به واسطه تولد حضرت فاطمه علیها السلام] در آسمان نیز نور درخشنده ای ظاهر گردید که ملانکه پیش از آن نظیر آن را ندیده بودند. پس آن زنان به خدیجه گفتند: این مولود پاک و مبارک را بگیر که در خود او و نسل او برکت قرار داده شده است. حضرت خدیجه علیها السلام در حالی که خوشحال بود حضرت فاطمه علیها السلام را در آغوش گرفت و به او شیر داد. این نوزاد [از رشد فوق العاده ای برخوردار بود به طوری که] در هر روز به اندازه یک ماه و در هر ماهی به اندازه یک سال رشد می کرد. (1)

تذکر:

در پیرامون سخن گفتن فاطمه زهرا علیها السلام با مادر خویش، پیش از تولد، رجوع شود به منقبت: 75 و 81

1- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا تَزَوَّجَتْ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ رَسُولَ اللَّهِ هَجَرَهَا نِسْوَانُ مَكَّةَ وَ كُنَّ لَا يُكَلِّمْنَهَا وَلَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا فَلَمَّا حَمَلَتْ بِالزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ مَنْزِلِهَا تُكَلِّمُهَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ فِي بَطْنِهَا مِنْ ظُلْمَةِ الْأَحْشَاءِ وَ تَحَدِّثُهَا وَ تُؤَانِسُهَا. فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَنْ تُكَلِّمِينَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، إِنَّ الْجَنِينَ الَّذِي أَنَا حَامِلٌ بِهِ. إِذَا أَنَا خَلَوْتُ بِهِ فِي مَنْزِلِي كَلَّمْنِي وَ حَدَّثْنِي مِنْ ظُلْمَةِ الْأَحْشَاءِ. فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا خَدِيجَةُ، هَذَا أَخِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا ابْنَتِي وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَسَمِّيَهَا "فَاطِمَةَ" وَ سَيَجْعَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ذُرِّيَّتِهَا أَيْمَةً يَهْتَدِي بِهِمُ الْمُؤْمِنُونَ. فَفَرِحَتْ خَدِيجَةُ بِذَلِكَ. فَلَمَّا أَنْ حَضَرَ رَوْقُ وَ لَادَتْهَا أَرْسَلَتْ إِلَى نِسْوَانِ مَكَّةَ أَنْ يَتَفَضَّلْنَ وَ يَحْضُرْنَ وَ لَادَتِي لَيْلِينَ مِنِّي مَا تَلَى النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا: يَا خَدِيجَةُ، أَنْتَ عَصَا بَيْنَا وَ لَمْ تَقْبَلِي مِنَّا قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ فَقِيرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ إِلَيْكَ وَ لَا نَلِي مِنْكَ مَا تَلَى النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ. فَاعْتَمَمْتُ خَدِيجَةُ غَمًّا شَدِيدًا. فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ كَانَهُنَّ مِنْ نِسْوَةِ قُرَيْشٍ. فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ: يَا خَدِيجَةُ، لَا تَحْزَنِي فَإِنَّا آسِيَةٌ بِبِنْتِ مُزَاجِمٍ وَ هَذِهِ صَفِيَّةُ بِنْتُ شُعَيْبٍ - وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كُلُّنَا بِنْتُ عِمْرَانَ أُخْتُ مُوسَى - وَ هَذِهِ سَارَةُ زَوْجَةُ إِبْرَاهِيمَ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ. وَ قَدْ بَعَثَنَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلَى النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ وَ جَلَسْنَا حَوْلَهَا وَ وَضَعَتْ الزَّهْرَاءُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ - طَاهِرَةً وَ مُطَهَّرَةً؛ ابن عباس گفته است: وقتی خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد زنان مکه از او دوری کردند و با او سخن نمی گفتند. هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه زهرا علیها السلام حامله شد وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه بیرون می رفت فاطمه علیها السلام در رحم با مادرش سخن می گفت و انیس تنهایی مادر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به خانه آمد صدای سخن گفتن خدیجه علیها السلام را شنید و پرسید: با چه کسی سخن می گویی؟ خدیجه علیها السلام پاسخ داد: جنینی که در رحم دارم وقتی تنها می شوم با من حرف می زند. پیامبر صلی الله علیه و آله تبسمی کردند و فرمودند: اکنون برادرم جبرئیل به من خبر می دهد که دخترم روحی پاک و پاکیزه است و خداوند تعالی دستور داده است که او را «فاطمه» بنامم. خداوند، امانان هدایت را از فرزندان او قرار داده است. خدیجه بسیار خوشحال شد. زمان وضع حمل، نزدیک شد. خدیجه علیها السلام کسی را نزد زنان مکه فرستاد تا به هنگام تولد فرزند، کارهای وضع حمل را انجام دهند. اما آنان درخواست خدیجه را اجابت نکردند و گفتند: تو در امر ازدواج، سخن ما را نپذیرفتی و با فقیری ازدواج کردی. اکنون نیز ما خواسته تو را اجابت نمی کنیم. خدیجه بسیار ناراحت شد. در میان این ناراحتی، چهار زن [با شخصیت] که گویی از زنان قریش بودند وارد شدند. یکی از آنها گفت: ای خدیجه، ناراحت نباش. من آسیه دختر مزاحم هستم. این صفیه دختر شعیب - در روایت دیگری کلثم دختر عمران، خواهر موسی. این یکی ساره، همسر ابراهیم و دیگری مریم،

دختر عمران است. خداوند ما را نزد تو فرستاده است تا کارهای وضع حمل را انجام دهیم. آنان اطراف خدیجه علیها السلام نشستند و فاطمه زهرا در حالی که پاک و مطهر بود متولد شد. ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 285. و همچنین: ذکر الشیخ عزالدین عبد السلام الشافعی فی رسالته فی مدح الخلفاء الراشدين: «أَنَّه لَمَّا حَمَلَتْ خَدِيجَةُ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ تُكَلِّمُهَا مَا فِي بَطْنِهَا وَكَانَتْ تُكْتُمُهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمًا وَوَجَدَهَا تَتَكَلَّمُ وَلَيْسَ مَعَهَا غَيْرَهَا فَسَأَلَهَا عَمَّنْ كَانَتْ تُخَاطِبُهُ فَقَالَتْ مَعَ مَا فِي بَطْنِي فَإِنَّهُ يَتَكَلَّمُ مَعِي فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَبْشِرِي يَا خَدِيجَةُ هَذِهِ بِنْتُ جَعَلَهَا اللَّهُ أُمَّ أَحَدِ عَشَرَ مِنْ خُلَفَائِي يَخْرُجُونَ بَعْدِي وَبَعْدَ أَيِّهِمْ.»؛ هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه حامله شد، در رحم با مادر خود سخن می گفت، و خدیجه علیها السلام آن را از پیغمبر صلی الله علیه و آله کتمان می کرد. روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شد. خدیجه علیها السلام با آنکه تنها بود با کسی حرف می زد. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: با چه کسی سخن می گفتی؟ خدیجه علیها السلام گفت: با طفلی که در شکم دارم؛ زیرا که او با من حرف می زند. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بشارت باد تو را ای خدیجه. این دختری است که خدا او را مادر یازده جانشین من قرار می دهد که بعد از من و پدرشان بیرون می آیند. منبع اهل تسنن: تجهیز الجیش، دهلوی، ص 99 مخطوط (بنا بر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 12). و همچنین: «رَوَى الْمَلَا فِي سِيرَتِهِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَتَانِي جِبْرِيلُ بِتَفَاحِهِ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُهَا وَوَأَقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَقَالَتْ أَنِّي حَمَلْتُ حَمَلًا خَفِيًّا فَإِذَا خَرَجَتْ [خلوت] حَدَّثَنِي الَّذِي فِي بَطْنِي. فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تَضَعَ بَعَثَ إِلَيَّ نِسَاءَ قُرَيْشٍ لِيَأْتِيَنَهَا فَيَلِينَنَّ مِنْهَا مَا يَلِي النِّسَاءَ مِمَّنْ تَلِدُ فَلَمْ يَقْلَعَنَّ وَقُلْنَا لَا نَأْتِيكَ وَقَدْ صِرْتَ زَوْجَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمَالِ وَالتُّورِ مَا لَا يُوصَفُ. فَقَالَتْ لَهَا إِحْدَاهُنَّ: أَنَا أُمُّكَ حَوَاءٌ وَقَالَتِ الْأُخْرَى أَنَا أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَقَالَتِ الْأُخْرَى أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ أُمَّ عِيسَى جِئْنَا لِنَلِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَلِي النِّسَاءَ. قَالَتْ: فَوَلَدْتُ فَاطِمَةَ فَوَقَعَتْ حِينَ وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ سَاجِدَةً رَافِعَةً أَصْبَعَهَا.»؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل سببی از بهشت برایم آورد. آن را خوردم و با خدیجه مواجهه نمودم و او به فاطمه حامله شد. خدیجه گوید که من به صورت آسان حامله شده ام و زمانی که خلوت میکنم فرزندانم در شکم با من سخن می گوید. وقتی زمان وضع حمل رسید به دنبال زنان قریش فرستاد تا بیایند و در کارهای زنانه مربوط به وضع حمل به او کمک کنند. اما آنان نیامدند و گفتند: نزد تو نمی آئیم زیرا تو همسر محمد شده ای. در همین هنگام چهار زن که زیبایی و نورانیتشان را نمی توان توصیف کرد بر من وارد شدند. یکی از آنان گفت: من مادرت حواء هستم، دیگری گفت: من آسیه دختر مزاحم هستم، سومی گفت: من کلثوم خواهر موسی هستم و دیگری گفت: من مریم دختر عمران و مادر عیسی هستم، آمده ایم تا تو را در کارهای مربوط به وضع حمل کمک کنیم. بعد از لحظاتی فاطمه دیده به جهان گشود و سر بر سجده گذاشت و انگشتش را به سوی آسمان بالا برد. منابع اهل تسنن: ذخائر العقبی، محب طبری، ص 45؛ فضائل الثقلین، ایچی شافعی، ص 443؛ توضیح الدلائل، شهاب الدین شیرازی شافعی، ص 326 (بنا بر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 25، ص 11). و همچنین: «رَوَى عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: دَخَلْتُ عَلَى خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَدْ حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَكَانَتْ وَحْدَهَا تَتَكَلَّمُ. فَقَالَتْ: إِنَّ الْجَنِينَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُكَلِّمُنِي وَأُكَلِّمُهُ وَلِي بِهِ أَنْسٌ فِي حَالِ وَحْدَتِي.»؛ از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که پیامبر فرمودند: در ایام حمل خدیجه وارد خانه شدم. او تنها بود ولی با کسی سخن می گفت! خدیجه به من چنین گفت: با فرزندی که در رحم دارم گفتگو می کنیم و او مونس تنهایی من است. عیون المعجزات، حسین بن عبد الوهاب، ص 51.

بخش دوم: فاطمة زهرا عليها السلام در حریم الهی

اشاره

منقبت هشتم: رضا و غضب خدا به تبع رضا و غضب فاطمه زهرا عليها السلام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ [الرَّبَّ] يَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ». (1)

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمودند: به راستی خداوند [پروردگار] به سبب خشم تو خشم می کند و به خشنودی تو خشنود می شود.

1- کشف الیقین، علامه حلی، ص 351؛ منهاج الکرامه، علامه حلی، ص 72؛ نهج الحق و کشف الصدق، علامه حلی، ص 270. منابع اهل تسنن: آحاد و المثنی، ضحاک، ج 5، ص 363؛ کامل، عبد الله بن عدی، ج 2، ص 351؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج 1، ص 108 و ج 22، ص 401؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 154 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه)؛ أسد الغابه، ابن اثیر، ج 5، ص 522؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 3، ص 156 (ابن عساکر، به این عبارت نقل کرده: یا فاطمه إن الله تبارک و تعالی لیغضب و قال الحیری یغضب لغضبک و یرضی لرضاک)؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج 1، ص 535 و ج 2، ص 492؛ مجمع زوائد، هیشمی، ج 9، ص 203 (هیشمی گوید: رواه الطبرانی و اسناده حسن)؛ نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص 178 (زرنندی حنفی، به این عبارت نقل کرده: قال لفاطمه: إن الله یغضب لِعْضَبِک)؛ اصابه، ابن حجر، ج 8، ص 266؛ إمتاع الأسماع، مقریزی، ج 4، ص 196؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 13، ص 674؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 44؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 57 و ص 132 و 464؛ ذیل تاریخ بغداد، ابن نجار بغدادی، ج 2، ص 140.

منقبت نهم: اصابت ثلث نور وجه الله به فاطمة زهرا عليها السلام

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَهُ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَّ قَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهَهُ [مِنْ نُورِ الْعَرْشِ] ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَدَّذَهُ فَأَصَابَنِي ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ فَاطِمَةَ ثُلُثُ النُّورِ وَأَصَابَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَنْ لَمْ يُصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» (1)

ترجمه:

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: وقتی که خداوند بهشت را آفرید آن را از نور وجه خویشتن آفرید، سپس آن نور را گرفت و افکند [تاباند] یک سوم آن نور به من اصابت کرد و یک سوم دیگرش به دخترم فاطمه علیها السلام و یک سوم آن به علی علیه السلام و فرزندانش رسید.

پس کسی که از آن نور به وی رسیده باشد به ولایت آل محمد علیهم السلام هدایت خواهد شد و کسی که از آن نور به او نرسیده باشد از ولایت آنان گمراه می گردد.

1- خصال، شیخ صدوق، ص 188؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 148؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 106؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 44.

منقبت دهم: نصرت الهى، نصرت فاطمه زهرا عليها السلام

«عَنْ سَدِيدِ الصَّبْرِ فِي عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَلَيْسَتْ هِيَ إِنْسَانِيَّةً؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسَانِيَّةٌ. قَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَكَيْفَ هِيَ حَوْرَاءُ إِنْسَانِيَّةً؟ قَالَ: خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كَانَتِ الْأَرْوَاحُ، فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ عُرِضَتْ عَلَى آدَمَ.

قِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَأَيْنَ كَانَتْ فَاطِمَةُ؟ قَالَ: كَانَتْ فِي حُقِّهِ تَحْتَ سَاقِ الْعَرْشِ.

قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَمَا كَانَ طَعَامُهَا؟ قَالَ التَّسْبِيحُ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّحْمِيدُ. فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ وَأَخْرَجَنِي مِنْ صَدْرِهِ أَحَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ صَدْرِي جَعَلَهَا تَفَاحَةً فِي الْجَنَّةِ وَأَتَانِي بِهَا جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا مُحَمَّدُ. قُلْتُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ حَبِيبِي جِبْرِئِيلُ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامُ. قُلْتُ: مِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ يَعُودُ السَّلَامُ.

قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ هَذِهِ تَفَاحَةٌ أَهْدَاهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَخَذْتُهَا وَصَدَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ كُلُّهَا فَفَلَقْتُهَا فَرَأَيْتُ نُورًا سَاطِعًا فَفَرَعْتُ مِنْهُ. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ، كُلُّهَا وَلَا تَخَفُ فَإِنَّ ذَلِكَ النُّورَ الْمُنْصُورَةَ فِي السَّمَاءِ وَهِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ.

قُلْتُ: حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ وَ لِمَ سُمِّيَتْ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ لِأَنَّهَا فَطَمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ فَطِمَ أَعْدَاؤُهَا عَنْ حُبِّهَا وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) (1) (2)

ترجمه:

سدیر صیرفی گوید: امام صادق علیه السلام از پدرش از اجدادش علیهم السلام روایت نمود: که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: نور فاطمه علیها السلام پیش از آفرینش زمین و آسمانها آفریده شد.

بعضی از مردم گفتند: ای پیامبر خدا بنا بر این فاطمه از جنس بشر نیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: فاطمه علیها السلام حوریه ای از جنس بشر است.

گفتند: ای پیغمبر خدا! چگونه می شود که زهرا حوریّه و انسیّه باشد؟ فرمود: پیش از این که پروردگار متعال، حضرت آدم را خلق نماید، در آن هنگام که ارواح وجود داشتند، فاطمه علیها السلام را از نور خود خلق کرد، و وقتی آدم را آفرید نور فاطمه علیها السلام را بر آدم علیه السلام عرضه نمود.

گفته شد: ای پیامبر خدا! حضرت فاطمه علیها السلام در آن هنگام کجا بود؟ فرمود: نور او در میان یک ظرف در زیر ساق عرش جای داشت. گفتند: ای رسول خدا! غذای وی چه بود؟ فرمود: «تسبیح و تقدیس خدا و لا اله الا الله گفتن، و حمد خدا را بجای آوردن.

وقتی که پروردگار متعال، آدم را آفرید، مرا از صلب او بیرون نمود، و دوست داشت فاطمه علیها السلام را از صلب من بیرون آرد، پس او را به صورت یک سیب در بهشت در آورد، و

1- روم: 4-5.

2- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 396؛ تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 322 (با اختلاف کم)؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 4.

جبرئیل آن سیب را نزد من آورد و به من گفت: ای محمّد درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد! گفتم: ای دوست من جبرئیل! بر تو باد درود و رحمت خدا و برکات او!

آنگاه جبرئیل گفت: ای محمّد! خدا تو را سلام می‌رساند، گفتم: سلام از جانب خداست و به سوی او باز خواهد گشت، گفت: ای محمّد، این سیبی است که خدای عزّ و جلّ از بهشت برای تو هدیه فرستاده است، من آن را گرفتم و به سینه خود نهادم. جبرئیل گفت: ای محمّد! خداوند جلّ جلاله می‌فرماید: این سیب را میل نما! چون آن سیب را شکافتم. نوری از آن تابید که من ترسان شدم. گفت: ای پیامبر خدا چرا آن را میل نمی‌کنی؟ آن را بخور و مهراس! زیرا آن نور بانویی است که در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» نام دارد.

گفتم: ای حبیب من جبرئیل، چرا در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» است؟

جبرئیل گفت: بدین سبب در زمین «فاطمه» نامیده شده که شیعیان وی از آتش جهنم باز نگه داشته شده اند و دشمنانش از دوستی و محبت وی محروم می‌مانند و در آسمان «منصوره» نامیده شده است که این همان کلام خدای تعالی است که فرموده: (يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ)؛ ⁽¹⁾ [در روز (قیامت) مؤمنان به نصرت الهی شادمان می‌گردند] منظور از این یاری همان نصرتی است که حضرت فاطمه علیها السلام به دوستان خویش خواهد کرد.

منقبت يازدهم: اشتقاق اسم فاطمه عليها السلام از اسم فاطم و فاطم خداوند

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ قَالَ: «يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ آدَمَ لَمَّا رَأَى النُّورَ سَاطِعاً مِنْ صُلْبِهِ إِذْ كَانَ اللَّهُ نَقَلَ أَشْبَاحَنَا مِنْ ذُرْوَةِ الْعَرْشِ إِلَى ظَهْرِهِ رَأَى النُّورَ وَلَمْ يَتَّبِعِ الْأَشْبَاحَ فَقَالَ: يَا رَبِّ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟»

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَنْوَارُ اللَّهِ بَاحٍ نَقَلْتُهُمْ مِنْ أَشْرَفِ بَقَاعِ عَرْشِي إِلَى ظَهْرِكَ وَ لِدَلِكِ أَمَرْتُ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَكَ إِذْ كُنْتَ وَعَاءً لِنَتِكَ الْأَشْبَاحِ فَقَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ لَوْ بَيَّنَّتَهَا لِي فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: انظُرْ يَا آدَمُ إِلَى ذُرْوَةِ الْعَرْشِ فَانظُرْ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَقَعَ نُورٌ أَشْبَاحَنَا مِنْ ظَهْرِ آدَمَ عَلَى ذُرْوَةِ الْعَرْشِ فَانطَبَعَ فِيهِ صُورُ أَشْبَاحِنَا كَمَا يَنْطَبِعُ وَجْهُ الْإِنْسَانِ فِي الْمِرْآةِ الصَّافِيَةِ فَرَأَى أَشْبَاحَنَا فَقَالَ مَا هَذِهِ الْأَشْبَاحُ يَا رَبِّ؟

فَقَالَ: يَا آدَمُ هَذِهِ الْأَشْبَاحُ أَفْضَلُ خَلَائِقِي وَبَرِيَّاتِي هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَنَا الْحَمِيدُ الْمَحْمُودُ فِي أَعْمَالِي سَدَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِي وَ هَذَا عَلِيُّ وَ أَنَا الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سَدَقْتُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِي وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ أَنَا فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ فَاطِمٌ أَعْدَائِي عَنْ رَحْمَتِي يَوْمَ فَصَلِ قَضَائِي وَ فَاطِمٌ أَوْلِيَائِي عَمَّا يَعْتَرِبُهُمْ وَ يَشْتَبِهُهُمْ [يَعْرِهُمُ وَ يُسِيئُهُمْ] فَشَقَّقْتُ لَهَا اسْمًا مِنْ اسْمِي وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ [هَذَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ] وَ أَنَا الْمُحْسِنُ [وَ] الْمُجْمِلُ سَدَقْتُ لَهُمَا اسْمًا [اسميهما] مِنْ اسْمِي هُوَ لِأَنَّ خِيَارَ خَلِيقَتِي وَ كِرَامَ بَرِيَّتِي بِهِمْ أَخَذُ وَ بِهِمْ أُعْطِيَ وَ بِهِمْ أُعَاقِبُ وَ بِهِمْ أُثِيبُ فَتَوَسَّلْ إِلَيَّ بِهِمْ.

يَا آدَمُ وَإِذَا دَهَتْكَ دَاهِيَةٌ فَاجْعَلْهُمْ إِلَيَّ شَفَعَاءَكَ فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي قَسَمًا حَقًّا لَا أُخَيِّبُ بِهِمْ آمِلًا وَلَا أَرُدُّ بِهِمْ سَائِلًا فَلِذَلِكَ حِينَ زَلَّتْ مِنْهُ الْخَطِيئَةُ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِمْ فَتَابَ عَلَيْهِ وَغَفَرَ لَهُ...» (1)

ترجمه:

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمودند: پدرم از پدر خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: ای بندگان خدا، آدم علیه السلام دید نوری از صلب او می درخشید - چون خداوند اشباح ما را از بالای عرش به صلب او منتقل کرده بود- او آن نور را مشاهده کرد اما اشباح را واضح ندید. به خداوند عرض کرد: خدایا این نورها چیست؟

خداوند فرمود: نور اشباحی است که از بهترین بقعه های عرشم به صلب تو منتقل کرده ام و به همین جهت ملائکه را دستور دادم به تو سجده نمایند چون تو ظرف و محل برای این اشباح بودی.

آدم علیه السلام گفت: پروردگارا، ای کاش این اشباح را برایم آشکار نمایی.

خداوند فرمود: آدم! نگاه کن به بالای عرش. آدم علیه السلام نگاه کرد؛ نور اشباح ما از صلب آدم به بالای عرش افتاد و صورت اشباح ما در عرش نقش بست مثل آینه صاف که در آن چهره انسان نقش می بندد. او اشباح ما را مشاهده کرد و عرض کرد: خدایا، این اشباح ها چیست؟

خداوند فرمود: این اشباح، بهترین خلق من هستند؛ این محمد است و من حمید

1- تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص 219-221؛ مسائل العکبریة، شیخ مفید، ص 28؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 275؛ تأویل الآیات، استرآبادی، ج 1، ص 44-45؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 1، ص 115-116؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 1، ص 196-197؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 4، ص 178-179؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 26، ص 326-328 و ج 11، ص 150-151؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 1، ص 376-378. منبع اهل تسنن: ینابیع الموده، قندوزی، ج 1، ص 289.

محمود [ستایش شده] در افعال هستم. یک اسم از اسمهای خود برای او جدا کرده ام و این علی است و من علی عظیم هستم اسمی از نام های خود برای او جدا کرده ام و این فاطمه علیها السلام است و من فاطر آسمان ها و زمین هایم و جدا کننده دشمنان خود از رحمتم در روز قیامت و جداکننده دوستانم از عیب هایی که بر آنها عارض می گردد. برای او یک اسم از اسم های خود جدا کردم و این حسن و این حسین است و من محسن نیکوکارم یک اسم از اسم های خود برای آن دو جدا کرده ام. این ها بهترین مخلوق من و کریمان از خلق من هستند. به وسیله آن ها [نعمت ها را] باز پس می گیرم و به وسیله آن ها می بخشم و به آن ها کیفر می کنم و به وسیله آن ها ثواب می دهم. ای آدم! به وسیله آنها به من توسل کن

ای آدم! هر گاه ناراحتی بزرگی به تو رسید آن ها را شفیع خود [در نزد من] قرار بده. من سوگند یاد کرده ام بر خود سوگندی حق که کسی که به واسطه ایشان امیدی داشته باشد ناامید نکنم و کسی که به واسطه ایشان از من درخواستی نماید رد نکنم به همین جهت وقتی از آدم علیه السلام لغزشی سر زد خدا را به واسطه آن ها خواند و خدا توبه او را پذیرفت و او را بخشید. (1)

1- عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ أَبَا الْبَشَرِ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ النَّفْتِ إِلَى يَمَنِهِ الْعَرْشِ فَإِذَا فِي الثَّوْرِ خَمْسَةٌ أَشَدَّ بَاحٍ سَجْدًا وَرُكْعًا. قَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ هَلْ خَلَقْتَ أَحَدًا مِنْ طِينِ قَبْلِي؟ قَالَ: لَا يَا آدَمُ. قَالَ: فَمَنْ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الْأَشَدَّ بَاحِ الَّذِينَ أَرَاهُمْ فِي هَيْبَتِي وَصُورَتِي؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وُلْدِكَ لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ. هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَّقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِي لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَا الْعَرْشَ وَ لَا الْكُرْسِيِّ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا الْإِنْسَ وَ لَا الْجِنَّ؛ فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَنَا الْعَالِي وَ هَذَا عَلِيُّ وَ أَنَا الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ أَنَا الْإِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ أَنَا الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ. أَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنَّهُ لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ وَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ مَحَبَّةِ أَحَدِهِمْ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ جَنَّتِي وَ أَلَيْتُ بِعِزَّتِي أَنَّهُ لَا يَأْتِينِي أَحَدٌ بِمِثْقَالِ ذَرَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ بُغْضِ أَحَدِهِمْ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ نَارِي وَ لَا أَبَالِي. يَا آدَمُ، هَؤُلَاءِ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي بِهِمْ أَنْجِيهِمْ وَ بِهِمْ أَهْلِكُهُمْ فَإِذَا كَانَ لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ فَبِهَؤُلَاءِ تَوَسَّلْ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَحْنُ سَفِينَةُ النَّجَاةِ مِنْ تَعَلَّقَ بِهَا نَجَا وَ مَنْ حَادَّ عَنْهَا هَلَكَ فَمَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَسْأَلْ بِهَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: زمانی که خداوند تعالی آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او دمید آدم توجهی به سمت راست عرش کرد. او پنج شبخ نوری مشاهده کرد که در حال سجده و رکوع بودند. آدم به خداوند عرض کرد: خداوند، آیا کسی را قبل از من از خاک آفریده بودی؟ خداوند فرمود: نه. آدم علیه السلام گفت: این پنج شبخ که در شکل و ظاهر من هستند کیستند؟ خداوند فرمود: اینان پنج تن از فرزندان تو هستند که اگر نبودند تو را نیز نمی آفریدم. برای این پنج تن از پنج نام خود نامی جدا کرده ام. اگر اینها نبودند بهشت و جهنم و عرش و کرسی و آسمان و زمین و ملائک و انسانها و اجنه را خلق نمی کردم. من محمودم و این محمد صلی الله علیه و آله است. من عالی هستم و این علیست. من فاطرم و این فاطمه علیها السلام است. من احسانم و این حسن علیه السلام است و من محسنم و این حسین علیه السلام است. به جان خودم سوگند هرکس به اندازه ذره ای از محبت اینها در قلبش داشته باشد وارد بهشت می کنم. سوگند به جانم، اگر کسی به اندازه ارزنی بغض و کینه نسبت به آنان داشته باشد او را وارد آتش می کنم و باکی از این کار ندارم. ای آدم، اینان بندگان برگزیده من هستند که نجات و هلاک الهی به واسطه آنهاست. اگر حاجتی به درگاه ما داشتی به آنان متوسل شو. پیامبر در ادامه فرمود: ما کشتی نجاتیم که اگر کسی بر آن سوار شود نجات یابد و هرکس منحرف شود هلاک گردد. اگر کسی حاجتی از خدا داشته باشد به وسیله ما اهل بیت درخواست کند. منبع اهل تسنن: فرائد السمطين، جوينی، ج 1، ص 36. اشتقاق اسم فاطمه علیها السلام از اسم فاطر خدا با این عبارت «أنا الفاطر وهذه فاطمه» در این منابع آمده است: علل الشرايع، شيخ صدوق، ج 1، ص 135؛ شرح الاخبار، قاضي نعمان مغربي، ج 2، ص 501؛ دلائل الامامة، طبري، ص 448؛ بحار الانوار، علامه مجلسي، ج 15، ص 15؛ قصص الانبياء، قطب راوندي،

ص 48؛ در النظیم، یوسف بن حاتم عاملی، ص 763؛ منابع اهل تسنن: مناقب، ابن مغزلی، مخطوط (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت
الله مرعشی، ج 9، ص 105) غسل المصفی، عاصمی، ج 2، ص 364؛ نزہہ المجالس، صفوری شافعی، ج 2، ص 230 (بنابر نقل شرح
احقاق الحق، آیت الله مرعشی، ج 9، ص 260)؛

منقبت دوازدهم: حجت خدا در غیب

«عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالُوا: لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنْعِهَا فَادَّكَ، وَانْصَرَفَ عَامِلُهَا مِنْهَا، لَأَنَّ خِمَارَهَا، ثُمَّ أَقْبَلَتْ فِي لُحْمِهِ مِنْ حَفَدَتَيْهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا، نَطَأُ ذِيُولَهَا، مَا تَحْرُمُ مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَقَدْ حَفَلَ حَوْلَهُ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ، فَنِيَطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةٌ، ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ لَهَا الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ، ثُمَّ أَمَهَلَتْ حَتَّى هَدَأَتْ فَوَرَّتُهُمْ، وَ سَكَنْتَ رُوعَتُهُمْ، وَافْتَتَحَتِ الْكَلَامَ، فَقَالَتْ: ... فَأَحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِي بَعِظَمَتِهِ وَنُورِهِ ابْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، فَنَحْنُ وَسِيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ آلُ رَسُولِهِ، وَنَحْنُ حُجَّةُ غَيْبِهِ [حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ]، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ». ثُمَّ قَالَتْ: «أَنَا فَاطِمَةُ وَأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [ابْنُهُ مُحَمَّدٌ...]» (1)

ترجمه:

زيد بن علی از آباء طاهرینش علیهم السلام روایت می نماید: هنگامی که به حضرت زهرا علیها السلام

1- دلایل الامامه، طبری شیعی، ص 111-113؛ شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج 5، ص 105. منابع اهل تسنن: سقیفه و فدک، جوهری، ص 100؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 16، ص 211 (ابن ابی الحدید به این طریق نیز آورده: عن جابر الجعفی عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام).

خبر رسید که ابوبکر او را از فدک منع کرده [و آن را غصب نموده است] و عامل آن حضرت از فدک بیرون شده چادر خویش را بر سر کرد و با جمعی از زنان قومش حرکت کرد - در حالی که چادر آن حضرت بر زمین کشیده می شد و همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله گام بر می داشتند- تا بر ابوبکر وارد شدند و اطراف او را مهاجرین و انصار گرفته بودند. پارچه ای در مقابل حضرت کشیده شد و آن بانو ناله ای کردند که همه آن گروه به گریه افتادند. پس اندکی درنگ فرمود تا صدای جوشش جمعیت، خاموش شد و اضطرابشان آرام گشت.

آنگاه کلام را آغاز نمود و فرمود: ...سپاسگزار باشید خدایی را که به عظمت و نورش، اهل آسمانها و زمین، وسیله ای به سوی او طلب کردند و ما وسیله خدا در مخلوقاتش و آل رسول و حجّت خدا برای غیث هستیم و ما خاصان خدا و محلّ قُدس او و وارثان انبیائیم. سپس فرمود: من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله هستم...

منقبت سيزدهم: حجت خدا بر خلق

«عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ تَدْعِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَنْ أَمَرَكَ عَلَيْهِمْ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَمَرَنِي عَلَيْهِمْ. فَجَاءَ الرَّجُلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ مَذْقٍ عَلِيٌّ فِيمَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ عَلَى خَلْقِهِ؟ فَغَضِبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بَوْلَايِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَقَدَهَا لَهُ فَوْقَ عَرْشِهِ وَأَشَدَّ هَدَى عَلَى ذَلِكَ مَلَائِكَتُهُ. إِنَّ عَلِيًّا خَلِيفَةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ وَإِنَّهُ لِأَمَامِ الْمُسْلِمِينَ طَاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَمَعْصِيَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَمَنْ جَهِلَهُ فَقَدْ جَهِلَنِي وَمَنْ عَرَفَهُ فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَهُ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي وَمَنْ جَحَدَ إِمْرَتَهُ فَقَدْ جَحَدَ رِسَالَتِي وَمَنْ دَفَعَ فَضْلَهُ فَقَدْ تَنَقَّصَ نَبِيَّ وَمَنْ قَاتَلَهُ فَقَدْ قَاتَلَنِي وَمَنْ سَبَّهُ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّهُ مِنِّي خُلِقَ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ زَوْجُ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَأَبُو وَلَدَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ.

ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتَسَعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَعْدَاؤُنَا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُنَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ.» (1)

1- امالي، شيخ صدوق، ص 194؛ بشاره المصطفى، محمد بن أبي القاسم طبري، ص 50؛ تحصين، سيد ابن طاووس، ص 535؛ صراط المستقيم، علي بن يونس عاملي، ج 2، ص 126؛ مشارق أنوار اليقين، حافظ رجب برسي، ص 82؛ إثبات الهداه، حر عاملي، ج 2، ص 102؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 36، ص 227.

مردی خدمت حضرت علی علیه السلام آمد و عرض کرد: به شما امیرالمؤمنین علیه السلام گویند؛ چه کسی تو را بر مؤمنان امیر کرده است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: خدای جلّ جلاله مرا امیر آنها کرده است.

آن شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله، علی علیه السلام راست می گوید که خدا او را امیر بر خلق کرده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله با خشم فرمود: به راستی که علی علیه السلام به ولایت خدای عز و جل امیر بر خلق است و خداوند از بالای عرش خود آن را برای علی علیه السلام منعقد نمود و ملائکه را گواه گرفت که علی علیه السلام خلیفه و حجت خدا و امام مسلمانان است. طاعتش همان طاعت خدا و نافرمانیش، نافرمانی خداست. هر کس او را نشناسد مرا نشناخته و هر کس او را بشناسد مرا شناخته است. هر کس منکر امامت اوست منکر نبوت من است و هر کس امیر بودن او را انکار کند رسالت مرا انکار کرده است. هر کس فضل او را قبول نکند مرا کوچک کرده و هر کس با او نبرد کند با من به نبرد پرداخته است و هر که او را دشنام دهد مرا دشنام داده است؛ زیرا او از من است و از گل وجود من خلق شده است. او شوهر فاطمه علیها السلام دخترم و پدر دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام است.

حضرت صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و نه فرزند حسین علیه السلام حجت‌های خدا بر خلقیم. دشمنانمان دشمنان خدا و دوستانمان دوستان خدایند. (1)

تذکر: رجوع شود به منقبت: 32

1- همچنین: «أَخْبَرَنَا أَيضاً أَبُو جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ [الجعفي] عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَرُوحَهُ وَأَبْنَاءَهُ [إِنِّيهِ] حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنِ اهْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.» جابر بن عبد الله انصاری می گوید؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای سبحان، علی علیه السلام و همسر و فرزندان او را حجت‌های خود بر مردم قرار داده است و آنان در های علم برای امت من هستند. هر کسی در جست و جوی هدایت توسط آنان باشد به صراط مستقیم هدایت می یابد. منبع اهل تسنن: شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 1، ص 76. همچنین: «عن علي بن موسى بن جعفر عليه السلام قال حدثني أبي عن أبي جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه عليهم السلام قال قال علي بن أبي طالب عليه السلام: لقد هممتُ بترويح فاطمة عليها السلام ابنة محمد صلی الله علیه و آله حيناً و لم أتجرأ أن أذكر ذلك للنبی صلی الله علیه و آله ... ثم أمر الله تبارك و تعالی ملكاً من ملائکته الجته یقال له راحیل و لیس فی الملائکه أبلغ منه فخطب بخطبه لم یخطب بمثلها أهل السماء و لا أهل الأرض ثم أمر منادياً فنادى ألا یا ملائکتی و سدکان جنّتی بارکوا علی علی بن ابی طالب علیه السلام حبیب محمد صلی الله علیه و آله و فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله فإنی قد بارکت علیهما فقال راحیل: یا رب و ما برکتک علیهما أكثر ممّا رأینا لهما فی جنانک و دارک؟ فقال الله عزّ و جلّ: یا راحیل إن من برکتی علیهما أنى أجمعهما علی محبّتی و أجمعهما حجتی علی خلقی و عزّتی و جلالی لأخلقنّ منهما خلقاً و لأشسّنّ منهما ذریةً أجمعلهم خزانی فی أرضی و معادن لحکمی بهم أحتج علی خلقی بعد النبیین و المرسلین...» امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش جعفر بن محمد و آن حضرت از پدر خود از جدّ بزرگوار خویش نقل فرمود که: [در امر ازدواج حضرت علی علیه السلام و

حضرت زهرا علیها السلام]... خداوند تبارک و تعالی به ملکی از ملائک بهشت به نام راحیل - که در بلاغت، هیچ یک از ملائکه به پای او نمی رسند- امر فرمود که خطبه بخواند. او نیز خطبه ای خواند که اهل آسمان و زمین چنین خطبه ای نیاورده بودند. سپس به یک منادی دستور داد تا چنین جار بزند: ای ملائک من و ای ساکنین بهشت من! به علی بن ابی طالب حبیب محمد، و فاطمه دختر محمد تبریک بگویید. من برای آنان خیر و برکت قرار دادم. راحیل گفت: برکت تو بر آن دو بیشتر از آنچه ما در بهشت و منزلت برای آنان مشاهده کردیم چیست؟ خداوند فرمود: ای راحیل! از جمله برکت من بر آن دو این است که آنان را بر محبت خودم، با هم همراه می کنم و حجت خود بر مردم قرار می دهم، و قسم به عزت و جلالم که به آنان فرزندان می دهم که در زمین، گنجینه داران و معادن حکمت خواهند بود. بعد از پیامبران، آنان را حجت بر مردم قرار می دهم. امالی، شیخ صدوق، ص 654؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 1، ص 202؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 145؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 237؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 518؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 234؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 103.

بخش سوم: فاطمة زهرا عليها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

منقبت چهاردهم: أنت منى و أنا منك

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: لَمَّا نَزَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا) (1) قَالَتْ فَاطِمَةُ فَتَهَيَّبْتُ [هبت] النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ: يَا أَبَتِ فَجَعَلْتُ أَقُولُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ لِي: يَا بَنِيَّ لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ مِنْ قَبْلُ [وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسَبِكَ] أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ وَإِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ [وَالْغُلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ] وَالْبَدَخِ وَالْكَبْرِ قَوْلِي: يَا أَبَتِ فَإِنَّهُ أَحْيَى لِلْقَلْبِ وَأَرْضَى لِلرَّبِّ. ثُمَّ قَبَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَبْهَتِي وَمَسَحَنِي بِرَبْقِهِ فَمَا احْتَجَجْتُ إِلَى طَيْبٍ بَعْدَهُ. (2)

ترجمه:

امام صادق عليه السلام از حضرت زهرا عليها السلام روایت می فرماید که ایشان فرمودند: چون آیه (لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا) [«آن چنان که یکدیگر را صدا

1- النور: 63.

2- دُرُ النُّظْمِ، عاملي، ص 462؛ كشف اليقين، علامه حلي، ص 354؛ تفسير برهان، علامه بحراني، ج 4، ص 104. وبا اختلاف کم: مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 102؛ تفسير صافي، فيض كاشاني، ج 3، ص 451؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 43، ص 33. منبع اهل تسنن: مناقب علي بن أبي طالب، ابن المغازلي، ص 285.

می زنید پیامبر صلی الله علیه و آله را صدا مزیند» [بر پیامبر نازل شد، به دلیل مراعات عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله، من نیز او را «پدر» صدا نکردم و او را «رسول الله» می خواندم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [چون تغییر رویه را در من مشاهده نمود] به من رو کرد و فرمود: ای دخترم! این آیه در مورد تو و اهل تو نازل نشده است. تواز منی و من از تو هستم؛ بلکه این آیه در مورد جفاکاران و متکبران فرود آمده است. تو مرا «پدر» صدا بزنی چراکه این کلام، قلب مرا بیشتر زنده می کند و پروردگار را راضی تر می نماید.

آنگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیشانیم را بوسید و آب دهانش را به رویم کشید که از آن پس به [استعمال] بوی خوش نیازمند نگردیدم.

منقبت پانزدهم: نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و ثمره قلب آن حضرت

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا إِذْ أَقْبَلَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَلَمَّا رَأَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَيَّ فَيُخِذُهُ الْأَيْمَنَ ثُمَّ أَقْبَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَلَمَّا رَأَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بُنَيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَيَّ فَيُخِذُهُ الْأَيْسَرَ ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَلَمَّا رَأَاهَا بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا بَنِيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهَا حَتَّى أَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَلَمَّا رَأَهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ إِلَيَّ يَا أَخِي فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ إِلَيَّ جُنْبِهِ الْأَيْمَنَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَرَى أَحَدًا مِنْ هَؤُلَاءِ إِلَّا بَكَيتَ أَوْ مَا فِيهِمْ مَنْ تُسَرُّ بِرُؤْيَيْتِهِ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَبَشِيرًا وَنَذِيرًا وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ إِنِّي وَإِيَّاهُمْ لِأَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ نَسَمَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُمْ.

أَمَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّهُ أَخِي وَشَفِيقِي وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدِي وَصَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَصَاحِبُ حَوْضِي وَشَفَاعَتِي وَهُوَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَقَائِدُ كُلِّ تَقِيٍّ وَهُوَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي مُجِبُّهُ مُجِيبِي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَبَوْلَايَتِهِ صَارَتْ أُمَّتِي مَرْحُومَةً وَبَعْدَ وَفَاتِي صَارَتْ بِالْمُخَالَفَةِ لَهُ مَلْعُونَةً فَإِنِّي

بَكَيْتُ حِينَ أَقْبَلَ لِأَنِّي ذَكَرْتُ غَدْرَ الْأُمِّ بِهٖ بَعْدِي حَتَّى إِنَّهُ لَيُرَالُ عَنِّي مَقْعَدِي وَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ بَعْدِي لَهُ ثُمَّ لَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُضِدَّ رَبِّ عَلَيَّ
فَرَنِهِ ضَرْبَهُ تُخَضَّبُ مِنْهَا لِحْيَتُهُ فِي أَفْضَلِ الشُّهُورِ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ.

وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَهِيَ بَصْعَةُ مِنِّي وَهِيَ نُورُ عَيْنِي وَثَمَرَةُ فُؤَادِي وَهِيَ رُوحِي
الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَهِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ. مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكُوكَبِ
لِلْأَهْلِ الْأَرْضِ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصَهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ
أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ.

وَأَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَقَدْ دَخَلَ الذُّلُّ بَيْتَهَا وَانْتَهَكَتْ حُرْمَتُهَا وَغَصِبَتْ حَقَّهَا وَنَمَعَتْ إِزْنَهَا وَكُسِرَ جَنْبُهَا [و
كُسِرَتْ جَنْبُهَا] وَأَسْفَطَتْ جَنْبِهَا وَهِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ وَتَسْتَعِيثُ فَلَا تُغَاثُ فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ بَاكِيَةٌ... (1)

ترجمه:

ابن عباس گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستند بود که حسن علیه السلام آمد. پیامبر با دیدن او گریست و فرمود نزد من بیا،
نزد من بیا، ای پسر من و او را به خود نزدیک نمود تا بر زانوی

1- امالی، شیخ صدوق، ص 174 - 175؛ بشاره المصطفی، طبری، ص 305 - 306؛ فضائل، ابن شاذان، ص 8 - 9؛ تفسیر روض
الجنان، شیخ ابوالفتوح رازی، ج 4، ص 317 - 318 (شیخ ابوالفتوح بخشی از روایت را نقل کرده)؛ طرف من الأنباء، ابن طاووس،
ص 413؛ ارشاد القلوب، دیلمی، ج 2، ص 295؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 196؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 1، ص 170 -
171. منبع اهل تسنن: فرائد السمطين، جوینی شافعی، ج 2، ص 34.

راستش نشانید. سپس حسین علیه السلام آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن او نیز گریست و فرمود: نزد من بیا، نزد من بیا، پسر جانم و او را هم نزدیک نمود تا بر زانوی چپ خود نشانید. سپس فاطمه علیها السلام آمد و آن حضرت صلی الله علیه و آله تا او را دید گریست و فرمود: نزد من بیا، نزد من بیا، دخترم و او را هم به خود نزدیک نمود تا برابر خود نشانید و سپس امیر المؤمنین علیه السلام آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن علی علیه السلام گریست و فرمود: نزد من بیا، نزد من بیا، ای برادرم و او را رسول الله صلی الله علیه و آله هر کدام را دیدی گریستی! آیا در ایشان کسی نیست تا از دیدنش شاد گردی؟

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به آنکه مرا به حق [به عنوان] نبی و بشارت دهنده و ترساننده بر انگیخت و بر همه مردم برگزید، من و اینها گرامی ترین مخلوقات نزد خدایم و روی زمین کسی نیست که نزد من محبوبتر از اینها باشد.

اما علی بن ابی طالب علیهما السلام برادر و شفیق و صاحب امر من پس از من است. او صاحب لواء من در دنیا و آخرت و صاحب حوض من و شفاعت من است. او مولای هر مؤمن و پیشوای هر متقی است. او وصی و خلیفه من بر امتم در زندگی و پس از رحلتم است. دوستش دوست من و دشمنش دشمن من است امتم به ولایت او مورد رحمت الهی قرار گرفته اند و به سبب مخالفت با او بعد از وفاتم از رحمت خدا دور و مورد لعن الهی قرار گرفته اند. زمانی که علی علیه السلام آمد گریستم چون یادم آمد که پس از من امتم با او نیرنگ می کنند و او را از مسندم بر می دارند در حالی که خدا آن را پس از من برای او مقرر کرده و سپس همواره گرفتاری کشد تا ضربتی به سرش زنند که محاسنش از آن خضاب شود در بهترین ماه که ماه رمضان است و در آن قرآن نازل شده برای هدایت مردم و و به عنوان گواهی بر هدایت و جدائی حق و باطل.

و اما دخترم فاطمه علیها السلام بانوی زنان جهانیان است از اولین و آخرین و پاره وجود من و نور دیده و میوه دل و روح من است که درون من جای دارد و او حوراء انسیه است. هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جل جلاله بایستد نورش به فرشتگان آسمان

بتابد همانطور که نور ستارگان بر زمین بتابد و خدای عز و جل به فرشتگانش فرماید: فرشتگانم ببینید کنیزم فاطمه را که در برابرم ایستاده و دلش از ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده است. گواه باشید که شیعیانش را از آتش امان دادم.

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه زهرا علیها السلام را مشاهده می کنم. آن ستم هایی به یادم می آید که بعد از من در حق او خواهد شد. گویا می بینم که ذلت، داخل خانه وی شده است. احترامش از دست رفته است و حقش را غصب کرده اند و از دریافت ارث خود ممنوع شده است. پهلوی او را شکسته اند و جنین وی را سقط شده می بینم در حالی که او فریاد می زند: وا محمّداه! ولی کسی به دادش نمی رسد. استغاثه می کند ولی کسی به فریادش نخواهد رسید. لذا بعد از من دائما محزون، غصّه دار و گریان خواهد بود...

منقبت شانزدهم: پاره وجود پیامبر صلی الله علیه و آله

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «فَاطِمَةُ [عَلَيْهَا السَّلَام] بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي». (1)

ترجمه:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیها السلام پاره وجود من است و هر کس او را به غضب در آورد مرا به غضب در آورده است.

1- صحیح بخاری، بخاری، ج 4، ص 210 و 219؛ عمدہ القاری، عینی، ج 16، ص 223؛ مصنف، ابن ابی شیبہ کوفی، ج 7، ص 526؛ آحاد و المثنی، ضحاک، ج 5، ص 361؛ سنن الکبری، نسائی، ج 5، ص 97؛ خصائص امیرالمؤمنین علیہ السلام، نسائی، ص 121؛ فضائل الصحابه، نسائی، ص 78؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 404؛ جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، ج 2، ص 208؛ کنز العمال، متقی ہندی، ج 12، ص 108 و همچنین به همین مضمون: ج 12، ص 112؛ و در نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص 176، با این عبارت آمده: «فاطمه بضعه منی فمن أعضبها فقد أعضبني» و نیز در تاریخ مدینہ دمشق، ابن عساکر، ج 3، ص 156 با این عبارت آمده: «فاطمه [علیها السلام] بضعه منی یؤذینی ما أذاها و یغضبني ما أعضبها». این روایت در منابع شیعه نیز ذکر شد: مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 112؛ طرائف، سیدبن طاووس، ص 262؛ بحار الأنوار، علامہ مجلسی، ج 29، ص 236. همچنین: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ، يَسُورُنِي مَا سَاءَهَا، وَيَسْرُنِي مَا سَرَّهَا» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که: فاطمه علیها السلام پاره وجود من است و او روح من است در میان دو پهلویم، مرا بد می آید آنچه او را بد آید و مرا مسرور می دارد آنچه او را مسرور دارد. اعتقادات، شیخ صدوق، ص 105؛ بحار الأنوار، علامہ مجلسی، ج 27، ص 63. همچنین: سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَن سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَن سَاءَهَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ» سعد بن ابی وقاص نقل می کند که گفت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: فاطمه علیها السلام پاره ای از وجود من است، هر کس او را خوشنود نماید مرا خوشنود نموده و هر کس وی را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است. فاطمه علیها السلام نزد من عزیزترین مردم است. امالی، شیخ مفید، ص 259-260؛ امالی، شیخ طوسی، ص 24؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 112؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 240؛ بحار الأنوار، علامہ مجلسی، ج 43، ص 39. همچنین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَاطِمَةُ مُضْغَةٌ مِنِّي، يَقْبِضُنِي مَا قَبِضَهَا [مَا يَقْبِضُهَا] وَيَسْطُنِي مَا بَسَطَهَا [مَا يَسْطُهَا]» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیها السلام قطعه ای از گوشت بدن من است، آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده، و آنچه وی را شادمان نماید مرا شادمان نموده است. منابع اهل تسنن: مسند احمد، احمد بن حنبل، ج 4، ص 323؛ سنن الکبری، بیهقی، ج 7، ص 64؛ تاریخ مدینہ دمشق، ابن عساکر، ج 58، ص 159؛ عمدہ القاری، عینی، ج 16، ص 231.

منقبت هفدهم: شاخه و شعبه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ شَجْنَةٌ مَنِّي يَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا وَيَسْطُرُنِي مَا يَسْطُرُهَا». (1)

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام شعبه و بخشی از وجود من است. آنچه او

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 112؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 39؛ الغدير، علامه امینی، ج 7، ص 232. منابع اهل تسنن: (آخر حدیث را این گونه آوردند: يَسْطُرُنِي مَا يَسْطُرُهَا وَيَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا). مسند أحمد، أحمد بن حنبل، ج 4، ص 332؛ آحاد و المثانی، ضحاک، ج 5، ص 362؛ معجم الكبير، طبرانی، ج 20، ص 26 و ج 22، ص 405؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 154-155 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه) و (تعليق الذهبی فی التلخیص: صحیح)؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 70، ص 21؛ سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج 2، ص 132؛ مجمع الزوائد، هيثمی، ج 9، ص 203؛ كنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 111؛ نزاه النظر، عادل عبد الرحمن بدری، ص 434. همچنین: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةٌ مَنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَيَسْتُرُنِي مَا يَسْتُرُهَا» ابن عباس گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه علیها السلام شعبه و بخشی از وجود من است، آزرده می سازد مرا آنچه او را آزرده می سازد، و شادمان می کند مرا آنچه او را شادمان می نماید. معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 303؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 26 و ج 71، ص 95. و همچنین: عَدْنُهُ [عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام] قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةٌ مَنِّي يُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا وَيَرْضِينِي مَا أَرْضَاهَا» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه علیها السلام پاره ای از وجود من است، پس هر که او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده و هر که او را خشنود نماید مرا خشنود نموده است. كشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 95؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 54؛ خصائص فاطمیه، کجوری، ج 2، ص 466. و همچنین: عَنْ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَام، قَالَ: «لَمَّا وُلِّيَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ أَعْطَانَا عَطَايَا عَظِيمَةً. قَالَ: فَدَخَلَ عَلَيْهِ أَخُوهُ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ بَنِي أُمَّيَّةَ لَا تَرْضَى مِنْكَ بِأَنْ تَفْضَلَ بَنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَفْضَلُهُمْ لِأَنِّي سَمِعْتُ حَتَّى لَا أَبَالِي أَنْ أَسْمَعَ أَوْ لَا أَسْمَعَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: إِنَّمَا فَاطِمَةُ شَجْنَةٌ مَنِّي، يَسْتُرُنِي مَا سَرَّهَا [أَسْرَهَا] وَيَسُوؤُنِي مَا سَاءَهَا، فَأَنَا أَتَّبِعُ سُرُورَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآتَّقِي مَسَاءَتَهُ» قرب الاسناد، حمیری قمی، ص 112، ص 113؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 46، ص 320.

را ناراحت کند مرا ناراحت می کند و آنچه وی را خوشحال نماید مرا خوشحال می نماید.

منقبت هجدهم: عنصر درخت رسالت و امامت

عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنَبِرِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا)» (1) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَفَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَغُنْصُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَأَعْصَانُهَا الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَرَقُهَا الشَّيْعَةُ وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْهَا وَرَقَةٌ وَإِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتَوْرُقُ وَرَقَةً.» (2)

ترجمه:

سلام بن مستنبر می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم درباره قول خداوند متعال که می فرماید: (كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) [مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است و در

1- ابراهیم (14): 24.

2- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، ص 79؛ تفسیر جوامع الجامع، شیخ طبرسی، ج 2، ص 281؛ تفسیر مجمع البیان، شیخ طبرسی، ج 6، ص 74؛ تأویل الآیات، استر آبادی، ج 1، ص 242؛ مجمع البحرین، طریحی، ج 3، ص 343؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 3، ص 297؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 9، ص 217 - 218 و ج 24، ص 138.

هر زمان به اذن پروردگارش میوه می دهد. امام باقر علیه السلام فرمودند: آن درخت، رسول الله صلی الله علیه و آله است که نسب آن حضرت در بنی هاشم ثابت است و تنه درخت، علی علیه السلام و ریشه آن فاطمه علیها السلام و شاخه هایش ائمه علیهم السلام و برگ های این درخت شیعیان هستند و یک نفر از شیعیان که می میرد برگی از آن می افتد و فرزندی از شیعیان که متولد می شود بر درخت یک برگ می روید. (1)

1- همچنین: عَنْ سَلَامِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ). قَالَ: يَا سَلَامُ الشَّجَرَةُ مُحَمَّدٌ، وَالْفَرْعُ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالثَّمَرُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ! وَالْغُصْنُ فَاطِمَةُ، وَشَدَّ عَبْدُ ذَلِكَ الْغُصْنِ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، وَالْوَرَقُ شِيعَتَنَا وَمُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا مَاتَ مِنْ شِيعَتِنَا رَجُلٌ تَنَاطَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةً، وَإِذَا وُلِدَ لِمُحِبِّينَا مَوْلُودٌ أَخْضَرُ مَكَانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةً. فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: (تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) مَا يَعْنِي؟ قَالَ: يَعْنِي الْأَيْمَةَ تَقْتَبِي شِيعَتَهُمْ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فِي كُلِّ حَجٍّ وَعُمْرَةٍ.»؛ سلام خثعمی گوید: روزی به محضر امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم؛ یابن رسول الله! تفسیر کلام خدای تعالی در کلمه طیبه (أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ) چیست؟ حضرت علیه السلام فرمود: ای سلام! شجره طیبه، محمد صلی الله علیه و آله است و فرع آن شجره امیر المؤمنین علی علیه السلام و ثمره و میوه آن حسن و حسین علیهما السلام و شاخه آن درخت، فاطمه علیها السلام است و شعبه های مختلف آن شاخه، ائمه معصومین از فرزندان فاطمه علیها السلام هستند و برگ های سبز آن درخت، شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام هستند. هر گاه یک شیعه از ما از دنیا برود، ورقی از درخت می افتد و هر زمان مولودی از محب اهل بیت به دنیا بیاید، یک ورق سبز بر این درخت روییده می شود. سپس سؤال کردم یا ابن رسول الله! آیه (تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا) به چه معناست؟ فرمود: یعنی ائمه معصومین که حکم حلال و حرام را در مراسم حج و عمره به شیعیانشان فتوی می دهند و بیان می کنند. منبع اهل تسنن: شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 1، ص 406.

منقبت نوزدهم: شباهت به پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتار و حدیث و نشستن

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ [كَانَ] أَشَدَّ بِهِ بِالنَّبِيِّ [بِرَسُولِ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ كَلَامًا وَلَا حَدِيثًا وَلَا جَلْسَةً مِنْ فَاطِمَةَ...» (1)

ترجمه:

از عایشه چنین نقل شده است: هیچ کس از مردم را ندیدم که در گفتار و حدیث نمودن و نشستن، از فاطمه [علیها السلام] به پیامبر - صلی الله علیه و آله] و سلم - شبیه تر باشد.

1- مسند ابن راهویه، اسحاق بن راهویه، ج 5، ص 8؛ ادب المفرد، بخاری، ص 202؛ سنن الکبری، نسائی، ج 5، ص 391. همچنین: «إِنَّا كُنَّا أَزْوَاجَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ عِنْدَهُ جَمِيعًا لَمْ تُغَادِرْ مِنَّا وَاحِدَةً فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَمْشِي لَا وَاللَّهِ مَا تَخْفَى مِشْيَتُهَا مِنْ مِشْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ». صحيح بخاری، بخاری، ج 7، ص 141. و همچنین: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كُنَّ أَزْوَاجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ عِنْدَهُ لَمْ يُغَادِرْ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ تَمْشِي مَا تَخْفَى مِشْيَتُهَا مِنْ مِشْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ». شرح الأخبار، قاضی نعمان مغربی، ج 3، ص 520؛ عمده، ابن بطریق، ص 386؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 67. منابع اهل تسنن: صحيح مسلم، مسلم نیشابوری، ج 7، ص 142؛ ذخائر العقبی، احمد بن عبد الله طبری، ص 39؛ مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعی، ص 37 (ابن طلحه گوید: ثبت بهذه الأحاديث الصحيحة و الأخبار الصريحة كون فاطمه كانت أحب إلى رسول الله من غيرها و أنها سیده نساء أهل الجنة).

منقبت بیستم: شبیه ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله در سیما و صورت

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْبَهَ النَّاسَ وَجْهًا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (1)

ترجمه:

ام سلمه گوید: فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر صورت، شبیه ترین مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود.

1- كشف الغمه، إربلی، ج 2، ص 100؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 55. همچنین: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ سَمْتًا وَ دَلًّا وَ هَدِيًّا بِرَسُولِ اللَّهِ فِي قِيَامِهَا وَ قُعُودِهَا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ». عمده، ابن بطریق، ص 388؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 71. منابع اهل تسنن: سنن أبی داود، سجستانی، ج 2، ص 522؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 361 ح 3964 (ترمذی گوید: هذا حديث حسن)؛ فضائل الصحابه، نسائی، ص 78؛ سنن الکبری، نسائی ج 5، ص 96 (نسائی بدون عبارت «فی قیامها وقعودها» آورده است)؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 4، ص 273 (حاکم گوید: هذا حديث صحيح على شرط الشيخين و لم يخرجاه بهذه السياقه إنما اتفقا على حديث الشعبي عن مسروق عن عائشه)؛ مطالب السؤل، محمد بن طلحه شافعی، ص 37 (ابن طلحه گوید: فثبت بهذه الأحاديث الصحيحه و الأخبار الصريحه، كون فاطمه كانت أحب إلى رسول الله من غيرها، و أنها سيده نساء أهل الجنة)؛ ذخائر العقبي، احمد بن عبد الله طبري، ص 40؛ نصب الرايه، زيلعي، ج 6، ص 156: (زيلعي گوید: قال الترمذی حديث حسن و فی بعض النسخ حديث صحيح)؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 46؛ ینابيع الموده، قندوزی، ج 2، ص 55.

منقبت بیست و یکم: قلب و روح پیامبر صلی الله علیه و آله

رُوی عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ: «مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ».

(1)

ترجمه:

از مجاهد روایت شده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که دست فاطمه علیها السلام را [در دست] گرفته بود فرمود: هر کس این دختر را می شناسد که می شناسد و هر کس که نمی شناسد [بداند که] او فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله است. او پاره ای از وجود من است و او قلب من و روح من است که بین دو پهلویم جای دارد. پس هر که او را آزار دهد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است.

1- کشف الغمه، اربلی، ج2، ص94؛ محجه البیضاء، فیض کاشانی، ج4، ص210؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج43، ص54. منابع اهل تسنن: فصول المهمه، ابن صباغ، ج1، ص664-665؛ مختصر المحاسن المجتمعه، صفوری، ص190 ط. دار ابن کثیر (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، سید مرعشی، ج33، ص279) و همچنین: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا... وَ أُمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ» ابن عباس گوید روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود... [سپس فرمود] و اما دخترم فاطمه علیها السلام بانوی زنان جهانیان است از اولین و آخرین و پاره وجود من و نور دیده من و میوه دل من است و روح من است که بین دو پهلو من می باشد و حوراء انسیه است. أمالی، شیخ صدوق، ص174 - 175؛ بشاره المصطفی، طبری، ص305 - 306؛ فضائل، ابن شاذان، ص8 - 9؛ روض الجنان، شیخ أبو الفتوح رازی، ج4، ص317 - 318؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص196 - 197؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج1، ص170 - 171.

منقبت بیست و دوم: زیارت فاطمه علیها السلام، زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانِ الْبَاهِلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «...إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ رَعِيلاً- مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ يَسَارِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا بَعْدَ مَوْتِهَا يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَيْنَهُمَا فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّمَا زَارَهُمَا...» (1)

ترجمه:

امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام و ایشان از جابر بن عبدالله انصاری روایت می فرماید

1- بشاره المصطفی، طبری، ص 220؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 58 و ج 97، ص 122-123. منبع اهل تسنن: أهل بیت، توفیق أبو علم، ص 139 مطبعة السعادة بالقاهرة (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، سید مرعشی، ج 19، ص 115).

که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای مهربان گروهی از ملائکه را موکل به فاطمه علیها السلام قرار داده که او را از پیش رو و پشت سر و از سمت راست و چپش حفظ می نمایند و این ملائکه همراه اویند در زمان حیاتش علیها السلام و بعد از رحلت او نزد قبر او هستند و صلوات بسیار بر پدر و شوهر و فرزندانش می فرستند. کسی که مرا پس از وفاتم زیارت نماید گویا مرا در زمان حیاتم زیارت کرده است و کسی که فاطمه علیها السلام را زیارت کند مانند این است که مرا زیارت کرده و کسی که علی بن ابی طالب علیهما السلام را زیارت کند مثل این است که فاطمه علیها السلام را زیارت کرده و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند گویا علی بن ابی طالب علیهما السلام را زیارت کرده و کسی که فرزندان امام حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند نظیر این است که خود ایشان را زیارت کرده باشد.

منقبت بیست و سوم: پدرت به فدایت

قَالَ أَبُو ذَرٍّ الْغَفَارِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوفِّيَ فِيهِ فَقَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ ائْتِنِي بِابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ: فَقُمْتُ وَدَخَلْتُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ: يَا سَيِّدَةَ النَّسْوَانِ أَحْيِي أَبَاكَ قَالَ: فَلَبِسْتُ جِلْبَابَهَا وَخَرَجْتُ حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا رَأَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ انْكَبَّتْ عَلَيْهِ وَبَكَتْ وَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُكَانِهَا وَضَمَّهَا إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَا تَبْكِي فِدَاكِ أَبُوكِ فَأَنْتِ أَوْلَى مَنْ تَلْحَقِينَ بِي مَظْلُومَةٌ مَغْضُوبَةٌ وَسَوْفَ تَظْهَرُ بَعْدِي حَسِيكُهُ النَّفَاقِ وَيَسْمَلُ جِلْبَابُ الدِّينِ...» (1)

ترجمه:

ابو ذر غفاری رحمه الله گفت: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم در همان بیماری که در آن از دنیا رحلت فرمود. ایشان به من فرمود: ای ابوذر! دخترم فاطمه علیها السلام را نزد من بیاور. ابوذر گوید: برخاستم و نزد فاطمه علیها السلام رفتم و عرض کردم: ای سرور زنان، پدرت را اجابت فرما. حضرت علیها السلام، چادر خود را پوشید و بیرون آمد تا بر آن حضرت وارد شد. چون

1- کفایه الأثر، خزاز قمی، ص 36 - 37؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 2، ص 242؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 36، ص 288.

رسول خدا صلی الله علیه و آله را دید خود را به روی او انداخت و گریست. از گریه او پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گریست و فاطمه علیها السلام را به خویش چسباند و فرمود: ای فاطمه علیها السلام - پدرت به فدایت - گریه مکن. تو اولین کسی هستی که به من ملحق شوی در حالی که به تو ستم شده و حقت غصب شده است [و به ناحق گرفته شده] و به همین زودی، کینه ها و عداوتهای نفاق آشکار گردد، و جامعه دین کهنه شود. (1)

1- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چندین مورد حضرت زهرا علیها السلام را با کلام «فِدَاكِ أَبُوكِ» مورد خطاب قرار دادند: «أَخْرَجَ ابْنَ أَبِي عَاصِمٍ مِنْ حَدِيثِ ابْنِ عَمْرِو بْنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: فِدَاكِ أَبُوكِ وَمِنْ حَدِيثِ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ فِدَاكُمْ أَبِي وَأُمِّي» ابن ابی عاصم از ابن عمر نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخترشان حضرت زهرا علیها السلام می فرمودند: پدرت به فدایت. و در حدیث ابن مسعود نقل شده که به اصحابش می فرمود: پدر و مادرم به فدایتان. [و خودشان را فقط فدای دخترشان می نمودند]. منابع اهل تسنن: فتح الباری، ابن حجر، ج 10، ص 470؛ فتوحات الربانیه، شیخ محمد بن علان صدیقی شافعی، ج 1، ص 222؛ (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 103). و همچنین: «عَنْ ابْنِ عُمَرَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبَّلَ رَأْسَ فَاطِمَةَ، وَقَالَ: «فِدَاكِ أَبُوكِ»؛ ابْنِ عَمْرِو بْنِ أَبِي عَاصِمٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِفَاطِمَةَ: فِدَاكِ أَبُوكِ» ابن عمر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله سر حضرت زهرا علیها السلام را می بوسید و خطاب به او می فرمود: پدرت به فدایت. مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 109. و همچنین: «رَوَى شَرِيحُ رَحِيلُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ لَمَّا كَانَ صَبِيحَهُ عُرِسَ فَاطِمَةَ جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعُصْفُورٍ فِيهِ لَبَنٌ فَقَالَ لِفَاطِمَةَ إِنَّ رَبِّي فِدَاكِ أَبُوكِ وَقَالَ لِعَلِيِّ إِنَّ رَبِّي فِدَاكِ ابْنُ عَمَّكَ.» صبح آن شبی که حضرت فاطمه علیها السلام عروسی کرده بود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ظرف شیری آورد و به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: پدرت به فدایت بیاشام، و به حضرت علی علیه السلام هم فرمود: بیاشام پسر عمویت به فدایت. اعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 298؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 132؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 101؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 117. و همچنین: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: [جَاءَتْ فَاطِمَةُ [عَلَيْهَا السَّلَامُ] بِنِيهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ انحللها [شَيْئاً] قَالَ [فَقَالَ لَهَا]: فِدَاكِ أَبُوكِ! مَا لِأَبِيكَ مَالٌ فَيُحِلُّهَا. ثُمَّ أَخَذَ الْحَسَنَ فَقَبَّلَهُ وَأَجْلَسَهُ عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى وَقَالَ: أَمَا ابْنِي هَذَا فَتَحَلَّتْهُ [نَفْسِي] وَخُلِقِي وَهَيْبَتِي وَ [ثُمَّ] أَخَذَ الْحُسَيْنَ فَقَبَّلَهُ وَوَضَعَهُ عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى وَقَالَ: نَحَلَّتْهُ شِجَاعَتِي وَجُودِي.»؛ عبد الله بن عباس نقل کرده که حضرت زهرا علیها السلام با دو فرزندشان حسن و حسین [علیهما السلام] به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف بردند و عرض کردند: یا رسول الله، به این دو فرزندم هدیه ای عطا فرمایید. پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پدرت به فدایت، [اکنون] مالی ندارم تا به آنان دهم. پیامبر صلی الله علیه و آله حسن [علیه السلام] را در [آغوش] گرفت و بوسید و ایشان را روی زانوی راست خویش نشانید و فرمود: خُلق و هیبتم را به فرزندم حسن بخشیدم و سپس حسین [علیه السلام] را در [آغوش] گرفت و بوسید و روی زانوی چپ خودشان قرار داد و فرمود: شجاعت و سخاوتم را به حسین [علیه السلام] بخشیدم. دُرُ النُّظُمِ، یوسف بن حاتم شامی عاملی، ص 776. منبع اهل تسنن: ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، زمخشری، ج 4، ص 296 - 297. و همچنین: «قَدْ حَدَّثَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَتْ: صَلَّى عَلَيَّ أَبِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: "هَلْ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ؟" فَقَالَ: "لَمْ أَكُلْ مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ طَعَاماً." قَالَ: امْضِي بِنَا إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ، فَدَخَلَا عَلَيْهَا وَهِيَ تَتَلَوَّى مِنَ الْجُوعِ وَابْنَاهَا مَعَهَا، فَقَالَ: "يَا فَاطِمَةُ، فِدَاكِ أَبُوكِ"، هَلْ عِنْدَكَ طَعَامٌ؟ فَاسْتَحْيَتْ وَ قَالَتْ: نَعَمْ. ثُمَّ قَامَتْ وَصَلَّتْ، ثُمَّ سَمِعَتْ حَسّاً، فَالْتَمَتَتْ إِذَا صَحْفَهُ مَلَانَهُ ثَرِيداً وَ لَحْمًا، فَاحْتَمَلَتْهَا وَجَاءَتْ بِهَا وَوَضَعَتْهَا بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَجَمَعَ عَلِيّاً وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ جَعَلَ عَلِيٌّ يُطِيلُ النَّظَرَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ يَتَعَجَّبُ وَ يَقُولُ: خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا وَ لَيْسَ عِنْدَهَا طَعَامٌ، فَمِنْ أَيْنَ هَذَا؟! ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهَا فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ (أَتَى لَكَ هَذَا)؟ قَالَتْ: (هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ). فَصَّحِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي أَهْلِ بَيْتِي نَظِيرَ زَكَرِيَّا وَمَرْيَمَ، إِذْ قَالَ لَهَا: (أَتَى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ). زینب، دختر علی، فرمود: پدرم نماز صبح را با پیامبر خواند. بعد از نماز، پیامبر رو به پدرم فرمود: غذایی در منزل دارید؟ پدرم جواب داد: سه روز است که غذایی نخورده ایم. پیامبر فرمود: برخیز نزد فاطمه برویم. داخل خانه شدند و فاطمه و فرزندان را از فرط گرسنگی، ضعیف و رنجور یافتند. پیامبر به فاطمه فرمود: پدرت به فدای تو، آیا غذایی داری؟ فاطمه با حیای خویش فرمود: بله. فاطمه در محراب ایستاد و نمازی خواند. بعد از نماز، صدایی شنید و به سمت صدا توجه کرد. کاسه بزرگی از خورش (ثرید) و گوشت! فاطمه کاسه را مقابل پیامبر گذاشت. ایشان نیز علی و فاطمه و حسن و حسین را کنار خود نشاند. علی با کمال تعجب به فاطمه می نگریست و با خود می گفت: وقتی برای نماز از خانه بیرون می رفتم خبری از غذا نبود! رو به فاطمه فرمود: ای دختر رسول خدا، ایف غذا از کجاست؟! فاطمه پاسخ داد: این غذا از جانب خداس او به هر کس بخواهد بدون حساب، روزی می دهد. پیامبر خندید و فرمود: سپاس خدایی را که در اهل بیت من نیز کرامتی مانند جریان زکریا و مریم قرار داد آن هنگام که زکریا به مریم گفت: این غذا از کجاست؟ و مریم پاسخ داد: از نزد پروردگام. خدا به هر کس بخواهد بدون حساب، روزی می دهد. ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 221-222؛ دُر النظیم، یوسف بن حاتم شامی عاملی، ص 140؛ مدینه المعاجز، علامه بحرانی، ج 1، ص 333. و همچنین: عن ابن عَبَّاسٍ قَالَ كُنَّا ذَاتَ يَوْمٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي فَقَالَ لَهَا: "فِدَاكَ أَبُوكَ" مَا يُبْكِيكَ قَالَتْ إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَا فَمَا أَدْرَى أَيْنَ بَاتَا فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا بُنَيَّةُ الَّذِي خَلَقَهُمَا هُوَ أَلْطَفُ بِهِمَا مِنِّي وَ مِنْكَ ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ وَ يَدَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَا أَخْذًا بَرًّا أَوْ بَحْرًا فَاحْفَظْهُمَا وَ سَلِّمْهُمَا فَهَبْطَ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا تَعْتَمَّ وَلَا تَحْزَنْ هُمَا فَاضْلَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا وَ هُمَا فِي حَظِيرَةِ بَنِي النَّجَّارِ نَائِمِينَ وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا لِحِفْظِهِمَا..."; عبد الله بن عباس روایت کرد که گفت: روزی در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که فاطمه [علیها السلام] گریه کنان وارد شد پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: "پدرت فدای تو باد" چه باعث گریه تو شده است؟ عرض کرد: حسن و حسین [علیهما السلام] بیرون رفته و تاکنون برنگشته اند و نمی دانم شب را کجا به روز آوردند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: دخترم آن خدایی که آنها را آفریده به آنها از من و تو مهربانتر است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دست و سر خود را بلند کرد و عرض کرد: بار خدایا آنان اگر راه صحرا در پیش گرفته اند و یا راه دریا، آنان را در پناه خود سالم نگهدار. در همین هنگام جبرئیل نازل شد، عرض کرد: ای محمد! دلنگ و اندوهگین مباش، آنان در دنیا و آخرت صاحب فضیلتند و پدرشان هم بهتر از آنهاست اکنون آنها در محوطه بنی النجار خوابیده اند و خداوند به خصوص فرشته ای برای محافظت آنها مأمور کرده است... منابع اهل تسنن: ذخائر العقبی، محب طبری، ص 130؛ فرائد السمطین، جوینی شافعی، ج 2، ص 93؛ فضائل الثقلین، ایچی شافعی، ص 482؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 219.

منقبت بیست و چهارم: محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله

عَنْ ابْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «كَانَ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (1).

ترجمه:

ابن بُریده از پدرش نقل می کند که گفت: محبوب ترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام و محبوب ترین مردان، علی علیه السلام بود.

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 111؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 35، ص 230. منابع اهل تسنن: سنن ترمذی، ترمذی، ج 5، ص 359-360 (ترمذی گوید: هذا حدیث حسن)؛ سنن الکبری، نسائی، ج 5، ص 140؛ خصائص أمير المؤمنين، نسائی، ص 110؛ معجم الأوسط، طبرانی، ج 7، ص 199؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 155 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه) و (تعليق الذهبی فی التلخیص: صحیح)؛ استیعاب، ابن عبد البر، ج 4، ص 1897؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 260؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 35؛ سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج 2، ص 131؛ تاریخ اسلام، ذهبی، ج 3، ص 633؛ فضائل الثقلین، ایجی شافعی، ص 445؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 54. و همچنین: «عَنْ جَمِيعِ بْنِ عَمِيرِ التَّمِيمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ عَمَّتِي عَلِيَّ عَائِشَةَ فَسَدَّ بَلْتُ: أَيُّ النَّاسِ كَانَ أَحَبَّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَأَلْتُ: فَاطِمَةَ، فَقِيلَ: مِنَ الرِّجَالِ؟ قَالَتْ: رَوْجَهَا. هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ». جمیع بن عمیر نقل می کند با عمّه ام به نزد عایشه رفتیم. از عایشه سؤال شد محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه کسی است؟ گفت: فاطمه. پس سوال شد از مردان چه کسی؟ عایشه گفت: همسر فاطمه علیها السلام یعنی علی علیه السلام. منابع اهل تسنن: سنن ترمذی، ترمذی، ج 5، ص 362؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 403؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 157 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه)؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 11، ص 428؛ مناقب، خوارزمی، ص 79: (خوارزمی به این عبارت آورده: ما رأیت رجلاً قط أحب إلى رسول الله [صلی الله علیه و آله] من علی [علیه السلام]، و لا- امرأه أحب إليه من امرأته فاطمه الزهراء.)؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 261؛ تهذیب الکمال، مزی، ج 4، ص 512؛ تاریخ اسلام، ذهبی، ج 3، ص 635؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 39. و به همین مضمون با اختلاف در عبارت: مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 111؛ مناقب امام أمير المؤمنين عليه السلام، محمد بن سلیمان کوفی، ج 2، ص 194؛ شرح الأخبار، قاضی نعمان مغربی، ج 1، ص 140؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 38. و همچنین: «عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَ عَلِيُّ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا جَلَسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ فَاطِمَةَ وَ هُمَا مُضَّ طَجِعَانِ أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ هِيَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ [منك] وَأَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا»؛ از عایشه نقل شده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین علی و فاطمه نشسته بود، پس حضرت علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: کدامیک از ما در نزد شما محبوب تر است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه علیها السلام محبوب تر و شما یا علی عزیزتر هستی. این روایت با اختلاف کم و طرق مختلف در این منابع آمده است: منابع شیعه: مناقب امام أمير المؤمنين عليه السلام، محمد بن سلیمان کوفی، ج 2، ص 187؛ فضائل، ابن شاذان، ص 80؛ إعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 295؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 111؛ کشف الغمه، اربلی، ج 1، ص 332؛ کشف الیقین، علامه حلی، ص 407؛ تأویل الآیات، استرآبادی، ج 1، ص 249؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 38. منابع اهل تسنن: آحاد و مثالی، ضحاک، ج 5، ص 360؛ سنن الکبری، نسائی، ج 5، ص 151؛ خصائص أمير المؤمنين، نسائی، ص 125؛ معجم الأوسط، طبرانی، ج 7، ص 343؛ أسد الغابه، ابن

اثیر، ج 5، ص 522؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 29؛ بدایه و النهایه، ابن کثیر، ج 7، ص 378؛ مجمع الزوائد، هیشمی، ج 9، ص 173 (هیشمی گوید: فیہ سلمی بن عقبه و لم أعرفه، و بقیه رجاله ثقات)؛ جامع الصغیر، سیوطی، ج 2، ص 209؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 44؛ کنز العمال، متقی ہندی، ج 12، ص 109؛ صواعق المحرقه، ابن حجر ہیتمی، ص 191؛ فیض القدیر، مناوی، ج 4، ص 556.

منقبت بیست و پنجم: احترام متقابل از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: «كَانَتْ [فاطمه عليها السلام] إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ [صلى الله عليه وآله] رَحَّبَ بِهَا وَقَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ بِيَدِهَا فَقَبَّلَهَا وَأَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ وَكَانَ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا رَحَّبَتْ بِهِ وَقَامَتْ إِلَيْهِ فَأَخَذَتْ بِيَدِهِ فَقَبَّلَتْهُ وَأَجْلَسَتْهُ فِي مَجْلِسِهَا» (1)

ترجمه:

از عایشه چنین نقل شده است که: هرگاه فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله او را خوش آمد می گفت و [به احترام او] می ایستاد و به سوی آن حضرت علیها السلام می رفت و دستان او را می گرفت و او را می بوسید و او را در جای خود می نشانید و هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله نزد فاطمه علیها السلام می رفت، حضرت فاطمه علیها السلام به پدر، خوش

1- أمالی، شیخ طوسی، ص 400؛ بشاره المصطفی، طبری، ص 389؛ حلیه الأبرار، علامه بحرانی، ج 1، ص 188؛ (با کمی اختلاف)؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 25. منابع اهل تسنن: سنن أبی داود، ابن الأشعث سجستانی، ج 2، ص 522؛ سنن الکبری، نسائی، ج 5، ص 392؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 154 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجا.) و (تعليق الذهبی فی التلخیص: بل صحیح)؛ سنن الکبری، بیهقی، ج 7، ص 101؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 93؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 55.

آمد می گفت و بر می خاست و به سوی ایشان می رفت و دست حضرت را می گرفت و او را می بوسید و در جای خود می نشاند. (1)

1- همچنین: رَوَوْا عَنْ عَائِشَةَ: «أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبَّلَ رَأْسَهَا وَأَجْلَسَهَا بِهَا مَجْلِسَهُ وَإِذَا جَاءَ إِلَيْهَا لَقِيَتْهُ وَقَبَّلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ وَجَلَسَا مَعًا.» از عایشه روایت کرده اند که گفت: هر گاه فاطمه علیها السلام نزد پیامبر می آمد پیامبر صلی الله علیه و آله از جای خود بر می خاست و سر فاطمه علیها السلام را می بوسید و او را در جای خود می نشاند و هر گاه رسول خدا نزد فاطمه علیها السلام می رفت و فاطمه علیها السلام آن حضرت را ملاقات می کرد یک دیگر را می بوسیدند و با یک دیگر می نشستند. إعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 296؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 113؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 40. و همچنین: أَبُو ثَعْلَبَةَ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ يَدْخُلُ عَلَى فَاطِمَةَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ إِلَيْهِ وَاعْتَنَقَتْهُ وَقَبَّلَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ.»؛ ابو ثعلبه حسنی گوید: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسافرتی باز می گشت [ابتدا] به نزد [دخترش] فاطمه علیها السلام می رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد و فاطمه علیها السلام بر می خاست و به سوی آن حضرت صلی الله علیه و آله می رفت معانقه می کرد و میان دو چشم ایشان را می بوسید. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 112؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 40. و همچنین: «عَنْ عَائِشَةَ وَعَكْرِمَةَ: كَانَ [إِنَّ] النَّبِيَّ [رَسُولَ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَدِمَ مِنْ مَعَاذِيهِ قَبَّلَ فَاطِمَةَ»؛ عایشه و عکرمة گویند: هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله از غزواتش باز می گشت به دیدن فاطمه علیها السلام می آمد و او را می بوسید. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 112؛ بحار الأنوار، ج 37، ص 70. منابع اهل تسنن: مصنف، ابن ابی شیبہ کوفی، ج 3، ص 460؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 36 (طبری، با این اختلاف نقل کرده: إِنَّ النَّبِيَّ كَانَ إِذَا جَاءَ مِنْ مَعَاذِيهِ قَبَّلَ فَاطِمَةَ)؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 131 (عبارت قندوزی: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا جَاءَ مِنْ سَفَرٍ قَبَّلَ فَاطِمَةَ). و همچنین: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَجَعَ مِنْ مَعَاذِيهِ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ فَقَبَّلَهَا» مناقب امام امیرالمؤمنین علیه السلام، محمد بن سلیمان کوفی، ج 2، ص 196. و به همین مضمون در منابع اهل تسنن: آحاد و مثانی، ضحاک، ج 5، ص 359؛ صحیح ابن حبان، ج 2، ص 470؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 96؛ نظم درر السمطین، زرنندی، ص 177؛ موارد الظمان، هیثمی، ج 8، ص 231 و ص 233.

منقبت بیست و ششم: آخرین وداع و اولین دیدار

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: «كَانَ النَّبِيُّ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا كَانَ آخِرَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ وَإِذَا قَدِمَ كَانَ أَوَّلَ النَّاسِ عَهْدًا بِفَاطِمَةَ.» (1)

ترجمه:

از ابن عباس نقل شده که گفت: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم به مسافرت می گرفت آخرین کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله با او وداع می کرد حضرت فاطمه علیها السلام بود و هنگامی که از سفر باز می گشت اولین کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله با او ملاقات می کرد فاطمه علیها السلام بود.

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 113 (به نقل از فضائل العشره ابوالسعادات و الأربعین ابن المؤذن)؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 40. همچنین: عَنْ ثُوبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَهْلِهِ] وَسَلَّمَ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَهْلِهِ] وَسَلَّمَ إِذَا سَافَرَ آخِرَ عَهْدِهِ بِأَسَانٍ مِنْ أَهْلِهِ فَاطِمَةَ وَأَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ فَاطِمَةَ»؛ از ثوبان آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه عازم سفر می شد آخرین کسی که آن حضرت با او خداحافظی می کرد، حضرت فاطمه علیها السلام بود و هرگاه از سفر باز می گشت اولین کسی که آن حضرت با او دیدار می نمود، حضرت زهرا علیها السلام بود. کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 78؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 89. منابع اهل تسنن: مسند احمد، احمد بن حنبل، ج 5، ص 275؛ سنن ابی داود، سجستانی، ج 2، ص 291؛ تفسیر ثعلبی، ثعلبی، ج 9، ص 14؛ سنن الکبری، بیهقی، ج 1، ص 26؛ تفسیر ثعالبی، ثعالبی، ج 5، ص 221؛ دُر المثور، سیوطی، ج 6، ص 43؛ ینایع الموده، قندوزی، ج 2، ص 140.

منقبت بیست و هفتم: خروج از مُصلی و سلام بر پ-یا مبر صلی الله علیه و آله

أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ قَالَ: «كَانَتْ فَاطِمَةُ [عَلَيْهَا السَّلَامُ] مِنْ أَعَزِّ النَّاسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَدَخَلَ عَلَيْهَا يَوْمًا وَهِيَ تُصَلِّي فَسَمِعَتْ كَلَامَ رَسُولِ اللَّهِ فِي رَحْلِهَا فَقَطَعَتْ صَدْلَاتِهَا وَخَرَجَتْ مِنَ الْمُصَلَّى لَمَّا فَسَدَتْ عَلَيْهِ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ: يَا بَنِيَّ كَيْفَ أَمْسَيْتِ رَحِمَكَ اللَّهُ عَشِينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَدْ فَعَل.» (1)

ترجمه:

ابو سعید خدری گوید: فاطمه علیها السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از عزیزترین مردم بود، در یکی از روزها که فاطمه علیها السلام مشغول نماز بود رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد وی آمد و فاطمه علیها السلام تا صدای رسول خدا صلی الله علیه و آله را در سجاده خود شنید، نماز را قطع نموده از مصلائی خود

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 113؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 40. همچنین: فَأَخَذَ النَّبِيُّ صَدْلَ لِي اللَّهِ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] وَ سَدَّ لَمْ بِيَدِهِ فَأَنْطَلَقَا حَتَّى دَخَلَا عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي مُصَلَّى لَهَا وَقَدْ صَدَّ لَتْ وَ خَلْفَهَا جَفْنَهُ تَقَوَّرُ دُخَانًا فَلَمَّا سَمِعَتْ كَلَامَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَيْهِ] وَ سَلَّمَ فِي رَحْلِهَا خَرَجَتْ مِنَ الْمُصَلَّى فَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأْسِهَا وَقَالَ: كَيْفَ أَمْسَيْتِ رَحِمَكَ اللَّهُ؟ عَشِينَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَقَدْ فَعَل...» پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دست امیر المؤمنین علی علیه السلام را گرفت و متوجه خانه حضرت علی علیه السلام شدند، موقعی که وارد خانه گردیدند دیدند فاطمه علیها السلام در محراب عبادت می باشد و نماز می خواند، پشت سر فاطمه علیها السلام کاسه غذایی بود که بخار از آن بلند می شد. هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام صدای مبارک رسول خدا را شنید از محل نماز خارج گردید و بر آن حضرت سلام کرد. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله جواب سلام آن بانورا - که نزد او عزیزترین مردم محسوب می شد داد - و دست مبارک خود را بر سر فاطمه علیها السلام کشید و به وی فرمود: ای دخترم! روز را چگونه شب کردی؟ خدا تو را رحمت کند، شام برای ما بیاور، خدا تو را بیامرزد و البته که آمرزیده است. منابع اهل تسنن: فضائل فاطمه الزهراء، عمر بن شاهین (ابن شاهین)، ص 67؛ فضائل سیده النساء، عمر بن شاهین (ابن شاهین)، ص 26.

خارج شد و به آن حضرت سلام کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خود را بر سر فاطمه علیها السلام کشیده و فرمود: دخترم! خدا تو را رحمت کند امروز را چگونه به شب رساندی؟ برایمان شام بیاور. خدا تو را مورد غفران قرار دهد و البته تو مورد غفران هستی.

بخش چهارم: فاطمة زهرا عليها السلام وائمة طاهرين

اشاره

فصل اول: فاطمة زهرا عليها السلام و امير مؤمنان عليه السلام

فصل دوم: فاطمة زهرا عليها السلام و ائمه عليهم السلام

فصل سوم: فاطمة زهرا عليها السلام و امام عصر عجل الله تعالى فرجه

فصل اول: فاطمة زهرا عليها السلام و امير مؤمنان عليه السلام

منقبت بیست و هشتم: حضرت زهرا عليها السلام رکن امیر مؤمنان علیه السلام

قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرَّيْحَانَتَيْنِ أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» (1)

ترجمه:

جابر بن عبد الله گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه روز قبل از ارتحالش به علی بن ابی طالب علیهما السلام چنین می فرمود: سلام خدا بر توباد ای پدر دو ریحانه (حسن و حسین علیهما السلام). به تو درباره دو ریحانه ام در دنیا سفارش می کنم. به زودی دو رکن تو

1- امالی، شیخ صدوق، ص 198؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 403؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 152 و ص 153؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 173 و ص 261. و با اختلاف کم در این منابع: ألقاب الرسول و عترته، من قدماء المحدثین، ص 23؛ تنبیه الغافلین عن فضائل الطالین، ابن کرامه، ص 43؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 136؛ عمده، ابن بطریق، ص 308؛ کشف الغمه، اربلی، ج 1، ص 66. منابع اهل تسنن: مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام، ابن مردویه اصفهانی، ص 204؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 103؛ مناقب، خوارزمی، ص 141؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 14، ص 166-167؛ ترجمه امام حسین علیه السلام، ابن عساکر، ص 174؛ ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله طبری، ص 56؛ نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص 98؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 11، ص 625. و همچنین: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: «سَلَامُ عَلَيْكَ يَا الرَّيْحَانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيَا، فَعَنْ قَلِيلٍ يَذْهَبُ رُكْنَاكَ وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ»، فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَ: هُوَ الرُّكْنُ الْآخِرُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. فضائل الصحابه، احمد بن حنبل، ج 2، ص 773. و همچنین: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ (عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا الرَّيْحَانَتَيْنِ، أَوْصِيكَ بِرَيْحَانَتَيْ خَيْرًا فِي الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ يَنْهَدَ رُكْنَاكَ فَلَمَّا مَاتَ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ عَلِيُّ: هَذَا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ، فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ قَالَ: هَذَا الرُّكْنُ الْآخِرُ». الفايق في غريب الحديث، جار الله زمخشري، ج 1، ص 162.

منهدم می شود، و خدا خلیفه من بر تو است. [یعنی خدا جای خالی من را برای تو پر خواهد نمود.] چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت نمود، حضرت علی علیه السلام فرمود: این یکی از دو رکن من بود که رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرموده بود و چون حضرت فاطمه علیها السلام به شهادت رسید، علی علیه السلام فرمود: این رکن دومی بود که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده بود.

منقبت بیست و نهم: کفو امیرمؤمنان علیه السلام

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَا عَلِيُّ لَقَدْ عَاتَبَنِي رَجَالٌ مِنْ قُرَيْشٍ فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَالُوا حَطَبْنَاهَا إِلَيْكَ فَمَنَعْتَنَا وَزَوَّجْتَ عَلِيًّا فَقُلْتُ لَهُمْ: وَاللَّهِ مَا أَنَا مَنَعْتُكُمْ وَزَوَّجْتُهُ بَلِ اللَّهُ مَنَعَكُمْ وَزَوَّجَهُ فَهَبَّ طَ عَلِيَّ جَبْرَيْلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقُولُ: لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ابْنَتِكَ كُفُوًا عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ دُونَهُ». (1)

ترجمه:

از امام رضا علیه السلام از پدرش از پدران گرامیش از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به من فرمود: ای علی علیه السلام! جمعی از مردان قبیله قریش مرا به دلیل امر فاطمه علیها السلام مورد عتاب قرار داده و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم ولی نپذیرفتی و او را به ازدواج حضرت علی علیه السلام در آوردی.

در جواب آنها گفتم: به خداوند سوگند من نبودم که خواستگاری شما را رد کردم و او را همسر علی علیه السلام قرار دادم بلکه خدا خواستگاری شما را نپذیرفت و او را همسر

1- عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، ج 1، ص 203؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 92-93.

علی علیه السلام قرار داد؛ زیرا جبرئیل بر من فرود آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله! همانا خداوند جل جلاله می فرماید: اگر من علی علیه السلام را خلق نکرده بودم، از زمان حضرت آدم علیه السلام به بعد، کُفو و همتایی برای دخترت فاطمه علیها السلام بر روی زمین یافت نمی شد. (1)

1- همچنین: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ [عَلِيًّا] أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ [لِفَاطِمَةَ] لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ [مَا كَانَ لَهَا] كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ آدَمَ فَمَنْ دُونَهُ. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: اگر خداوند تعالی علی علیه السلام را خلق نکرده بود کسی بر روی زمین - از آدم علیه السلام و هر که بعد از آدم علیه السلام آمده است - کفو و نظیر فاطمه علیها السلام نبود. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 2، ص 29؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 100؛ صراط المستقیم، عاملی بیاضی، ج 1، ص 172؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 240؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 4، ص 143؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 107. و همچنین: عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كُفُوٌ؛ تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج 2، ص 338؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 2، ص 29؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 252؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 194؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 40، ص 77 و ج 43، ص 58. منبع اهل تسنن: فردوس الاخبار، دیلمی، ج 3، ص 373 (بنا بر نقل إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 25، ص 360؛ ینایع الموده، قندوزی، ج 2، ص 67).

منقبت سی ام: حضرت زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام «شفع» در سوره فجر

عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (وَ الْفَجْرِ) (1) هُوَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ وَ «اللَّيَالِي الْعَشْرُ» الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ (الشَّفْع) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ (الْوَتْر) هُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ (وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْر) هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ الْقَائِمِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ». (2)

ترجمه:

جابر جعفی از حضرت صادق علیه السلام در باره آیه (وَ الْفَجْرِ) روایت کرده که فرمود: «فجر» [در سوره مبارکه فجر] قائم عجل الله تعالی فرجه است و «شبهای ده گانه» ائمه علیهم السلام هستند از امام حسن مجتبی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام و (الشَّفْع) امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه علیها السلام است و (الْوَتْر) خدای یکتاست که شریکی ندارد. (وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْر) [و آن شبی که

1- الفجر: 1-4.

2- تأویل الآيات، استر آبادی، ج 2، ص 792؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 650؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 78 و ج 31، ص 591؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 14، ص 266 - 267.

سپری می شود] حکومت حَبْتَر (1) است که تا قیام قائم عجل الله تعالی فرجه ادامه دارد.

1- نام یکی از غاصبان خلافت.

فصل دوم: فاطمة زهرا عليها السلام و ائمه عليهم السلام

منقبت سی و یکم: بذر خوشه امامت

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ (كَمَثَلِ حَبَّةِ سَنَابِلٍ) (1) قَالَ: الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ السَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا سَابِعُهُمْ قَائِمُهُمْ قُلْتُ: الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ مُفْتَرَضٌ طَاعَتُهُ وَ لَكِنْ لَيْسَ مِنَ السَّنَابِلِ السَّبْعَةِ أَوْلَاهُمْ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عَجَلِ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ فَقُلْتُ: قَوْلُهُ (فِي كُلِّ سَنَابِلٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ) قَالَ: يُوَلَّدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي الْكُوفَةِ مِائَةٌ مِنْ صُلْبِهِ وَ لَيْسَ ذَاكَ إِلَّا هَؤُلَاءِ السَّبْعَةُ». (2)

ترجمه:

مفضل بن محمد جعفی گفت: از امام صادق علیه السلام درباره گفتم خدای سبحان

1- البقره: 261.

2- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 147؛ فوائد الطوسی، حر عاملی، ص 298؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 1، ص 542؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 2، ص 435 - 436.

(كَمْثَلِ حَبَّةٍ أُتْبِتَتْ سَدِّعِ سَنَابِلِ) (1) [همانند دانه ای است که هفت خوشه رویانید]، پرسیدم، حضرت فرمود: منظور از «حَبَّة»، فاطمه علیها السلام است و هفت سنبل، هفت تن از فرزندان اوست، که هفتمین آنها قائم آنان است، عرض کردم: امام حسن علیه السلام [پس چه؟] فرمود: حسن علیه السلام امامی است از ناحیه خداوند که اطاعتش واجب است ولی از سنبل های [خوشه های] هفتگانه نیست، بلکه نخستین فرد آنان حسین علیه السلام، و آخرین آنها قائم عجل الله تعالی فرجه است.

عرض کردم: اینکه خداوند فرمود: (فِي كُلِّ سُدِّعَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ) (2) [در هر خوشه ای صد دانه باشد] منظور چیست؟ فرمود: از صلب هر کدام از آنها، صد نفر در کوفه به وجود می آید، و آنها جز این هفت تن نیستند. (3)

1- البقره (2): 261.

2- همان.

3- پر واضح است که این روایت در مقام حصر تعداد ائمه علیهم السلام از ذریه حضرت زهرا علیها السلام نیست و بلکه هفت امام از یازده امام از ذریه حضرت زهرا علیها السلام دارای این خصوصیت هستند که صد فرزند از ذریه ایشان در کوفه به دنیا خواهد آمد که هفتمین آنان وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

منقبت سی و دوم: حجت خدا بر ائمه عليهم السلام

عَنِ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأُمَّنَا [جَدَّتْنَا] فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا». (1)

ترجمه:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ما حجت های خدا بر خلقش هستیم و مادرمان فاطمه علیها السلام حجت خداست بر ما. (2)

تذکر:

رجوع شود به منقبت 12 و 13.

در ذیل منقبت: 39 نیز پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام امر نمودند که: «يَا عَلِيُّ انْفُذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ».

1- تفسیر اطبیب البیان، طیب، ج 13، ص 225؛ أسرار فاطمیه، شیخ محمد فاضل مسعودی، ص 17 و 53 و 69 و 99 و 154 و 410؛ فاطمه الزهراء بهجه قلب مصطفی، همدانی، ص 744، ح 7.

2- همچنین: قَالَ الْإِمَامُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ [خَلْقِهِ] وَ [جَدَّتْنَا] فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»؛ امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ما حجت خدا بر خلق هستیم و جدۀ ما فاطمه علیها السلام حجت بر ماست. عوالم العلوم (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد علیه السلام)، ج 11، ص 7.

فصل سوّم: فاطمة زهرا عليها السلام و امام عصر عجل الله تعالى فرجه

منقبت سی و سوم: اسوه حسنه امام عصر عجل الله تعالى فرجه

تَشَاجَرَ ابْنُ أَبِي غَانِمٍ الْقَزْوِينِيُّ وَ جَمَاعَةٌ مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْخَلْفِ فَذَكَرَ ابْنُ أَبِي غَانِمٍ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى وَ لَا خَلْفَ لَهُ ثُمَّ إِنَّهُمْ كَتَبُوا فِي ذَلِكَ كِتَاباً وَ أَنْفَذُوهُ إِلَى النَّاحِيَةِ وَ أَعْلَمُوهُ بِمَا تَشَاجَرُوا فِيهِ فَوُرِدَ جَوَابُ كِتَابِهِمْ بِخَطِّهِ - عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْفِتَنِ وَ وَهَبَ لَنَا وَ لَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ ... وَ نَحْنُ صَدَقْنَا وَ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَدَقْنَا ... وَ فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (1)

ترجمه:

ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان درباره فرزند امام حسن عسکری علیه السلام مشاجره نمودند. ابن ابی غانم گفت: حضرت عسکری علیه السلام به شهادت رسیده و اولادی ندارد. آنها نامه ای در این خصوص نوشتند و به ناحیه مقدسه فرستادند و مشاجره

1- کتاب غیبت، شیخ طوسی، ص 285 - 286؛ احتجاج، شیخ طبرسی، ج 2، ص 277 - 279؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 53، ص 178 - 180.

خود را به عرض رساندند. جواب نامه آنها به خط مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بدین مضمون صادر گشت:

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه ها نگاه دارد و به ما و شما روح یقین موهبت کند... ما صنع خدائیم و مردم، ساخته ما هستیم، ... و در [فاطمه علیها السلام] دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله الگوی خوبی برای من است.

بخش پنجم: فاطمه زهرا عليها السلام و پیامبران عليهم السلام

اشاره

منقبت سی و چهارم: معرفت فاطمه علیها السلام، شرط تکامل نبوت

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ حَتَّى أَقَرَّ بِفَضْلِهَا وَ مَعْرِفَتِهَا [مَحَبَّتِهَا]». (1)

ترجمه:

امام صادق علیه السلام فرمودند: نبوت هیچ پیامبری به کمال نرسید تا اینکه به فضل و معرفت [محبت] حضرت زهرا علیها السلام اقرار کرد. (2)

1- مجمع النورین، مرندی، ص 40 (به نقل از مدینه المعاجز)؛ أسرار فاطمیه، شیخ محمد فاضل مسعودی، ص 36؛ فاطمه الزهرا بهجه قلب مصطفی، رحمانی همدانی، ص 86 (به نقل از مدینه المعاجز).

2- همچنین: «عرضه محبت حضرت زهرا علیها السلام بر مخلوقات» قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ - لَهُ الْحَمْدُ - عَرَضَ حُبَّ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ ذُرِّيَّتَهُمَا عَلَى الْبَرِيَّةِ فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ وَ الرُّسُلَ وَ مَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جُعِلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ وَ إِنَّ اللَّهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خدای تعالی که جمیع محامد مختص اوست، دوستی علی و فاطمه و فرزندان ایشان را بر خلق عرضه کرد. هر کس که نسبت به آن محبت سبقت گرفت و زود پذیرفت، آنها را از اهل بیت و پیغمبران مقرر فرمود و کسی که بعد از ایشان اجابت نمود، از شیعیان گشت و به دوستی که خدای تعالی همه آنها را در بهشت جمع خواهد کرد. منبع اهل تسنن: مناقب مرتضوی، محمد صالح حسینی ترمذی، ص 102. و همچنین: «تکامل انبیا علیهم السلام به جهت اقرار کردن به اطاعت و ولایت حضرت زهرا علیها السلام»: عَنْ حَدِيثِهِ بْنِ أُسَيْدِ الْغَفَّارِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: «مَا تَكَامَلَتِ النَّبُوءَةُ لِنَبِيِّ فِي الْأَظْلَلِ حَتَّى عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَ لَا تَبِي وَ وَلَا يَهُ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَثُلُوا لَهُ فَأَقْرَأُوا بِطَاعَتِهِمْ وَ وَلَا يَتِهِمْ». حدیفه بن اسید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود نبوت هیچ پیامبری در عالم اظلمه تکمیل نشد مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیتم بر او عرضه شد و تمثال آنها برای آن پیامبر مجسم شد و پیامبران، اقرار به اطاعت و ولایت اهل بیت علیهم السلام نمودند. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، ص 93؛ غرر الأخبار و درر الآثار، دیلمی، ص 306؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 26، ص 281 (به نقل از بصائر الدرجات). نکته: بر طبق روایات شیعه و اهل تسنن، شأن نزول آیه تطهیر این است که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می باشند.

منقبت سی و پنجم: وجوب اطاعت فاطمه زهرا علیها السلام بر انبیاء علیهم السلام و جمیع مخلوقات

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: «... لَقَدْ كَانَتْ طَاعَتُهَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ، وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ» (1).

ترجمه:

ابوبصیر از امام باقر علیهما السلام روایت کرده که فرمودند: اطاعت از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر جمیع آنان که خدا آفریده است از جن و انس و پرندگان و چهارپایان و پیامبران و ملائکه واجب است.

1- دلائل الامامه، طبری (شیعی)، ص 104 - 106؛ مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی، ج 6، ص 206 - 208.

منقبت سی و ششم: اقتدا به حضرت زهرا علیها السلام در غیاب شمس رسالت و قمر ولایت

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اِقْتَدُوا بِالشَّمْسِ فَإِذَا غَابَتْ [غَابَ] الشَّمْسُ فَأَقْتَدُوا بِالقَمَرِ فَإِذَا غَابَ القَمَرُ فَأَقْتَدُوا بِالرُّهْرَةِ فَإِذَا غَابَتِ الرُّهْرَةُ فَأَقْتَدُوا بِالفَرْقَدَيْنِ. فَقَالُوا [فَقِيلَ] يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا الشَّمْسُ وَ مَا القَمَرُ وَ مَا الرُّهْرَةُ وَ مَا الفَرْقَدَانِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ القَمَرُ وَ الرُّهْرَةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الفَرْقَدَانِ الحَسَنُ وَ الحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ» (1)

ترجمه:

جابر بن عبد الله انصاری گوید: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: باید به خورشید اقتدا کنید،

1- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 115؛ المحتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 244: (به جای «اقتدوا» آورده: «اهتدوا» با این اختلاف: «و الفرقدان الحسن و الحسین و تسعه من ذریه الحسین»؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 74. منابع اهل تسنن: مقتل الحسین، خوارزمی ج 1، ص 165؛ خوارزمی به جای «اقتدوا» آورده «اهتدوا» و با این اختلاف: «الشَّمْسُ أَنَا، وَ القَمَرُ عَلِيُّ...»؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 1، ص 77: (حسکانی مانند خوارزمی نقل نموده است)؛ و در ج 2، ص 288: (به همین مضمون و با عبارتی دیگر از انس بن مالک نقل نموده)؛ فراند السمطین، جوینی، ج 2، ص 18: جوینی به جای «اقتدوا» گفته: «اطلبوا» و با این اختلاف: «قلنا یا رسول الله: و من الشمس؟ قال: أنا. قلنا: و من القمر؟ قال: علی. قلنا: و من الزهره؟ قال: فاطمه. قلنا: فمن الفرقدان؟ قال: الحسن و الحسین علیهما السلام».

و هر گاه که خورشید غایب گشت باید از ماه پیروی نمایید، و چون ماه نیز از شما پنهان گردید، زهره را مقتدای خود سازید، و چون زهره هم از دید شما پنهان گشت از دو ستاره پیروی نمایید. مردم عرض کردند: یا رسول الله خورشید و قمر و زهره و فرقدان چه هستند؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: من خورشیدم، و علیّ علیه السلام ماه است و «زهره» فاطمه علیها السلام، و فرقدان حسن و حسین علیهما السلام هستند. (1)

1- همچنین: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ افْتَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْقَمَرِ وَ مَنْ افْتَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالزُّهْرَةِ وَ مَنْ افْتَقَدَ الزُّهْرَةَ فَلْيَتَمَسَّكَ بِالْفَرْقَدَيْنِ ثُمَّ [فَسَدَّ لَيْلَ عَنْ ذَلِكَ] قَالَ [فَقَالَ] رَسُولُ اللَّهِ: أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ وَ فَاطِمَةُ الزُّهْرَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الْفَرْقَدَانِ. معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 114؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج 1، ص 281؛ ابن شهر آشوب به جای «فَلْيَتَمَسَّكَ» آورده: «فَلْيَسْتَمَسَّكَ»؛ عدد القویه، رضی الدین حلی، ص 85؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 791. (ابن شهر آشوب و رضی الدین حلی و یوسف بن حاتم از کتاب خصائص العلویه، نطنزی - از بزرگان اهل تسنن در قرن 6 - نقل نموده اند) منابع اهل تسنن: قصص الانبیاء (عرائس المجالس)، ثعلبی، ص 5 (بنابر نقل: إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 24، ص 250) و مطبع الحیدری، الباب الخامس فی ذکر ما زین الله به الأرض، ص 13؛ زهره المجالس، صفوری، ج 2، ص 222 ط: القاهرة: (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 9، ص 254) به این عبارت: (الزهره فاطمه و الفرقدان الحسن و الحسین رضی الله عنهم. ذکر فی «العرائس».) همچنین: عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: اتَّبِعُوا الشَّمْسَ حَتَّى تَغْرُبَ، فَإِذَا غَرَبَتْ فَاتَّبِعُوا الْقَمَرَ حَتَّى يَغِيْبَ [تَغْرُبَ] فَإِذَا غَابَ [غَرَبَ] فَاتَّبِعُوا الزُّهْرَةَ حَتَّى تَغِيْبَ [تَغْرُبَ]، فَإِذَا غَابَتْ [غَرَبَتْ] فَاتَّبِعُوا الْفَرْقَدَيْنِ، [فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ:] قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَنَا الشَّمْسُ، وَ ابْنُ عَمِّي عَلِيُّ الْقَمَرُ، وَ ابْنَتِي الزُّهْرَةُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الْفَرْقَدَانِ. الروضة فی فضائل أمير المؤمنين، شاذان بن جبرئیل قمی، ص 200؛ الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص 163؛ (با اختلاف در عبارت)؛ اثبات الهداه ج 2، ص 99؛ با این اختلاف: «الشمس أنا، و القمر علی، و الزهره ابنتی؛ و الفرقدان الحسن و الحسین علیهما السلام». منبع اهل تسنن: الأربعین، أبو محمد بن أبی الفوارس (م: 412)، ص 43 مخطوط، الحدیث الحادی و الثلثون، (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 6، ص 224) با این اختلاف: «فقيل له عن ذلك فقال: أنا الشمس، و علیّ القمر، و الزهره فاطمه، و الفرقدان الحسنان، صلوات الله عليهم أجمعين.»

منقبت سی و هفتم: برتر از جمیع انبیا علیهم السلام

«عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ: لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ زَهْرَاءُ؟»

فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظَمَتْهُ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِنُورِهَا وَغَشِيَتْ أَبْصَارَ الْمَلَائِكَةِ وَخَرَّتِ الْمَلَائِكَةُ لِلَّهِ سَاجِدِينَ وَقَالُوا: إِلَهَنَا وَسَيِّدَنَا مَا هَذَا النُّورُ؟

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ: هَذَا نُورٌ مِنْ نُورِي وَاسْتَكْنَتْهُ فِي سَمَائِي خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتِي أُخْرِجُهُ مِنْ صَدْرِي مِنْ أَنْبِيَائِي أَفْضَلُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَأُخْرِجُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ أَيْمَةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي يَهْدُونَ إِلَيَّ حَقِّي وَأَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي فِي أَرْضِي بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِي». (1)

ترجمه:

جابر، از امام صادق علیه السلام نقل نموده است که: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا فاطمه زهرا علیها السلام به «زهراء» نامگذاری شدند؟

1- امامه و التبصره، علی ابن بابویه قمی، ص 133؛ علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 179 - 180؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 64؛ دلائل الامامه، طبری شیعی، ص 149؛ نوادر المعجزات، طبری، ص 82؛ (طبری روایت را از جابر بن عبد الله، از امام باقر علیه السلام نقل کرده است)؛ دُرُ النظم، عاملی، ص 456؛ عدد القویه، علامه حلی، ص 227؛ کشف الغمه، إربلی، ج 2، ص 92؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 234؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 239؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 12. منبع اهل تسنن: اهل البيت، توفیق ابوعلم، ص 112؛ (بنا بر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 10).

حضرت فرمودند: زیرا خدای عزوجل او را از نور عظمت خودش آفرید و هنگامی که [نور وجود] فاطمه زهرا علیها السلام درخشید آسمان ها و زمین به نورش روشن گردید و دیدگان فرشتگان از شدت نورش بسته شد و تمام ملائکه برای خدای تبارک و تعالی سجده نمودند و عرض کردند: اله ما و سرور ما! این نور، چیست؟

خداوند متعال به آنها وحی فرمود: این نوری از نور من است که در آسمان ساکنش کرده ام. او را از عظمت خویش آفریدم و از صلب پیامبری از پیامبرانم خارج نمودم و بر تمام انبیاء برتری دادم. از این نور، پیشوایانی را که به امر من قیام می کنند و مردم را به حق من هدایت می نمایند بیرون می آورم و این پیشوایان را پس از انقطاع وحی، جانشینان خود در روی زمین قرار می دهم.

بخش ششم: فاطمه زهرا عليها السلام و زنان برگزیده عالم

اشاره

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و حضرت خديجه عليها السلام

فصل دوم: فاطمه زهرا عليه السلام و حضرت مريم عليها السلام

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و حضرت خديجه عليها السلام

منقبت سی و هشتم: سلام و تسلیت خداوند در وفات مادر

عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: «لَمَّا تُوْفِيَتْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَعَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَلُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَدُورُ حَوْلَهُ، وَتَقُولُ: يَا أَبَتِ، أَيْنَ أُمِّي؟ قَالَ: فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: رَبُّكَ يَا مُرَّكَ أَنْ تُقْرِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ، وَتَقُولَ لَهَا: إِنَّ أُمَّكَ فِي بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ، كِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَعُمْدُهُ يَأْقُوتُ أَحْمَرُ، بَيْنَ آسَدِيَّةٍ وَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ». (1)

ترجمه:

از برید عجلی روایت شده که گفت: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمود:

هنگامی که حضرت خدیجه رحلت نمود فاطمه عليها السلام دائما به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه می برد و در اطراف او می گشت و می گفت: ای پدر! مادرم کجاست؟

1- امالی، شیخ طوسی، ص 175؛ خرائج و جرائح، قطب الدین الراوندی، ج 2، ص 529 و 530؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 16، ص 1 و ج 18، ص 385؛ ج 43، ص 28.

[در این حال] جبرئیل بر او نازل گردید و گفت: پروردگارت دستور داده است به فاطمه سلام برسانی و به او بگویی که مادرت در خانه ای است از جنس قَصَب [گیاهی که ساقه اش گره گره است] که گره هایش از طلاست و ستونهای آن از یاقوت سرخ است بین آسیه [همسر فرعون] و مریم دختر عمران.

پس فاطمه علیها السلام فرمود: خداوند سلام است، و سلام از او و به سوی اوست.

تذکر:

ذیل منقبت 63 و 73 خدای تعالی به حضرت زهرا علیها السلام سلام می رساند.

و فاطمه زهرا علیها السلام در دورانی که در بطن مادر می زیست و هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود به دلداری و راهنمایی مادر می پرداخت و با آن حضرت سخن می گفت. رجوع شود به منقبت 7 و 75 و 81.

فصل دوم: فاطمة زهرا عليها السلام و حضرت مريم عليها السلام

منقبت سى و نهم: فاطمة زهرا عليها السلام مريم كبرى

حَدَّثَنِى عِيسَى، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا كَانَ بَعْدَ خُرُوجِ الْمَلَائِكَةِ مِنْ عِنْدِ [عَنْ] رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ؟

قَالَ: فَقَالَ لَمَا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِى ثَقُلَ فِيهِ وَجَعُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خِيفَ عَلَيْهِ فِيهِ الْمَوْتُ، دَعَا عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ قَالَ لِمَنْ فِي بَيْتِهِ اخْرُجُوا عَنِّي وَ قَالَ لِأُمِّ سَلَمَةَ تَكُونِي مَعَّنِ عَلَى الْبَابِ فَلَا يَقْرَبُهُ أَحَدٌ فَقَلَعَتْ أُمَّ سَلَمَةَ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ اذْنُ مِنِّي فَدَنَا مِنْهُ فَأَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ فَوَضَعَ عَهَا عَلَى صَدْرِهِ طَوِيلًا وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ بِيَدِهِ الْأُخْرَى فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ الْكَلَامَ غَلَبَتْهُ عَبْرَتُهُ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْكَلَامِ فَبَكَتْ فَاطِمَةُ بُكَاءً شَدِيدًا وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِبُكَاءِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ قَطَعْتَ قَلْبِي وَ أَحْرَقْتَ كَبِدِي لِبُكَاءِكَ يَا سَيِّدَ النَّبِيِّينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ يَا أَمِينَ رَبِّهِ وَ رَسُولَهُ يَا حَبِيبَهُ وَ نَبِيَّهُ مَنْ لَوْلَدِي بَعْدَكَ وَ لِدُلِّ يَنْزِلُ بِي بَعْدَكَ مَنْ لِعَلِيٍّ أَخِيكَ وَ نَاصِرِ الدِّينِ مَنْ لَوْحِي اللَّهُ وَ أَمْرِهِ ثُمَّ بَكَتْ وَ أَكْبَتَتْ عَلَى وَجْهِهِ فَقَبَّلَتْهُ وَ أَكْبَتَتْ عَلَيْهِ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَرَفَعَ رَأْسَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَيْهِمْ وَ يَدَّهَا

فِي يَدِهِ فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ وَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ هَذِهِ وَدِيْعُهُ اللَّهُ وَوَدِيْعُهُ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ عِنْدَكَ فَاحْفَظِ اللَّهَ وَاحْفَظْنِي فِيهَا وَإِنَّكَ لِفَاعِلُهُ.

يَا عَلِيُّ هَذِهِ وَاللَّهِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ هَذِهِ "وَاللَّهِ مَرْيَمُ الْكُبْرَى" أَمَا وَاللَّهِ مَا بَلَغَتْ نَفْسِي هَذَا الْمَوْضِعَ حَتَّى سَأَلْتُ اللَّهَ لَهَا وَلكُمْ فَأَعْطَانِي مَا سَأَلْتُهُ.

يَا عَلِيُّ أَنْفِذْ لِمَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ فَقَدْ أَمَرْتُهَا بِأَشْيَاءِ أَمَرَنِي بِهَا جَبْرَائِيلُ وَاعْلَمْ يَا عَلِيُّ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ وَكَذَلِكَ رَبِّي وَمَلَائِكَتُهُ.

يَا عَلِيُّ وَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَهَا وَيْلٌ لِمَنْ ابْتَرَهَا حَقَّهَا وَيْلٌ لِمَنْ انْتَهَكَ [هَتَكَ] حُرْمَتَهَا وَيْلٌ لِمَنْ أَحْرَقَ بَابَهَا وَيْلٌ لِمَنْ آذَى جَنِينَهَا [حَلِيلَهَا] وَشَجَّ جَنِينَهَا وَيْلٌ لِمَنْ شَاقَّهَا وَبَارَزَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ. ثُمَّ سَأَلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَضَمَّ فَاطِمَةَ إِلَيْهِ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي لَهُمْ وَلِمَنْ شَايَعَهُمْ سَلَامٌ وَرَعِيمٌ بِأَنَّهُمْ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَعَدُوٌّ وَحَرْبٌ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَظَلَمَهُمْ وَتَقَدَّمَ عَنْهُمْ أَوْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ وَعَنْ شَايِعِيهِمْ رَعِيمٌ لَهُمْ [بِأَنَّهُمْ] يَدْخُلُونَ النَّارَ ثُمَّ وَاللَّهِ يَا فَاطِمَةُ لَا أَرْضَى حَتَّى تَرْضَى ثُمَّ لَا وَاللَّهِ لَا أَرْضَى حَتَّى تَرْضَى ثُمَّ [لَا] وَاللَّهِ لَا أَرْضَى حَتَّى تَرْضَى». (1)

1- طرف، سيد بن طاووس، ص 167؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 22، ص 484. همچنین: «لَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ وَخِيفَ عَلَيْهِ الْمَوْتُ دَعَا بِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَيْنِ وَأَخْرَجَ مَنْ فِي الْبَيْتِ وَاسْتَدْنَى عَلِيًّا وَأَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ -بَعْدَ بُكَاءِ الْجَمِيعِ- وَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ وَقَالَ: هَذِهِ وَدِيْعُهُ اللَّهُ وَوَدِيْعُهُ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ عِنْدَكَ فَاحْفَظْنِي فِيهَا فَإِنَّكَ الْفَاعِلُ. هَذِهِ وَاللَّهِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. هَذِهِ مَرْيَمُ الْكُبْرَى وَاللَّهِ مَا بَلَغَتْ نَفْسِي هَذَا الْمَوْضِعَ حَتَّى سَأَلْتُ اللَّهَ لَهَا وَلكُمْ فَأَعْطَانِي. يَا عَلِيُّ أَنْفِذْ مَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَاطِمَةُ فَقَدْ أَمَرْتُهَا بِأَشْيَاءِ أَمَرَنِي بِهَا جَبْرَائِيلُ وَهِيَ الصَّادِقَةُ الصَّادِقَةُ...»؛ زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری بود و بیم فوت آن حضرت وجود داشت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را صدا زد و دیگران را از خانه بیرون کرد. او علی علیه السلام را نزد خود نشانده. بعد از آنکه همگی، گریه شدیدی کردند دست فاطمه را در دست علی نهاد و فرمود: این امانت خدا و رسول خداست که باید حفظ کنی و توقطعاً حفظ خواهی کرد. به خدا سوگند او سرور زنان عالم است. او مریم کبراست. به خدا سوگند تا به حال هرچه از خدا برای او و شما خواسته ام اجابت شده است. یا علی، هرچه فاطمه علیها السلام می گوید انجام بده که همه آنها دستوراتی است که جبرئیل به آن امر فرمود. او [فاطمه] همیشه بسیار راستگو است. صراط المستقیم، عاملی بیاضی، ج 2، ص 92.

امام کاظم علیه السلام نقل می کند که از پدرم پرسیدم: وقتی فرشتگان پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک گفتند چه اتفاقی افتاد؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام را به گرد خود خواند و به کسانی که در خانه بودند گفت: از نزد من بیرون بروید و به همسر خود ام سلمه فرمود که بر درگاه بایستد تا کسی وارد خانه نشود. ام سلمه اطاعت کرد. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت: «یا علی! نزدیک من بیا» علی علیه السلام نزدیک تر رفت، پیامبر اکرم دست زهرا علیها السلام را گرفت و بر سینه گذاشت بعد با دست دیگر خود دست علی علیه السلام را گرفت و چون خواست با آنها سخنی بگوید، اشک از چشمانش فرو غلتید و نتوانست کلامی بگوید. فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام وقتی حالت گریه پیامبر صلی الله علیه و آله را مشاهده کردند به سختی به گریه درآمدند و فاطمه علیها السلام گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رشته قلبم از هم گسست و جگرم آتش گرفت وقتی که گریه شما را دیدم. ای آقای پیامبران از اولین تا آخرین آنها، ای امین پروردگار و رسول او، ای محبوب خدا! فرزندان پس از تو چه کسی را دارند و با آن خواری که بعد از تو مرا فرا گیرد چه کنم؟ چه کسی علی علیه السلام را که یاور دین است کمک خواهد کرد؟ چه کسی وحی خدا و فرمانهایش را دریافت خواهد نمود؟ سپس به سختی گریست و پیامبر صلی الله علیه و آله را در آغوش گرفت و چهره او را بوسید و علی و حسن و حسین علیهم السلام نیز چنین کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله سر بلند کرد و دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام نهاد و گفت: «ای ابالحسن! این امانت خدا و امانت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله در دست توست و در مورد فاطمه علیها السلام خدا را و مرا به یاد داشته باش! و به راستی که تو چنین رفتار می کنی. یا علی سوگند به خدا که فاطمه علیها السلام

سیده زنان بهشت است از اولین تا آخرین آنها. به خدا قسم! فاطمه علیها السلام همان «مریم کبری» است. آگاه باش که من به این حالت نیفتاده بودم مگر این که برای شما و فاطمه علیها السلام دعا کردم و خدا آنچه خواسته بودم به من عطا فرمود.

ای علی علیه السلام هر چه فاطمه علیها السلام به تو فرمان داد به جای آور که هر آینه من به فاطمه علیها السلام اموری را بیان نموده ام که جبرئیل مرا به آنها امر کرد. بدان ای علی علیه السلام که من از آن کس راضیم که دخترم فاطمه علیها السلام از او راضی باشد و پروردگار و فرشتگان هم با رضایت او راضی خواهند شد. وای بر آن کس که بر فاطمه علیها السلام ستم کند. وای بر آن کس که حق وی را از او بستاند. وای بر آن کس که هتک حرمت او کند. وای بر آن کس که در خانه اش را آتش زند. وای بر آن که دوست وی را بیازارد و وای بر آن که با او کینه ورزد و ستیزه کند. خداوندا من از ایشان بیزارم و آنان نیز از من بری هستند.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام را به نام خواند و آنان را در بر گرفت و عرضه داشت: بار خدایا! من با اینان و هر کس که پیروی ایشان کند سر صلح دارم و بر عهده من است که آنان را داخل بهشت سازم و هر کس با اینها بستیزد و بر ایشان ستم کند یا بر اینها پیشی گیرد یا از ایشان و شیعیانشان بازپس ماند، من دشمن او هستم و با او می جنگم و بر من است که آنان را به دوزخ درآورم. سوگند به خدا ای فاطمه! راضی نخواهم شد تا این که تو راضی شوی! نه به خدا سوگند راضی نمی شوم مگر آن که تو راضی شوی! نه به خدا سوگند راضی نخواهم شد مگر آن که تو راضی شوی! (1)

1- اَسَدُ مَاؤَهَا عَلَيَّ مَا ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ الْقُمِّيُّ: «فَاطِمَةُ، الْبُتُولُ، الْحَصَانُ، الْحَرَّةُ، السَّيِّدَةُ، الْعَذْرَاءُ، الرَّهْرَاءُ، الْحَوْرَاءُ، الْمُبَارَكَةُ، الطَّاهِرَةُ، الرَّكِيَّةُ، الرَّاضِيَّةُ، الْمَرْضِيَّةُ، الْمُحَدَّثَةُ، مَرْيَمُ الْكُبْرَى، الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى». مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 357؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 547؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 16. همچنین: «و الألقابها: ... و الحصان، و الحوراء، و السیده، و الصدیقه، و مریم الکبری». هدایه الکبری، خصیصی، ص 176. همچنین: مثل حضرت مریم علیها السلام (نزول رزق من عند الله برای حضرت زهرا علیها السلام) عَنْ نَجْمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَدَّقَتْ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَلِ الْبَيْتِ وَالْعَجِبِينَ وَالْخُبْرَ وَقَمَّ الْبَيْتِ وَصَدَّقَتْ مِنْ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقَلَ الْحَطَبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا يَوْمًا: يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟ قَالَتْ: وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ نَقْرِيكَ بِهِ. قَالَ: أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي؟ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ: لَا تَسْأَلِينَ ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ [عَفْوًا] وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ. قَالَ: فَخَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَقِيَ رَجُلًا فَاسْتَقْرَضَ مِنْهُ دِينَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ بِهِ وَقَدْ أَمْسَى فَلَقِيَ مِقْدَادَ بْنِ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لِلْمِقْدَادِ: مَا أَخْرَجَكَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ؟ قَالَ: الْجُوعُ وَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيٌّ؟ قَالَ: وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا وَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ نَصَلَّتْ لِي وَبَيْنَهُمَا شَيْءٌ مُعْطَى فَلَمَّا فَرَعْتُ اجْتَرَّتْ ذَلِكَ الشَّيْءَ فَإِذَا جَفَنَةٌ مِنْ خُبْزٍ وَلَحْمٍ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ أَنْتِ لَكِ هَذَا؟ قَالَتْ: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (آل عمران: 37) فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُحَدِّثُكَ بِمَثَلِكَ وَمَثَلِهَا قَالَ: بَلَى قَالَ: مَثَلُكَ مَثَلُ زَكَرِيَّا إِذَا دَخَلَ عَلَى مَرْيَمَ الْمُحْرَابِ فَ- (وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) فَأَكَلُوا مِنْهَا شَهْرًا وَهِيَ الْجَفَنَةُ الَّتِي يَأْكُلُ مِنْهَا الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهِيَ عِنْدَنَا.؛ نجم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: حضرت زهرا اطهر علیها السلام برای علی بن ابی طالب علیه السلام ضامن شد که کار و امور خانه را از قبیل خمیر کردن، نان پختن و جاروب خانه را انجام دهد و حضرت علی علیه السلام هم برای ایشان ضامن شد که امور خارج از خانه را از

قبیل آوردن هیزم و طعام عهده دار شود. یکی از روزها امیر المؤمنین علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: آیا غذایی نزد شما موجود است؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: قسم به آن خدایی که حق تو را بزرگ قرار داده مدت سه روز است غذائی نزد ما موجود نیست که برای تو بیاوریم. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: پس چرا مرا آگاه ننمودی؟ عرض کرد: پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی کرده که از شما چیزی بخواهم، [به من] فرمود: از پسر عمّت [چیزی] میخواه اگر چیزی برای تو آورد [بگیر] و الا مبادا از او چیزی خواهش نمایی! [از باب این که زحمتی برای او نباشد]. راوی گوید: حضرت علی علیه السلام از خانه خارج شد، [در بین راه] با شخصی مواجه گردید و مبلغ یک دینار از او قرض کرد. با آن دینار رو به سوی خانه کرد و حال آن که شب شده بود. [در بین راه] با مقداد بن اسود مواجه شد و به او فرمود: برای چه در این موقع از خانه خارج شده ای؟ گفت: یا امیر المؤمنین! به آن خدائی که حق تو را عظیم قرار داده گرسنگی [موجب خروج من گردیده است]. راوی گوید: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام گفتم: آیا در آن موقع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بود؟ فرمود: آری زنده بود. امیر المؤمنین علیه السلام به مقداد فرمود: من نیز به همین علت از خانه بیرون آمدم یک دینار قرض کرده ام، اکنون تو را بر خویشتن مقدم می دارم و علی علیه السلام آن دینار را به مقداد داد و متوجه خانه خویش گردید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بود و حضرت زهرا اطهر علیها السلام نماز می خواند و یک ظرف سر پوشیده ما بین ایشان بود. هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام از نماز فارغ شد آن ظرف را جلو کشید دیدند کاسه ای است از نان و گوشت. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای فاطمه! این غذا را از کجا آورده ای؟ گفت: این از طرف خداست، خدا هر کسی را که بخواهد بدون حساب روزی می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: [یا علی!] آیا دوست داری مثل تو و زهرا اطهر علیها السلام را بگویم؟ گفت: آری. فرمود: مثل تو مثل حضرت زکریا علیه السلام است، که وقتی در محراب عبادت حضرت مریم علیها السلام رفت و غذایی نزد او یافت به مریم علیها السلام فرمود: این غذا را از کجا آورده ای؟! گفت: از طرف خدا آمده، خدا هر کسی را که بخواهد بدون حساب روزی می دهد. پس مدت یک ماه از غذای آن کاسه خوردند و آن کاسه همان است که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه هم از آن می خورد و آن کاسه اکنون نزد ماست. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، ج 1، ص 171؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 1، ص 622؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 1، ص 332؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 558؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 14، ص 197؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج 1، ص 333.

بخش هفتم: فاطمه زهرا عليها السلام و فرزندان آن حضرت و مؤمنين

اشاره

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و فرزندانها

فصل دوم: فاطمه زهرا و مؤمنان

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و فرزندانشان

منقبت چهلم: حرام شدن آتش بر ذریه حضرت زهرا عليها السلام

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَذَرِيَّتَهَا مِنَ النَّارِ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِمَا جِئْتُ بِهِ». (1)

ترجمه:

امام رضا عليه السلام از اجداد طاهرینشان از امیر مؤمنان علیه السلام روایت فرموده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: دخترم، «فاطمه» نامیده شد زیرا خداوند تعالی او و ذریه اش را از آتش بریده است [و آتش را بر ایشان حرام نموده است] مشروط بر اینکه [ذریه او] پروردگارش را با توحید و ایمان به آنچه من از جانب پروردگارم آورده ام ملاقات نمایند (2).

- 1- امالی، شیخ طوسی، ص 570؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 246؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 18.
- 2- همچنین: عَنْ حَدِيثِهِ وَابْنِ مَسْعُودٍ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنْتَ [حَصَنْتَ] فَرَجَحَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَي النَّارِ.»؛ از حدیفه و ابن مسعود نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه علیها السلام دامن عفت خود را حفظ کرد لذا خداوند آتش جهنم را بر فرزندان او حرام کرد. عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 2، ص 68؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 106؛ خرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج 1، ص 281؛ مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 107؛ كشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 96؛ تفسیر محیط اعظم، سید حیدر آملی، ج 1، ص 572؛ تأویل الآیات، استرآبادی، ج 2، ص 701؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 431؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 20؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 6، ص 179. منابع اهل تسنن: فضائل سیده النساء، ابن شاهین، ص 23؛ معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 407؛ کامل، جرجانی، ج 5، ص 59؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 3، ص 266؛ مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغزلی، ص 277؛ ذکر أخبار إصبهان، حافظ ابو نعیم اصفهانی، ج 1، ص 242؛ شرف المصطفی، ابوسعید واعظ، ج 5، ص 309؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 152 (حاکم گوید: هذا حدیث صحیح الاسناد ولم یخرجاه)؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 94؛ ربیع الأبرار، زمخشری، ج 2، ص 111؛ تذکره حمدونیه، ابن حمدون، ج 1، ص 116؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 14، ص 174 و ج 63، ص 30؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 48 (أخرجه أبو تمام فی فوائده)؛ وفيات الأعیان، ابن خلکان، ج 4، ص 175؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 18، ص 252؛ فراند السمطین، جوینی شافعی، ج 2، ص 65؛ وافی بالوفیات، صفدی، ج 4، ص 79؛ تهذیب الکمال، مزی، ج 35، ص 251؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج 3، ص 217؛ نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص 180؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج 9، ص 202؛ لسان المیزان، ابن حجر، ج 4، ص 322؛ إمتاع الأسماع، مقریزی، ج 4، ص 196؛ جامع الصغیر، سیوطی، ج 1، ص 352؛ جواهر العقدين، سمهودی، ج 2، ص 173؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 50 (صالحی شامی گوید: الطبرانی فی " الکبیر " بسند رجاله ثقات عن ابن عباس...); کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 108؛ صواعق المحرقة، ابن حجر هیتمی، ص 160؛ فیض القدر، مناوی، ج 2، ص 587؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 320. همچنین: حرام شدن آتش بر شیعیان حضرت زهرا علیها السلام: «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِينَ لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَتْ؟ قَالَ: لِأَنَّهَا فَطِمَتْ

هِيَ وَشَيْعَتُهَا مِنَ النَّارِ.»؛ امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای فاطمه آیا می دانی برای چه "فاطمه" نامیده شدی؟ علی علیه السلام عرضه داشت: یا رسول الله برای چه [فاطمه] نامیده شده؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زیرا او و شیعیانش از آتش دوزخ دور نگه داشته شده اند. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 179؛ مناقب امام امیر المؤمنین علیه السلام، محمد بن سلیمان کوفی، ج 2، ص 188؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 110؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 91؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلّی، ص 233. منابع اهل تسنن: ذخائر العقبی، محب طبری، ص 26؛ فضائل الثقلین، ایجی شافعی، ص 442؛ فضل آل البیت، مقریزی، ص 98؛ جواهر العقدين، سمهودی، ج 2، ص 174. و همچنین: حرام شدن آتش بر محبین و دوستانان حضرت زهرا علیها السلام قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّمَا سَمَّاهَا اللَّهُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَطَمَهَا وَمُحِبِّهَا مِنَ النَّارِ»؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خدا او را فاطمه نامید؛ بدان دلیل که خدا او و دوستانش را از آتش [دوزخ] جدا کرده است. منابع اهل تسنن: کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 109؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 52. همچنین: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّي سَمَّيْتُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَهَا وَفَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ.» از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که من دختر خودم را «فاطمه» نامیدم به این جهت که حق تعالی او و دوستان او را از آتش منع می کند و از جهنم جدا می نماید. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، ج 2، ص 51؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 12. منبع اهل تسنن: فصول المهمه، ابن صباغ، ج 2، ص 1163. و همچنین: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَطَمَ مَنْ أَحَبَّهَا مِنَ النَّارِ.» ابو هریره گوید: دختر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله بدین جهت فاطمه نامیده شد که خداوند - عزّ و جلّ - کسی را که فاطمه را دوست داشته باشد، از آتش جهنم برکنار خواهد کرد. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 178؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 64؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 13.

منقبت چهل و یکم: سلام بر ذریه در وصیت آخرین

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهَا بَقِيَتْ أَرْبَعِينَ يَوْمًا بَعْدَهُ وَ فِي رِوَايَةٍ سِدَّتَهُ أَشْهُرٌ وَسَاقَ ابْنُ عَبَّاسٍ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ: لَمَّا تُوفِّيَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ شَقَّتْ أَسْمَاءُ جَبِيهَا وَ خَرَجَتْ فَتَلَقَّاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَا: أَيْنَ أُمَّنَا؟ فَسَكَتَتْ فَدَخَلَا الْبَيْتَ فَإِذَا هِيَ مُمْتَدَّةٌ فَحَرَكَهَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هِيَ مَيِّتَةٌ فَقَالَ: يَا أَخَاهُ أَجْرَكَ اللَّهُ فِي الْوَالِدَةِ وَ خَرَجَا يُنَادِيَانِ: يَا مُحَمَّدَاهُ يَا أَحْمَدَاهُ الْيَوْمَ جُدِّدْ لَنَا مَوْتَكَ إِذْ مَاتَتْ أُمَّنَا ثُمَّ أَخْبَرَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ فِي الْمَسِّ جَدِ فَعُشِيَ عَلَيْهِ حَتَّى رُشَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ ثُمَّ أَفَاقَ فَحَمَلَهُمَا حَتَّى أَدْخَلَهُمَا بَيْتَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عِنْدَ رَأْسِهَا أَسْمَاءُ تَبْكِي وَ تَقُولُ: وَ أَيَّتَامِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُنَّا نَتَعَزَّى بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَعْدَ مَوْتِ جَدِّكُمَا فِيمَنْ نَتَعَزَّى بَعْدَهَا؟ فَكَشَفَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ وَجْهِهَا فَإِذَا بَرُقَعَهُ عِنْدَ رَأْسِهَا فَنَظَرَ فِيهَا فَإِذَا فِيهَا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أُوصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَوْصَتْ وَ هِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَمَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنْطُنِي وَ عَسِّلْنِي وَ كَفِّنِي بِاللَّيْلِ

وَصَلِّ عَلَيَّ وَادْفِنِّي بِاللَّيْلِ وَلَا تُعَلِّمْ أَحَدًا وَأَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيَّ وَوَلَدِي السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

فَلَمَّا جَنَّ اللَّيْلُ غَسَلَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَضَعَهَا عَلَيَّ السَّرِيرِ وَقَالَ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ادْعُ لِي أَبَا ذَرٍّ فَدَعَاهُ فَحَمَلَاهُ إِلَى الْمُصَلَّى فَصَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ وَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَى: هَذِهِ بِنْتُ نَبِيِّكَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَخْرَجَتْهَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَضَاءَتْ الْأَرْضُ مِثْلًا فِي مِثْلِ فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَدْفِنُوهَا نُودُوا مِنْ بَعْضِهِ مِنَ الْبَقِيعِ: إِلَيَّ إِلَيَّ فَقَدْ رُفِعَ تُرْبَتُهَا مِنِّي فَانظُرُوا فَإِذَا هِيَ بِقَبْرِ مَحْفُورٍ فَحَمَلُوا السَّرِيرَ إِلَيْهَا فَدَفَنُوهَا فَجَلَسَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى شَفِيرِ الْقَبْرِ فَقَالَ: يَا أَرْضُ اسْتَوْدِعْتِكِ وَوَدَّعْتِي هَذِهِ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَنُودِي مِنْهَا: يَا عَلِيُّ أَنَا أَرْفُقُ بِهَا مِنْكَ فَارْجِعْ وَلَا تَهْتَمَّ فَرَجِعْ وَأَسَدَّ الْقَبْرَ وَاسْتَوَى بِالْأَرْضِ فَلَمْ يَعْلَمْ أَيَّنَ كَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

ترجمه:

از ابن عباس نقل شده که گفت: حضرت زهرا علیها السلام مدت چهل روز و به قولی شش ماه بعد از پدر بزرگوارش زنده بود، تا آنجا که می گوید: وقتی فاطمه علیها السلام شهید شد، اسماء، گریبان خود را پاره کرد و [از خانه] بیرون آمد. حسنین علیهما السلام با او برخورد کردند و به او گفتند: مادر ما کجاست؟ اسماء جوابی نداد. آنان وارد خانه شدند و دیدند مادر

1- منتخب، طریحی، ص 114؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 214. منبع اهل تسنن: مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 131. همچنین: وصیت نامه شفاهی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ رُؤْيَا طَوِيلَةً بَشَّرَهَا رَسُولُ اللَّهِ بِاللُّحُوقِ بِهِ وَأَرَاهَا مَنْزِلَهَا فَلَمَّا انْتَبَهَتْ قَالَتْ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تُوفِّيتُ لَا تُعَلِّمْ أَحَدًا إِلَّا أُمَّ سَلَمَةَ وَأُمَّ أَيُّمَنَ وَفِضَّةَ وَمِنَ الرَّجَالِ ابْنَ أَبِي الْعَبَّاسِ وَسَلْمَانَ وَعَمَّارًا وَالْمَقْدَادَ وَأَبَا ذَرٍّ وَحَدِيثَهُ وَقَالَتْ: إِنِّي أَحْلَلْتُكَ أَنْ تَرَانِي بَعْدَ مَوْتِي فَكُنْ مِنَ النَّسْوَةِ فِي مَنْ يُغْسَلُنِي وَلَا تَدْفِنُنِي إِلَّا لَيْلًا وَلَا تُعَلِّمْ أَحَدًا قَبْرِي...» بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 78، ص 310. و با اختلاف: دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، ص 133؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 208.

بزرگوارشان خوابیده است. امام حسین علیه السلام مادر خود را حرکت داد دید از دنیا رفته است. گفت: ای برادر! خدا در [مصیبت] مادر به تو اجر دهد.

آنگاه در حالی خارج شدند که می گفتند: یا محمداه! یا احمداه! امروز مصیبت تو برای ما تجدید شد چرا که مادرمان از دنیا رفت.

سپس علی علیه السلام را که در مسجد بود از شهادت مادرشان آگاه نمودند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام [بعد از شنیدن این خبر دلخراش] غش کرد، آب به صورت آن حضرت پاشیدند تا به هوش آمد، آنگاه حسنین علیهما السلام را برداشت و داخل خانه حضرت زهرا علیها السلام برد. اسماء [را] بالای سر زهرا علیها السلام [دید] گریه می کند و می گوید: ای یتیمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله! بعد از رحلت جدّ شما به فاطمه علیها السلام تسلی و آرامش می یافتیم حال بعد از فاطمه علیها السلام به چه کسی دل خوش باشیم! آنگاه علی علیه السلام صورت مبارک فاطمه علیها السلام را باز کرد رقعۀ ای نزد سر آن بانوی معظمه یافت. به آن نظری کرد که نوشته بود:

بسم الله الرحمن الرحيم، این وصیّتی است که فاطمه دختر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله کرده است. وصیت می کند در حالی که شهادت می دهد خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر خداست. بهشت و دوزخ، حق است و قیامت خواهد آمد و شگّی در آن نیست و خداوند همه آنها که در قبرهایند را بر خواهد انگیخت. یا علی! من فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستم. خدا مرا همسر تو قرار داد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو اولی از دیگران به من هستی، مرا شبانه حنوط کن غسل بده و کفن کن و شبانه بر بدنم نماز بگذار و به خاک بسپار، احدی را آگاه منمائی، من تو را به خداوند می سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام می رسانم.

چون شب، تاریک شد حضرت علی علیه السلام پیکر مقدّس حضرت فاطمه علیها السلام را غسل داد و او را روی تختی نهاد و به امام حسن علیه السلام فرمود: ابو ذر را بیاور! امام حسن علیه السلام او را

صدا زد و دو نفری تخت را به محل نماز آوردند. علی علیه السلام بر او نماز خواند. سپس دو رکعت نماز گزارد و دو دست مبارک خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت: [پروردگارا!] این دختر پیغمبر تو فاطمه علیها السلام است که او را از ظلمتها به طرف نور بردی. در این هنگام زمین یک میل در یک میل روشن شد.

هنگامی که تصمیم گرفتند پیکر مطهر آن بانو را دفن کنند صدایی از یکی از بقعه های بقیع شنیدند که می گفت: به سوی من! به سوی من! زیرا تربت و خاک وی از من برداشته شده است. و چون نگاه کردند با قبری حفر شده و آماده مواجه شدند. تابوت را به سوی آن بقعه بردند و جنازه را در آن دفن نمودند. سپس حضرت امیر علیه السلام بر جانبی از قبر نشست و فرمود: ای قبر! من امانت خود را به تو سپردم، این دختر رسول خدا است. ناگاه ندایی شنیدند که می گفت: یا علی! من از توبه وی مهربانترم. برگرد و مغموم و مهموم مباش! علی علیه السلام بازگشت و قبر مسدود شد و با زمین هم سطح گردید و آن قبر تا روز قیامت معلوم نخواهد شد.

منقبت چهل و دوم: حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، بَرِّ فَاطِمَةَ وَ فِرْزَنَدَانِش

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَتَدْرِي مَا تَفْسِيرُ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ قَالَ قُلْتُ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَاكَ إِلَى الْبِرِّ أَ تَدْرِي بَرِّ مَنْ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَاكَ إِلَى بَرِّ فَاطِمَةَ وَ وُلْدِهَا.» (1)

ترجمه:

امام باقر علیه السلام به محمد بن مروان فرمودند: آیا تفسیر «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را می دانی؟ راوی می گوید: عرضه داشتیم: خیر.

1- علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 2، ص 368؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 42؛ فلاح السائل، سید ابن طاووس، ص 150؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 81، ص 141. همچنین: إِنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَدَّ بِلَ عَنْ مَعْنَى حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ فَقَالَ: «خَيْرُ الْعَمَلِ الْوَلَايَةُ» وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ: «خَيْرُ الْعَمَلِ بَرُّ فَاطِمَةَ وَ وُلْدِهَا.»؛ شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام معنای «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» را پرسید، حضرت علیه السلام فرمود: بهترین عمل، ولایت ائمه علیهم السلام است. در روایت دیگر وارد شده است که فرمود: شایسته ترین کارها نیکی کردن به حضرت فاطمه علیها السلام و ذریه ایشان است. توحید، شیخ صدوق، ص 241؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 41؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 107 (ابن شهر آشوب به این عبارت آورده: خَيْرُ الْعَمَلِ بَرُّ فَاطِمَةَ وَ وُلْدِهَا وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ الْوَلَايَةُ)؛ فلاح السائل، سید ابن طاووس، ص 148؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 44.

حضرت عليه السلام فرمود: [مؤذن] تو را به خوبی و نیکی دعوت کرد، آیا می دانی به نیکی و خوبی چه کسی؟ عرضه داشتم: خیر.

حضرت عليه السلام فرمود: تو را به نیکی به فاطمه عليها السلام و فرزندانش دعوت کرد.

فصل دوم: فاطمه زهرا عليها السلام و مؤمنان

منتخب چهل و سوم: فاطمه زهرا عليها السلام أم المؤمنين

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عبيدٍ مَعْنَعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ ... وَ قَوْلُهُ (وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ». (1)

ترجمه:

محمد بن قاسم بن عبيد با سند از امام صادق عليه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه: (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (1)

1- تفسیر فرات کوفی، ص 581. همچنین: فرازی از زیارت حضرت زهرا عليها السلام در روز میلاد ایشان: « السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أَيْتَهُمَا الصِّدِّيقَهُ الشَّهِيدَهُ... إقبال الأعمال، سید ابن طاووس، ج 3، ص 164؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 97، ص 199.

أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) فرمودند: منظور از «لیله» فاطمه علیها السلام، و منظور از «القدر» خداوند است... و در مورد فرمایش خداوند عزوجل: «و تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر از هزارماه بهتر است» فرمود: [بهتر از هزار شب]؛ یعنی بهتر از هزار مؤمن است و او [فاطمه علیها السلام] مادر مؤمنین است.

بخش هشتم: فاطمه زهرا عليها السلام و ملائكه

اشاره

منقبت چهل و چهارم: محدثه ملائک و سرور تمام زنان هستی

حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ: اللَّهُ (اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (1) يَا فَاطِمَةُ: (افْتَنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ) (2) فَتُحَدِّثُهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ: أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ؟ فَقَالُوا: إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.» (3)

ترجمه:

اسحاق بن جعفر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: فاطمه علیها السلام را به

1- آل عمران: 42.

2- آل عمران: 43.

3- علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 182؛ دلایل الامامه، محمد بن جریر طبری (شیعی)، ص 80-81 و ص 152؛ درّ النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 456؛ تأویل الآیات، سید شرف الدین استر آبادی، ج 1، ص 111؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 14، ص 206 و ج 43، ص 78.

این دلیل «محدثه» نامیدند که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و آن حضرت را می خواندند همان طوری که مریم دختر عمران علیها السلام را صدا می زدند، باری فرشتگان می گفتند: ای فاطمه علیها السلام خدا تو را برگزید و پاکیزه ات نمود و بر تمام زنان عالم اختیارت کرد، ای فاطمه علیها السلام پروردگارت را فرمان بردار باش و سجده اش نما و با رکوع کنندگان رکوع کن و بدین ترتیب حضرت با آنها سخن می گفت و آنها نیز با فاطمه علیها السلام سخن می گفتند. شبی فاطمه علیها السلام به فرشتگان فرمود: مگر آنکه بر تمام زنان عالم برتری دارد مریم دختر عمران علیها السلام نیست؟

فرشتگان عرضه داشتند: مریم بانو و سرور زنان عالم [زمان] خودش بود و خداوند عزّ و جلّ تو را بانو و سرور زنان عالم خودت و عالم مریم علیها السلام و سرور تمام زنان [عالم هستی] از اولین و آخرین قرار داده است. (1)

1- همچنین: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ ... فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَتْ مُحَدَّثَةً وَ لَمْ تَكُنْ نَبِيَّةً». کتاب سلیم، سلیم بن قیس، ص 351؛ بصائر الدرجات، صفار، ص 392؛ علل الشرایع، شیخ صدوق، ج 1، ص 182؛ اختصاص، شیخ مفید، ص 329؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 115؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 96؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 30، ص 132 و، ج 43، ص 79.

منقبت چهل و پنجم: مَلِك، گهواره جنبان فرزندان فاطمه زهرا عليها السلام

رُوي «أَنَّهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ زُبْمًا اشْتَعَلَتْ بِصَلَاتِهَا وَعِبَادَتِهَا فَرُبَّمَا بَكَى وَلَدُهَا فَرُويَ الْمَهْدُ يَتَحَرَّكُ وَكَانَ مَلِكٌ يُحَرِّكُهُ.» (1)

ترجمه:

روایت شده که حضرت فاطمه عليها السلام گاهی به نماز و عبادت اشتغال داشت و در این

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 525؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 45. همچنین: «أَنَّ جَبْرِئِيلَ نَزَلَ يَوْمًا فَوَجَدَ الزَّهْرَاءَ عَلَيْهَا السَّلَامَ نَائِمَةً وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلِقًا عَلَى عَادَةِ الْأَطْفَالِ مَعَ أُمَّهَاتِهِمْ فَتَعَدَّ جَبْرِئِيلُ يُلْهِمِهِ عَنِ الْبُكَاءِ حَتَّى اسْتَيْقَظَتْ فَأَعْلَمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ» در حدیث آمده، روزی حضرت فاطمه زهرا عليها السلام خوابیده بود و امام حسین علیه السلام نظیر کودکان نزد مادر خود بی قراری می کرد. جبرئیل نشست و امام حسین علیه السلام را از گریه آرام نمود تا حضرت زهرا عليها السلام از خواب بیدار شد. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه عليها السلام را از این موضوع آگاه فرمود. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 229؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج 4، ص 46؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 298؛ عوالم امام حسین علیه السلام، شیخ عبد الله بحرانی، ص 41.

حال فرزندش گریه می کرد؛ مشاهده می شد که گهواره کودک [به خودی خود] حرکت می کند و [علت آن این بوده که] فرشته ای آن را به حرکت در می آورد.

تذکر:

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل برای خدمت حضرت زهرا علیها السلام به نزد ایشان تنزل نموده اند و به خدمتشان مفتخر گردیدند. رجوع شود به منقبت: 89 و 90.

بخش نهم: فاطمه زهرا عليها السلام با قرآن، دین و حقایق تشریحی

اشاره

فصل اول: محل نزول قرآن کریم

فصل دوم: حقیقت دین

فصل سوم: فاطمه زهرا عليها السلام و ولایت بر هستی

فصل چهارم: فاطمه زهرا عليها السلام و عبادت

فصل پنجم: فاطمه زهرا عليها السلام و دعا

فصل ششم: فاطمه زهرا عليها السلام و اذکار

فصل هفتم: فاطمه زهرا عليها السلام و اعمال

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام محل نزول قرآن کریم

منقبت چهل و ششم: ليله القدر خدا

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عبيدٍ مُعَنَّأً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (الَّتِي لَيْلَةُ فَاطِمَةَ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا)». (1)

ترجمه:

محمد بن قاسم بن عبيد با سند از امام صادق عليه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فرمودند: منظور از «لیله» فاطمه عليها السلام، و منظور از «القدر» خداوند است، پس هر که فاطمه را به حق معرفتش بشناسد ليله القدر را درک کرده است و همانا او فاطمه عليها السلام نامیده شد چون مردمان از کسب معرفت واقعی نسبت به وی عاجز هستند.

1- تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 581؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 65.

منقبت جهل و هفتم: حقيقت ليله مباركه

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ نَصْرَانِيٌّ وَنَحْنُ مَعَهُ بِالْعَرَبِيِّ... فَقَالَ النَّصْرَانِيُّ: إِنِّي أَسْأَلُكَ أَصَدَّ لِمَحَكَّ اللَّهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَلْ. قَالَ: أَخْبِرْنِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَنَطَقَ بِهِ ثُمَّ وَصَفَهُ بِمَا وَصَفَهُ بِهِ فَقَالَ: (حم) * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (1) مَا تَنْسِيْرُهَا فِي الْبَاطِنِ؟

فَقَالَ [مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ]: «أَمَّا (حم) فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي كِتَابِ هُودٍ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْهِ وَهُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ. وَأَمَّا (الْكِتَابِ الْمُبِينِ) فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّا اللَّيْلَةُ فَفَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَأَمَّا قَوْلُهُ (فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَرَجُلٌ حَكِيمٌ وَرَجُلٌ حَكِيمٌ...» (2)

1- الدخان: 4-1.

2- كافي، شيخ كليني، ج 1، ص 478 - 479؛ تأويل الآيات، سيد شرف الدين استرآبادي، ج 2، ص 573؛ مدينه المعاجز، علامه بحراني، ج 6، ص 297 - 301؛ تفسير برهان، علامه بحراني، ج 5، ص 8؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 48، ص 85؛ تفسير كنز الدقائق، شيخ محمد قمي مشهدي، ج 14، ص 372.

يعقوب بن جعفر بن ابراهيم مي گويد: خدمت موسی بن جعفر عليه السلام بودم که مردی نصرانی نزد آن حضرت آمد - و ما در عريض (وادی مدینه) با آن حضرت بودیم - ... نصرانی گفت: أصلحك الله می خواهم از شما سؤالی بپرسم.

[حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام] فرمود: بپرس.

گفت: به من خبر ده از کتاب خدای تعالی که آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد و بدان تکلم نمود سپس اوصافی را برایش ذکر کرد و فرمود: (حم) * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (1) [حم، سوگند به کتاب روشن که آن را در شبی مبارک نازل کرده ایم. ما بیم دهنده ایم. در آن شب هر امر محکمی مقدر گردد] تفسیر باطنی این آیات چیست؟

حضرت علیه السلام فرمود: اما «حم» محمد صلی الله علیه و آله است و آن [اسم آن حضرت صلی الله علیه و آله] در کتابی است که بر هود علیه السلام نازل گشته و [این کلمه] از حروفش کاسته شده (یعنی در کتاب هود علیه السلام از محمد صلی الله علیه و آله به حم تعبیر شده و دو حرف «م» و «د» آن، افتاده است) و اما «کتاب مبین» امیرمؤمنان علی علیه السلام و «شب مبارک» فاطمه علیها السلام است و اینکه فرموده است: (فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) [در آن شب هر امر محکمی مقدر گردد]؛ یعنی از فاطمه علیها السلام خیر بسیاری بیرون آید و آن [خیر بسیار] مردی حکیم و مردی حکیم و مردی حکیم [یعنی ائمه معصومین علیهم السلام از اولاد حضرت زهرا علیها السلام] است.

فصل دؤم: فاطمة زهرا عليها السلام و حقيقت دين

منقبت چهل و هشتم: فاطمة زهرا عليها السلام حقيقت دين ق- يمه

«عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ.. (وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ) (1) قَالَ: هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ». (2)

ترجمه:

جابر بن يزيد از امام باقر عليه السلام روايت مي کند که در باره آيه (وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ) فرمودند: منظور حضرت فاطمه عليه السلام است.

1- و آن دين استوار است. البته: 5.

2- تاويل الآيات، سيد شرف الدين استر آبادي، ج 2، ص 830؛ تفسير برهان، علامه بحراني، ج 5، ص 718؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 23، ص 369؛ تفسير كنز الدقائق، شيخ محمد قمي مشهدي، ج 14، ص 382.

فصل سوّم: فاطمة زهرا عليها السلام و ولایت بر هستی

منقبت چهل و نهم: عرضه ولایت فاطمة زهرا عليها السلام بر تمام هستی

«... عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «لَمَّا عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ الْعَزِيزُ عَزَّ وَجَلَّ.. يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ شَبْحِ نُورٍ ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَا يَتَّهَمُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ وَ سَائِرِ خَلْقِي وَ هُمْ أَرْوَاحٌ فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ...» (1)

ترجمه:

از موسی بن جعفر علیهما السلام از پدرش از جدش روایت شده که فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به آسمان عروج دادند خداوند عزیز فرمود: ... ای محمد صلی الله علیه و آله همانا من تو و علی و

1- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 26، ص 307 - 308. علامه مجلسی قدس سره روایت را از کتاب المعراج ابن بابویه قمی، والد شیخ صدوق قدس سره (متوفای: 329 هـ - ق) نقل کرده است. همچنین: «عَنْ سَلَامٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا سَلَمَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سَمِعْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ قَالَ الْعَزِيزُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ... يَا مُحَمَّدُ [إِنِّي] خَلَقْتُكَ [وَ خَلَقْتُ] عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ [وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ - الْحُسَيْنَ] أَشْهَبَ نُورٍ مِنْ نُورِي وَ عَرَضْتُ وَلَا يَتَّكُمُ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِهَا وَ عَلَى الْأَرْضِينَ وَ مَنْ فِيهِنَّ فَمَنْ [مَنْ] قَبْلَ وَلَا يَتَّكُمُ كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ [الضَّالِّينَ]». تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 74؛ مقتضب الأثر، جوهری، ص 11. و با اختلاف در این عبارت: «... وَ عَرَضْتُ وَلَا يَتَّكُمُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ [الْأَرْضِ] [أَهْلِ] الْأَرْضِينَ فَمَنْ قَبْلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ [الضَّالِّينَ]» در این منابع: مائه منقبه، ابن شاذان، ص 39: (مَنْ سِنَخِ نُورِي)؛ کتاب غیبت، شیخ طوسی، ص 148: (مَنْ شَبِحَ نُورٍ مِنْ نُورِي)؛ اربعون حدیثا، منتجب الدین بن بابویه، ص 4: (مَنْ سِنَخِ نُورِي)؛ طرائف، سید ابن طاووس، ص 173: (مَنْ شَبِحَ نُورٍ مِنْ نُورِي)؛ کامل بهائی، عماد طبری، ص 228: (وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَنْ سِنَخِ نُورٍ مِنْ نُورِي)؛ غرر الاخبار، دیلمی، ص 203: (بَا اخْتِلافِ كَمْ)؛ صراط المستقیم، عاملی بیاضی، ج 2، ص 117 (بَا اخْتِلافِ كَمْ)؛ تاویل الایات، استر آبادی، ص 105: (الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِي)؛ جواهر السنیة، حر عاملی، ص 313: (وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ نورا مِنْ نُورِي)؛ اثبات الهداه، حر عاملی، ج 2، ص 125: (يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مِنْ شَبْحِ نُورِي)؛ مدینه المعاجز، علامه بحرانی، ج 2، ص 312؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 27، ص 200. منابع اهل تسنن: مقتل الحسين، خوارزمی، ج 1، ص 146: (مَنْ سِنَخِ نُورٍ مِنْ نُورِي)؛ فرائد السمطين، جوینی، ج 2، ص 320: (مَنْ شَبِحَ نُورِي)؛ ینابيع الموده، قندوزی، ج 3، ص 380: (بِه نقل از مقتل الحسين با این عبارت: ... وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مِنْ نُورِي).

فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را از شبیحی از نور آفریدم. سپس ولایت آنها را در حالی که روح بودند بر ملائکه و سایر خلقم عرضه داشتم. هر که [ولایت آنان را] پذیرفت در نزد من از مقربین شد و هر که نپذیرفت نزد من از کافرین گردید.

فصل چهارم: فاطمه زهرا عليها السلام و عبادت

منقبت پنجاهم: عابدترین امت

الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَأَنَّ تَقْوَمُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا.» (1)

ترجمه:

حسن بصری گوید: هیچ کس در بین امت عابدتر از حضرت فاطمه علیه السلام نبود. او آنقدر برای عبادت خدا به روی پا می ایستاد که پاهایش ورم کرد. (2)

- 1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 119؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 76. منابع اهل تسنن: ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، زمخشری، ج 2، ص 274؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 125؛ مستطرف، ابشهی، ج 1، ص 26.
- 2- همچنین: عن ابن عباس، فی حدیث طویل، قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ... مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رِبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصَهُمَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي...» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اما دخترم فاطمه... هر وقت در محراب خود، در برابر پروردگار جل جلاله بایستد نورش به فرشتگان آسمان بتابد چنانچه نور اختران بر زمین بتابد و خدای عزوجل به فرشتگانش فرماید: فرشتگانم ببینید فاطمه را، برابرم ایستاده و دلش از ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده، ... أمالی، شیخ صدوق، ص 176؛ الفضائل، شاذان بن جبرئیل، ص 9؛ بشاره المصطفی، عماد الدین طبری، ص 307؛ روض الجنان و روح الجنان، شیخ أبو الفتوح رازی، ج 4، ص 318؛ إرشاد القلوب، دیلمی، ج 2، ص 295؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 1، ص 171؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 28، ص 38 و ج 43، ص 172. منبع اهل تسنن: فرائد السمطين، جوینی، ج 2، ص 35. و همچنین: «رُويَ كَأَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ روایت شده که فاطمه زهرا عليها السلام در نماز از ترس خدای تعالی نفسش به شماره می افتاد. عده الداعی، ابن فهد حلّی، ص 139.

فصل پنجم: فاطمة زهرا عليها السلام و دعا

متقبت پنجاه و یکم: تعلیم دعای نور به سلمان

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: خَرَجْتُ مِنْ مَنْزِلِي يَوْمًا بَعْدَ وِفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِعَشْرِهِ أَيَّامٍ فَلَقِينِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنُ عَمِّ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِي: يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

فَقُلْتُ: حَبِيبِي أَبَا الْحَسَنِ مِثْلَكُمْ لَا يُجْفَى غَيْرَ أَنْ حُزِنِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَالَ فَهُوَ الَّذِي مَنَعَنِي مِنْ زِيَارَتِكُمْ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَلْمَانُ أَنْتِ مَنْزِلُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهَا إِلَيْكَ مُشْتَاقَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُتَّحَفَكَ بِتُحْفِهِ قَدْ أُتِّحِفَتْ بِهَا مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ لِعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ أُتِّحِفَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِشَيْءٍ مِنَ الْجَنَّةِ بَعْدَ وِفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ بِالْأَمْسِ.

قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ: فَهَرَوُلْتُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا هِيَ جَالِسَةٌ وَعَلَيْهَا قِطْعَةٌ عَبَاءٍ إِذَا خَمَّرْتُ رَأْسَهَا انْجَلَى سَاقُهَا وَإِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْكَشَفَ رَأْسُهَا فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهَا اعْتَجَرْتُ ثُمَّ قَالَ: يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنِي بَعْدَ وِفَاةِ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

قُلْتُ: حَبِيبِي أَجْفَاكُمْ؟ قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: فَمَهْ اجْلِسْ وَاعْقِلْ مَا أَقُولُ لَكَ إِنِّي كُنْتُ

جَالِسَةً بِالْأُتْسِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ وَبَابِ الدَّارِ مُغْلَقٌ وَ أَنَا أَتَفَكَّرُ فِي انْقِطَاعِ الْوَحْيِ عَنَّا وَ انصِرَ رَافِ الْمَلَائِكَةِ عَن مَنزِلِنَا فَإِذَا انْفَتَحَ الْبَابُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَفْتَحَهُ أَحَدٌ فَدَخَلَ عَلَيَّ ثَلَاثُ جَوَارٍ لَمْ يَرِ الرَّأْيُونَ بِحُسْنِ نَهْنٍ وَ لَا كَهَيْئَاتِهِنَّ وَ لَا نَصَارَهُ وَ جَوْهِهِنَّ وَ لَا أَرْكَى مِنْ رِيحِهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْتُهُنَّ قُمْتُ إِلَيْهِنَّ مُتَنَكِّرَةً لَهُنَّ فَقُلْتُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أَبِي أَنْتَنْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ أَمْ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ؟

فَقُلْنَ: يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ لَسْنَا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ جَمِيعاً غَيْرَ أَنَّنا جَوَارٍ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ مِنْ دَارِ السَّلَامِ أَرْسَلْنَا رَبَّ الْعِزَّةِ إِلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّا إِلَيْكَ مُسْتَأْفَاتٌ.

فَقُلْتُ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِتَيَّي أَظُنُّ أَنَّهَا أَكْبَرُ سِنًا: مَا اسْمُكُمْ؟ قَالَتْ: اسْمِي مَقْدُودَةٌ. قُلْتُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: وَ لِمَ سُمِّيتِ مَقْدُودَةٌ؟ قَالَتْ: خُلِّقْتُ لِلْمَقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

فَقُلْتُ لِلثَّانِيَةِ: مَا اسْمُكُمْ؟ قَالَتْ: ذَرَّةٌ قُلْتُ: وَ لِمَ سُمِّيتِ ذَرَّةٌ وَ أَنْتِ فِي عَيْنِي نَبِيْلَةٌ قَالَتْ: خُلِّقْتُ لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

فَقُلْتُ لِلثَّلَاثَةِ: مَا اسْمُكُمْ؟ قَالَتْ: سَلْمَى قُلْتُ: وَ لِمَ سُمِّيتِ سَلْمَى؟ قَالَتْ: أَنَا لِسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ مَوْلَى أَبِيكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ .

قَالَتْ فَاطِمَةُ: ثُمَّ أَخْرَجَنِي لِي زُطْبًا أَرْزَقَ كَأَمْثَالِ الْخُشِّ كَنَانِجِ الْكِبَارِ أَيْضَ مِنَ الثَّلَاجِ وَ أَرْكَى رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَأَحْضَرَ رْتَهُ فَقَالَتْ لِي: يَا سَلْمَانُ أَفْطَرُ عَلَيْهِ عَشِيَّتِيكَ فَإِذَا كَانَ غَدًا فَجَنِّبِي بِنَوَاهِ - أَوْ قَالَتْ عَجْمَهُ - قَالَ سَلْمَانُ: فَأَخَذْتُ الرُّطْبَ فَمَا مَرَزْتُ بِجَمْعٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا قَالُوا: يَا سَلْمَانُ أَمَعَكَ مِسْكٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ.

فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْإِفْطَارِ أَفْطَرْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ أَحِدْ لَهُ عَجْمًا وَ لَا نَوَى فَمَصَّيْتُ إِلَى بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي فَقُلْتُ لَهَا: إِنِّي أَفْطَرْتُ عَلَى مَا أَنْحَفْتَنِي بِهِ فَمَا وَجَدْتُ لَهُ عَجْمًا وَ لَا نَوَى. قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا سَلْمَانُ وَ لَنْ يَكُونَ لَهُ عَجْمٌ وَ لَا نَوَى وَإِنَّمَا هُوَ نَخْلٌ غَرَسَهُ اللَّهُ فِي دَارِ السَّلَامِ بِكَلَامِ عَلَمَنِهِ أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كُنْتُ أَقُولُهُ غُدْوَةً وَ عَشِيَّةً قَالَ سَلْمَانُ: قُلْتُ: عَلَّمَنِي الْكَلَامَ يَا سَيِّدَتِي.

فَقَالَتْ: إِنَّ سَرَّكَ أَنْ لَا يَمَسَّكَ أَدَى الْحَمَى مَا عَشْتَنِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَوَاطِبُ عَلَيْهِ (1) ثُمَّ قَالَ سَلْمَانُ: عَلَّمْتَنِي هَذَا الْحِرْزَ فَقَالَتْ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرَ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ عَلِيٍّ نُورِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنْ النُّورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَتَعَلَّمْتُهُنَّ فَوَاللَّهِ لَقَدْ عَلَّمْتُهُنَّ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ نَفْسٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَكَّةَ مِمَّنْ بِهِمُ الْحَمَى فَكُلُّ بَرٍّ مِنْ مَرْضِيهِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. (2)

ترجمه:

عبد الله پسر سلمان فارسی از پدرش نقل می کند که گفت: ده روز پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله از منزل خود خارج شدم و علی بن ابی طالب علیه السلام پسر عموی پیامبر مرا دید و به من فرمود: ای سلمان! تو بعد از پیامبر خدا بر ما جفا کردی.

گفتم: حیب من ای ابو الحسن! به مثل شمایی کسی جفا نمی کند الا این که حزن و اندوه من بر رسول الله صلی الله علیه و آله شدید بود و آن مانع زیارت شما شد.

امیر مومنان علیه السلام فرمود: ای سلمان! بیا به منزل فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله زیرا او به

1- و فی روایه أخرى: «إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَ هُوَ عِنْدَكَ رَاضٍ غَيْرِ غَضْبَانَ، وَ لَا تَضُرُّكَ وَسْوَسهُ الشَّيْطَانِ مَا دُمْتَ فَوَاطِبُ عَلَيْهِ. ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 297.

2- ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 297؛ مهج الدعوات، سید ابن طاووس، ص 6؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 66. و به همین مضمون: خرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج 2، ص 533؛ دلائل الامامه، طبری، ص 107.

زیارت تو اشتیاق دارد و می خواهد از تحفه ای که از بهشت برایش آورده اند به تو بدهد. گفتم: آیا بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله برای او از بهشت تحفه ای رسیده است؟ فرمود: آری، دیروز [تحفه ای از بهشت برای او آورده اند].

سلمان می گوید: من شتابان به سوی خانه حضرت فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله حرکت کردم، [پس از ورودم به خانه] دیدم که فاطمه علیها السلام نشسته و یک قطعه عبا بر روی اوست وقتی چشم وی به من افتاد آن عبا را به سرش کشید و گفت: ای سلمان! تو بعد از رحلت پدرم به من جفا کردی.

گفتم: ای حبیبه من! آیا من به شما جفا کنم؟ فاطمه علیها السلام فرمود: بنشین و در باره آنچه که به تو می گویم خوب بیندیش. من دیروز در همین مکان نشسته بودم و در خانه بسته بود و در باره انقطاع وحی از ما و اینکه فرشتگان دیگر در این خانه رفت و آمد نمی کنند فکر می کردم که ناگاه در خانه باز شد بدون این که کسی آن را باز کند. سه جاریه وارد شدند که کسی به نیکویی و زیبایی و شادابی صورتشان ندیده است و خوشبوتر از بوی آنها نبویده است. وقتی چشمم به آنها افتاد برخاستم و به سویشان رفتم و گفتم: آیا از اهل مکه هستید یا از اهل مدینه؟ گفتند: ای دختر محمد! ما نه از اهل مکه ایم و نه از اهل مدینه و نه از اهل زمین. ما جاریه هایی از حور العین از بهشت هستیم که پروردگار عزیز ما را پیش تو فرستاده است زیرا ما [بهشتیان] شوق دیدار شما را داریم.

[فاطمه علیها السلام گفت:] من به یکی از آنها که فکر می کردم به لحاظ سن بزرگتر است گفتم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: برای چه این نام را برای تو گذارده اند؟ گفت: [زیرا] من برای مقداد بن اسود کنندی صاحب رسول خدا آفریده شده ام.

سپس به دومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من ذره است. گفتم: برای چه تو را ذره نام نهاده اند؟ و حال آن که تو در چشم من عظیم و شریفی گفت: [زیرا] من برای ابو ذر صاحب رسول خدا آفریده شده ام.

به سومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من سلمی است. گفتم: چرا تو را به این نام می خوانند؟ گفت: من برای سلمان فارسی.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: [آن سه حوریّه] خرمایی کبود رنگ به من دادند مانند خشکه نان بزرگ [نانی که از آرد گندم خالص درست می شود و در آن شکر و بادام یا پسته می ریزند] سفیدتر از برف و خوشبوتر از مشک اذفر [مشک عالی با بوی شدید]. حضرت فاطمه علیها السلام آن خرما را برای من حاضر کرد و به من فرمود: ای سلمان! امشب با این خرما افطار کن و فردا هسته آن را نزد من بیاور. سلمان می گوید: خرما را گرفتم [و از خانه فاطمه علیها السلام خارج شدم] از هیچ جمعی از اصحاب رسول خدا نگذشتم الا این که گفتند: ای سلمان! آیا مُشک به همراه داری؟ و من می گفتم: آری.

هنگامی که وقت افطار شد با آن خرما افطار کردم ولی هسته ای در میان آن ندیدم، پس روز بعد نزد دختر پیامبر خدا رفتم و به او عرض کردم: من با آنچه به من تحفه دادی افطار کردم ولی هسته ای برایش نیافتم. فرمود: ای سلمان! چنین خرمایی نباید هسته داشته باشد زیرا خرمایی است که خداوند آن را در بهشت کاشته است با کلامی که پدرم محمد صلی الله علیه و آله به من تعلیم نمود و من هر صبح و شام آن را می خواندم.

سلمان گفت: آن کلام را به من یاد بده ای بانوی من!

حضرت علیها السلام فرمود: اگر دوست داری مادامی که در دنیا زندگی می کنی دچار تب نشوی بر خواندن این دعا مواظبت کن.

سپس سلمان گفت: فاطمه علیها السلام این حرز را به من آموخت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ التَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ تَوْرَ عَلِي نُوْرٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ التَّوْرَ مِنَ التَّوْرِ، وَأَنْزَلَ التَّوْرَ عَلَى الطُّوْرِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُوْرٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُوْرٍ، بِقَدْرِ مَقْدُوْرٍ، عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُوْرٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ، وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

سلمان می گوید: من این دعا را فراگرفتم و به خدا قسم به بیش از هزار نفر از اهالی مدینه و مکه که دچار تب شده بودند تعلیم دادم و همه آنها به اذن خدا از تب نجات یافتند. (1)

1- منابعی که تنها اصل دعای نور را ذکر کرده اند بدون نقل حکایت عبارتند از: دعوات، راوندی، ص 208؛ مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی ص 418؛ مصباح، کفعمی، ص 85؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 91، ص 196 و..

فصل ششم: فاطمه زهرا عليها السلام و اذکار

منقبت پنجاه و دوم: تسیحات حضرت زهرا عليها السلام محبوبتر از هزار رکعت نماز

عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رُكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ». (1)

ترجمه:

ابی خالد قَمَاط گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: تسبیح فاطمه عليها السلام در هر روز به دنبال هر نمازی، برای من از هزار رکعت نماز در هر روز محبوب تر است. (2)

1- کافی، شیخ کلینی، ج 3، ص 343؛ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 2، ص 105؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 443 و ص 444؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 82، ص 331 و ص 332.

2- همچنین: امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»؛ هر کس بعد از نماز واجب، پیش از آنکه پاهای خود را جفت کند (قبل از به هم خوردن حالت جلوس تشهد و سلام)، تسبیح فاطمه زهرا عليها السلام بگوید، خداوند او را می آمرزد. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 1، ص 320؛ مکارم الأخلاق، شیخ طبرسی، ص 280؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 440. و همچنین: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الْمِائَةَ مَرَّةً وَاتَّبَعَهَا بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ مَرَّةً غُفِرَ لَهُ»؛ کافی، شیخ کلینی، ج 3، ص 342؛ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 2، ص 105؛ مکارم الأخلاق، شیخ طبرسی، ص 301؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 440؛ و باختلاف کم: محاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج 1، ص 36. و همچنین: «عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ أَلَا أَحَدٌ نَكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ. إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي وَكَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ إِنَّهَا سَمِعَتْ بِالْقُرْبِ حَتَّى أَثَرُ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَّتْ يَدُهَا وَكَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا وَأَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابَهَا فَاصْبَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرَّرَ شَدِيدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرًّا مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ. فَآتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حُدَاثًا فَاسْتَحْتَتْ وَانْصَرَفَتْ قَالَ فَعَلِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهَا جَاءَتْ لِحَاجَةٍ قَالَ فَعَدَا عَلَيْنَا وَنَحْنُ فِي لِفَاعِنَا فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْلِفَاعِ فَسَكَتْنَا وَاسْتَحْيَيْنَا لِمَكَانِنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَحَشِينَا إِنْ لَمْ تَرُدَّ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَقَدْ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ يُسَلِّمُ ثَلَاثًا فَإِنْ أُذِنَ لَهُ وَإِلَّا انْصَرَفَ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْ فَلَمْ يَعُدْ أَنْ جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ أَمْسَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَحَشِيْتُ إِنْ لَمْ نُجِبْهُ أَنْ يَقُومَ قَالَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي فَقُلْتُ أَنَا وَاللَّهِ أُخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا سَمِعَتْ بِالْقُرْبِ حَتَّى أَثَرُ فِي صَدْرِهَا وَجَرَّتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَاهَا وَكَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا وَأَوْقَدَتِ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابَهَا فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ حَرًّا مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ قَالَ أَفَلَا أَعَلَّمَكُمَا مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنَ الْخَادِمِ إِذَا أَحَدْتُمَا مَنَامَكُمَا فَسَبَّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ قَالَ فَأَخْرَجَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَأْسَهَا فَقَالَتْ رَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَرَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَرَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». حضرت علی علیه السلام به مردی از قبیله بنی سعد فرمود: خبر بدهم تو را از خود و از فاطمه؟ او نزد من بود و حال آنکه محبوب ترین افراد نزد اهلس بود، با مشک آنقدر آب کشید تا اثر آن در سینه اش ماند و آنقدر با آسیا گندم و جو آرد نمود تا دستهایش پینه بست و به قدری خانه را روفت تا لباسهایش غبار آلود گشت و به اندازه ای آتش

زیر دیگ افروخت تا جامه اش از دود سیاه گردید لذا از ناحیه این امور ضرر شدید و چشمگیری به آن مخدّره رسید. به آن بانو پیشنهاد کردم نزد پدرش بروم و از حضرتش درخواست خادمی کند که نیازمندی هایش را بر طرف نماید و بدین ترتیب از این اعمال و کارها برکنار بماند. فاطمه علیها السلام نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله رفت تا خواسته اش را به عرض آن حضرت برساند. محضر پیامبر صلی الله علیه و آله که رسید جماعتی را در خدمت آن سرور دید از بازگو نمودن حاجتش حیا نمود و بدون این که اظهاری کند بازگشت. نبی اکرم صلی الله علیه و آله دانستند که فاطمه علیها السلام حاجتی داشت. سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: فردا صبح رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خانه ما آمدند، حضرت با صدای بلند فرمود: سلام بر شما. ما ساکت مانده حیا نمودیم. سپس فرمود: سلام بر شما، باز ما ساکت ماندیم، برای مرتبه سوّم فرمود: سلام بر شما، ما ترسیدیم اگر جواب ندهیم حضرت برگردند و این در حالی بود که حضرتش سه بار سلام کرده بودند لا جرم اگر اذن به آن حضرت داده نمی شد برمی گشتند. از این رو عرض کردم: وعلیک السلام یا رسول الله داخل شوید، پس آن سرور بالای سر ما نشستند، بعد فرمود: ای فاطمه: دیروز چه حاجتی داشتی؟ امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: ترسیدم اگر پاسخ ندهم آن حضرت بایستند و بروند لذا عرضه داشتیم: یا رسول الله، من خبر خواهم داد، فاطمه علیها السلام آن قدر با مَشک آب کشیده که اثر آن روی سینه اش مانده و به قدری دست به آسیا کشیده که دستهایش پینه بسته و به اندازه ای خانه جاروب کرده که لباسهایش غبار آلود گردیده و به واسطه کثرت افروختن آتش زیر دیگ جامه هایش از دود سیاه گردیده است لذا من به او پیشنهاد کردم نزد پدر بروم و از آن حضرت خادمی که تو را کفایت کند طلب نما تا به این اعمال مبادرت نوری. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا چیزی را که از خادم برای شما بهتر است به شما یاد بدهم؟ هر گاه خواستید بخواید سی و سه مرتبه تسبیح و سی و سه بار تحمید و سی و چهار بار تکبیر بگویید. حضرت فاطمه علیها السلام گفتند: از خدا و رسولش راضی شدم این عبارت را سه دفعه تکرار کردند. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 2، ص 366؛ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج 1، ص 320؛ مکارم الأخلاق، شیخ طبرسی، ص 280؛ وافی، فیض کاشانی، ج 9، ص 1579؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 82. و به همین مضمون در منابع اهل تسنن: سنن أبی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، ج 2، ص 489؛ تذکره الحمدونیه، ابن حمدون، ج 8، ص 87 (اجمالی از حدیث را آورده)؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 50؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 15، ص 508. در بعضی از نقل ها پس از ذکر این حکایت نوشته اند در آخر حضرت علی علیه السلام فرمودند: «فَوَ اللَّهُ مَا تَرَكْتَهُنَّ مُنْذُ عَلَّمْنِيَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْكُوَّاءِ [قيل له] وَ لَا لَيْلَهُ صِفِّينَ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَتَلَكُمُ اللَّهُ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نَعَمَ وَ لَا لَيْلَهُ صِفِّينَ»؛ به ذات خدا سوگند از آن وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به من تعلیم داده ترک نکرده ام. ابن کوّاء [و در بعضی روایات شخصی] گفت که: در شب صفّین هم ترک نکردی؟ امیر مومنان علیه السلام فرمود: خدا بکشد شما را ای اهل عراق، آری، شب صفّین هم ترک نکردم. غارات، ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، ج 2، ص 739. منابع اهل تسنن: طبقات الکبری، ابن سعد، ج 8، ص 25؛ مسند احمد، احمد بن حنبل، ج 1، ص 106؛ الدعاء، طبرانی، ص 93؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 105؛ ریاض النضره، محب طبری، ج 3، ص 216؛ مطالب السؤول، محمد بن طلحه شافعی، ص 45؛ الترغیب و الترهیب، عبد العظیم منذری، ج 2، ص 452؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج 10، ص 100؛ فتح الباری، ابن حجر، ج 11، ص 101؛ جواهر المطالب، باعونی شافعی، ج 1، ص 282؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 48؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 15، ص 506. «قد روينا فيما ختم به هذا المملوك عمله عند المنام من تسبيح الزهراء فاطمه ما تزويه عن جدّي أبو [أبي] جعفر الطوسي عن علي بن أبي جدي عن محمد بن الحسن بن الوليد عن الشيخ جعفر بن سليمان فيما رواه في كتابه كتاب ثواب الأعمال قال: وقال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أوى أحدكم إلى فراشه ابتدره ملك كريم و شيطان مرید فيقول له الملك اختم يومك بخير و افتح ليلك بخير و يقول له الشيطان اختم يومك بإثم و افتح ليلك بإثم قال فإن أطاع الملك الكريم و ختم يومه بذكر الله و فتح ليله بذكر الله إذا أخذ مصدجعه و كبر الله أربعا و ثلاثين مره و سبح الله ثلاثا و ثلاثين مره و حمد الله ثلاثا و ثلاثين مره زجر الملك الشيطان عنه فتنتحى و كلاه الملك حتى ينتبه من رقده فإذا انتبه ابتدره شيطانه فقال له مثل مقالته قبل أن يرقد و يقول له الملك مثل ما قال له قبل أن يرقد فإن ذكر الله عز و جل العبد

بِمِثْلِ مَا ذَكَرَهُ أَوْلَا طَرَدَ الْمَلَكُ شَيْطَانَهُ عَنْهُ فَتَنَحَّى وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ قُنُوتَ لَيْلِهِ.» امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی به رختخواب می روید، یک فرشته بزرگوار و یک شیطان ناپاک و سرکش و شروری با شتاب به سویتان می آیند، فرشته می گوید: روز خویش را با عمل خیر ختم کن، و شب خود را با عمل خوب آغاز نما، و شیطان می گوید: روز خود را با گناه ختم کن، و شب خود را با گناه آغاز کن. و افزود: اگر شخص از فرشته اطاعت کند و روز خود را با یاد خدا به پایان برد و وقتی وارد جایی که می خواهد بخوابد شد، شب خود را با یاد خدا آغاز نماید و سی و چهار بار تکبیر، و سی و سه بار تسبیح، و سی و سه بار حمد خدا را بگوید، فرشته، شیطان را از او دور می راند، و شیطان دور می شود، و تا هنگام بیدار شدن از خواب، آن فرشته از او نگاهداری می کند. و وقتی بیدار شد، شیطان با شتاب به پیش آمده و مشابه سخنی را که پیش از خواب به وی گفت می گوید و فرشته نیز مانند همان سخنی که پیش از خوابیدن به وی گفت می گوید؛ اگر بنده به همان صورتی که نخست خدا را یاد کرد، خداوند را یاد کند، فرشته، شیطان را از او دور می راند و شیطان به دور می رود و خداوند در برابر این عمل، عبادت یک شب را برای او می نویسد. فلاح السائل، سید ابن طاووس، ص 279؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 73، ص 209.

منقبت پنجاه و سوم: تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام افضل عبادت ها

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنْ التَّمَجِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (1).

ترجمه:

امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به تمجیدی برتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام پرستش نشده است و اگر چیزی بالاتر از آن وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به فاطمه علیها السلام هدیه می داد. (2)

1- کافی، شیخ کلینی، ج 3، ص 343؛ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 2، ص 105؛ عوالی اللئالی، احسانی، ج 1، ص 333؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 443؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 64.

2- همچنین: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا)»؛ امام صادق علیه السلام فرمود: تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ذکر کثیر است که خدای عز و جل فرموده است: «خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار». کافی، شیخ کلینی، ج 2، ص 500؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 441؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 4، ص 474. و همچنین: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ)»؛ امام باقر علیه السلام فرمود: تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام ذکر کثیر خدا است [گوینده این تسبیحات در زمره کسانی است که خدا را زیاد یاد کرده است] و آن همان گفتار خدای تعالی است که می فرماید: مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم. معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 194؛ تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، ج 1، ص 67؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 1، ص 356؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 90، ص 155. و همچنین: «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ (اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا) مَا حَدُّهُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَتُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَتُحَمِّدَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً وَبِالنَّهَارِ مَرَّةً فَقَدْ ذَكَرْتَ اللَّهَ كَثِيرًا.»؛ اسماعیل بن عمار گوید که از امام صادق علیه السلام از آیه: «خدا را زیاد یاد کنید» سوال کردم که حد آن چیست؟ [یعنی چقدر ذکر بگویم تا خدا را زیاد یاد کرده باشیم؟] حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله این اذکار [یعنی] سی و چهار مرتبه تکبیر و سی و سه مرتبه تسبیح و سی و سه مرتبه تحمید [الحمد لله] را به حضرت زهرا علیها السلام تعلیم نمود پس هنگامی که این تسبیحات را یک مرتبه در شب و یک مرتبه در روز بگویی به تحقیق که خداوند را بسیار یاد نموده ای. تأویل الآیات، استر آبادی، ج 2، ص 454؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 4، ص 476؛ تفسیر کنز الدقائق، محمد قمی مشهدی، ج 10، ص 404. و همچنین: امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفْرَ لَهُ وَهَيَّ مِرَاءَهُ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَتَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَتُرْضِي الرَّحْمَانَ»؛ هر کس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید و بعد از آن استغفار نماید، بخشیده می شود و این ذکر در زبان صد است اما در میزان، هزار به حساب می آید. و شیطان را دور می کند و خدا را راضی می نماید. «ثواب الأعمال، شیخ صدوق، ص 163؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 6، ص 442؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 82، ص 332.

فصل هفتم: فاطمة زهرا عليها السلام و اعمال

منقبت پنجاه و چهارم: الحاق به خاتم انبيا صلى الله عليه و آله در بهشت با صلوات بر فاطمة زهرا عليها السلام

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَتْ: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَا فَاطِمَةُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ الْحَقُّ بِي حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْجَنَّةِ». (1)

ترجمه:

از حضرت زهرا عليها السلام روایت شده که فرمودند: پدرم رسول خدا به من فرمودند: ای فاطمه! کسی که بر تو صلوات بفرستد خدا او را می آمرزد و در هر جای بهشت که باشم وی را به من ملحق می نماید.

1- کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 100؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 97، ص 194 و ج 43، ص 55.

منقبت پنجاه و پنجم: وجوب بهشت با سه روز سلام بر فاطمه زهرا علیها السلام

عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَبَدَأَتْنِي بِالسَّلَامِ ثُمَّ قَالَتْ: مَا غَدَا بِكَ؟ قُلْتُ: طَلَبُ الْبِرْكَهِ قَالَتْ: أَخْبِرْنِي أَبِي وَهُوَ ذَا هُوَ أَنَّهُ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ وَعَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَحَيَاتِكَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ وَبَعْدَ مَوْتِنَا».

(1)

ترجمه:

یزید بن عبد الملک از پدرش، از جدش روایت کرده است که گفت: من بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدم، او در سلام، پیش دستی کرد و فرمود: چه چیزی تو را به اینجا آورده است؟ گفتم: طلب برکت.

آن حضرت فرمود: پدرم - که صاحب چنان عظمتی است - به من خبر داد که هر کس بر او [رسول خدا صلی الله علیه و آله] و بر من سه روز سلام دهد خداوند بهشت را بر او واجب سازد.

1- تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج 6، ص 9؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 139 - 140؛ مزار، محمد بن جعفر مشهدی، ص 35؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 14، ص 367؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 97، ص 194.

گفتم: در زمان حیات او و شما؟ فرمود: بله [در زمان حیات ما] و بعد از وفات ما. (1)

1- همچنین: عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ النُّوفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: فَبَدَأْتُنِي بِالسَّلَامِ قَالَ وَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: قَالَ أَبِي وَهُوَ ذَا هُوَ: مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَ عَلَيْكَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. قُلْتُ لَهَا: ذَا فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ مَوْتِكَ؟ قَالَتْ: فِي حَيَاتِنَا وَ بَعْدَ وَفَاتِنَا.» يزيد بن عبد الملک از پدرش، از جدش روایت کرده است که گفت: من بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدم، او در سلام پیش دستی کرد. سپس فرمود: پدرم - که صاحب چنان عظمتی است - به من فرمود: دخترم هر کس بر من و بر تو سه روز سلام دهد خداوند بهشت را بر او واجب سازد. گفتم: در زمان حیات او و شما و یا پس از موت او و شما؟ فرمود: بله در زمان حیات ما و بعد از وفات ما. منبع اهل تسنن: مناقب أهل البيت، ابن مغازلی، ص 426.

منقبت پنجاه و ششم: فضیلت طواف از جانب فاطمه زهرا علیها السلام

«أَبُو عَلِيٍّ الْأَشَدُّ عَرِيٌّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَطُوفَ عَنْكَ وَعَنْ أَبِيكَ فَقِيلَ لِي إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ لَا يُطَافُ عَنْهُمْ. فَقَالَ لِي: بَلْ طُفْ مَا أَمَكَنَّكَ فَإِنَّهُ جَائِزٌ.»

ثُمَّ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سِنِينَ إِنِّي كُنْتُ اسْتَأْذَنْتُكَ فِي الطَّوَافِ عَنْكَ وَعَنْ أَبِيكَ فَأَذِنْتَ لِي فِي ذَلِكَ فَطُفْتُ عَنْكُمَا مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَعَمِلْتُ بِهِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا هُوَ؟ قُلْتُ طُفْتُ يَوْمًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثَلَاثَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ الْيَوْمَ الثَّانِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ طُفْتُ الْيَوْمَ الثَّلَاثِ عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالرَّابِعِ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْخَامِسَ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسَّادِسَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْيَوْمَ السَّابِعَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْيَوْمَ الثَّامِنَ عَنْ أَبِيكَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْيَوْمَ التَّاسِعَ عَنْ أَبِيكَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْيَوْمَ الْعَاشِرَ عَنْكَ يَا سَيِّدِي. وَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَدِينُ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ فَقَالَ إِذْنٌ وَاللَّهِ تَدِينُ اللَّهُ بِالَّذِينَ الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَهُ. قُلْتُ: وَرُبَّمَا طُفْتُ عَنْ أُمَّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَرُبَّمَا لَمْ أُطِفْ. فَقَالَ: اسْتَكْبَرْتُ مِنْ هَذَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ عَامِلُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)

1- کافی، شیخ کلینی، ج4، ص314؛ تهذیب الأحكام، شیخ طوسی، ج5، ص450؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج11، ص201؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج50، ص102.

موسی بن قاسم گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: من می خواستم به نیابت از شما و نیابت از پدرت ابو الحسن الرضا علیه السلام طواف کنم. مردم گفتند که اوصیا نیازی به طواف ندارند. آیا درست است؟ ابو جعفر علیه السلام گفت: نه، هر چند که ممکن باشد به نیابت از اوصیا طواف کن که نیابت از اوصیا جایز است.

چند سال بعد به امام جواد علیه السلام گفتم: من سه سال پیش از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و پدرت ابو الحسن علیه السلام طواف کنم و مدتها طواف کردم. بعد، فکری در خاطرم گذشت که به آن عمل کردم. حضرت علیه السلام فرمود: چه فکری؟

من گفتم: یک روز به نیابت از رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف کردم. حضرت علیه السلام بلافاصله فرمود: «صلوات خدا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله باد» و این را سه مرتبه فرمود. گفتم: روز دوم به نیابت از امیر المؤمنین علیه السلام طواف کردم و روز سوم به نیابت از امام حسن مجتبی علیه السلام و روز چهارم به نیابت از سید الشهداء علیه السلام و روز پنجم به نیابت از علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام و روز ششم به نیابت از ابو جعفر محمد بن علی امام باقر علیه السلام و روز هفتم به نیابت از ابو عبد الله امام صادق علیه السلام و روز هشتم به نیابت از جدت موسی بن جعفر علیه السلام و روز نهم به نیابت از پدرت علی بن موسی علیه السلام و روز دهم به نیابت از طرف شما، ای سرور من این اوصیا همان رهبرانی هستند که من با ولایت آنان خدا را بندگی می کنم.

ابو جعفر علیه السلام فرمود: در این صورت خدا را با دین و آئینی بندگی می کنی که خداوند، غیر آن را نمی پذیرد.

من گفتم: گاه می شود که به نیابت از طرف مادرت فاطمه علیها السلام طواف می کنم و گاه می شود که طواف نمی کنم.

حضرت علیه السلام فرمود: هر چه بیشتر به نیابت از مادرم فاطمه علیها السلام طواف کن که این طواف، افضل است از هر آنچه تو انجام می دهی إن شاء الله.

بخش دهم: فاطمه زهرا عليها السلام در عوالم تکوینی

اشاره

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام در عالم ارواح

فصل دوم: فاطمه زهرا عليها السلام در آسمان ها و زمین

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام در عالم ارواح

منقبت پنجاه و هفتم: فاطمه زهرا عليها السلام روح القدس

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا) (1) وَالْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ». (2)

ترجمه:

از امام صادق عليه السلام روایت شده است که در مورد قول خدای تعالی: (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا) [و در این شب فرشتگان و روح نازل می شوند] فرمود: فرشتگان یعنی مؤمنانی که از علم آل محمد صلی الله علیه و آله ب-ه-ره م-ند هست-ند و روح ال-ق-دس ف-اطم-ه-ه-را عليها السلام است. (3)

1-القدر: 4.

2-تفسیر فرات، فرات کوفی، ص 581.

3-همچنین: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: «[قال الصادق عليه السلام]... وَأَمَّا قَوْلُهُ: (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ قَوْلُهُ: (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا) وَالْمَلَائِكَةُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (وَالرُّوحُ)، رُوحُ الْقُدُسِ وَ هُوَ فِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ) يَقُولُ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مَسَلَّمَةٌ (حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ) يَعْنِي حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ»؛ زراره گوید: [امام صادق عليه السلام فرمود:] اما آیه: (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) یعنی فاطمه زهرا عليها السلام. و آیه: (تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا) ملائکه در اینجا مؤمنین هستند که دارای علم آل محمدند و روح عبارت از روح القدس است که او در فاطمه عليها السلام است (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ) می فرماید: از هر امری در سلامت هستند (حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ) تا وقتی که قائم آل محمد قیام کند. تأویل الآيات، أستر آبادی، ج 2، ص 818؛ البرهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 714؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 25، ص 97.

فصل دؤم: فاطمة زهرا عليها السلام در آسمان ها و زمين

منقبت پنجاه و هشتم: خلقت آسمان و زمين و روشنايي آن ها از پرتو نور فاطمي عليها السلام

ذَكَرَهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مِصْبَاحِ الْأَنْوَارِ قَالَ: فِي حَدِيثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَمَّةِ الْعَبَّاسِ:

«... لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَنَا تَكَلَّمَ كَلِمَةً خَلَقَ مِنْهَا نُورًا ثُمَّ تَكَلَّمَ كَلِمَةً أُخْرَى فَخَلَقَ مِنْهَا رُوحًا ثُمَّ مَزَجَ الثُّورَ بِالرُّوحِ فَخَلَقَنِي وَخَلَقَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ فَكُنَّا نَسَبُوحُهُ حِينَ لَا تَسْبِيحَ وَنُقُدُّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِيسَ فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُشْرِيَ الصَّنْعَةَ فَتَقَّ نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ فَالْعَرْشُ مِنْ نُورِي وَنُورِي مِنَ نُورِ اللَّهِ وَنُورِي أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ أَخِي عَلِيٍّ فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ فَالْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورِ عَلِيٍّ وَنُورِ عَلِيٍّ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَعَلِيٌّ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ثُمَّ فَتَقَّ نُورَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَالسَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَنُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَابْنَتِي فَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»

ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ الظُّلُمَاتِ أَنْ تَمُرَّ عَلَى سَحَابِ الْقَطْرِ فَأَظْلَمَتِ السَّمَاوَاتُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّقْدِيسِ وَقَالَتْ: إِلَهِنَا وَسَيِّدَنَا مُنذُ خَلَقْتَنَا وَعَرَفْتَنَا هَذِهِ الْأَشْبَاحُ لَمْ تَرِ بُؤْسًا فَيَحَقُّ هَذِهِ الْأَشْبَاحُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ عَنَّا هَذِهِ الظُّلْمَةَ فَأَخْرَجَ اللَّهُ

مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ فَنَادِيَلْ فَعَلَّقَهَا فِي بَطْنِ الْعَرْشِ فَأَزْهَرَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ثُمَّ أَشْرَقَتْ بِنُورِهَا فَلَأَجَلِ ذَلِكَ سُدَّ مِيتَ الزَّهْرَاءِ فَقَالَتْ الْمَلَائِكَةُ: إِلَهِنَا وَسَيِّدُنَا لِمَنْ هَذَا النُّورُ الزَّاهِرُ الَّذِي قَدْ أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا: هَذَا نُورٌ اخْتَرَعْتَهُ مِنْ نُورِ جَلَالِي لِأُمَّتِي فَاطِمَةَ ابْنَةَ حَبِيبِي وَرَوْجِهِ وَلِيِّي وَأَخِي نَبِيِّي وَأَبِي حُجَّجِي عَلَى عِبَادِي أَشَدَّ هِدْكُمْ مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ وَتَقْدِيسِكُمْ لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَشِعْبَتِهَا وَمُحِبِّهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

ترجمه:

در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به عمومیشان عباس است که فرمودند:

وقتی که خداوند متعال اراده کرد ما را خلق کند کلمه ای فرمود و خلق کرد از آن کلمه، نوری سپس کلمه ای دیگر تکلم فرمود و از آن کلمه، روحی را خلق کرد، سپس نور را با روح آمیخت و مرا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خلق نمود.

ما خداوند را تسبیح و تقدیس می کردیم آن هنگام که تسبیح و تقدیسی نبود. پس هنگامی که خداوند خواست جهان را بیافریند نور مرا شکافت و از آن عرش را بیافرید؛ پس عرش از نور من است و نور من از نور خدا است و نور من برتر از عرش است.

آنگاه نور برادرم علی علیه السلام را شکافت و از آن [نور] فرشتگان را آفرید؛ پس فرشتگان از نور علی علیه السلام هستند و نور علی علیه السلام از نور خداست و علی علیه السلام برتر از ملائکه است.

آن گاه نور دخترم فاطمه علیها السلام را شکافت و از آن آسمان ها و زمین را بیافرید؛ پس آسمان ها و زمین از نور دخترم فاطمه علیها السلام است و نور دخترم فاطمه علیها السلام از نور خداست و دخترم فاطمه علیها السلام والاتر از آسمان ها و زمین است.

1- تأویل الآیات، استرآبادی، ج 1، ص 137-139 (استرآبادی از کتاب مصباح الأنوار شیخ طوسی نقل نموده)؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 2، ص 125-127؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 4، ص 296-297 و ج 1، ص 42-44؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 82-84؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 3، ص 464-466.

... سپس خداوند به تاریکی ها امر کرد که بر روی ابرهای باران قرار گیرند پس آسمانها بر ملائکه تیره شد. ملائکه با تسبیح و تقدیس ضجه زدند و گفتند: ای معبود و سرور ما! از وقتی ما را آفریدی و این اشباح را به ما شناساندی چیز بدی مشاهده نکردیم. تو را به حق این اشباح سوگند می دهیم که این تاریکی را از ما برطرف فرما. در این موقع خداوند از نور دخترم فاطمه قنديل هايي خارج نمود و بر وسط عرش آویخت پس [آن قنديلها] آسمانها و زمین را روشن کرد و [آسمانها و زمین] به نور آن [قنديلها] تابان گشت و به این دلیل او «زهره» نامیده شد.

ملائکه گفتند: ای معبود و سرور ما! این نور تابان که آسمانها و زمین به آن روشن است از کیست؟

خداوند به آنها وحی نمود: این نوری است که از نور جلالم اختراع کردم برای کنیزم فاطمه علیها السلام دختر حبیبم و همسر ولیم و برادر نبیم و پدر حجتهايم بر بندگانم. شما را - ای ملائکه من! - گواه می گیرم که ثواب تسبیح و تقدیستان را تا روز قیامت برای این زن و شیعه او و دوستان او قرار دادم. (1)

1 - همچنين: «رَوَاهُ ابْنُ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: ... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ نُورٍ عَظَمْتَهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْخَلْقَ بِالْفُئِيِّ عَامٍ، إِذْ لَا تَسْبِيحَ وَلَا تَقْدِيسَ، فَفَتَقَ نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَأَنَا وَاللَّهُ أَجَلُّ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. وَفَتَقَ نُورَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ وَالْكَرْسِيَّ وَعَلِيٌّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ. وَفَتَقَ نُورَ الْحَسَنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ اللَّوْحَ وَالْقَلَمَ، وَالْحَسَنُ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ، وَفَتَقَ نُورَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَخَلَقَ مِنْهُ الْجِنَانَ وَالْحُورَ الْعَيْنِ، وَالْحُسَيْنُ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْجِنَانِ وَالْحُورِ الْعَيْنِ. فَأَظْلَمَتِ الْمَشَارِقُ وَالْمَغَارِبُ، فَشَكَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَكْشِفَ عَنْهُمْ تِلْكَ الظُّلْمَةَ فَتَكَلَّمَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بِكَلِمَةٍ وَاحِدَةٍ، فَخَلَقَ مِنْ تِلْكَ الْكَلِمَةِ نُورًا وَرُوحًا فَأَصْدَفَ النُّورَ إِلَى تِلْكَ الرُّوحِ، فَأَقَامَهَا أَمَامَ الْعَرْشِ، فَزَهَرَتِ الْمَشَارِقُ وَالْمَغَارِبُ، فَهِيَ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ الرَّهْرَاءُ.»؛ ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که ایشان فرمود: بدان که خداوند دو هزار سال قبل از خلقت خلق، من و علی را از نور عظمتش خلق نمود در آن زمانی که نه تسبیحی بود و نه تقدیسی. پس نور مرا شکافت و از آن آسمانها و زمینها را خلق کرد و به خدا قسم که من برتر از آسمانها و زمین هستم. پس از آن نور علی علیه السلام را شکافت و از آن عرش و کرسی را خلق کرد و به خدا قسم که علی علیه السلام از عرش و کرسی خدا برتر است و سپس نور حسن علیه السلام را شکافت و لوح و قلم را خلق نمود و قسم به خدا که حسن علیه السلام افضل از لوح و قلم است. پس از آن نور حسین علیه السلام را شکافت و بهشت و حور العین را خلق کرد. به خدا قسم که حسین برتر از بهشت و حور العین است. [پس از خلقت مخلوقاتش] ظلمت، مشارق و مغارب عالم را فرا گرفت و ملائکه از آن ظلمت به خدا شکایت نمودند که آن ظلمت را بر طرف نماید. پس خدا به کلمه واحدی تکلم نمود و از آن کلمه، نور و روحی را خلق کرد و آن نور را به روح اضافه نمود و آن را جلوی عرشش آویزان نمود و در این هنگام، مشارق و مغارب عالم نورانی گشت و آن نور فاطمه زهرا علیها السلام بود پس به همین علت زهرا نامیده شد. روضه فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، شاذان بن جبرئیل قمی، ص 112؛ الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص 129؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 765؛ مدینه المعاجز، علامه بحرانی، ج 3، ص 220؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 146؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 40، ص 43. منبع اهل تسنن: دُر بحر المناقب، ابن حسنویه، ص 69 (به نقل از شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 5، ص 249-250).

منقبت پنجاه و نهم: فاطمه زهرا عليها السلام بلد امين

عَنْ إِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «(وَ التَّيْنِ) (1) الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ (وَ الزَّيْتُونِ) الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَ طُورِ سَيْنِينَ) أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ». (2)

ترجمه:

مراد به «تین» امام حسن علیه السلام است و از «زیتون» امام حسین علیه السلام که دو میوه دل مصطفی و مرتضی و فاطمه زهرا علیهم السلام بودند و از «طور سینین» امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و از «بلد امین» فاطمه زهرا علیها السلام. (3)

1- التین: 1-4.

2- تفسیر کبیر منهج الصادقین (فارسی)، ملا فتح الله کاشانی، ج 10، ص 289.

3- پیرامون کلمه مبارکه (الْبَلَدِ الْأَمِينِ) چهار تأویل در روایات ذکر گردیده است: تأویل اول: مکه: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: (وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ وَ طُورِ سَيْنِينَ وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) فَالتَّيْنُ الْمَدِينَةُ (وَ الزَّيْتُونُ) بَيْتُ الْمَقْدِسِ (وَ طُورُ سَيْنِينَ) الْكُوفَةُ (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) مَكَّةُ. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 57، ص 205. تأویل دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ) قَالَ: (التَّيْنِ) الْحَسَنُ وَ (الزَّيْتُونِ) الْحُسَيْنُ... وَ قَوْلُهُ (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) قَالَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ فضيل بن يسار گوید از امام کاظم علیه السلام از آیات سوره «تین» سوال نمودم و آن حضرت علیه السلام فرمود: «تین» امام حسن علیه السلام و «زیتون» امام حسین علیه السلام... و «بلد امین» رسول خدا صلی الله علیه و آله است. تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 578؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 108. و همچنین: «مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ) إِلَى آخِرِ السُّورَةِ. فَقَالَ: (التَّيْنُ وَ الزَّيْتُونُ) الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... قُلْتُ: (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) قَالَ: هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمِنَ النَّاسُ بِهِ إِذَا أَطَاعُوهُ. مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ مِنْ أُمَّةٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَفْسِيرِ سُورَةِ «تَيْن» سَوَّالٌ كَرَدَ. حضرت علیه السلام فرمود: «تین» امام حسن علیه السلام و «زیتون» امام حسین علیه السلام... «بلد امین» رسول خدا صلی الله علیه و آله است. که وقتی مردم از او اطاعت کنند در امانند. تأویل آیات، سید شرف الدین استرآبادی، ج 2، ص 814؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 693؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 106؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 14، ص 344. و همچنین: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ [تَعَالَى] (وَ التَّيْنِ وَ الزَّيْتُونِ) قَالَ: أَمَّا [التَّيْنُ] فَالْحَسَنُ [الْحَسَنُ] أَمَّا [الزَّيْتُونُ] فَالْحُسَيْنُ... فَقُلْتُ فَقَوْلُهُ (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) قَالَ: ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ سَبِيلُ أَمْنِ اللَّهِ بِهِ الْخَلْقُ فِي سَبِيلِهِمْ [سُبُلِهِمْ] وَ مِنَ النَّارِ إِذَا أَطَاعُوهُ. مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ مِنْ أُمَّةٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَفْسِيرِ سُورَةِ «تَيْن» سَوَّالٌ كَرَدَ. حضرت علیه السلام فرمود: «تین» امام حسن علیه السلام و «زیتون» امام حسین علیه السلام... و «بلد امین» رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر صلی الله علیه و آله راهی است که خداوند به وسیله ایشان مردم را در امان قرار داده و از آتش جهنم نجات بخشیده اگر از پیامبر اطاعت کنند. تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 578؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 108 منبع اهل تسنن: شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 2، ص 455 (با اختلاف کم). تأویل سوم: ائمه علیهم السلام: قَالَ (التَّيْنِ) رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (وَ الزَّيْتُونِ) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (وَ طُورِ سَيْنِينَ) الْحَسَنُ وَ

الْحُسَيْنُ (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ) الْأَيْمَةُ. تفسير قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج 2، ص 429؛ تفسير صافی، فیض کاشانی، ج 5، ص 346؛ بحار
الانوار، علامه مجلسی، ج 16، ص 90. تأویل چهارم: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چنان که در متن مندرج گردید.

بخش یازدهم: شمه ای از صفات و خصائص فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

فصل اول: محوریت معرفت به آن حضرت

فصل دوم: علم فاطمه زهرا علیها السلام

فصل سوم: قدرت

فصل چهارم: عصمت

فصل پنجم: طهارت

فصل ششم: حسن مطلق

فصل هفتم: صبر و تحمل سختی ها

فصل هشتم: صدق

فصل نهم: انفاق

فصل دهم: هدایت

فصل یازدهم: انذار

فصل دوازدهم: خصائص اسماء مبارکه آن حضرت علیها السلام

فصل اول: فاطمه زهرا عليها السلام و محوریت معرفت به آن حضرت

منقبت شصتم: معرفت فاطمه زهرا عليها السلام محور ادوار خلقت

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) أَمَّهَرَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رُبْعَ الدُّنْيَا، فَرُبِعُهَا لَهَا، وَ أَمَّهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ، تُدْخِلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِيَاءَهَا الْجَنَّةَ، وَ هِيَ الصَّديقَةُ الْكُبْرَى، وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى [الأول]». (1)

ترجمه:

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی مهریه حضرت فاطمه عليها السلام را ربع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد و مهریه او را بهشت و جهنم قرار داد، دشمنانش را داخل جهنم و دوستانش را داخل بهشت می گرداند و او صدیقه کبری است [بزرگترین صدیقه] و قرنهای نخستین بر محور معرفت او گردش نموده است.

1- امالی، شیخ طوسی، ص 668؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 105؛ ریاض الأبرار، سید نعمت الله جزائری، ج 1، ص 50.

فصل دوم: علم فاطمة زهرا عليها السلام

منقبت شصت و یکم: علم فاطمة زهرا عليها السلام به گذشته و آینده

رُوي عَنْ حَارِثَةَ بْنِ قُدَّامَةَ قَالَ حَدَّثَنِي سَلْمَانُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَمَّارٌ وَقَالَ: أَخْبِرَكَ عَجَبًا قُلْتُ: حَدَّثَنِي يَا عَمَّارُ قَالَ: نَعَمْ شَهِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَقَدْ وَلَجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَلَمَّا أَبْصَرَتْ بِهِ نَادَتْ: «إِذْنُ لِأُحَدِّثَكَ بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ وَبِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ. قَالَ عَمَّارٌ فَرَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَرْجِعُ الْقَهْقَرَى فَرَجَعْتُ بِرُجُوعِهِ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ...

قَالَ عَمَّارٌ فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَرَجْتُ بِخُرُوجِهِ فَوَلَجَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَوَلَجْتُ مَعَهُ. فَقَالَتْ: كَأَنَّكَ رَجَعْتَ إِلَى أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتَهُ بِمَا قُلْتَهُ لَكَ. قَالَ: كَانَ كَذَلِكَ يَا فَاطِمَةُ. فَقَالَتْ: إِعْلَمُ يَا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ نُورِي وَكَانَ يُسَبِّحُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَصْنَعَتْ فَلَمَّا دَخَلَ أَبِي الْجَنَّةَ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِلَهَامًا أَنْ اقْتِطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَادْرُهَا فِي لَهَوَاتِكَ فَفَعَلْتُ فَأَوْدَعَنِي اللَّهُ سُبْحَانَهُ صَدِّ لَبِ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَوْدَعَنِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ فَوَضَعْتَنِي وَأَنَا مِنْ ذَلِكَ النُّورِ. أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ وَ مَا لَمْ يَكُنْ.» (1)

1- عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، ص 46-47؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 43، ص 8.

از حارثه بن قدامه روایت شده که گفت: سلمان برایم روایت نمود و گفت:

[روزی] عمّار به من گفت: آیا می خواهی چیزی عجیبی را برایت نقل کنم؟ گفتم: برایم نقل کن ای عمار! گفت: آری، من شاهد بودم که [روزی] علی بن ابی طالب علیهما السلام بر فاطمه علیها السلام داخل شد، هنگامی که چشمان فاطمه علیها السلام بر او افتاد، گفت: نزدیک بیا تا به تو بگویم آنچه [در جهان هستی] بوده و آنچه نبوده و آنچه نخواهد شد تا روز قیامت آن هنگام که ساعت برپا شود!

عمّار گفت: در این حال دیدم که علی علیه السلام بازگشت، پس من هم به دنبال او بازگشتم تا اینکه به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید...

امیر مومنان علیه السلام از حضور پیامبر خارج گردید و من نیز با او خارج شدم. پس از آن حضرت علی علیه السلام به خانه اش داخل شد و من نیز با او داخل شدم؛ حضرت فاطمه علیها السلام به او عرض کرد: مثل اینکه نزد پدرم رفته بودی تا آنچه را که به تو گفته بودم برایش نقل کنی؟ امیر مومنان علیه السلام فرمود: چنین است ای فاطمه! فاطمه علیها السلام گفت: ای ابو الحسن! بدان که خدای تعالی نور مرا خلق کرد و او بلا فاصله مشغول تسبیح خداوند گردید، سپس آن نور را به صورت درختی نورانی در بهشت درآورد، هنگامی که پدرم در معراج داخل بهشت گردید خداوند تعالی به او وحی نمود تا از میوه های این درخت بخورد و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند مرا در صلب پدرم و سپس در بطن مادرم خدیجه علیها السلام دختر خویند قرار داد و من از وی متولد شدم؛ پس من از آن نورم. [یا علی! بدان] که نسبت به هر آنچه بوده و هست و خواهد بود عالم و آگاه هستم.

منقبت شصت و دوم: باز گرفتن از شیر، توأم با علم

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا وُلِدَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلَكٍ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَدَّ مَاهَا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ . ثُمَّ قَالَ: إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ مِنَ الطَّمْثِ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ بِالْعِلْمِ وَعَنِ الطَّمْثِ فِي الْمِيثَاقِ» (1)

ترجمه:

امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی فاطمه علیها السلام متولد شد، خدا به فرشته ای وحی کرد و به وسیله آن ملک، زبان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به سخن در آورد و آن حضرت، مولود را «فاطمه علیها السلام» نامید. سپس [خداوند] فرمود: من تو را با دانش [از دیگر زنان یا از جهل جدا کردم] و تو را از ناپاکی جدا نمودم. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم، خداوند او را در میثاق (عهد الست و عالم ذر) به علم و دانش جدا نمود و از ناپاکی برکنار داشت. (2)

1- کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 460؛ علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 179؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 91؛ مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان حلی، ص 172 و ص 218؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 242؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 13.

2- علامه مجلسی در توضیح روایت می فرماید: «فطمتک بالعلم أى أرضعتک بالعلم حتى استغنیت و فطمت أو قطعتک عن الجهل بسبب العلم أو جعلت فطامک من اللبن مقرونا بالعلم کنایه عن کونها فی بدو فطرتها عالمه بالعلوم الربانیه و على التقادیر کان الفاعل بمعنی المفعول کالدافع بمعنی المدفوق أو یقرأ على بناء التفعیل أى جعلتک قاطعه الناس من الجهل أو المعنی لما فطمها من الجهل فهی تقطم الناس منه و الوجهان الأخران یشکل إجراؤهما فی قوله فطمتک عن الطمّث إلا بتکلف بأن یجعل الطمّث کنایه عن الأخلاق و الأفعال الذمیمه أو یقال على الثالث لما فطمتک عن الأدناس الروحانیه و الجسمانیه فانت تقطم الناس عن الأدناس المعنویه.» «فطمتک بالعلم»؛ یعنی از هنگام شیرخوارگی تو را با علم و دانش قرین و همراه می دارم تا غنی شوی و یا اینکه جهل را از تو دور می دارم تا علم جایگزین آن شود و این کلام کنایه از آن است که فاطمه از بدو تولّدش عالم به علوم ربّانی بوده است. در مورد «فطمتک عن الطّمّث» ممکن است که با تکلف بتوانیم «طمّث» را کنایه از اخلاق و افعال پلید و مذموم بگیریم، یا اینکه بگوییم طمّث اعم از پلیدیهای روحانی و جسمانی است و از طرفی ممکن است در قرائت «فطمت» معنای مفعولی را در نظر بگیریم که در این صورت مفهوم آن این خواهد بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده باشد: تو را با علم قرین و از پلیدی دور داشتیم و یا ممکن است بنا را بر معنای تفعیلی بگذاریم که در این صورت مفهوم جمله این است که: تو را چنان قرار دادم که مردم را از جهل و پلیدیهای روحانی و معنوی بر حذر داری. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 13.

منقبت شصت و سوم: مصحف فاطمة زهرا عليها السلام

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بصيرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ مُصْحَفِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَقَالَ: أَنْزَلَ عَلَيْهَا بَعْدَ مَوْتِ أَبِيهَا. فَقُلْتُ: فَبِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَا فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَصِفْهُ لِي. قَالَ: لَهُ دَفْتَانِ مِنْ زَبْرَجَدَتَيْنِ عَلَى طُولِ الْوَرَقِ وَعَرْضِهِ حَمْرَاوَيْنِ. قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ صِفْ لِي وَرَقَهُ. قَالَ: وَرَقُهُ مِنْ دُرٍّ أبيض قِيلَ لَهُ: كُنْ فَكَانَ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَمَا فِيهِ؟ قَالَ: فِيهِ خَبْرٌ مَا كَانَ، وَخَبْرٌ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَفِيهِ خَبْرٌ سَمَاءِ سَمَاءٍ، وَعَدَدُ مَا فِي سَمَاءِ سَمَاءٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَغَيْرُ ذَلِكَ، وَعَدَدُ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مُرْسَلًا وَغَيْرَ مُرْسَلٍ، وَأَسْمَاءُؤُهُمْ، وَأَسْمَاءُ الَّذِينَ أُزْسِلُوا إِلَيْهِمْ، وَأَسْمَاءُ مَنْ كَذَّبَ وَمَنْ أَجَابَ مِنْهُمْ، وَفِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْكَافِرِينَ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَأَسْمَاءُ الْبُلْدَانِ، وَصِفَةُ كُلِّ بَلَدٍ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا، وَعَدَدُ مَا فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَعَدَدُ مَا فِيهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، وَصِفَةُ كُلِّ مَنْ كَذَّبَ، وَصِفَةُ الْقُرُونِ الْأُولَى وَفِصَصَهُمْ، وَمَنْ وُلِّيَ مِنَ الطَّوَاغِيتِ وَمُدَّةُ مُلْكِهِمْ وَعَدَدُهُمْ، وَفِيهِ أَسْمَاءُ الْأَيِّمَةِ وَصِفَتُهُمْ، وَمَا يَمْلِكُ وَاحِدًا وَاحِدًا، وَفِيهِ صِفَةُ كَرَاتِهِمْ، وَفِيهِ صِفَةُ جَمِيعِ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الْأَدْوَارِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَكَمْ الْأَدْوَارُ؟ قَالَ: خَمْسُونَ أَلْفَ عَامٍ، وَهِيَ سَبْعَةُ أَدْوَارٍ؛ وَفِيهِ أَسْمَاءُ جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَآجَالُهُمْ، وَصِدْقُهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُهَا، وَعَدَدُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ، وَأَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ وَأَسْمَاءُ هَؤُلَاءِ، وَفِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أَنْزَلَ، وَعِلْمُ التَّوْرَةِ كَمَا أَنْزَلَتْ، وَعِلْمُ الْإِنْجِيلِ، وَالزُّبُورِ، وَعَدَدُ كُلِّ شَجَرَةٍ وَمَدْرَةٍ فِي جَمِيعِ الْبِلَادِ.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُنَزِّلَهُ عَلَيْهَا، أَمَرَ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيُنزِلُوا بِهِ عَلَيْهَا، وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثَّلَاثِ الثَّانِي مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْهَا وَهِيَ قَائِمَةٌ تَصَلِّي، فَمَا زَالُوا قِيَامًا حَتَّى قَعَدَتْ، فَلَمَّا فَرَعَتْ مِنْ صَلَاتِهَا سَلَّمُوا عَلَيْهَا، وَقَالُوا لَهَا: السَّلَامُ يُقْرَبُكَ السَّلَامُ. وَوَضَعُوا الْمُصْحَفَ فِي حِجْرِهَا، فَقَالَتْ لَهُمْ: اللَّهُ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَيْكُمْ يَا رُسُلَ اللَّهِ السَّلَامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا زَالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُ، حَتَّى أَتَتْ عَلَى آخِرِهِ «(1)».

ترجمه:

از ابی بصیر روایت شده که گفت: از امام باقر علیه السلام در مورد مصحف فاطمه علیها السلام، سؤال کردم. حضرت علیه السلام فرمود: پس از رحلت پدرش بر او فرو فرستاده شد. گفتم: در آن چیزی از قرآن هست؟ فرمود: چیزی از قرآن در آن نیست.

گفتم: آن را برایم توصیف کنید. فرمود: برای آن دو جلد است که هر دو از زبرجد سرخ اند به قدر طول ورق و عرض آن. گفتم: فدایت شوم! ورق آن را برایم وصف کن.

حضرت علیه السلام فرمود: ورق آن از درّ سفید است که به آن گفته شد: باش، پس موجود شد. گفتم: فدایت شوم! محتوای آن مصحف چیست؟

ایشان فرمودند: اخبار تمام وقایع از ابتدا تا قیامت و اخبار تمام آسمان ها و هر آنچه

در آنهاست از ملائک و غیر ملائک و تعداد پیامبران مرسل و غیر مرسل که خدا آفریده است با نام آنها. و نام کسانی که پیامبران را تکذیب کردند و کسانی که پیامبران را پذیرفته اند. نام تمام مؤمنان و کافران از ابتدا تا انتها و نام تمام شهرها با صفت شهرها در مشرق و مغرب و تعداد مؤمنان و کافران با صفات کافران و امت های گذشته و داستان آنها و تعداد طاغوت هایی که حکومت می کنند و مقدار حکومتشان. نام های پیشوایان و صفات آنها و هر چه مالک می شوند و بزرگان اقوام و صفاتشان و هر چیزی که در ادوار مختلف آمده است.

گفتم: فدایت شوم! ادوار چندتاست؟ فرمود: پنجاه هزار سال و آن هفت دور است و در آن نام های همه مخلوقات خدا از اولین و آخرین و مدت عمر ایشان و صفت اهل بهشت و عدد کسانی که داخل آن می شوند، و عدد کسانی که داخل آتش می شوند و نام های این گروه و نام آن گروه آمده است. علم قرآن همچنانکه نازل شده و علم تورات همانطوری که نازل شده، و علم انجیل و زیور، و عدد هر درختی و خاک و کلوخی در تمام شهرها در آن نوشته شده است.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: چون خدای تعالی اراده فرمود که این مصحف را بر او نازل فرماید، به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل دستور داد که مصحف را با خود بردارند و بر او نازل شوند. آنها در ثلث دوم شب جمعه فرود آمدند، نزد او که برای نماز ایستاده بود، ایستادند. وقتی نماز حضرت زهرا علیها السلام تمام شد، به او سلام کردند و گفتند: خدایی که سلام است، تو را سلام می رساند و مصحف را در کنار او گذاردند.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: خداوند سلام است و از اوست سلام و بازگشت سلام به سوی اوست و سلام بر شما باد ای فرستادگان خدا. سپس به جانب آسمان بالا رفتند و آن حضرت بعد از نماز صبح تا هنگام زوال آفتاب تا آخر آن را قرائت فرمود. (1)

1- همچنین: [قال الإمام الصادق عليه السلام في حديث طويل]... وَإِنَّ عِنْدَنَا لَمُصْحَفَ فَاطِمَةَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ وَ مَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ قَالَ: مُصْحَفٌ فِيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ اللَّهُ مَا فِيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ وَاحِدٌ...» امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا مصحف فاطمه علیها السلام نزد ماست. مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست! عرض کردم: مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمود: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست شماست به خدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست... کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 239؛ ینابیع المعاجز، سید هاشم بحرانی، ص 129؛ تأویل الآیات، سید شرف الدین استر آبادی، ج 1، ص 102؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 26، ص 39.

منقبت شصت و چهارم: نزول جبرئیل بر حضرت زهرا علیها السلام

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا وَكَانَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَمَكَانِهِ وَيُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (1)

ترجمه:

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز زنده بود و اندوه فراوانی از رحلت پدرش بر او وارد شده بود و جبرئیل

1- کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 241؛ المحتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 58؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 26، ص 41. و همچنین: «أَبُو عُبَيْدَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَكَتْ فَاطِمَةُ عَلَى أَبِيهَا خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ يَوْمًا وَكَانَ جَبْرَائِيلُ يَأْتِيهَا وَيُخْبِرُهَا بِحَالِ أَبِيهَا وَيُعْزِيهَا وَيُخْبِرُهَا بِالْحَوَادِثِ بَعْدَهَا وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ وَهَذَا كَقَوْلِهِ تَعَالَى: (فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي).»؛ امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت زهرا علیها السلام هفتاد و پنج روز بر [مصیبت رحلت] پدرشان گریه کردند و جبرئیل به خدمت ایشان می آمد و ایشان را از احوال پدر خبر می داد و تسلیت می گفت و نیز خبر می داد از حوادثی که بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام به وقوع خواهد پیوست و امیر مومنان علیه السلام آن را می نوشتند و این همانند کلام خداوند متعال است که می فرماید: «پس، از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که: محزون مباش». مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116.

می آمد و او را در رحلت پدر تسلیت می گفت و او را خوشدل می داشت و از پدرش و جایگاه وی به او گزارش می داد و از آنچه پس از وی برای ذریه اش پیش می آید خبر می داد و علی علیه السلام آنها را می نوشت؛ این مصحف فاطمه علیها السلام است.

فصل سوّم: قدرت فاطمة زهرا عليها السلام

منقبت شصت و پنجم: ظهور قدرت فاطمة زهرا عليها السلام با كنده شدن ديوار مسجد النبي صلى الله عليه و آله

رَوَى النُّعْمَانُ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الشَّيْخِ: قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «لَمَّا خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مَنْزِلِهِ، خَرَجَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ [وَالِهَةَ]! فَمَا بَقِيَتْ امْرَأَةً هَاشِمِيَّةً إِلَّا خَرَجَتْ مَعَهَا حَتَّى انْتَهَتْ مِنَ الْقَبْرِ فَقَالَتْ: خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّي، فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا [أَبِي] بِالْحَقِّ لَنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ، لِأَنَّ شَرَّ رَنِّ شَعْرِي، وَ لِأَنَّ عَنِّي قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ [الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ حِينَ خَرَجَتْ نَفْسُهُ] عَلَى رَأْسِي وَ لِأَنَّ خُرْجَانَ [لِأَنَّ رُخْنَ] إِلَى اللَّهِ، فَمَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ ابْنِ عَمِّي، وَ لَا النَّاقَةَ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنِّي، وَ لَا الْفَصِيلُ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلَدِي.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ كُنْتُ قَرِيبًا مِنْهَا، فَرَأَيْتُ وَ اللَّهُ حَيْطَانٌ مَسَّ جِدَ رَسُولِ اللَّهِ انْقَلَعَتْ [تَقَلَّعَتْ] مِنْ أَسْفَلِهَا، حَتَّى لَوْ أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَنْفَذَ مِنْ تَحْتِهَا لَنَفَذَ!

فَقُلْتُ: يَا سَيِّدَتِي وَ مَوْلَاتِي، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ أَبَاكَ رَحْمَةً فَلَا تُكُونِي نَقْمَةً، فَرَجَعْتَ الْحَيْطَانُ! [فَرَجَعْتُ وَ رَجَعْتَ الْحَيْطَانُ] حَتَّى سَطَعَتِ الْغَبِيرَةُ مِنْ أَسْفَلِهَا فَدَخَلْتُ فِي خِيَاشِيمِنَا». (1)

1- مسترشد، محمد بن جرير طبري، ص 382؛ احتجاج، طبرسي، ج 1، ص 113: (فَمَا نَاقَةُ صَالِحٍ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنِّي وَ لَا الْفَصِيلُ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلَدِي)؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 118: نقلا عن اختيار الرجال، لأبي جعفر الطوسي، عن ابی عبد الله وعن السلیمان (فَمَا نَاقَةُ صَالِحٍ بِأَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ وَلَدِي)؛ غايه المرام، علامه بحراني، ج 5، ص 339؛ بحار الانوار، علامه مجلسي، ج 28، ص 206: (به نقل از احتجاج)؛ ج 43، ص 47: (نقلا عن اختيار الرجال، لأبي جعفر الطوسي، عن ابی عبد الله وعن السلیمان). همچنين: «مِنْ كَرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُمَا لَمَّا مَنَعَتْ حَقَّهَا أَخَذَتْ بَعْضَادَهُ حُجْرَةَ النَّبِيِّ وَقَالَتْ: لَيْسَتْ نَاقَةُ صَالِحٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنِّي ثُمَّ رَفَعَتْ جَنْبَ قِنَاعِهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ هَمَّتْ أَنْ تَدْعُو فَارْتَفَعَتْ جِدْرَانُ الْمَسْجِدِ عَنِ الْأَرْضِ وَ نَزَلَ الْعَذَابُ. فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَمَسَكَ يَدَهَا وَقَالَ: يَا بَقِيَّةَ النَّبِيِّ وَ شَمْسُ الرِّسَالَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِصْمَةِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ أَبَاكَ كَانَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ فَلَا تُكُونِي عَلَيْهِمْ نَقْمَةً أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِالرَّءُوفِ الرَّحِيمِ. فَعَادَتْ إِلَى مُصَلَّاهَا». مشارق انوار اليقين، برسي، ص 127-128.

نعمان معروف به ابن الشیخ روایت نموده و می فرماید: پدرم از محمد بن جمهور از زراره از امام صادق علیه السلام حدیث نموده که می فرمایند: آن هنگام که علی علیه السلام [به زور برای بیعت] از خانه اش خارج شد، حضرت فاطمه علیها السلام نیز از خانه خارج شد در حالی که تمامی زنان بنی هاشم با آن حضرت خارج شدند، تا اینکه نزد قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: پسر عموی مرا رها کنید، به حق خداوندی که محمد را به حق مبعوث کرد، اگر علی را رها نکنید موهای سرم را پریشان می کنم و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در آن از دار دنیا رفت، بر سر می گذارم و در درگاه خدا فریاد برمی آورم و شما را نفرین می کنم. به خداوند سوگند کسی شایسته تر و عزیزتر از پسر عمویم نزد خدا نیست و ناقه او گرامی تر از من و فرزند ناقه صالح گرامی تر از فرزندان من نیست.

سلمان می گوید: من نزدیک آن حضرت علیه السلام بودم. به خداوند سوگند دیدم که پایه های دیوار مسجد از جا کنده شد به طوری که اگر کسی می خواست می توانست از آنجا داخل مسجد گردد. نزد حضرت فاطمه علیها السلام رفتم و به او گفتم: ای سرور و مولای من! ای بانوی بزرگ! خداوند متعال پدر شما را مبعوث فرمود تا رحمت برای عالمیان باشد؛ پس شما تقمت و عذاب را برای آنها نخواهید و نفریشان نکنید. در این حال

دیدم که پایه ها به جای خود بازگشتند و از زیر آنها چنان گرد و خاکی برخاست که داخل بینی های ما شد. (1)

1- حکایتی از کرامت فاطمه زهرا علیها السلام: «عَنْ حَمَادِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ حُمَيْدِ الطَّوِيلِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ سَأَلَنِي الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ عَنْ حَدِيثِ عَائِشَةَ وَ حَدِيثِ الْقَدْرِ النَّبِيِّ رَأَتْ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هِيَ تُحَرِّكُهَا بِيَدِهَا. قُلْتُ: نَعَمْ أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِيرَ. دَخَلَتْ عَائِشَةُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ هِيَ تَعْمَلُ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَرِيرَةً بِدَقِيقٍ وَ لَبَنٍ وَ شَحْمٍ فِي قَدْرِ وَ الْقَدْرِ عَلَى النَّارِ يَغْلِي وَ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا تُحَرِّكُ مَا فِي الْقَدْرِ بِأَصْبَعِهَا وَ الْقَدْرِ عَلَى النَّارِ يَبْقَى فَخَرَجَتْ عَائِشَةُ فَرَعَهُ مَدْعُورَةً حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِيهَا فَقَالَتْ: يَا أَبَهِ إِنِّي رَأَيْتُ مِنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَمْرًا عَجِيبًا رَأَيْتُهَا وَ هِيَ تَعْمَلُ فِي الْقَدْرِ وَ الْقَدْرُ عَلَى النَّارِ يَغْلِي وَ هِيَ تُحَرِّكُ مَا فِي الْقَدْرِ بِيَدِهَا. فَقَالَ لَهَا: يَا بَنِيهِ أَكْتُمِي فَإِنَّ هَذَا أَمْرٌ عَظِيمٌ! فَبَلَّغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَصَعِدَ الْمُنْبَرُ وَ حَمِدَ اللَّهُ وَ أَتَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْظَمُونَ وَ يَسْتَكْثِرُونَ مَا رَأَوْا مِنَ الْقَدْرِ وَ النَّارِ؛ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالرَّسَالَةِ وَ اصْطَفَانِي بِالتَّبَوُّهِ لَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى النَّارَ عَلَى لَحْمِ فَاطِمَةَ وَ دَمِهَا وَ شَعْرِهَا وَ عَصَبِهَا وَ فَطَمَ مِنَ النَّارِ ذُرِّيَّتَهَا وَ شَيْعَتَهَا. أَنْ مِنْ نَسْلِ فَاطِمَةَ مَنْ تُطِيعُهُ النَّارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ التُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ تَضْرِبُ رَبَّ الْجِنِّ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسَّيْفِ وَ تُوَفَّى إِلَيْهِ الْأَنْبِيَاءُ بِعَهْدِهَا وَ تُسَلِّمُ إِلَيْهِ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُنْزِلُ عَلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ بَرَكَاتٌ مَا فِيهَا. الْوَيْلُ لِمَنْ شَكَّ فِي فَضْلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ يُبْغِضُ بَعْهَا وَ لَمْ يَرْضَ بِإِمَامَةِ وُلْدِهَا. أَنَّ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَوْقِعًا وَ لَشَيْعَتِهَا مَوْقِعًا وَ أَنَّ فَاطِمَةَ تُدْعَى فَتَلْبِي [قبلي] وَ تَسْفَعُ فَتُسْفَعُ عَلَى رَعْمٍ كُلِّ رَاغِمٍ.»؛ انس بن مالک گوید که حججاج بن یوسف از من درباره حدیثی از عایشه که روزی فاطمه زهرا علیها السلام دست خود را داخل ظرف در حال جوشیدن فرو کرد و آن را هم زد، سوال کرد. انس گوید در جواب حججاج گفتم: امیر به سلامت باد، حدیث این است که: عایشه نزد فاطمه علیها السلام رفت و دید که ایشان مشغول درست کردن حریره با آرد و شیر و روغن برای حسن و حسین علیهما السلام است. حریره درون ظرفی بود و روی آتش قرار داشت و می جوشید و فاطمه علیها السلام دست خویش را درون ظرف نمود و آن را به هم می زد و حال آن که صدای جوشش حریره به گوش می رسید. در این هنگام عایشه با ترس از خانه حضرت فاطمه علیها السلام خارج شد و نزد پدرش ابوبکر رفت و گفت: ای پدر از فاطمه امر عجیبی دیدم و آن این بود که حریره ای درست می کرد و آن ظرف بر روی آتش قرار داشت و می جوشید و فاطمه علیها السلام آن حریره را با دستش هم می زد. ابوبکر به دخترش عایشه گفت: این را کتمان کن و بیوشان که این امر بزرگ و عجیبی است! وقتی خبر این حکایت به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید به منبر رفت و خدا را حمد و ثنا نمود و فرمود: به درستی که مردم آن چه را از ظرف و آتش دیدند عظیم و زیاد به حساب می آورند. [کنایه از این که اهل بیت علیهم السلام فضائلشان بی شمار است.] قسم به خدایی که مرا به رسالت مبعوث نمود و به نبوت برگزید به تحقیق که خداوند آتش را بر گوشت و خون و مو و رگهای فاطمه علیها السلام حرام نموده است و فرزندان و شیعیان فاطمه علیها السلام را از آتش باز داشته است. همانا از نسل فاطمه علیها السلام کسانی هستند [امامان معصوم علیهم السلام] که آتش و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها از آنها اطاعت می کنند و جنیان در پیش روی ایشان با شمشیر زده می شوند و از انبیا علیهم السلام برای آنها عهد و پیمان گرفته شده است [که همه باید ولایت امامان از نسل فاطمه علیها السلام را بپذیرند] و زمین گنجهایش را برای ایشان تسلیم می نماید و آسمان برکاتش را برای آنها نازل می کند. ویل [نام چاهی در جهنم] برای کسی که در فضائل فاطمه علیها السلام شک کند و خداوند لعنت کند کسی را که بغض و کینه همسر فاطمه علیها السلام را در دل داشته باشد و به امامت فرزندان فاطمه علیها السلام راضی نباشد. به درستی که در روز قیامت برای فاطمه علیها السلام جایگاهی مخصوص است و برای شیعیان فاطمه علیها السلام نیز جایگاهی می باشد و [خداوند در روز قیامت] فاطمه علیها السلام را می خواند و دخترم فاطمه علیها السلام شفاعت می کند و شفاعتش قبول می شود، اگرچه کراهت داشته باشند. ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 293-294.

فصل چهارم: عصمت

منقبت شصت و ششم: شمس عصمت فاطمیه علیها السلام

عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «... فَهُمْ الْكَوَاكِبُ الْعُلَوِيَّةُ وَالْأَنْوَارُ الْعُلَوِيَّةُ الْمُسْتَرْقَةُ مِنْ شَمْسِ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ فِي سَمَاءِ الْعِظَمَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ وَالْأَعْصَانُ النَّبَوِيَّةُ النَّابِئَةُ فِي الدُّوْحَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ». (1)

ترجمه:

طارق بن شهاب از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می نماید که فرمود: آنان (امامان) ستارگان عالم بالاینند و انوار علویه که از خورشید عصمت فاطمیه علیها السلام در آسمان

1- مشارق أنوار الیقین، حافظ رجب برسی، ص 179؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 25، ص 174؛ إلزام الناصب، حائری، ج 1، ص 30؛ مصباح البلاغه، علامه میرجهانی، ج 1، ص 202. همچنین: مِنْ كَرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهَا لَمَّا مُبِعَتْ حَقَّهَا أَخَذَتْ بِعِضَادِهِ حُجْرَهُ النَّبِيِّ وَقَالَتْ: لَيْسَتْ نَاقَهُ صَالِحٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَعْظَمَ مِنِّي ثُمَّ رَفَعَتْ جَنَبَ قِنَاعِهَا إِلَى السَّمَاءِ وَهَمَّتْ أَنْ تَدْعُو فَازْتَفَعَتْ جُدْرَانَ الْمَسَدِ جِدِّ عَنْ الْأَرْضِ وَنَزَلَ الْعَذَابُ. فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَمَسَكَ يَدَهَا وَقَالَ: يَا بَقِيَّةَ النَّبِيِّ وَشَمْسُ الرَّسَالَةِ وَمَعْدِنُ الْعِصْمَةِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ أَبَاكَ كَانَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ فَلَا تَكُونِي عَلَيْهِمْ نِقْمَةً أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِالرَّءُوفِ الرَّحِيمِ. فَعَادَتْ إِلَى مُصَلَّأِهَا؛ یکی از کرامات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نزد خدای تعالی این است: هنگامی که حق ایشان غصب شد، کنار حجره پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و فرمود: ناقه صالح نزد خدا عظیم تر از من نیست [کنایه از اینکه با کشتن ناقه صالح، عذاب نازل گشت]. سپس گوشه مقنعه خود را به سوی آسمان بالا برد و اراده کرد که غاصبان را نفرین کند. دیوارهای مسجد از روی زمین بلند شد و نزدیک بود عذاب نازل شود. پس در این هنگام امیر مؤمنان علیه السلام دست حضرت زهرا علیها السلام را گرفتند و فرمودند: ای باقی مانده نبوت و ای خورشید رسالت و معدن عصمت و پاکی و حکمت، به درستی که پدرت برای عالمیان، رحمت بود. تو را قسم می دهم به خدای رؤف و رحیم که نفرین نکنی! پس حضرت زهرا علیها السلام به سجاده عبادت خویش بازگشت. مشارق أنوار الیقین، حافظ رجب برسی، ص 127 - 128.

عظمت محمدی صلی الله علیه و آله می تابند و [ایشان] شاخه های نبوی روئیده از درخت احمدی هستند.

فصل پنجم: طهارت

منقبت شصت و هفتم: طهارت از هر آلودگی

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَةَ لِطَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِنْ كُلِّ رَفَثٍ وَ مَا رَأَتْ قَطُّ يَوْمًا حُمْرَةً وَ لَا نَفَاسًا». (1)

ترجمه:

امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت کرده است که: فاطمه علیها السلام دختر رسول

1- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 19؛ بیت الأحران، محدث قمی، ص 24؛ خصائص فاطمیه، کجوری، ج 1، ص 161-162. همچنین: پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه فرمود: «يَا حُمَيْرَاءُ إِنَّ فَاطِمَةَ لَيْسَتْ كَسَاءِ الْأَدَمِيِّينَ لَا تَعْتَلُّ كَمَا يَعْتَلُّونَ»؛ ای حمیرا! به درستی که فاطمه علیها السلام مثل زنان معمولی نیست و مبتلا نمی شود به آن چه زنان دیگر به آن مبتلا می گردند. إعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 291؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 110؛ طرائف، سید ابن طاووس، ص 111؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 65. منابع اهل تسنن: معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 401؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 105؛ فراند السمطین، جوینی، ج 2، ص 61؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج 9، ص 202 (هیثمی گوید: رواه الطبرانی و فيه أبو قتاده الحرانی و ثقة أحمد و قال كان يتحرى الصدق و أنكر على من نسبه إلى الكذب).

خدا صلی الله علیه و آله را به سبب پاک بودنش از هر آلودگی و پاک بودنش از هر زشتی، «طاهره» نامیدند، و او هرگز مبتلا نشد به آنچه زنان دیگر مبتلا می گردند.

فصل ششم: حسن مطلق

منقبت شصت و هشتم: برتر از حقیقت حسن

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «... لَوْ كَانَ الْجِلْمُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ كَانَ الْفَضْلُ شَخْصًا لَكَانَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [حَسَنًا] وَ لَوْ كَانَ الْحَيَاءُ صُورَةً لَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [حُسَيْنًا] وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا [هَيْئَةً] لَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا». (1)

1- مائه منقبه، ابن شاذان، ص 135 - 136؛ غايه المرام، علامه بحرانی، ج 5، ص 34 و ص 203 - 204. منبع اهل تسنن: مقتل الحسين، خوارزمی، ج 1، ص 100؛ و همچنین: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: «... لَوْ كَانَ الْجِلْمُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا، وَ لَوْ كَانَ الْعُقْلُ رَجُلًا لَكَانَ حَسَنًا [الْحَسَنَ]، وَ لَوْ كَانَ السَّخَاءُ رَجُلًا لَكَانَ حُسَيْنًا [الْحُسَيْنَ]، وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا»؛ اگر حلم و بردباری به شکل انسانی در آید علی علیه السلام خواهد بود و اگر عقل در قالب انسانی تجسم یابد حسن علیه السلام خواهد شد و اگر جود و سخا انسانی شود حسین علیه السلام خواهد بود و اگر نیکویی شخصیت یابد حتماً فاطمه علیها السلام می شود. به راستی که دخترم بهترین اهل زمین است از لحاظ اصل و حسب و شرافت و کرامت. منابع اهل تسنن: فرائد السمطين، جوینی شافعی، ج 2، ص 69؛ اهل البيت، توفیق أبو علم، ص 228 (ط الاولي بمصر) بنابر نقل احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 18، ص 514. و همچنین: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «... لَوْ كَانَ الْجِلْمُ رَجُلًا لَكَانَ الْحُسَيْنُ وَ لَوْ كَانَ الْعُقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ وَ لَوْ كَانَ السَّخَاءُ رَجُلًا لَكَانَ عَلِيًّا وَ لَوْ كَانَ الْحُسْنُ شَخْصًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ. ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنُصْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ... اگر حلم و بردباری به شکل انسانی در آید حسین علیه السلام خواهد بود و اگر عقل در قالب انسانی تجسم یابد حسن علیه السلام خواهد شد و اگر جود و سخا انسانی شود علی علیه السلام خواهد بود و اگر نیکویی شخصیت یابد حتماً فاطمه علیها السلام می شود. دخترم بهترین اهل زمین است از لحاظ اصل و حسب و شرافت و کرامت. منبع اهل تسنن: موده القری، علامه سید علی بن شهاب الدین همدانی حسینی، ص 118 ط لاهور: (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 15، ص 133).

از ابن عباس منقول است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ... اگر حلم و بردباری به صورت یک انسان مجسم در آید، می شود علی بن ابیطالب علیهما السلام و اگر فضل به صورت شخصی مجسم شود، آن شخص، امام مجتبی علیه السلام است. اگر حیا صورتی باشد، آن صورت امام حسین علیه السلام است. اگر حُسن و نیکی به صورت شخصی در آید آن شخص، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. بلکه آن حضرت علیها السلام اعظم از حُسن است، به راستی که دخترم فاطمه علیها السلام از جهت ریشه و شرافت و کرم، بهترین اهل زمین است.

فصل هفتم: صبر و تحمل سختی ها

منقبت شصت و نهم: صبر بر سختی ها و گرسنگی، و فراغ از آن به دعای خاتم صلی الله علیه و آله

عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُرِيدُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَأَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَدَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَذْخُلُ؟ قَالَتْ: أَذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَذْخُلُ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ قِنَاعٌ فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلاً مِلْحَفَتِكَ فَتَقْبَعِي بِهِ رَأْسَكَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَذْخُلُ؟ قَالَتْ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: أَنَا وَمَنْ مَعِيَ؟ قَالَتْ: وَمَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَدَخَلْتُ وَإِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَصْفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا لِي أَرَى وَجْهَكَ أَصْفَرَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الْجُوعُ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ مُشْبِعَ الْجُوعِ وَدَافِعَ الضَّيْعَةِ أَشْبِعْ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ قَالَ جَابِرٌ: فَوَاللَّهِ لَنَنْظُرْتُ إِلَى الدَّمِ يَنْحَدِرُ مِنْ فُصَاصِدِهَا حَتَّى عَادَ وَجْهُهَا أَحْمَرَ فَمَا جَاعَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الْيَوْمِ.» (1)

1- کافی، کلینی، ج 5، ص 529؛ مشکاه الأنوار، علی طبرسی، ص 343؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج 20، ص 216؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 62.

ترجمه:

عمر و بن شمر از جابر جعفی از امام باقر علیه السلام و حضرت از جابر بن عبد الله انصاری روایت می کند که گفت: یک روز پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله متوجه خانه فاطمه زهرا علیها السلام شد من هم با آن بزرگوار بودم، وقتی به در خانه رسیدیم رسول خدا دست مبارک خود را به در نهاد و آن را فشار داد سپس فرمود: السلام علیکم، فاطمه زهرا علیها السلام عرض کرد: علیک السلام یا رسول الله! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: داخل شوم؟ عرض کرد: داخل شوید یا رسول الله! فرمود: من با کسی که همراهم است داخل شوم؟ فاطمه علیها السلام گفت: یا رسول الله! من مقنعه بر سر ندارم، پیغمبر خدا فرمود: ای فاطمه! گوشه ملحفه ات را بگیر و با آن سر خود را بپوشان. فاطمه علیها السلام این عمل را انجام داد باز رسول خدا فرمود: السلام علیکم، فاطمه علیها السلام عرض کرد: و علیک السلام یا رسول الله! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [اجازه هست که] داخل شوم؟ فاطمه علیها السلام گفت: بله یا رسول الله! فرمود: با کسی که همراهم است داخل شوم؟ عرض کرد: چه کسی همراهتان است؟ فرمود: جابر.

[جابر می گوید:] پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داخل شد و من هم داخل شدم، صورت مبارک فاطمه علیها السلام زرد شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چرا صورت تو را زرد می بینم؟ گفت: یا رسول الله! [از شدت] گرسنگی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [دعا کرد و] گفت: ای خدایی که گرسنگی را به سیری بدل می کنی ... فاطمه دختر محمد را سیر کن. جابر می گوید: به خدا قسم دیدم که خون از قسمت جلوی سر فاطمه اطهر علیها السلام به طرف پایین جریان یافت طوری که صورتش قرمز و گلگون گردید و دیگر بعد از آن روز گرسنه نشد.

تذکر:

در منقبت 71 نیز، ضمن بیان نزول سوره هل ائی، به صبر آن حضرت علیها السلام بر سه روز گرسنگی، اشاره گردیده است.

فصل هشتم: صدق

منقبت هفتم: راستگوترین خلائق

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا (كَانَ) أَصْدَقَ لَهْجَةً مِنْ فَاطِمَةَ [عَلَيْهَا السَّلَام] إِلَّا أَنْ يَكُونَ الَّذِي وَلَدَهَا». (1)

ترجمه:

از عایشه نقل شده که گفت: کسی را راستگوتر از فاطمه علیها السلام ندیدم مگر پدرش. (2)

-
- 1- استیعاب، ابن عبد البر، ج 4، ص 1896؛ مقتل الحسين، خوارزمی، ج 1، ص 96؛ ذخائر العقبی، محب طبری، ص 44؛ الجوهرة فی نسب الإمام علی و آله، بری، ص 16؛ سیر أعلام النبلاء، ذهبی، ج 2، ص 131.
- 2- همچنین: علی بن هشام، بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا ذَكَرَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَصْدَقَ مِنْهَا إِلَّا أَبَاهَا. شرح الأخبار، قاضی نعمان مغربی، ج 3، ص 64؛ كشف الغمة، اربلی، ج 2، ص 100. و به همچنین از عایشه: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ غَيْرَ أَبِيهَا. مسند أبي يعلى، أبو يعلى موصلى، ج 8، ص 153؛ حلیه الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، ج 2، ص 42؛ مط-الب العالیه، ابن حجر عسقلانی، ج 11، ص 245، ح: 4057؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج 9، ص 201 (قال الهیثمی: رواه الطبرانی فی الأوسط و أبو یعلی... و رجالهما رجال الصحیح؛ هیثمی گوید که طبرانی و ابویعلی این حدیث را نقل کرده اند و رجال حدیث، همگی مورد اعتماد هستند). و با اختلاف کم: سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 11، ص 47 (صالحی شامی به این عبارت آورده: ... «أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَبَاهَا...»)

فصل نهم: انفاق

منقبت هفتاد و یکم: حکایت سه روز روزه و نزول هل ات-ی

«حَدَّثَنَا مَسَدُ لَمَهُ بْنُ خَالِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: (يُؤْفُونَ بِالْتَّذْرِ) (1) قَالَ: مَرِضَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ هُمَا صَبِيَّانِ صَ غَيْرَانِ فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَعَهُ رَجُلَانِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ فِي ابْنَيْكَ نَذْرًا إِنْ اللَّهُ عَافَاهُمَا.

فَقَالَ: أَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذَلِكَ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ قَالَ الصَّبِيَّانِ: وَ نَحْنُ أَيْضًا نَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ كَذَلِكَ قَالَتْ جَارِيَتُهُمْ فَضَّةُ فَأَلْبَسَهُمَا اللَّهُ عَافِيَةً فَأَصْبَحُوا صِيَامًا وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ طَعَامٌ فَانْطَلَقَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى جَارٍ لَهُ مِنَ الْيَهُودِ يُقَالُ لَهُ شَمْعُونُ يُعَالِجُ الصُّوفَ فَقَالَ: هَلْ لَكَ أَنْ تُعْطِنِي جِرَّةً مِنْ صُوفٍ تَغْزِلُهَا لَكَ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِثَلَاثَةِ أَصْوُعٍ مِنْ شَعِيرٍ؟ قَالَ: نَعَمْ. فَأَعْطَاهُ فَجَاءَ بِالصُّوفِ وَ الشَّعِيرِ وَ أَحْبَرَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَبِلَتْ وَ أَطَاعَتْ ثُمَّ عَمَدَتْ فَغَزَلَتْ ثُلُثَ الصُّوفِ ثُمَّ أَخَذَتْ صَاعًا مِنَ الشَّعِيرِ فَطَحَنَتْهُ وَ عَجَنَتْهُ وَ حَبَّرَتْ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصًا وَ صَلَّى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَغْرِبِ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ فَوَضَعَ الْخِوَانُ وَجَلَسُوا خَمْسَةَ تَهْمٍ فَأَوَّلُ لُقْمَةٍ كَسَتْ رِهَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مِسْكِينٌ قَدْ وَقَفَ
بِالْبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَنَا مَسْكِينٌ مِنْ مَسَاكِينِ الْمُسَدِّ لِمِينَ أَطْعَمُونِي مِمَّا تَأْكُلُونَ أَطْعَمَكُمْ اللَّهُ عَلَى مَوَارِدِ الْجَنَّةِ
فَوَضَعَ اللُقْمَةَ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

فَاطِمَةُ ذَاتِ الْمَجْدِ وَالْيَقِينِ

يَا بِنْتَ خَيْرِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ

أَمَا تَرَيْنَ الْبَائِسَ الْمِسْكِينَ

جَاءَ إِلَى الْبَابِ لَهُ حَنِينٌ

يَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَكِينُ

يَشْكُو إِلَيْنَا جَائِعٌ حَزِينٌ

كُلُّ أَمْرٍ بِكَشْفِهِ رَهِينٌ

مَنْ يَفْعَلِ الْخَيْرَ يَقِفُ سَمِينٌ

مَوْعِدُهُ فِي جَنَّةِ رَهِينٌ

حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى الصَّانِينَ

تَهْوَى بِهِ النَّارُ إِلَى سَجِينٍ

وَصَاحِبُ الْبُخْلِ يَقِفُ حَزِينٌ

شَرَابُهُ الْحَمِيمُ وَالْغَسِيلِينَ

فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَقُولُ:

أَمْرَكَ سَمِعَ يَا ابْنَ عَمٍّ وَطَاعَهُ

مَا بِي مِنْ لُؤْمٍ وَلَا وَضَاعَهُ

عُدِّيْتُ بِاللُّبِّ وَبِالْبِرَاعِهِ

أَرْجُو إِذَا أَشْبَعْتُ مِنْ مَجَاعَةٍ

أَنْ أَلْحَقَ الْأَخْيَارَ وَالْجَمَاعَةَ

وَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ فِي شَفَاعَةٍ

وَعَمَدَتْ إِلَى مَا كَانَ عَلَى الْخِوَانِ فَدَفَعَتْهُ إِلَى الْمِسْكِينِ وَبَاتُوا جِيَاعاً وَاصْبَحُوا صِيَاماً لَمْ يَذُوقُوا إِلَّا الْمَاءَ الْقَرَّاحَ ثُمَّ عَمَدَتْ إِلَى الثُّلُثِ الثَّانِي مِنَ الصُّوفِ فَغَزَلَتْهُ ثُمَّ أَخَذَتْ صَاعاً مِنَ الشَّعِيرِ فَطَحَنَتْهُ وَعَجَنَتْهُ وَخَبَزَتْ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرَصِهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصاً وَصَلَّى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ فَلَمَّا وُضِعَ الْخِوَانُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَجَلَسُوا خَمْسَةً تَهُمْ فَأَوَّلُ لُقْمَةٍ كَسَرَهَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا يَتِيمٌ مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ قَدْ وَقَفَ بِالْبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَنَا يَتِيمٌ مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ أَطْعِمُونِي

مِمَّا تَأْكُلُونَ أَطْعَمَكُمْ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ فَوَضَعَ عَلَيَّ عَلَيْهَا السَّلَامَ اللَّهُمَّ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

فَاطِمُ بِنْتُ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ

بِنْتُ نَبِيِّ لَيْسَ بِالزَّيْمِ

قَدْ جَاءَنَا اللَّهُ بِذَا الْيَتِيمِ

مَنْ يَرَحِمُ الْيَوْمَ فَهُوَ رَحِيمٌ

مَوْعِدُهُ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ

حَرَمَهَا اللَّهُ عَلَى اللَّئِيمِ

وَصَاحِبِ الْبُخْلِ يَقِفُ ذَمِيمٌ

تَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى الْجَحِيمِ

شَرَابُهَا الصَّدِيدُ وَالْحَمِيمُ

فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَهِيَ تَقُولُ:

فَسَوْفَ أُعْطِيهِ وَلَا أَبَالِي

وَأُوْثِرُ اللَّهُ عَلَى عِبَالِي

أَمْسُوا جِياعاً وَهُمْ أَشْبَالِي

أَصْغَرُهُمَا يُقْتَلُ فِي الْقِتَالِ

بِكَرْبَلَا يُقْتَلُ بِأَغْتِيَالِ

لِقَاتِلِيهِ الْوَيْلُ مَعَ وَبَالِ

يَهْوِي فِي النَّارِ إِلَى سَفَالِ

كُتُبُهُ زَادَتْ عَلَى الْأَكْبَالِ

ثُمَّ عَمَدَتْ فَأَعْطَتْهُ جَمِيعَ مَا عَلَى الْخِوَانِ وَبَاتُوا جِياعاً لَمْ يَذُوقُوا إِلَّا الْمَاءَ الْقَرَّاحَ وَاصَّ بِحُوصِ يَاماً وَعَمَدَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَغَزَلَتْ

الثَّلَاثِ الْبَاقِي مِنَ الصُّوفِ وَطَحْنَتِ الصَّاعِ الْبَاقِي وَعَجَنَتُهُ وَخَبَزَتْ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصاً وَصَلَّى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ فَقَرَّبَ إِلَيْهِ الْخِوَانَ وَجَلَسُوا خَمْسَتَهُمْ فَأَوَّلُ لُقْمَةٍ كَسَرَهَا عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أُسِيرَ مِنْ أُسْرَاءِ الْمُشْرِكِينَ قَدْ وَقَفَ بِالْبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ تَأْسِرُونَنَا وَتَشُدُّونَنَا وَلا تُطْعِمُونَنَا فَوَضَعَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللُّقْمَةَ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

فَاطِمُ يَا بِنْتَ النَّبِيِّ أَحْمَدُ

بِنْتَ النَّبِيِّ سَيِّدِ مُسَوِّدِ

قَدْ جَاءَكَ الْأَسِيرُ لَيْسَ يَهْتَدِي

مُكَبَّلًا فِي غُلَّةٍ مُقَيَّدِ

يَشْكُو الْبَيْنَا الْجُوعَ قَدْ تَقَدَّدَ

مَنْ يُطْعِمُ الْيَوْمَ يَجِدُهُ فِي غَدِ

عِنْدَ الْعَلِيِّ الْوَاحِدِ الْمَوْحَدِ

أَيُّزْرَعُ الزَّرْعُ سَوْفَ يُحْصَدُ

م

فَأَعْطَيْنَ لَا تَجْعَلِيهِ يَنْكَدُ

فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَهِيَ تَقُولُ:

لَمْ يَبْقَ مِمَّا كَانَ غَيْرَ صَاعٍ

قَدْ دَبَّرْتُ كَفَى مَعَ الذَّرَاعِ

شِبْلَايَ وَاللَّهِ هُمَا جِيَاعٌ

يَا رَبِّ لَا تَتْرُكْهُمَا ضِيَاعًا

أَبُوهُمَا لِلْخَيْرِ ذُو اصْطِنَاعِ

عَبْلُ الذَّرَاعَيْنِ طَوِيلُ الْبَاعِ

وَمَا عَلَى رَأْسِي مِنْ قِتَاعٍ

إِلَّا عَبَا نَسَجْتُهُمَا بِصَاعٍ

وَعَمَدُوا إِلَى مَا كَانَ عَلَى الْخِوَانِ فَأَنَّهُ وَبَاتُوا جِيَاعًا وَأَصْبَحُوا مُفْطِرِينَ وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ شَيْءٌ.

قَالَ شَدَّ عَيْبُ فِي حَدِيثِهِ: وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ نَحْوَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُمَا يَرْتَعِشَانِ كَالْفِرَاحِ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ فَلَمَّا بَصَّرَ بِهِمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ شَدَّ مَا يَسُوؤُنِي مَا أَرَى بِكُمْ أَنْطَلِقُ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَانْطَلَقُوا إِلَيْهَا وَ هِيَ فِي مِحْرَابِهَا قَدْ لَصِقَ بَطْنُهَا بِظَهْرِهَا مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ وَ غَارَتْ عَيْنَاهَا فَلَمَّا رَأَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَدَّحَهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ: وََا غَوْثَاهُ بِاللَّهِ أَنْتُمْ مُدُّ ثَلَاثٍ فِي مَا أَرَى فَهَبَطَ جَبْرَيْلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ خُذْ مَا هِيََا اللَّهُ لَكَ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ قَالَ: وَ مَا أَخَذُ يَا جَبْرَيْلُ؟ قَالَ: (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ)، (1) حَتَّى إِذَا بَلَغَ (إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا). « (2)

1- الإنسان: 1.

2- امالي، شيخ صدوق، ص 329؛ روضه الواعظين، فتال نيشابوري، ص 160؛ وسائل الشيعه، حر عاملي، ج 23، ص 304؛ تفسير برهان، علامه بحراني، ج 5، ص 549؛ بحار الأنوار، علامه مجلسي، ج 35، ص 237؛ تفسير نور الثقلين، حويزي، ج 5، ص 474. و با اختلاف كم در اين منابع: مناقب الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفي، ج 1، ص 178؛ تفسير فرات كوفي، فرات بن ابراهيم كوفي، ص 521؛ مناقب آل ابى طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 147. منبع اهل تسنن: شواهد التنزيل، حاكم حسكاني، ج 2، ص 396.

مسلمه بن خالد از امام صادق علیه السلام از پدرشان روایت کرده که درباره آیه (يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ) (1) [به نذر وفا می کنند] فرمود: حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند در حالی که دو کودک خردسال بودند. جدشان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله همراه دو نفر به عیادت ایشان رفت. یکی از آن دو گفت: یا ابا الحسن! ای کاش در حق دو فرزندت نذری کنی تا خداوند به آن دو عافیت دهد.

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: [اگر خدای اینان را شفا دهد] من برای شکر خداوند سه روز روزه می گیرم و فاطمه علیها السلام هم چنین فرمود. آن دو کودک (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) نیز فرمودند: ما نیز سه روز روزه می گیریم. فضّه خادمه ایشان هم چنین گفت.

خدای تعالی ایشان را عافیت داد و آنها روزه گرفتند ولی طعامی نزد ایشان نبود. امیر المؤمنین علیه السلام نزد یکی از همسایگان - که از یهود بود و به او شمعون گفته می شد و روی پشم کار می کرد - رفت و فرمود: آیا می توانی تکه ای از پشم که دختر محمد صلی الله علیه و آله آن را برایت بیافد در قبال سه صاع جو به من بدهی؟ گفت: آری و مقداری پشم و سه صاع جو داد. امیر مؤمنان به فاطمه علیها السلام خبر داد و او پذیرفت و اطاعت کرد. پس فاطمه علیها السلام سراغ پشم رفت و یک سوم آن را بافت سپس صاعی از جو را گرفت آن را آورد کرد بعد خمیرش نمود و پنج قرص از آن پخت. برای هر نفر، یک قرص نان جو.

امیر المؤمنین علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز مغرب بگزارد و به خانه بازگشت. سفره را نهادند و هر پنج نفرشان نشستند [که افطار کنند]. تا اولین لقمه نان را حضرت علی علیه السلام تکه کرد فقیری دم در خانه ایستاد و گفت: السلام علیکم ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله. من مسکینی از مساکین مسلمین هستم. به من از آنچه می خورید طعام دهید خداوند

شما را بر سفره های بهشت طعام دهد. علی علیه السلام لقمه را از دستش پایین گذاشت. سپس فرمود:

ای فاطمه! ای صاحب مجد و یقین! ای دختر بهترین مردم! آیا نمی بینی این گرفتار مستمند را که به در خانه آمده و ناله دارد [و] به سوی خداوند شکایت و تضرع می نماید. یک انسان گرسنه و محزون به سوی ما شکایت آورده است؛ هر کس در گروی کرده خویش است. هر که خیر انجام دهد در موقف سمین خواهد بود [یعنی کفه ترازوی اعمالش سنگین خواهد بود]؛ موعده او در بهشت است که خدا آن را بر بخیل حرام گردانیده است؛ و صاحب صفت بخل [در قیامت] می ایستد در حالی که محزون است و آتش او را درون سجین خواهد انداخت؛ نوشیدنیش حمیم و غسلین خواهد بود.

فاطمه علیها السلام رو به او کرد و فرمود:

امر شما مسموع و مطاع است ای پسر عم. در من هیچ خواری و سبکی نیست؛ به من غذای خرد و براعت داده شده. امید دارم وقتی [کسی را] از گرسنگی سیر نمایم به نیکان و جماعت ملحق گردم و داخل بهشت شوم.

فاطمه علیها السلام قصد نمود به سوی آنچه بر سفره بود و آن را به مسکین داد و آن شب را گرسنه خوابیدند و صبح نمودند در حالی که روزه بودند و جز آب خالص چیزی نخورده بودند. روز دیگر فاطمه علیها السلام سراغ ثلث دوم پشم رفت آن را بافت. سپس صاعی دیگر از جو را برداشت. آن را آرد و خمیر نمود و از آن پنج قرص بیخت قرصی برای هر نفر. علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند و به منزل آمد. وقتی سفره در پیش او نهاده شد و هر پنج نفرشان نشستند، اول لقمه نان را که علی علیه السلام تکه کرد یتیمی از یتیمان مسلمین پشت در ایستاده بود گفت: السلام علیکم ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله من یتیمی از ایتام مسلمین هستم از آنچه می خورید به من طعام دهید که خدا شما را بر مائده بهشت طعام دهد. امیر المؤمنین علیه السلام لقمه را از دستش پایین گذاشت و فرمود:

فاطمه علیها السلام! ای دختر سید کریم! ای دختر پیامبری که لثیم نیست؛ خداوند این یتیم را [اینجا] آورده است هر که امروز رحم نماید [فردا] مورد مرحمت قرار می گیرد؛ موعده او در بهشت نعیم است که خداوند آن را بر لثیم حرام نموده است و صاحب صفت بخل [در قیامت] می ایستد در حالی که مورد مذمت است و آتش، او را درون جحیم می اندازد؛ و نوشیدنیش صدید و حمیم خواهد بود.

پس فاطمه علیها السلام رو کرد و فرمود: به او عطا خواهم کرد و باکی ندارم و خداوند را ترجیح می دهم بر عیال خود که شب کرده اند در حالی که گرسنه اند و آنها شیر بچه های منند. کوچکترشان در قتال کشته می شود؛ در کربلا او را ناجوانمردانه می کشند. ویل و وبال برای قاتلین اوست؛ می افتد در آتش به سوی پایین. قیدهای او از همه قیدها بیشتر است.

پس حضرت زهرا علیها السلام هر آنچه را بر سفره بود به آن یتیم داد و خودشان شب را گرسنه خوابیدند و جز آب خالص چیزی را نچشیدند و صبح کردند در حالی که روزه دار بودند و حضرت فاطمه علیها السلام ثلث باقی پشم را بافتند و صاع باقی مانده را آرد و خمیر کردند و از آن پنج قرص نان پختند، یک قرص برای هر نفر و علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند سپس به منزل آمد. سفره را به حضرت نزدیک کردند و هر پنج نفرشان نشستند. اول لقمه ای را که علی علیه السلام تکه کرد اسیری که از اسرای مشرکین دم در ایستاده بود گفت: سلام بر شما ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله من اسیری از اسرای شما هستم و طعامی ندارم.

حضرت علی علیه السلام لقمه را از دستش پایین گذاشت و فرمود: فاطمه! ای دختر نبی احمد! ای دختر نبی - آن آقای که خدا او را سید همه قرار داده - اسیر نزد تو آمده در حالی که راه به جایی نبرده و در غل و زنجیر خود گرفتار و دربند است؛ از گرسنگی به سوی ما شکایت می کند. دچار درد شکم شده است هر که امروز اطعام کند آن را فردا نزد خدای علی یگانه خواهد یافت و آنچه زارع بکارد به زودی آن را برداشت خواهد

کرد؛ پس به او عطا کن و عطای او را کم قرار مده. آنگاه فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام رو نمود و فرمود: از آنچه بود غیر از صاعی نمانده است کف دست و بازوی من مجروح شده است؛ دو شیر بچه من به خدا قسم گرسنه اند پروردگارا آن دو را گرسنه رها مکن؛ پدرشان کار خیر می کند و [در کار خیر] دو ذراع قوی و ید طولایی دارد و مقنعه ای بر سر من نیست جز عبایی که آن را در قبال یک صاع بافته ام.

و هر چه را بر سفره بود به آن اسیر دادند و خودشان شب را گذراندند در حالی که گرسنه بودند. صبح روز بعد دیگر روزه نبودند اما چیزی هم نزدشان نبود.

شعیب در حدیث خود روایت کرده است: علی علیه السلام حسن و حسین علیهما السلام را پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد در حالی که ایشان از شدت گرسنگی مثل جوجه ها می لرزیدند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید فرمود: یا ابا الحسن! آنچه را به شما می بینم مرا ناراحت می کند بیا تا به نزد دخترم فاطمه علیها السلام رویم. آمدند به سوی فاطمه علیها السلام و او در محرابش بود در حالی که از گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده بود و دو چشمش فرو رفته بود. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید او را به خود چسبانید و گفت: واغوثاه شما سه روز است که وضعتان این گونه است! پس جبریل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله بگیر آنچه را خدا برای تو مهیا کرده در اهل بیت. فرمود: چه را بگیرم ای جبرئیل؟ گفت: (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ) تا رسید به آیه (إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا). (1)

1- همچنین: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ مَرِضًا فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَاسٍ مَعَهُ فَقَالُوا: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ عَلَيَّ وَوَلَدِكَ وَكُلَّ نَذْرٍ لَيْسَ لَهُ وَفَاءٌ فَلَيْسَ بِنَذْرٍ فَنَذَرَ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ وَفِضَّةَ جَارِيَةَ لَهَمَّا إِنْ بَرَاءَ مِمَّا بِهِمَا أَنْ يَصُومُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَشَفِيَا وَ مَا مَعَهُمْ شَيْءٌ فَاسْتَقْرَضَ عَلِيُّ مِنْ شَمْعُونَ الْخَيْبَرِيِّ الْيَهُودِيَّ ثَلَاثَةَ أَصْوُعٍ مِنْ شَعِيرٍ فَطَحَنَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ صَاعًا وَ اخْتَبَرَتْ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ عَلَيَّ عَدَدِهِمْ فَوَضَعَهُنَّ مِثْلَ مَوَائِدِ الْجَنَّةِ فَأَثَرُوهُ وَ بَاتُوا لَمْ يَدُوقُوا إِلَّا الْمَاءَ وَ أَصْبَحُوا صِيَامًا فَلَمَّا أَمْسُوا وَ وَضَعُوا الطَّعَامَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ وَقَفَ عَلَيْهِمْ يَتِيمٌ فَأَثَرُوهُ وَ وَقَفَ عَلَيْهِمْ أَسِيرٌ فِي الثَّلَاثَةِ فَفَعَلُوا مِثْلَ ذَلِكَ فَلَمَّا أَصَبَحُوا أَخَذَ عَلِيُّ بِيَدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ أَقْبَلُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا أَبْصَرَهُمْ وَ هُمْ يَرْتَعِشُونَ كَالْفَرَاحِ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ قَالَ: مَا أَشَدَّ مَا يَسْؤُنِي مَا أَرَى بِكُمْ وَ قَامَ فَانْطَلَقَ مَعَهُمْ فَرَأَى فَاطِمَةَ فِي مِحْرَابِهَا قَدْ التَّصَّقَ ظَهْرُهَا بِبَطْنِهَا وَ غَارَتْ عَيْنَاهَا فَسَاءَ ذَلِكَ فَتَزَلَّ جَبْرَيْلُ وَقَالَ: هَا يَا مُحَمَّدُ هَذَاكَ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ فَاقْرَأْهُ السُّورَةَ.» ابن عباس روایت کرده: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام مریض شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله با گروهی از مردم به عیادت ایشان آمدند، گفتند: ای ابو الحسن چقدر خوبست برای شفای فرزندان نذری کنی... علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه (که کنیز آنها بود) همه نذر کردند که اگر حسنین از این بیماری بهبودی یابند به شکرانه آن برای خدای عز و جل سه روز روزه بگیرند حسن و حسین شفا یافتند، در حالی که در خانه آل محمد هیچ غذایی نبود، پس حضرت علی علیه السلام از شمعون خیبری یهودی سه صاع جو قرض گرفته آن را به خانه آورد و نزد حضرت زهرا علیها السلام نهاد. فاطمه علیها السلام یک صاع آن را دستاس کرد پنج قرص به عدد اهل خانه پخت. آن را جلوی خود گذاشتند تا افطار کنند که سائلی بر در خانه آمد. و گفت: السلام علیکم اهل بیت محمد من مسکینی از مسکین های مسلمین هستم، غذایی به من بدهید خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند. آنها همگی، مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب نوشیدند. روز دوم نیز روزه گرفتند و موقع افطار وقتی

که غذا را جلوی خود نهادند (همان نان جو) یتیمی بر در خانه آمد آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند (بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد را نیز روزه گرفتند) در سومین روز، اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد. باز سهم غذای خود را به او دادند. چون صبح شد، حضرت علی علیه السلام دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و به خدمت پیامبر آمدند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید که از شدت گرسنگی مثل جوجه می لرزند، فرمود: این حالی را که در شما می بینم برای من بسیار گران است. سپس برخاست و با آنها حرکت کرد. هنگامی که وارد خانه فاطمه علیها السلام شد دید در محراب عبادت ایستاده در حالی که از شدت گرسنگی شکم او به کمرش چسبیده و چشمانش به گودی نشسته است. پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می گوید. سپس سوره «هَلْ أَتَى» را بر او خواند. منابع اهل تسنن: تفسیر ثعلبی، ثعلبی، ج 10، ص 99؛ مناقب، خوارزمی، ص 267؛ کشاف، زمخشری، ج 4، ص 197؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 2، ص 398؛ (عن لیث بن ابی سلیم، عن مجاهد: عن ابن عباس..) و ص 404 - 405؛ (عن مقاتل، عن الأصبغ بن نباته و عن سعید بن جبیر: عن ابن عباس..)؛ تفسیر رازی، رازی، ج 30، ص 244؛ جامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، قرطبی، ج 19، ص 130؛ (رواه لیث عن مجاهد عن ابن عباس..)؛ أسد الغابه، ابن اثیر، ج 5، ص 530؛ (عن لیث عن مجاهد عن ابن عباس..)؛ تفسیر بیضاوی، بیضاوی، ج 5، ص 428؛ بدایه والنهایه، ابن کثیر، ج 5، ص 351؛ (عن لیث، عن مجاهد..)؛ فرائد السمطین، جوینی، ج 2، ص 54-56. و همچنین در منابع شیعه: تفسیر قمی، علی بن ابراهیم، ج 2، ص 398؛ امالی، شیخ صدوق، ص 329؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 160؛ تفسیر جوامع الجامع، شیخ طبرسی، ج 3، ص 692؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 147؛ طرائف، سید ابن طاووس، ص 107؛ صراط مستقیم، عاملی بیاضی، ج 1، ص 182؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 35، ص 246.

منقبت هفتاد و دوم: برکت الهی در ایثار گردنبد آن حضرت علیها السلام

«عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الْعَصْرِ فَلَمَّا انْتَهَلَ جَلَسَ فِي قِبْلَتِهِ وَالنَّاسُ حَوْلَهُ فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ شَيْخٌ مِنْ مُهَاجِرَةِ الْعَرَبِ عَلَيْهِ سَمَلٌ قَدْ تَهَلَّلَ وَأَخْلَقَ وَهُوَ لَا يَكَادُ يَتَمَالَكُ كِبَرًا وَصَدَّ عَفَا فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَحِثُّهُ الْخَبْرَ فَقَالَ الشَّيْخُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنَا جَائِعٌ الْكَبِدِ فَأَطْعِمْنِي وَعَارِي الْجَسَدِ فَاسْكَنْنِي وَفَقِيرٌ فَأَرِشْنِي فَقَالَ: مَا أَحَدٌ لَكَ شَيْئًا وَلَكِنَّ الدَّالَّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ انْطَلِقْ إِلَى مَنْزِلٍ مَنْ يَحُبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ يُؤْتِرُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ انْطَلِقْ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ وَكَانَ بَيْتُهَا مُلَاصِقَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّذِي يُنْفَرُ بِهِ لِنَفْسِهِ مِنْ أَرْوَاحِهِ وَقَالَ: يَا بَلَاءُ لَقَدْ فَقِفَ بِهِ عَلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَمَا انْطَلَقَ إِلَّا عَرَابِيٌّ مَعَ بِلَالٍ فَلَمَّا وَقَفَ عَلَى بَابِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطِ جَبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ بِالتَّنْزِيلِ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ فَمَنْ أَنْتَ يَا هَذَا؟ قَالَ: شَيْخٌ مِنَ الْعَرَبِ أَقْبَلْتُ عَلَى أَبِيكَ سَيِّدِ الْبَشَرِ مُهَاجِرًا مِنْ شُقَّةٍ وَأَنَا يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ عَارِي الْجَسَدِ جَائِعِ الْكَبِدِ

فَوَاسِيَ بِنِي يَرْحَمُهُ اللَّهُ وَكَانَ لِفَاطِمَةَ وَعَلِيٍّ فِي تِلْكَ الْحَالِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَ [لَيَالٍ] مَا طَعَمُوا فِيهَا طَعَاماً وَقَدْ عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ مِنْ شَأْنِهِمَا فَعَمَّ دَتَ فَاطِمَةَ إِلَى جَدِّ كَبِشٍ مَدْبُوعٍ بِالْقَرْظِ كَانَ يَنَامُ عَلَيْهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: خُذْ هَذَا أَيُّهَا الطَّارِقُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْتَاخَ لَكَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ.

قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ شَكَّوْتُ إِلَيْكَ الْجُوعَ فَنَاوَلْتِنِي جَدِّ كَبِشٍ مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِ مَعَ مَا أَجِدُ مِنَ السَّعْبِ قَالَ: فَعَمَدَتْ لِمَا سَمِعَتْ هَذَا مِنْ قَوْلِهِ إِلَى عَقْدٍ كَانَ فِي عُنُقِهَا أَهْدَنُ لَهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ عَمِّهَا حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَطَعَتْهُ مِنْ عُنُقِهَا وَبَدَّئَتْهُ إِلَى الْأَعْرَابِيِّ فَقَالَتْ: خُذْهُ وَبِعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يُعَوِّضَكَ بِهِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ فَأَخَذَ الْأَعْرَابِيُّ الْعِقْدَ وَانْطَلَقَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٍ فِي أَصْحَابِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَعْطَيْتَنِي فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ هَذَا الْعِقْدَ فَقَالَتْ: بَعْهُ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَصْنَعَ لَكَ قَالَ: فَبَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: وَ كَيْفَ لَا يَصْنَعُ اللَّهُ لَكَ وَقَدْ أَعْطَيْتَكَ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةَ بَنَاتِ آدَمَ فَقَامَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي بِشِرَاءِ هَذَا الْعِقْدِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اشْتَرِهِ يَا عَمَارُ فَلَوْ اشْتَرَكَ فِيهِ الثَّقَلَانِ مَا عَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ فَقَالَ عَمَارٌ: بِكُمْ الْعِقْدُ.

يَا أَعْرَابِيُّ قَالَ: بِشَبَّ بَعَهُ مِنَ الْخُبْرِ وَاللَّحْمِ وَبُرْدَةِ يَمَانِيَّةٍ اسْتُرَّ بِهَا عَوْرَتِي وَأَصَلَّتْ فِيهَا لِرَبِّي وَدِينَارٌ يُبْلَغُنِي إِلَى أَهْلِي وَكَانَ عَمَارٌ قَدْ بَاعَ سَهْمَهُ الَّذِي نَفَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ خَيْبَرَ وَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْئاً فَقَالَ: لَكَ عَشْرُونَ دِينَاراً وَ مِائَتَا دِرْهَمٍ هَجْرِيَّةٍ وَ بُرْدَةٌ يَمَانِيَّةٌ وَ رَاحِلَتِي تُبْلِغُكَ أَهْلَكَ وَ شِبَعُكَ مِنْ خُبْرِ الْبُرِّ وَ اللَّحْمِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: مَا أَسْحَاكَ بِالْمَالِ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ انْطَلَقَ بِهِ عَمَارٌ فَوْقَاهُ مَا صَمِنَ لَهُ وَ عَادَ الْأَعْرَابِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَشَبِعْتَ وَ اكْتَسَيْتَ؟

قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: نَعَمْ وَ اسْتَعْنَيْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي. قَالَ: فَاجْزِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ بِصَنِيعِهَا فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهٌ مَا اسْتَحْدَثْنَاكَ وَ لَا إِلَهَ لَنَا نَعْبُدُهُ سِوَاكَ وَ أَنْتَ رَازِقُنَا عَلَى كُلِّ الْجِهَاتِ اللَّهُمَّ أَعْطِ فَاطِمَةَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ فَأَمَّنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى دُعَائِهِ

وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فِي الدُّنْيَا ذَلِكَ أَنَا أَبُوهَا وَ مَا أَحَدٌ مِنَ الْعَالَمِينَ مِثْلِي وَ عَلَيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْلُهَا وَ لَوْ لَا عَلَيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ أَبَدًا وَ أَعْطَاهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ مَا لِلْعَالَمِينَ مِثْلُهُمَا سَيِّدًا شَبَابِ الْأَنْبِيَاءِ وَ سَيِّدًا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كَانَ يَارَانَهُ مِقْدَادٌ وَ عَمَّارٌ وَ سَلْمَانٌ.

فَقَالَ: ... أَلَا وَ أَزِيدُكُمْ مِنْ فَضْلِ لَهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَكَّلَ بِهَا رَعِيلاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَحْفَظُونَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ شِمَالِهَا وَ هُمْ مَعَهَا فِي حَيَاتِهَا وَ عِنْدَ قَبْرِهَا وَ عِنْدَ مَوْتِهَا يُكْثِرُونَ الصَّلَاةَ عَلَيْهَا وَ عَلَيَّ أَبِيهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنِيهَا فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّما زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّما زَارَنِي وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَكَأَنَّما زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّما زَارَ عَلِيًّا وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّما زَارَهُمَا فَعَمَّادٌ عَمَّارٌ إِلَى الْعَقْدِ فَطَيَّبَهُ بِالْمِسْكِ وَ لَفَّهُ فِي بُرْدِهِ يَمَانِيَّةً وَ كَانَ لَهُ عَبْدٌ اسْمُهُ سَهْمٌ ابْتِاعَهُ مِنْ ذَلِكَ السَّهْمِ الَّذِي أَصَابَهُ بِخَيْرٍ فَدَفَعَ الْعَقْدَ إِلَى الْمَمْلُوكِ وَ قَالَ لَهُ: خُذْ هَذَا الْعَقْدَ فَادْفَعْهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْتَ لَهُ فَاحْذِ الْمَمْلُوكَ الْعَقْدَ.

فَأَتَى بِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَخْبَرَهُ بِقَوْلِ عَمَّارٍ فَقَالَ النَّبِيُّ: انْطَلِقْ إِلَى فَاطِمَةَ فَادْفَعْ إِلَيْهَا الْعَقْدَ وَ أَنْتَ لَهَا فَجَاءَ الْمَمْلُوكُ بِالْعَقْدِ وَ أَخْبَرَهَا بِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاحْذِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ الْعَقْدَ وَ اعْتَقَتِ الْمَمْلُوكَ فَضَدَّ حِكَّ الْغُلَامِ فَقَالَتْ: مَا يُضْحِكُكَ يَا غُلَامُ؟ فَقَالَ: أَضْحَكُنِي عِظْمُ بَرَكَةِ هَذَا الْعَقْدِ أَشْبَعَ جَائِعاً وَ كَسَا عُرْيَاناً وَ أَعْنَى فَقِيْرًا وَ أَعْتَقَ عَبْدًا وَ رَجَعَ إِلَى رَبِّهِ. (1)

ترجمه:

حمزه بن حرمان از حضرت صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جابر بن عبد الله انصاری روایت می کند که گفت: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عصر را به جای آورد. وقتی نماز تمام شد رو به قبله [در محراب مسجد] نشست و مردم نیز اطراف او را گرفته بودند. در

این حال، پیرمردی از مهاجرین عرب به نزد ایشان آمد که لباس کهنه ای بر تن داشت و از شدت پیری و ضعف، قدرت حفظ خود را نداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی او نگرست و از احوالش سؤال کرد.

پیر مرد گفت: ای پیامبر خدا! گرسنه ام غذایی به من بده. برهنه ام لباسی به من بپوشان. فقیرم بی نیازم کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من چیزی ندارم که به تو بدهم ولی [تورا به جایی راهنمایی می کنم که] راهنمای به خیر مانند عامل به خیر است. به سوی خانه آن کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم وی را دوست می دارند؛ آن کسی که خدا را بر خود مقدم می دارد. به سوی خانه فاطمه علیها السلام برو. خانه فاطمه علیها السلام چسبیده به خانل رسول خدا صلی الله علیه و آله بود - آن خانه ای که مختص رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و جدا از همسرانش در آن زندگی می نمود- پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال فرمود: برخیز و این اعرابی را تا خانه فاطمه علیها السلام راهنمایی کن.

آن پیر مرد همراه بلال رفت. وقتی بر در خانه فاطمه علیها السلام ایستاد با صدای بلند گفت: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت! و ای محل آمد و شد ملائکه! و ای محل نزول جبرئیل و روح الامین همراه با تنزیل از سوی رب العالمین!

فاطمه علیها السلام فرمود: و علیک السلام، تو کیستی؟

پیر مرد گفت: من پیر مردی از عرب هستم که از راه دور به سوی پدر تو - که بهترین بشر است - آمدم. ای دختر محمد! من برهنه و گرسنه ام، با من مواسات کن. خدا تو را رحمت کند.

[راوی گوید:] آن زمان، هنگامی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام سه روز بود که غذا نخورده بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم از حال علی و زهرا علیهما السلام آگاهی داشت.

[راوی گوید:] آن زمان، هنگامی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی و فاطمه علیهما السلام سه روز بودند که غذا نخورده بودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم از حال علی و زهرا علیهما السلام آگاهی داشت.

حضرت فاطمه علیها السلام پوست گوسفند دباغی شده را با [چوب درخت] قَرَط [نظیر درخت گردو] - که حسن و حسین علیهما السلام روی آن می خوابیدند - به او داد و فرمود: این را بگیر ای که شب [سراغ ما] آمدی! شاید که خدا بهتر از آن را برای تو مهیا فرماید.

پیر مرد گفت: ای دختر محمّد! من از گرسنگی به تو شکایت کردم و تو پوست گوسفندی را به من می دهی؟! من با وجود این [ضعف و] گرسنگی که احساس می کنم با این پوست چه کنم؟! [و این به چه درد من می خورد؟]

راوی گوید: هنگامی که فاطمه علیها السلام این سخن را شنید گردنبندی را که فاطمه علیها السلام دختر عمویش - حمزه بن عبد المطلب - به وی هدیه کرده بود از گردن خویش باز کرد و به پیر مرد داد و فرمود: این گردنبند را بگیر و بفروش. شاید خداوند بهتر از آن را در عوضش به تو عطا فرماید.

پیر مرد گردنبند را گرفت و به سوی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و به حضرت صلی الله علیه و آله که در بین اصحاب خود نشسته بود گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! این گردنبند را دخترت فاطمه علیها السلام به من بخشید و گفت: آن را بفروش، شاید خداوند بهتر از آن را نصیب تو فرماید.

پیامبر صلی الله علیه و آله [با دیدن گردنبند] گریه اش گرفت و گفت: چگونه خداوند بهتر از آن نصیب تو نفرماید در حالی که فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله، سرور دختران آدم، آن را به تو عطا کرده است.

در این حال عمّار یاسر برخاست و گفت: ای رسول خدا! آیا اجازه می دهی که من این گردنبند را بخرم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن را خریداری کن ای عمار که اگر جن و انس در خریداری آن شراکت کنند خدا هرگز آنان را به آتش عذاب نخواهد کرد.

عمار گفت: ای پیر مرد! این گردنبند را به چه قیمتی می فروشی؟

پیر مرد گفت: به یک شکم سیر از نان و گوشت و یک برد یمانی که عورت خود را

به وسیله آن بیوشانم و با آن برای پروردگارم نماز بگزارم و یک دینار که مرا به اهل و عیالم برساند.

عمار همهٔ سهمش را - که رسول خدا صلی الله علیه و آله از غنیمت خیبر به او داده بود - فروخته بود و چیزی از آن [سهم] را باقی نگذاشته بود پس به پیر مرد گفت: بیست دینار و دو بیست درهم هَجْری و یک برد یمانی و شترم که تو را به وطن می رساند، با یک شکم سیر از نان گندم و گوشت به تو می دهم [و آن را از تو خریداری می نمایم]. پیر مرد گفت: ای مرد، تو چقدر سخاوتمندی! سپس عمار او را برد و به آنچه ضمانت کرده بود وفا کرد [و گردنبد را گرفت] و اعرابی پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او گفت: آیا سیر شدی و لباس پوشیدی؟

پیر مرد گفت: آری، و بی نیاز گردیدم پدر و مادرم به فدای تو.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اکنون که چنین است فاطمه علیها السلام را به دلیل کارش جزا بده.

اعرابی گفت: خداوند! تو معبودی هستی ازلی و ما غیر از تو معبودی که پرستیم نداریم، تو رازق ما هستی بر همه جهات. بار خدایا! به فاطمه چیزی عطا کن که چشم هیچ کس مانند آن را ندیده باشد و گوش هیچ کس نشنیده باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله بر دعای او آمین گفت و رو به اصحاب کرد و فرمود: خداوند این دعا را در دنیا، نسبت به فاطمه علیها السلام اجابت نموده است زیرا من پدر اویم که کسی مثل من نیست و علی علیه السلام شوهر اوست که اگر نبود، فاطمه علیها السلام، هرگز کفوی نداشت و به او حسن و حسین علیهما السلام را داده که هیچ کس همانند آنها را ندارد دو سرور جوانان اسباط انبیا و دو سرور جوانان اهل بهشت.

آنگاه حضرت صلی الله علیه و آله - در حالی که مقداد، عمار و سلمان مقابل ایشان بودند - فرمود: آیا می خواهید که بیش از این را برای شما بگویم؟ گفتند: بله یا رسول الله! ... خداوند متعال گروهی از فرشتگان را مأمور نموده که فاطمه علیها السلام را [از هر چهار طرف] از پیش رویش و از پشت سر و از راست و از چپش محافظت نمایند و این فرشتگان در زمان

حیات فاطمه علیها السلام و در قبر او و هنگام رحلتش با او همراهند و دروذهای فراوانی را نثار او، پدر، شوهر و فرزندان می نمایند. پس کسی که مرا پس از رحلتم زیارت نماید مثل آن است که مرا در زمان حیاتم زیارت نموده و کسی که فاطمه علیها السلام را زیارت کند مثل آن است که مرا زیارت کرده و کسی که علی بن ابی طالب علیه السلام را زیارت کند مانند آن است که فاطمه علیها السلام را زیارت کرده باشد. و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند گویا علی علیه السلام را زیارت کرده است و کسی که فرزندان حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند چنان است که آن دو را زیارت کند.

پس از این سخنان، عمّار، گردنبد فاطمه علیها السلام را با مُشک خوشبو نمود و آن را در میان بُردی یمانی پیچید - و او بنده ای داشت که نامش سهم بود و او را از سهمی که در خیبر به او رسیده بود خریداری نموده بود- آن [گردن بند] را تحویل غلام داد و به او گفت: این گردنبد را بگیر و تحویل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بده تو نیز از امروز برای فاطمه علیها السلام هستی.

آن غلام، گردنبد را گرفت و آن را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و سخنان عمّار را برای ایشان باز گفت. پیامبر فرمود: برو به سوی فاطمه علیها السلام و گردنبد را به او بده و تو برای او هستی. سهم [غلام عمار] با گردنبد [به نزد فاطمه] آمد و سخن پیامبر را برای او بیان نمود. فاطمه علیها السلام آن گردنبد را گرفت و غلام را آزاد کرد.

غلام خندید. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای غلام! برای چه می خندی؟ گفت: عظمت برکت این گردن بند [مرا خندان نموده است زیرا] گرسنه ای را سیر کرد؛ برهنه ای را پوشانید؛ فقیری را بی نیاز کرد؛ غلامی را آزاد نمود و [در نهایت] به صاحبش بازگشت.

منقبت هفتاد و سوم: بخشش لباس عروسی

«أَنَّهُ لَمَّا اشْتَدَّ الْمَرَضُ بِسَيِّدِهِ النَّسَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامَ دَخَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهَا وَلَدَاهَا... فَقَالَتْ: يَا ابْنَ عَمِّي وَيَا بَابَ مَدِينَةِ عِلْمِ النَّبِيِّ وَيَا زَوْجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَا صَاحِبَ السُّلَالَةِ الطَّاهِرَةِ أُوصِيكَ مِنْ بَعْدِي بِحِفْظِ هَذَيْنِ الْوَلَدَيْنِ فَهَمَّا قُرَّتَا عَيْنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَفَاهُمَا مَا لَقِيَاهُ مِنْ فِرَاقِ جَدَّهُمَا وَعَنْ قَرِيبٍ يَفْقِدَانِ أُمَّهُمَا...

فَبَكَى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا بِنْتَ الْمُصْطَفَى وَيَا سَيِّدَةَ النَّسَاءِ رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ. يَا بِنْتَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَمَنْ أَرْسَلَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. فَلَمَّا عَرَفَتْ [فاطمه] الرِّضَا مِنَ الْمُرْتَضَى قَالَتْ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ أَمْرِي وَوَضَعْتَنِي فِي قَبْرِ تِلْكَ الْقَارُورَةِ وَالْحَقَّةِ وَوَضَعَهُمَا فِي لِحْدِي...

سَأَلَهَا عَلَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا فِي هَذِهِ الْحَقَّةِ فَفَتَحَهَا فَإِذَا فِيهَا حَرِيرَةٌ خَضْرَاءُ وَفِي الْحَرِيرَةِ وَرَقَةٌ بَيْضَاءُ فِيهَا أُسْطُرٌ مَكْتُوبَةٌ وَ النُّورُ يَلْمَعُ.

قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَمَّا زَوَّجَنِي مِنْكَ أَبِي كَانَ عِنْدِي فِي لَيْلِ الزَّوْاجِ فَمِيصَانٍ أَحَدُهُمَا جَدِيدٌ وَالْآخَرُ عَتِيقٌ مُرَقَّعٌ فَبَيْنَمَا أَنَا عَلَى سَجَّادِهِ إِذْ طَرَقَ الْبَابُ سَائِلٌ وَقَالَ: يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنِ الْخَيْرِ وَالْمُتَوَّجِرَةِ الْعَادَةِ فِي النَّاسِ يَقْصِدُ دُونَ بَيْتِ الْأَعْرَاسِ لِأَنَّهَا لَا تَخْلُو مِنَ الطَّعَامِ لِمَنْ حَضَرَ مِنَ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ وَإِنْ كَانَ عِنْدَكُمْ

قَمِيصٌ خَلَقَ فِائِي بِهِ جَدِيرٌ لِأَنِّي رَجُلٌ قَفِيرٌ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ فَفَيْرُكُمْ عَارِي الْجَسَدِ.

فَعَمَدْتُ إِلَى الْقَمِيصِ الْجَدِيدِ فَدَفَعْتُهُ إِلَيْهِ وَ لَبِسْتُ الْقَمِيصَ الْخَلِقَ.

قَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَلَمَّا أَصْبَحْتُ عِنْدَكَ بِالْقَمِيصِ الْخَلِقِ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيَّ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا بُنَيَّهَ أَلَيْسَ قَدْ كَانَ لَكَ الْقَمِيصُ الْجَدِيدُ فَلِمَ لَا تَلْبَسِيهِ؟

فَقُلْتُ: يَا أَبَتِ تَصَدَّقْتَهَا لِسَائِلٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: نَعَمْ مَا فَعَلْتِ وَ لَوْ لَبِسْتِ الْجَدِيدَ لِأَجْلِ بَعْلِكَ وَ تَصَدَّقْتِ بِالْعَتِيقِ لِحَصَلِ لَكَ بِالْحَالِئِينَ التَّوْفِيقِ.

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِكَ اهْتَدَيْنَا وَ اقْتَدَيْنَا إِنَّكَ لَمَّا تَزَوَّجْتَ بِأُمِّي خَدِيجَةَ وَ انْفَقْتَ جَمِيعَ مَا أَعْطَيْتَكَ فِي طَاعَةِ الْمَوْلَى حَتَّى أَفْضَتِ بِكَ الْحَالُ أَنْ وَقَفَ بِبَابِكَ بَعْضُ السَّائِلِينَ فَأَعْطَيْتَهُ قَمِيصَكَ وَ التَّحَفْتَ بِالْحَصِيرِ حَتَّى نَزَلَ جَبْرَائِيلُ [بِنُزُولِ آيَةٍ فِي شَأْنِكَ]. فَبَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ وَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: أَقْرَأْ عَلَيَّ فَاطِمَةَ السَّلَامِ وَ قُلْ لَهَا: تَطْلُبُ مَا شَاءَتْ وَ لَوْ طَلَبْتَ مَا فِي الْخَضِرَاءِ وَ الْعَبْرَاءِ وَ بَشَّرَهَا أَنِّي أَحْبَبُهَا.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِي: بُنَيَّهَ إِنَّ رَبَّكَ يُسَلِّمُ عَلَيْكَ وَ يَقُولُ لَكَ اظْلُبِي مَا شِئْتِ.

فَقُلْتُ: يَا أَبَتَاهُ قَدْ شَغَلَنِي لَدَهُ خِدْمَتُهُ عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَا حَاجَةَ لِي غَيْرَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَ جِهَةِ الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا بُنَيَّهَ اذْفَعِي يَدَيْكَ فَرَفَعْتُ يَدَيَّ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأُمَّتِي وَ أَنَا أَقُولُ: آمِينَ. فَجَاءَ جَبْرَائِيلُ بِرِسَالَةٍ مِنَ الْجَلِيلِ: قَدْ غَفَرْتُ لِعَصَاهُ أُمَّتِكَ مِمَّنْ فِي قَلْبِهِ مَحَبَّةُ فَاطِمَةَ وَ أُيْبَاهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أُرِيدُ بِذَلِكَ سِحْلًا فَأَمَرَ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَأْخُذَ سِنْدَسَهُ خَضِرَاءَ وَ سِنْدَسَهُ بَيْضَاءَ وَ كَانَ فِيهِمَا: (كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَيَّ نَفْسِيهِ الرَّحْمَةَ) (1) وَ شَهِدَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ شَهِدَ الرَّسُولُ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا بُنَيَّهَ يَكُونُ هَذَا الْكِتَابُ فِي هَذِهِ الْحَقَّةِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ وَفَاتِكَ

فَعَلَيْكَ بِالْوَصِيَّةِ أَنْ يُوَضَعَ فِي لِحْدِكَ فَإِذَا قَامَ النَّاسُ فِي الْقِيَامَةِ وَانْقَطَعَ الْمُذْنِبُونَ وَسَحَبَتَهُمُ الرَّبَّانِيَةُ إِلَى النَّارِ فَسَلِّمِي الْوَدِيعَةَ إِلَيَّ حَتَّى أَطْلُبَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ وَعَلَيْكَ فَأَنْتِ وَأَبُوكِ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ. (1)

ترجمه:

در آن هنگام که مریضی حضرت زهرا علیها السلام [به جهت مصائبی که به ایشان وارد نمودند] شدت گرفت، حضرت علی علیها السلام بر ایشان وارد شد. حسن و حسین علیهما السلام نزد حضرت زهرا علیها السلام بودند...

حضرت زهرا علیها السلام به امیر مؤمنان علیه السلام عرض کرد: ای پسر عمویم و ای باب شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله و ای آقای من که همسر من در دنیا و آخرت هستی و ای صاحب نسل پاکان، وصیت می کنم که بعد از من این دو پسر را حفظ کنی که این دو نور چشم پیامبر هستند و ایشان را در فراق جدشان کفایت نما که به زودی مادرشان را نیز از دست خواهند داد.

پس امیر مومنان علیه السلام گریان شدند و فرمودند: ای دختر آنکه خدا او را برگزید و ای سرور زنان عالم، روح من به فدایت باد. ای دختر کسی که بشیر و نذیر و رحمت برای عالمین بود.

در این هنگام که حضرت زهرا علیها السلام رضایت مرتضی علیه السلام را از خویش دید، عرض کرد: یا علی پس از این که مرا در قبر گذاشتی این شیشه [که اشکهای حضرت زهرا علیها السلام در آن بود] و این حقه را درون لحد من بگذار...

سپس علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام پرسید: در این حقه چیست؟

1- فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، رحمانی همدانی، ص 767 (از کتاب کوکب الدرر، مولی صالح مازندرانی، ج 1 ص 251: (به نقل از تبر المذاب) نقل کرده است)؛ ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ج 1، ص 104 - 106، (روایت را به صورت فارسی از کتاب تبر المذاب نقل کرده است).

آن مخدره حُقه را گشود در آن حریر سبزی بود و در حریر، ورقه سفیدی که در آن چند سطر نوشته شده بود و نور از آن می درخشید.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: چون پدرم مرا به شما تزویج نمود من در شب عقد دو جامه داشتم یکی نو و دیگری کهنه و وصله دار، و در حالی که بر سجاده عبادت خود نشسته بودم ناگاه سائلی در را کوبید و فریاد کرد ای اهل بیت نبوت و ای معدن خیر و فتوت در بین مردم مرسوم است که شب عروسی به در خانه عروس می روند چون در آن خانه برای عموم مردم غذا حاضر است. حتی اگر جامه کهنه ای دارید [مرا بدهید] که من به آن سزاوارم زیرا مردی فقیرم. ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله فقیر شما برهنه است.

پس من آن جامه نورا به او دادم و خودم لباس کهنه را پوشیدم. یا ابا الحسن وقتی صبح با لباس کهنه خدمت شما آمدم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر من داخل شد و فرمود: دخترم! تو جامه نونداشتی؟ چرا آن را نمی پوشی؟ عرض کردم: پدر جان، آن را به سائلی صدقه دادم.

پدرم [در جواب] فرمود: خوب کاری کردی [اما] اگر جامه نورا برای شوهرت می پوشیدی و جامه کهنه را صدقه می دادی در هر دو حال برایت توفیق حاصل شده بود [یعنی هم سائل را رد نکرده بودی و هم لباس نورا برای شوهرت پوشیده بودی].

من عرض کردم ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! در این عمل به شما اقتدا کردم وقتی که با مادرم خدیجه علیها السلام ازدواج نمودی هرچه او به شما داده بود همه را در اطاعت از مولی [خداوند] انفاق کردی تا اینکه سائلی از شما سؤال کرد و شما پیراهن خود را به سائل دادی و خود را به حصیر پوشاندی. تا اینکه در شأن شما آیه ای نازل شد.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و مرا به سینه خود چسبانید. آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند به تو سلام می رساند و می گوید: به فاطمه علیها السلام سلام برسان و به او بگو هرچه می خواهد درخواست کند اگر حتی آنچه در زمین و آسمان است، بخواهد به او عطا می کنم و او را بشارت بده که من او را دوست دارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: دخترم، پرودگار به تو سلام می کند و می گوید: هرآنچه خواهی طلب نما.

من عرض کردم: پدر جان، لذت خدمت به خدا مرا از درخواست حاجت از او مشغول نموده است و تنها حاجتم نظر به وجه کریم خداوند در دار السلام است.

پس پدرم فرمود: دو دست خود را بلند کن! من دو دستم را بلند کردم ایشان نیز دستهای خود را بلند کرد و فرمود: خدایا امتم را پیامرز و من نیز آمین گفتم.

آنگاه جبرئیل نامه ای از خدای جلیل آورد [به این مضمون که]: گنهکاران امت تو را آمرزیدم؛ آنانکه محبت به فاطمه علیها السلام و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و اولاد فاطمه در قلبشان است.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله سند مکتوبی درخواست نمود و خداوند به جبرئیل امین امر کرد که دو تکه ابریشم نازک سبز و سفید بگیرد که در آن دو نوشته شده بود: (كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ) (1) و جبرئیل و میکائیل و پیامبر صلی الله علیه و آله شاهد شدند و پیامبر فرمود: دخترم این نوشته در این حقه است پس وقتی روز وفات فرا رسید وصیت کن که در لحدت گذاشته شود؛ پس زمانی که مردم در قیامت به پا خیزند و گنهکاران جدا شوند و ملائکه موکل بر جهنم آنها را به سوی آتش بکشند این ودیعه را به من تحویل بده تا طلب نمایم انعامی که خداوند بر من و تو کرده است که تو و پدرت رحمت برای عالمین هستید.

منقبت هفتاد و چهارم: برکت اكرام ميهمان

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِ الصَّفِّ فَقَالَ: يَا مَعَاشِرَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ إِنَّمَا رَجُلٌ غَرِيبٌ فَقِيرٌ وَاسْتَأْذَنَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَطْعَمُونِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا الْحَبِيبُ لَا تَذْكُرِ الْعُرْبَةَ فَقَدْ قَطَعَتْ نِيَابَ قَلْبِي أَمَّا الْعُرَبَاءُ فَأَرْبَعَةٌ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هُمْ؟

قَالَ مَسْجِدُ ظَهْرَانِي قَوْمٌ لَا يُصَلُّونَ فِيهِ وَفُرَّانِي فِي أَيْدِي قَوْمٍ لَا يَقْرَأُونَ فِيهِ وَعَالِمٌ بَيْنَ قَوْمٍ لَا يَعْرِفُونَ حَالَهُ وَلَا يَتَفَقَّهُونَهُ وَاسْتَأْذَنَ فِي بِلَادِ الرُّومِ بَيْنَ الْكُفَّارِ لَا يَعْرِفُونَ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ الَّذِي يَكْفِي مَوْوَنَهُ هَذَا الرَّجُلِ فَيَبْوَأَهُ اللَّهُ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخَذَ بِيَدِ السَّائِلِ وَآتَى بِهِ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ انظري في أمر هذا الضيف فقالت فاطمة عليها السلام: يا ابن العم لم يكن في البيت إلا قليل من البرص نعت منه طعاماً والأطفال محتاجون إليه وأنت صائم والطعام قليل لا يغني غير واحد فقال: أحضره فدهبت وأتت بالطعام ووضعت فنظر إليه أمير المؤمنين عليه السلام فرأه قليلاً فقال في نفسه: لا ينبغي أن أكل من هذا الطعام فإن أكلته لا يكفي الضيف فمد يده إلى السراج يريد أن يصده لوجه فاطمة وقال لست يده النساء عليها السلام: تعللي في إيقاده حتى يحسن الضيف أكله ثم اتبني به وكان أمير المؤمنين عليه السلام يحرك فمه المبارك يرى الضيف أنه يأكل ولا يأكل إلى أن فرغ الضيف من أكله وشبع وأنت خير

النِّسَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالسَّرَاجِ وَوَضَعْتُهُ وَكَانَ الطَّعَامُ بِحَالِهِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَصْنِفِيهِ: لِمَ مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَكَلْتُ الطَّعَامَ وَشَبِعْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَارَكَ فِيهِ ثُمَّ أَكَلْتُ مِنَ الطَّعَامِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَدَّ يَدَهُ النَّسَاءُ وَالْحَسَنَانِ: وَأَعْطُوا مِنْهُ جِيرَانَهُمْ وَذَلِكَ مِمَّا بَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ فَلَمَّا أَصَبَحَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ كَيْفَ كُنْتَ مَعَ الضَّيْفِ؟

فَقَالَ: بِحَمْدِ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِخَيْرٍ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَعَجَّبَ مِمَّا فَعَلْتَ الْبَارِحَةَ مِنْ إِطْفَاءِ السَّرَاجِ وَالْامْتِنَاعِ مِنَ الْأَكْلِ لِلضَّيْفِ فَقَالَ: مَنْ أَخْبَرَكَ بِهَذَا؟ فَقَالَ: جَبْرَائِيلُ وَآتَى بِهِذِهِ الْآيَةَ فِي سَأْنِكَ (وَيُؤَثِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ...)). (1)

ترجمه:

از عبد الله بن مسعود روایت شده که گفت: شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عشاء را خواند. مردی از بین صف ایستاد و گفت: ای گروه مهاجر و انصار، من مردی غریب و فقیرم و در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله از شما می خواهم که به من طعام دهید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای حبیب! غربت را یاد نکن که رگ قلبم را بریدی. غریب ها چهار گروه هستند. گفتند: یا رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: مسجدی در وسط قومی که در آن نماز نمی خوانند و قرآنی در دست قومی که آن را قرائت نمی کنند و عالمی بین قومی که حال او را نمی دانند و از او تقصد نمی نمایند و اسیری در بلاد روم بین کفار که خدا را نمی شناسند. سپس فرمود: کیست که کفایت کند مؤونه این مرد را تا خدا او را در فردوس اعلی جای دهد؟

امیر المؤمنین علیه السلام ایستاد و دست سائل را گرفت و او را به حجره فاطمه علیها السلام برد و فرمود: ای دختر رسول خدا! در امر این مهمان نظری بنما.

فاطمه علیها السلام فرمود: ای پسر عمو! در خانه جز کمی گندم نبود که از آن غذایی درست کردم... و شما روزه داری و غذا کم است و غیر از یک نفر را سیر نمی کند. امیر مومنان علیه السلام فرمود: غذا را حاضر کنید. حضرت فاطمه علیها السلام رفت و غذا را آورد و آن را گذاشت امیر المؤمنین علیه السلام به آن نگاه کرد و دید که کم است پس به خود گفت: سزاوار نیست که از این غذا بخورم اگر بخورم مهمان را کفایت ننماید. پس دستش را به قصد اصلاح چراغ به سوی آن دراز کرد و آن را خاموش کرد و به سیده زنان فرمود: در روشن کردن چراغ تعلل کن تا مهمان غذایش را خوب بخورد. بعد آن را برآیم بیاور و امیر المؤمنین علیه السلام دهان مبارک خود را تکان می داد و چنان وانمود می کرد که او نیز مشغول خوردن غذا است ولی غذا نمی خورد تا این که مهمان از خوردن فارغ شد و سیر گشت و سیده زنان چراغ را آورد و گذاشت و غذا به حال خود بود [چیزی از آن کم نشده بود].

امیر المؤمنین علیه السلام به مهمانش فرمود: چرا غذا را نخوردی؟ گفت: یا ابا الحسن! غذا خوردم و سیر شدم و لکن خداوند به آن برکت داده است. پس امیر المؤمنین علیه السلام و سیده زنان علیها السلام و حسنین از غذا خوردند و از آن به همسایگان نشان دادند و خداوند به آن برکت داده بود. وقتی صبح شد امیر المؤمنین علیه السلام به مسجد رسول خدا آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! با مهمان چگونه بودی؟ گفت: بحمد الله ای رسول خدا! به خیر بود. فرمود: خداوند تعجب نمود از آنچه دیشب کردی - خاموش کردن چراغ و خودداری از خوردن به خاطر مهمان - عرض کرد: چه کسی این خبر را به شما داد؟

حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل و این آیه را در شأن تو آورد: «و [دیگران] را بر خودشان ترجیح می دهند - تا آخر آیه -».

(1)

1- (و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ). الحشر: 9. همچنین: حَدَّثَنَا عَاصِمُ بْنُ كَلَيْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ] فَشَكَا إِلَيْهِ الْجُوعَ، فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى بِيوتِ أَزْوَاجِهِ فَقُلْنَ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا الْمَاءُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ لِهَذَا الرَّجُلِ اللَّيْلَةَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: أَنَا لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ أَتَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ [فَأَعْلَمَهَا] فَقَالَ: مَا عِنْدَكَ؟ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُوتُ الصَّبِيِّ لَكِنَّا نُؤْتِرُ صَبِيْنَا. فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَةَ مُحَمَّدٍ، نَوْمِي الصَّبِيَّةَ، وَ أَطْفِنِي الْمِصْبَاحَ، [وَ أَنَا أَطْفِئُ السَّرَاجَ لِلصَّبِيِّ]، فَلَمَّا أَصْبَحَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، فَلَمْ يَبْرَحْ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ: (و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ).
 راوی گوید: مردی نزد پیامبر آمد و از گرسنگی شکایت کرد پیامبر به خانه های همسرانش کسی فرستاد و آنان گفتند: جز آب چیزی نداریم، پیامبر فرمود: چه کسی این مرد را امشب می کند؟ علی گفت: من یا رسول الله، پس نزد فاطمه آمد و پرسید: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله چه [خوراکی] پیش شما هست؟ او گفت: نزد ما جز غذای بچه ها چیزی نیست، ولی ما آن را به مهمانمان می دهیم. علی علیه السلام گفت: بچه ها را بخوابان و چراغ را برای مهمان خاموش کن، [فاطمه علیها السلام چنین کرد و به مهمان غذا دادند]، چون صبح شد علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و خبر را به ایشان گفت و از آنجا نرفته بود که خداوند درباره آنان این آیه را نازل کرد: (و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) امالی، شیخ طوسی، ص 185، تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 5، ص 157؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 341؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج 5، ص 286؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص 215؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، 41، ص 28. منبع اهل تسنن: شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 2، ص 331 (با اختلاف کم).

فصل دهم: هدایت و ارشاد

منقبت هفتاد و پنجم: راهنمایی مادر پیش از ولادت

«إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَأَنَّكَ تَصَلِّي يَوْمًا فَقَصَصْتَ أَنْ تُسَلِّمَ فِي الثَّالِثَةِ فَنَادَتْهَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ بَطْنِهَا: قَوْمِي يَا أُمَّةَ فَإِنَّكَ فِي الثَّالِثَةِ» (1).

ترجمه:

روزی حضرت خدیجه علیها السلام نماز می خواند خواست در رکعت سوم سلام دهد، فاطمه علیها السلام از شکم وی ندا داد: برخیز ای مادر تو در رکعت سوم هستی.

1- مناقب الطاهرین، عماد طبری، ج 1، ص 280. همچنین: رُوِيَ أَنَّ خَدِيجَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا لَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ تَسْمَعُ مِنْهَا فِي بَطْنِهَا التَّسْبِيحَ وَ التَّحْمِيدَ وَ التَّهْلِيلَ. ثُمَّ كَانَتْ تَعْلَمُ أُمَّهَا أَحْكَامَ دِينِهَا وَ هِيَ فِي جَوْفِهَا؛ رَوَيْتُ شَدَّهَ كَهَ حَضْرَتِ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ هِنْكَامِي كَهَ بَهَ حَضْرَتِ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ بَارْدَارِ بُوْدُنْدِ اَزْ شَكْمِ خُوَيْشِ صَدَايِ تَسْبِيحِ وَ تَحْمِيدِ وَ تَهْلِيلِ مِي شَنِيدَنْدِ وَ حَضْرَتِ زَهْرَا عَلَيْهَا السَّلَامُ اِحْكَامِ دِينِ رَا دَرِ حَالِي كَهَ دَرِ شَكْمِ مَادَرِ بُوْدُنْدِ بَهَ مَادَرِ خُوَيْشِ تَعْلِيمِ مِي دَادَنْدِ. مَجْمَعِ النُّورِيْنَ، مَرْنَدِي، ص 50.

منقبت هفتاد و ششم: فضیلت پاسخ به سؤال دینی و تکفل ایتام آل محمد عليهم السلام

«حَصْرَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ الصِّدِّيقِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: إِنَّ لِي وَالِدَةً ضَعِيفَةً وَقَدْ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي أَمْرِ صَدِّيقِهَا شَيْءٌ، وَقَدْ بَعَثْتَنِي إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ فَأَجَابْتَهَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ، ثُمَّ تَنَّتْ، فَأَجَابَتْ، ثُمَّ تَلَّثَّتْ [فَأَجَابَتْ] إِلَى أَنْ عَشَّرَتْ فَأَجَابَتْ، ثُمَّ حَجَلَتْ مِنَ الْكُثْرَةِ، فَقَالَتْ: لَا أَشُقُّ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ.

قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: هَاتِي وَ سَلِي عَمَّا بَدَا لَكَ، أَرَأَيْتِ مَنْ أَكْتَرِيَ يَوْمًا يَصَدُّعِدُ إِلَى سَطْحٍ بِحَمَلٍ ثَقِيلٍ، وَ كِرَاؤُهُ مِائَةُ أَلْفِ دِينَارٍ، أَيُنْقَلُ عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: لَا.

فَقَالَتْ: أَكْتَرَيْتُ أَنَا لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ بِأَكْثَرِ مِنْ مِائَةِ مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ لَوْلَا فَاحِرَى أَنْ لَا يُنْقَلُ عَلَيَّ، سَمِعْتُ أَبِي [رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ] يَقُولُ: إِنَّ عُلَمَاءَ شَيْعَتِنَا يُحَسِّدُونَ، فَيُخَلَعُ عَلَيْهِمْ مِنْ خِلَعِ الْكِرَامَاتِ عَلَى قَدْرِ كَثْرَةِ عُلُومِهِمْ، وَ جِدِّهِمْ فِي إِزْشَادِ عِبَادِ اللَّهِ، حَتَّى يُخَلَعَ عَلَى الْوَاحِدِ مِنْهُمْ أَلْفُ أَلْفِ خِلَعٍ مِنْ نُورٍ.

ثُمَّ يَنَادِي مُنَادِي رَبِّمَا عَزَّ وَ جَلَّ: أَيُّهَا الْكَافِلُونَ لِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ، النَّاعِشُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمْ - الَّذِينَ هُمْ أَيْمَتُهُمْ - هُوَلَاءِ تَلَامِدَتِكُمْ وَ الْأَيْتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَ نَعَشْتُمُوهُمْ فَاخْلَعُوا عَلَيْهِمْ [كَمَا خَلَعْتُمُوهُمْ] خِلَعِ الْعُلُومِ فِي الدُّنْيَا.

فَيُخَلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلِيكَ الْأَيْتَامِ عَلَى قَدْرِ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنَ الْعُلُومِ

حَتَّىٰ إِنَّ فِيهِمْ - يَعْنِي فِي الْأَيْتَامِ - لَمَنْ يُخْلَعُ عَلَيْهِ مِائَةُ أَلْفِ خِلْعَةٍ وَكَذَلِكَ يُخْلَعُ هَؤُلَاءِ الْأَيْتَامُ عَلَىٰ مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُمْ.

ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: أَعِيدُوا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ الْكَافِلِينَ لِلْأَيْتَامِ حَتَّىٰ تُتِمُّوا لَهُمْ خِلْعَتَهُمْ، وَتُضَاعَفْ لَهَا فَيُتَمِّمُ لَهُمْ مَا كَانَ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلَعُوا عَلَيْهِمْ، وَيُضَاعَفُ لَهُمْ، وَكَذَلِكَ مَنْ بَمَرَاتِهِمْ مِمَّنْ يُخْلَعُ عَلَيْهِ عَلَىٰ مَرَاتِهِمْ.

وَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: يَا أُمَّةَ اللَّهِ إِنَّ سِلْكَاً مِنْ تِلْكَ الْخِلْعِ لَأَفْضَلُ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ. (1)

ترجمه:

زنی خدمت حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شد و عرضه داشت: مادری دارم ضعیف و رنجور که در امر نمازش مطلبی بر او مشتبه شده است. مرا نزد شما فرستاد تا پاسخ را از شما دریافت کنم. فاطمه زهرا علیها السلام پرسش او را پاسخ دادند؛ آن زن پرسش دیگری را مطرح نمود و حضرت پاسخ گفتند و بدین منوال پرسش سوم، چهارم، تا دهم را با حضرت در میان نهاد و حضرت به تمامی آنها پاسخ دادند. آن زن به سبب کثرت سؤال، شرمنده گردید و گفت: ای دختر فرستاده خدا، زحمت بر شما نباشم.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: هر سؤالی به ذهنت می رسد در میان بگذار [و از بازگو کردن آن شرمگین مباش]. به من بگو اگر کسی در مدت یک روز، اجیر شود که بار گران و سنگینی را بر دوش بکشد و آن را به بالای بام خانه ای رساند و در برابر آن پاداشی معادل با صد هزار دینار زر ستاند آیا بر او ثقیل و سنگین است؟

آن زن عرضه داشت: خیر. حضرت علیها السلام فرمود: من هم اجیر شده ام و اجرت من در

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 340؛ منیه المرید، شهید ثانی، ص 115؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 2، ص 3.

برابر پاسخ به هر سؤال، فزونتر است از این که ما بین ثری تا عرش پر از مروارید باشد پس سزاوارتر است که این بار بر من سنگینی ننماید!

شنیدم که پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: عالمان از شیعیان ما [در روز رستاخیز] در حالی که محشور می شوند به میزان وفور دانش و تلاششان در ارشاد بندگان خدا بر آنها لباس کرامت پوشانیده می شود تا این اندازه که بر قامت یکی از آنان هزار هزار خلعت از نور پوشانده می شود.

آنگاه منادی پروردگاران ندا می کند: ای کسانی که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را به عهده گرفتید و آنها را [از زمین] بلند کردید در زمانی که از پدران خویش - که امامانشان باشند- دور ابودند! اینان شاگردان شما هستند. همان یتیمانی که سرپرستیشان را بر عهده گرفتید و آنان را بلند نمودید. بر آنان خلعت دهید آنگونه که آنان را در دنیا با خلعت علوم پوشانید. پس بر هر یک از آن ایتمام به قدر علمی که آن ایتمام از ایشان گرفته اند خلعت می دهند حتی در آن ایتمام کسی یافت می شود که صد هزار جامه بر اندامش پوشانده می شود و همین شاگردان به نوبه خود بر قامت شاگردانشان جامه های نورانی می پوشانند.

آنگاه خداوند می فرماید: بر قامت علمایی که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را بر دوش داشتند دوباره از این خلعتها بیوشانید تا این که خلعتهایشان را کامل و دو برابر نمایید. پس خداوند قبل از این که بر شاگردانشان خلعت دهند نعمت را بر آنها تمام می سازد و دوچندان می کند و آنهایی که در مرتبه شان هستند نیز به قدر مرتبه شان خلعت می گیرند.

آنگاه حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: ای بنده خدا، یک تار از آن جامه ها از تمامی آنچه آفتاب بر آن تابیده است هزار هزار بار با ارزش تر است.

منقبت هفتاد و هفتم: اجر ارشاد در امر دین و پاسخ شبهات

«عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَدِ اخْتَصَمَ إِلَيْهَا امْرَأَتَانِ، فَتَنَازَعَتَا فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدِّينِ إِحْدَاهُمَا مُعَانِدَةٌ وَ الْأُخْرَى مُؤْمِنَةٌ، فَفَتَحَتْ عَلَى الْمُؤْمِنَةِ حُجَّتَهَا، فَاسْتَظْهَرَتْ عَلَى الْمُعَانِدَةِ، فَفَرِحَتْ فَرَحًا شَدِيدًا. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إِنَّ فَرَحَ الْمَلَائِكَةِ بِإِسْتِظْهَارِكِ عَلَيْنَا أَشَدُّ مِنْ فَرَحِكِ، وَإِنَّ حُزْنَ الشَّيْطَانِ وَمَرَدَّتَهُ بِحُزْنِهَا عَنْكَ أَشَدُّ مِنْ حُزْنِهَا. وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: أَوْجِبُوا لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَا فَتَحَتْ عَلَى هَذِهِ الْمُسْكِينَةِ الْأَسِيرَةِ مِنَ الْجَنَانِ أَلْفَ أَلْفِ ضِعْفٍ مَا كُنْتُمْ أَعَدَدْتُمْ لَهَا وَاجْعَلُوا هَذِهِ سُنَّةً فِي كُلِّ مَنْ يَفْتَحُ عَلَى أَسِيرٍ مُسْكِينٍ، فَيَغْلِبُ مُعَانِدًا مِثْلَ أَلْفِ أَلْفٍ مَا كَانَ لَهُ مُعَدًّا مِنَ الْجَنَانِ.» (1)

ترجمه:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: دوزن خصومت خود را نزد حضرت فاطمه علیها السلام بردند. آن دو در مسأله ای از امر دین با هم اختلاف داشتند. یکی معاند بود و دیگری مؤمن.

1- تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص 346؛ احتجاج، شیخ طبرسی، ج 1، ص 11؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 2، ص 8.

آن حضرت علیها السلام بر آن زن مؤمن [راه اقامه] دلیل و برهانش را گشود و او بر زن معاند غالب گشت و به همین دلیل بسیار خوشحالی نمود.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: خوشحالی فرشتگان به سبب ظهور و غلبه تو بر او، بیش از شادی تو ست و حزن و اندوه شیطان و یارانش - که به خاطر حزن آن زن حاصل شده - بیش از حزن و اندوه آن زن [که در عقیده باطل خود مغلوب شد] است.

خداوند به فرشتگان فرمود: به جهت اینکه فاطمه علیها السلام حجت را برای آن زن مؤمن مسکین و اسیر گشود، برای فاطمه علیها السلام هزار هزار برابر آنچه از جنان تهیه دیده بودم مقرر سازید و این را سنتی قرار دهید برای هر که راه غلبه را برای بنده اسیر مسکینم باز کند تا او بر معاندی غالب گردد و هزار هزار برابر آنچه از جنان برایش آماده شده برایش مقرر دارید.

منقبت هفتاد و هشتم: اسلام آوردن زنان یهودی با دیدن لباس بهشتی آن حضرت علیها السلام

«رَوَى أَنَّ الْيَهُودَ كَمَا أَنَّ لَهُمْ عُرْسٌ فَجَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالُوا: لَنَا حَقُّ الْجَوَارِ فَنَسْأَلُكَ أَنْ تَتَّبِعَ فَاطِمَةَ بِنْتَكَ إِلَى دَارِنَا حَتَّى يَزْدَادَ [بِزْدَانٍ] عُرْسَنَا بِهَا وَالْحُوا عَلَيْهِ فَقَالَ: إِنَّهَا زَوْجَةٌ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهِيَ بِحُكْمِهِ وَسَأَلُوهُ أَنْ يَشْفَعَ إِلَيْ عَلِيٍّ فِي ذَلِكَ وَقَدْ جَمَعَ الْيَهُودُ الطَّمَّ وَ الرَّمَّ مِنَ الْحُلِيِّ وَالْحَلَلِ وَظَنَّ الْيَهُودُ أَنَّ فَاطِمَةَ تَدْخُلُ فِي بَدَلَتِهَا وَآزَادُوا اسْتِهَانَةً بِهَا فَجَاءَ جَبْرَيْلُ بِثِيَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ حُلِيِّ وَ حَلَالٍ لَمْ يَرَوْا مِثْلَهَا فَلَبَسَتْهَا فَاطِمَةُ وَ تَحَلَّتْ بِهَا فَتَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ زِينَتِهَا وَ أَلْوَانِهَا وَ طَبِيبَهَا فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ دَارَ الْيَهُودِ سَجَدَ لَهَا نِسَاؤُهُمْ يُقْبِلُونَ الْأَرْضَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَسْلَمَ بِسَبَبِ مَا رَأَوْا خَلْقٌ كَثِيرٌ مِنَ الْيَهُودِ» (1)

ترجمه:

روایت شده یهود [مجلس] عروسی داشتند، به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما [بر شما] حق همسایگی داریم، از شما تقاضا می کنیم که دخترت فاطمه علیها السلام را به خانه ما بفرستی تا موجب زینت عروسی ما باشد و در این مورد خیلی اصرار

1- خرائج و الجرائح، راوندی، ج 2، ص 538 - 539؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 30.

کردند تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: فاطمه علیها السلام همسر علی بن ابی طالب علیه السلام است و باید علی علیه السلام در این مورد نظر دهد. آنها [وقتی این جواب را شنیدند] از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقاضا کردند که در این رابطه با علی علیه السلام صحبت کند و رضایت وی را جلب نماید.

زنان یهودی برای شرکت در آن مجلس، هرچه زیور و لباس فاخر داشتند جمع کردند و فکر می کردند که فاطمه علیها السلام با همان لباس های معمول روزمره در آن مجلس حاضر خواهد شد و آنان می خواستند او را مورد توهین و تحقیر قرار دهند. جبرئیل، لباس ها، زیورها و حله هایی از بهشت آورد که مثل آن را ندیده بودند. حضرت فاطمه علیها السلام آنها را پوشید و خود را به آنها زینت کرد همه از زیبایی و رنگ و بوی خوش آنها تعجب نمودند و هنگامی که فاطمه علیها السلام [با آن وضعیت] وارد خانه یهودیان گردید زنان حاضر در مجلس [از روی بهت و حیرت] در مقابل آن حضرت به سجده افتادند و زمین جلوی پای حضرت زهرا علیها السلام را می بوسیدند و بسیاری از یهودیان به سبب آنچه که دیدند اسلام آوردند.

تذکر:

در منقبت: 87 به هدایت هشتاد یهودی به نور چادر آن حضرت علیها السلام اشاره گردیده است.

فصل یازدهم: انذار

منقبت هفتاد و نهم: فاطمه زهرا عليها السلام إحدى الكبر و نذيراً للبشر

«عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ) (1) قَالَ: يَعْنِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ». (2)

ترجمه:

از ابی حمزه از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که درباره آیه «همانا او یکی از بزرگترین ها است؛ هشدار دهنده بشر است» فرمود: منظور خدا در این آیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

1- المدثر: 35.

2- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج 2، ص 396؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 5، ص 528؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 24، ص 331 و ج 43، ص 23؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج 5، ص 458؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 14، ص 27.

فصل دوازدهم: خصائص اسماء مبارکه فاطمه زهرا عليها السلام

منقبت هشتم: اسماء آن حضرت عليها السلام در مقام عندالهی

عَنْ يُونُسَ بْنِ زَيْبَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تِسْعَةُ أَسْمَاءَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاطِمَةُ وَ الصَّديقَةُ وَ الْمُبارَكَةُ وَ الطَّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّاضِيَةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْرَاءُ.» (1)

ترجمه:

یونس بن زبیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: فاطمه زهرا علیها السلام نزد خدای تعالی نه نام دارد: «فاطمه و صدیقه و مبارکه و طاهره و زکیه و راضیه و مرضیه و محدثه و زهرا.»

تذکر: رجوع شود به منقبت: 3، 10، 11، 37، 40، 44، 46، 58، 62، 67، 80، 82، 83، 84، 85، 99.

1- امالی، شیخ صدوق، ص 688؛ خصال، شیخ صدوق، ص 414؛ علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 178؛ دلائل الإمامه، محمد بن جریر طبری (شیعی)، ص 79؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 148؛ تاج الموالد، شیخ طبرسی، ص 20؛ اعلام الوری، شیخ طبرسی، ج 1، ص 90؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 455؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 91؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 243؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 10.

بخش دوازدهم: اشراقات نوری فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

منقبت هشتاد و یکم: اشراق آسمان به هنگام تولد آن حضرت علیها السلام

«فَلَمَّا سَأَلَهُ الْكُفَّارُ أَنْ يُرِيَهُمْ انْشِقَاقَ الْقَمَرِ وَقَدْ بَانَ لِخَدِيجَةَ حَمْلُهَا بِفَاطِمَةَ وَظَهَرَ، قَالَتْ خَدِيجَةُ: وَآ حَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ خَيْرُ رَسُولٍ وَنَبِيِّ، فَتَادَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ بَطْنِهَا: يَا أُمَّةَ لَا تَحْزَنِي وَلَا تَرْهَبِي فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي، فَلَمَّا نَمَتْ أَيَّامَ حَمْلِهَا وَانْقَضَى وَضَعَتْ فَاطِمَةَ فَأَشْرَقَ بُنُورٌ وَجْهَهَا الْفَضَاءُ» (1)

ترجمه:

آن هنگام که کفار، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست نمودند تا شکافتن ماه را به آنها نشان دهد - زمانی بود که خدیجه علیها السلام، تازه دریافته بود که به فاطمه علیها السلام حامله است. - خدیجه علیها السلام در مقابل در خواست کفار چنین گفت: چقدر زیانکار است آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تکذیب نماید و حال آنکه او بهترین رسول و پیامبر صلی الله علیه و آله است.

1- جنه العاصمه، علامه میر جهانی، ص 357. منابع اهل تسنن: الرقائق معروف بالأخوانیات، شیخ عبد الله حنفی، ص 250 مخطوط؛ الروض الفائق فی المواعظ و الرقائق، ابو مدین شعیب بن عبد الله بن سعد مصری، ص 214 ط القاہرہ. (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 13 و ج 4، ص 474).

وقتی فاطمه علیها السلام از رحم مادرش این سخنان را شنید، ندا داد: ای مادر! محزون مباش و مترس؛ زیرا که خدا با پدر من است.

چون مدّت حمل به سر آمد، فاطمه علیها السلام متولد شد و فضا به نور روی او روشن گردید.

منقبت هشتماد و دوم: مشکات نور و کوكب دزى

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ) (1) فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ (فِيهَا مِصْبَاحُ) الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ) الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوُكَبُ دُرِّيٌّ) فَاطِمَةُ كَوُكَبُ دُرِّيٍّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا...» (2)

ترجمه:

امام صادق عليه السلام راجع به قول خدای تعالی (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ) [خدا نور آسمانها و زمین است، حکایت نور او چون چراغدانی است] فرمود: [آن چراغدان] فاطمه علیها السلام است.

(فِيهَا مِصْبَاحُ) [در آن چراغدان چراغیست] آن چراغ حسن علیه السلام است.

1- النور: 35.

2- مسائل علی بن جعفر، علی بن جعفر صادق علیه السلام، ص 316؛ تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج 2، ص 103؛ کافی، شیخ کلینی، ج 1، ص 195؛ تفسیر فرات، فرات کوفی، ص 282؛ تفسیر غریب القرآن، طریحی، ص 40 - 41؛ تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج 4، ص 67؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 3، ص 259؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 4، ص 18 - 19 و ج 23، ص 304؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج 3، ص 602؛ تفسیر کنز الدقائق، شیخ محمد قمی مشهدی، ج 9، ص 308.

(الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ) [چراغ در حبای بلورین است] آن حباب بلورین، حسین علیه السلام است.

(الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) [آن حباب بلورین مانند اختر درخشانی است] فاطمه علیها السلام اختری درخشان در میان زنان جهان است. (1)

1- و همچنین: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَوْذَبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْخَلِيلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ) قَالَ الْمِشْكَاهُ فَاطِمَةُ وَ الْمِصْبَاحُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ كَوْكَبًا دُرِّيًّا مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكَةٌ) الشَّجَرَةُ الْمُبَارَكَةُ إِبْرَاهِيمُ (لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ) لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا نَصْرَانِيَّةَ (يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ) قَالَ يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْطِقُ مِنْهَا (وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ) قَالَ إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ) قَالَ يَهْدِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُولَايَتِنَا مَنْ يَشَاءُ.» ابن مغزلی شافعی به سند خود از علی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که ایشان تفسیر آیه (كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ) را از امام کاظم علیه السلام سوال نمود و حضرت علیه السلام در جواب فرمود: مراد از «مشکاه» فاطمه علیها السلام است و مراد از «مصباح» حسن و حسین علیهما السلام هستند و مراد از (الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) فاطمه است که همچون ستاره ای درخشان در بین تمام زنان عالم می درخشد. و مراد از (يُوقَدُ مِنْ شَجَرِهِ مُبَارَكَةٌ) ابراهیم علیه السلام است و (لَا شَرْقِيَّةَ وَ لَا غَرْبِيَّةَ) یعنی نه یهودی و نه نصرانی است. (يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ) یعنی نزدیک است علم از وجود فاطمه علیها السلام به سخن آید. (وَ لَوْ لَمْ تَمَسَّهُ نَارٌ) اگر چه به او نرسد آتش (نُورٌ عَلَى نُورٍ) یعنی از نسل فاطمه علیها السلام امامانی است که یکی بعد از دیگری به وجود می آیند. (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ) حضرت علیه السلام فرمود: خداوند هدایت می کند به ولایت ما (آل محمد) هر که را بخواهد. طرائف، سید بن طاووس، ص 135؛ نهج الحق، علامه حلی، ص 207؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 1، ص 120؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 36، ص 363. منابع اهل تسنن: مناقب علی بن ابی طالب، ابن مغزلی، ص 293؛ مناقب أهل البيت، ابن مغزلی، ص 378؛ جواهر العقدين، سمهودی، ج 2، ص 95؛ رشفه الصادی، أبو بکر علوی حضر می، ص 29 (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 9، ص 125)؛ مناقب الفاخره فی العتره الطاهره، ص 404 (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 9، ص 125)؛ تفسیر الأعقم، ص 455، اعقم انسی یمانی (بنابر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 33، ص 38).

منقبت هشتاد و سوم: تابشی چون خورشید و ماه و کوكب

«أَبُو هَاشِمٍ الْعَسْكَرِيُّ: سَأَلْتُ صَاحِبَ الْعَسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِمَ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ فَقَالَ: كَانَ وَجْهَهَا يَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيهِ وَعِنْدَ الزَّوَالِ كَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ وَعِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ كَالْكُوكَبِ الدُّرِّيِّ» (1)

ترجمه:

ابو هاشم عسکری گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام پرسیدم: چرا حضرت فاطمه علیها السلام را «زهراء» نامیدند؟ فرمود: زیرا چهره او برای امیر المؤمنین علیه السلام از اول روز مانند آفتاب روشن و به هنگام زوال مانند ماه درخشان و به هنگام غروب آفتاب مانند ستاره درخشنده نور می داد.

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 110 - 111؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 522؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 16.

منقبت هشتماد و چهارم: جلوه های سفید و زرد و سرخ

عَنْ ابْنِ بِنِ تَغْلِبَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيْتَ الزَّهْرَاءَ زَهْرَاءَ؟ فَقَالَ: «لَأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ كَانَ يَزْهَرُ نُورٌ وَجْهَهَا صَلَاةُ الْغَدَاةِ وَ النَّاسُ فِي فِرَاسِهِمْ فَيَدْخُلُ بِيَاضُ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجْرَاتِهِمْ بِالْمَدِينَةِ فَيَتَبَيَّضُ حَيْطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّي وَ النُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهَهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ .

فَإِذَا انْتَصَفَ النَّهَارُ وَ تَرْتَبَتْ لِلصَّلَاةِ زَهْرَ نُورٍ وَجْهَهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالصُّفْرِ فَتَدْخُلُ الصُّفْرَةَ فِي حُجْرَاتِ النَّاسِ فَتَصْفُرُ ثِيَابَهُمْ وَ الْوَأْنَهُمْ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَيَرَوْنَهَا قَائِمَةً فِي مِحْرَابِهَا وَقَدْ زَهَرَ نُورٌ وَجْهَهَا - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى آبِئِهَا وَ بَعْطِهَا وَ بَيْنِهَا - بِالصُّفْرِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ مِنْ نُورِ وَجْهَهَا.

فَإِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ وَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ أَحْمَرَ وَجْهَ فَاطِمَةَ فَأَشْرَقَ وَجْهَهَا بِالْحُمْرَةِ فَحَرَّاهُ وَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَانَ تَدْخُلُ حُمْرَةَ وَجْهَهَا حُجْرَاتِ الْقَوْمِ وَ تَحْمُرُ حَيْطَانَهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ وَ يَأْتُونَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسْأَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ فَيَرَوْنَهَا جَالِسَةً تُسَبِّحُ اللَّهَ وَ تُمَجِّدُهُ وَ نُورٌ وَجْهَهَا يَزْهَرُ بِالْحُمْرَةِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْا كَانَ

مِنْ نُورٍ وَجْهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَلَمْ يَزَلْ ذَلِكَ التُّورُ فِي وَجْهِهَا حَتَّى وُلِدَ الْحَسَّ بْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُوَ يَتَقَلَّبُ فِي وَجْهِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِمَامٍ بَعْدَ إِمَامٍ. (1)

ترجمه:

ابان بن تغلب روایت کرده: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چرا فاطمه علیها السلام را «زهراء» نامیدند؟

حضرت علیه السلام فرمودند: برای اینکه نور حضرت فاطمه علیها السلام روزی سه مرتبه برای امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب علیهما السلام جلوه می کرد. نور چهره او به هنگام اقامه نماز صبح -در حالی که مردمان در رختخوابشان بودند- چنان می درخشید که سفیدی آن نور، داخل خانه های مردم مدینه می گردید و دیوارهایشان سفید می شد، آنان از این نور تعجب می کردند و به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و از او درباره آنچه دیدند سؤال می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به خانه حضرت فاطمه علیها السلام می فرستاد و آنها به منزل فاطمه علیها السلام می آمدند و می دیدند که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده (و نماز می خواند) و نور از صورت آن حضرت علیها السلام ساطع می شود، و آنگاه در می یافتند که آنچه دیدند از نور فاطمه علیها السلام بوده است.

هنگامی که ظهر فرا می رسید و فاطمه علیها السلام آماده نماز می شد نور زردی از چهره وی ساطع می گردید و داخل خانه های اهل مدینه می شد به طوری که لباس و رنگ ایشان زرد می گشت، آنها به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و از ایشان درباره آنچه دیدند سؤال می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به خانه حضرت فاطمه علیها السلام می فرستاد. آنها می دیدند که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت ایستاده و نور صورتش به رنگ زرد می درخشید؛ در می یافتند که آنچه دیدند از نور صورت فاطمه علیها السلام بوده است.

هنگامی که آخر روز می شد و آفتاب غروب می کرد چهره فاطمه علیها السلام سرخ می شد و

1- علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 180-181؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 11.

صورت او با این رنگ سرخ می درخشید [که این سرخی] از روی شادی و شکر خداوند [بود]. پس سرخی صورت او داخل خانه های مردم می شد و دیوار خانه های ایشان سرخ می گشت و مردم مدینه از این امر تعجب می کردند و به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و از او درباره آن می پرسیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را به خانه حضرت فاطمه علیها السلام می فرستاد، و آنها می دیدند که فاطمه علیها السلام نشسته و به تسبیح و تمجید خدا مشغول است و آن نور سرخ از صورت وی ساطع است و می فهمیدند که آنچه دیدند از نور صورت فاطمه علیها السلام بوده است. پس آن نور در چهره فاطمه علیها السلام باقی بود تا زمانی که حسین علیه السلام از وی متولد شد. پس آن نور در صورتهای ما ائمه است تا روز قیامت؛ امامی بعد از امام دیگر.

منقبت هشتاد و پنجم: اشراق نور فاطمه زهرا عليها السلام در محراب بر سماواتیان

عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِمَ سُمِّيَتْ زَهْرَاءَ فَقَالَ: «لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهْرَ نُورِهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ». (1)

ترجمه:

ابن عماره از پدرش روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا حضرت فاطمه عليها السلام، «زهراء» نامیده شد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: به این دلیل که ایشان وقتی در محراب عبادت می ایستاد نور

1- علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 181؛ معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص 64؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 12-13. منبع اهل تسنن: أهل البيت، توفیق أبو علم، ص 112: (بنا بر نقل إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 11). همچنین: «عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ... مَتَى قَامَتْ [فَاطِمَةُ] فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهْرَ نُورِهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...» فرائد السمطين، جوینی شافعی، ج 2، ص: 35.

آن حضرت علیها السلام برای اهل آسمان تالّو می نمود. آنچنان که نور ستارگان برای ساکنین زمین می درخشد.

تذکر:

رجوع شود به منقبت 7: «اشراق نوری حضرت زهرا علیها السلام در هنگام تولد» و منقبت 86: «اشراق بهشت از نور خنده امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام».

منقبت هشتاد و ششم: اشراق بهشت از نور خنده امیر مؤمنان و حضرت زهرا علیها السلام

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَبَيْنَمَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ إِذْ رَأَوْا مِثْلَ الشَّمْسِ قَدْ أَشْرَقَتْ لَهَا [لَهُ] الْجَنَانُ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ: يَا رَبِّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ: (لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا) [وَلَا زَمَهْرِيرًا] (1) فَيُرْسِلُ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ إِلَيْهِمْ جَبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: لَيْسَ هَذِهِ شَمْسًا [بِشَّمْسٍ] وَ لَكِنَّ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ [فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ قَدْ] ضَحِكَا فَأَشْرَقَتِ الْجَنَّةُ [الْجَنَانُ] مِنْ نُورِ ضَحِكِهِمَا.»

ترجمه:

ابن عباس (2) گوید: در این میان که اهل بهشت در بهشت قرار گرفته اند، نوری مثل

1- الإنسان: 13.

2- مناقب امام امیر المؤمنین علیه السلام، محمد بن سلیمان کوفی، ج 1، ص 183: (سلیمان کوفی با این عبارت آورده: «لیس هذه شمسا ولكن فاطمه و علی ضحکا فأشرق الجنة من نور ضحكهما»); امالی، شیخ صدوق، ص 333؛ روضها لواعظین، فتال نیشابوری، ص 163؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 109: (ابن شهر آشوب با اختلاف در عبارت، از کشف ثعلبی و فضائل أبو السَّعادات در تفسیر (لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا زَمَهْرِيرًا) نقل کرده است); تأویل الآيات، استرآبادی، ج 2، ص 752: (به نقل از امالی); تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 565: (با اختلاف کم در عبارت); بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 35، ص 241. همچنین: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ بَيْنَمَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ إِذْ رَأَوْا ضَوْءًا كَضَوْءِ الشَّمْسِ وَ قَدْ أَشْرَقَتْ الْجَنَانُ لَهَا [لَهُ] فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ: يَا رِضْوَانُ: قَالَ رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ: (لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَ لَا- زَمَهْرِيرًا) فَيَقُولُ لَهُمْ رِضْوَانٌ لَيْسَتْ هَذِهِ بِشَمْسٍ وَ لَا قَمَرٍ وَ لَكِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ ضَحِكَا ضَحِكًا أَشْرَقَتْ الْجَنَانُ مِنْ نُورِ ضَحِكِهِمَا. منابع اهل تسنن: تفسیر ثعلبی، ثعلبی، ج 10، ص 102؛ تفسیر قرطبی، قرطبی، ج 19، ص 138: (قرطبی از ثعلبی نقل نموده با اختلاف کم در عبارت); کشف الأسرار و عده الأبرار، رسيد الدين ميبدی، ج 10، ص 323؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، آلوسی، ج 29، ص 159: (با اختلاف کم در عبارت و آخر روایت را اینگونه آورده: فأشرق الجنة من نور ثغريهما); و به همین مضمون: نزهه المجالس، صفوری، ج 2، ص 228 - ط القاهرة: (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 135. منابع شیعه: عمده، ابن بطریق، ص 349؛ نهج الإیمان، ابن جبر، ص 175: (ابن بطریق و ابن جبر با این عبارت آورده اند: «لیست هذه شمسا و لا قمر»)

نور خورشید ببینند که بهشت از آن نور درخشان گشته، اهل بهشت گویند: پروردگارا تو در کتابت گفتی که: (لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا) (1) [در آن [بهشت] آفتابی نبینند]. خدای تعالی جبرئیل را نزد آنها فرستد و به ایشان گوید: این نه خورشید است و نه ماه بلکه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام خندیدند و بهشت از نور خنده شان درخشان شد.

منقبت هشتاد و هفتم: اسلام هشتاد یهودی به نور چادر حضرت زهرا علیها السلام

رَوِيَ أَنَّ عَلِيًّا اسْتَقْرَضَ مِنْ يَهُودِيٍّ شِعْبًا فَاَسْتَرْهَنَهُ شَيْئًا فَدَفَعَ إِلَيْهِ مَلَاءَةً فَاطِمَةَ رَهْنًا وَكَانَتْ مِنَ الصُّوفِ فَأَدْخَلَهَا الْيَهُودِيُّ إِلَى دَارٍ وَوَضَعَهَا فِي بَيْتٍ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلُ دَخَلَتْ زَوْجَتُهُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْمَلَاءَةُ بِشُغْلٍ فَرَأَتْ نُورًا سَاطِعًا فِي الْبَيْتِ أَضَاءَ بِهِ كُلُّهُ فَانْصَرَفَتْ إِلَى زَوْجِهَا فَأَخْبَرَتْهُ بِأَنَّهَا رَأَتْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ ضَوْءَ عَظِيمًا فَتَعَجَّبَ الْيَهُودِيُّ زَوْجُهَا وَقَدْ نَسِيَ أَنَّ فِي بَيْتِهِ مَلَاءَةً فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَتَهَضَّ مُسْرِعًا وَدَخَلَ الْبَيْتَ فَإِذَا ضِيَاءُ الْمَلَاءَةِ يُنْشِرُ شِعْبًا كَأَنَّهُ يَشْتَعِلُ مِنْ بَدْرِ مَنِيرٍ يَلْمَعُ مِنْ قَرِيبٍ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ فَأَنْعَمَ النَّظَرَ فِي مَوْضِعِ الْمَلَاءَةِ فَعَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْ مَلَاءَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَخَرَجَ الْيَهُودِيُّ يَعدُو إِلَى أَقْرَبَائِهِ وَزَوْجَتُهُ تَعدُو إِلَى أَقْرَبَائِهَا فَاجْتَمَعَ ثَمَانُونَ مِنَ الْيَهُودِ فَرَأُوا ذَلِكَ فَاسْلَمُوا كُلُّهُمْ. (1)

ترجمه:

روایت شده که حضرت علی علیه السلام مقداری جواز یک یهودی قرض کردند و آن

1- ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 302؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 3 ص 387؛ خرائج و الجرائح، قطب راوندی، ج 2 ص 537، ح 13.

یهودی چیزی بابت گرو از آن حضرت خواست و امیر مؤمنان علیه السلام چادر حضرت فاطمه علیها السلام را - که از پشم بود- بابت رهن به او دادند.

یهودی چادر را به خانه برد و در اتاقی گذاشت. به هنگام شب، زن آن شخص برای انجام کاری داخل آن اتاق شد و نوری دید که تمام اتاق را روشن کرده است. به سوی شوهرش آمد و به او اطلاع داد که در آن اتاق، نور با عظمتی دیده است! مرد یهودی - که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السلام در آن اتاق است- تعجب نمود و به سرعت داخل آن اتاق شد و دید که شعاع نور آن چادر [به همه اطراف] منتشر می شود و گویا آن شعاع، شعله ای است از قرص کامل و نورانی ماه که از مکانی نزدیک می تابد. [یهودی] از [دیدن] آن تعجب نمود و با دقت به محل چادر نگاه کرد و دانست که آن نور از چادر فاطمه علیها السلام است. مرد یهودی و همسرش از خانه خارج شدند و هر یک به سوی اقوام خویش شتافتند. هشتاد نفر از یهود جمع شدند و آن [چادر نورانی] را دیدند و همه آنها اسلام آوردند.

بخش سیزدهم: خدمت در آستان فاطمه زهرا عليها السلام

اشاره

منقبت هشتاد و هشتم: مقام خادمین فاطمه زهرا علیها السلام

رَوَى الرَّوَانْدِيُّ فِي الْخَرَائِجِ: «أَنَّ أُمَّ أَيْمَنَ لَمَّا تُوفِّيتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَلَفَتْ أَنْ لَا تَكُونَ بِالْمَدِينَةِ إِذْ لَا تُطِيقُ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَوَاضِعِ كَانَتْ بِهَا فَخَرَجَتْ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا كَانَتْ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ عَطِشَتْ عَطَشًا شَدِيدًا فَرَفَعَتْ يَدَيْهَا وَقَالَتْ: يَا رَبِّ أَنَا خَادِمَةٌ فَاطِمَةَ تَقْتُلُنِي عَطَشًا. فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهَا دَلْوًا مِنَ السَّمَاءِ فَشَرِبَتْ فَلَمْ تَحْتَجِ إِلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ سَبْعَ سِنِينَ وَكَانَ النَّاسُ يَبْعَثُونَهَا فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ فَمَا يُصِيبُهَا عَطَشٌ» (1)

ترجمه:

راوندی قدس سره در خرائج روایت کرده: وقتی حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رحلت نمود، ام ایمن سوگند خورد که در مدینه نماند؛ زیرا طاقت دیدن آن مواضع و محل هایی که حضرت فاطمه علیها السلام را در آنجا دیده بود نداشت. از مدینه خارج شد و به سوی مکه حرکت کرد. در بین راه، آب او تمام شد و تشنگی شدیدی بر او غلبه کرد، پس داستان

1- خرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج 2، ص 530؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 28؛ و همچنین: «رَوَى عَلِيُّ بْنُ مَعْمَرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ: خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فَأَصَابَنِي عَطَشٌ شَدِيدٌ فِي الْجُحْفَةِ حَتَّى خِفْتُ عَلَى نَفْسِي ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْتُ يَا رَبِّ أَعْطِشْنِي وَأَنَا خَادِمَةٌ ابْنَهُ نَبِيِّكَ فَنَزَلَ إِلَيَّ دَلْوٌ مِنَ السَّمَاءِ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: دَلْوٌ مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ فَشَرِبْتُ وَحَقُّ سَيِّدَتِي مَا جُعْتُ وَلَا عَطِشْتُ سَبْعَ سِنِينَ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: عَطِشْتُ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ عَطَشًا شَدِيدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهَا دَلْوًا مِنَ السَّمَاءِ فَشَرِبَتْ مِنْهَا فَمَا عَطِشْتُ بَعْدَهَا أَبَدًا وَإِنْ كَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ لَيَسِّرَنَّ تَعِينَ بِهَا عَلَيْهَا فِي الْيَوْمِ الشَّدِيدِ الْحَرِّ وَمَا يُصِيبُهَا عَطَشٌ. ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 196. و همچنین: «کرامت شهره نوه فضله خادمه» مالک بن دینار گوید: «رَأَيْتُ فِي مُودَعِ الْحَجِّ امْرَأَةً ضَعِيفَةً عَلَى دَابَّةٍ نَحِيفَةٍ وَالنَّاسُ يَنْصَحُونَهَا لِتَنْكُصَ فَلَمَّا تَوَسَّطْنَا الْبَادِيَةَ كَلَّتْ دَابَّتُهَا فَعَدَلْتُهَا فِي إِثْبَانِهَا فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَتْ: لَا فِي بَيْتِي تَرْكُوتِي وَلَا إِلَى بَيْتِكَ حَمَلْتِي فَوْعَزَّتْكَ وَجَلَالِكَ لَوْ فَعَلَ بِي هَذَا غَيْرُكَ لَمَا شَكَّوْتُهُ إِلَّا إِلَيْكَ. فَإِذَا شَخَّصَ أَتَاهَا مِنَ الْفَيْئَاءِ وَفِي يَدِهِ زِمَامٌ نَاقَهُ فَقَالَ لَهَا: اِزْكَبِي فَرَكِبْتِ وَسَارَتِ النَّاقَةُ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ فَلَمَّا بَلَغَتْ الْمَطَافَ رَأَيْتُهَا تَطُوفُ فَحَالَفْتُهَا مَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: أَنَا شُهْرَةُ بِنْتُ مُسْكَةَ بِنْتُ فَضَّةَ خَادِمَةِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ.»؛ در موسم حج زن ضعیفی را دیدم که بر شتری نحیف سوار است. مردم او را نصیحت می کردند که با آن شتر به صحرا نرود و باز گردد؛ ولی او توجهی نکرد و همراه بقیه مردم به راه افتاد. هنگامی که مقداری از راه را در بادیه طی کردیم شترش تحمل رفتن را از دست داد و ایستاد. او سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! نه مرا در خانه ام گذاشتی و نه به خانه خودت رسانیدی. تو را به عزت و جلال سوگند اگر کسی غیر از تو این عمل را با من انجام داده بود شکایت او را به سوی تو می آوردم. - مالک گوید: - در این حال ناگهان شخصی نزد او آمد که شتری ماده به همراه داشت و به آن زن گفت: سوار شو! هنگامی که وی سوار شتر گردید آن حیوان با سرعت عجیبی حرکت کرد. زمانی که من مشغول طواف خانه خدا بودم، آن زن را دیدم که طواف می کرد. او را سوگند دادم و از او خواستم که خود را معرفی کند. گفت: من "شهره"، دختر مسکه، دختر فضه، خادم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - یعنی نوه فضه - هستم. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 117؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 529؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 46.

خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا، من خدمتکار حضرت فاطمه علیها السلام هستم. آیا می خواهی مرا به واسطه عطش و در حال تشنگی قبض روح کنی؟

در این حال خداوند متعال دلوی آب از آسمان برای او فرستاد. او از آن آب نوشید و هفت سال از آب و غذا بی نیاز گردید. به طوریکه مردم او را در روز بسیار گرم به دنبال کارهایی می فرستادند ولی هرگز تشنه نمی شد.

منقبت هشتاد و نهم: مبعوث شدن زوقابیل یا جبرائیل برای خدمت فاطمه زهرا علیها السلام

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ لِحَاجَتِهِ. قَالَ سَلْمَانُ: فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَوَقَفَهُ حَتَّى سَلَّمْتُ فَسَمِعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ جَوًّا [مِنْ جَوْ] وَتَدُورُ الرَّحَى بَرًّا [مِنْ بَرٍّ] مَا عِنْدَهَا أُنَيْسٌ.

قَالَ: فَعُدْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، رَأَيْتُ أَمْرًا عَظِيمًا فَقَالَ: هِيَ يَا سَلْمَانُ، تَكَلَّمُ بِمَا رَأَيْتَ وَ سَمِعْتَ.

قَالَ: وَقَفْتُ بِبَابِ ابْنَتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ سَلَّمْتُ، فَسَمِعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوًّا، وَ الرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرًّا مَا عِنْدَهَا أُنَيْسٌ! فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ قَالَ: يَا سَلْمَانُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَّارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِطَاعَةِ اللَّهِ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا اسْمُهُ زُوقَابِيلُ وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ: رَحْمَهُ [جَبْرَيْلُ] فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَى وَ كَفَاهَا اللَّهُ مَوْنَهُ الدُّنْيَا مَعَ مَوْنِهِ الْآخِرَةِ» (1)

ترجمه:

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سلمان را نزد حضرت فاطمه علیها السلام فرستاد.

1- دلائل الامامه، طبری (شیعی)، ص 139؛ ثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص 291؛ و با اختلاف کم: مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 525؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 46.

سلمان می گوید: من بر درب خانه ایستادم و سلام کردم. شنیدم که حضرت فاطمه علیها السلام در داخل خانه مشغول تلاوت قرآن است و آسیاب در حیاط می چرخید در حالی که کسی آن را نمی چرخانید.

سلمان گوید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشستم و گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله امر عظیمی مشاهده نمودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان بازگو آنچه را که دیده ای و شنیده ای.

سلمان گفت: به در خانه دختری فاطمه علیها السلام رفتم و بر او سلام کردم و شنیدم فاطمه علیها السلام قرآن می خواند و آسیاب در بیرون خانه می چرخید در حالی که کسی کنار آن نبود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تبسمی کرد و فرمود: ای سلمان! خداوند متعال، قلب و اعضای دخترم فاطمه را تا سر استخوانهایش سرشار از ایمان نموده است. وی خود را برای عبادت پروردگار فارغ نمود خداوند [هم] ملکی به نام زوقبیل (و در روایت دیگر جبرئیل) را مأمور نموده تا آسیاب را بگرداند. خداوند کارهای دنیا و آخرت فاطمه علیها السلام را کفایت نموده است. (1)

1- همچنین: «وَحَىٰ بَرِ سَنَگِ آسِيَابِ جِهَتِ خَدْمَتِ بِه فَاطِمَةُ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ» عَنْ عَمَّارٍ وَ مَيْمُونَةَ أَنَّ كِلَيْهِمَا قَالَا: «وَجَدْتُ فَاطِمَةَ نَائِمَةً وَ الرَّحَى تَدُورُ فَأَخْبَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَلِمَ ضَعْفَ أُمَّتِهِ فَأَوْحَىٰ إِلَى الرَّحَى أَنْ تَدُورَ فَدَارَتْ.» وَ قَدْ رَوَاهُ أَبُو الْقَاسِمِ الْبُسْتِيُّ فِي مَنَاقِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبُو صَالِحٍ الْمُؤَدِّنِيُّ فِي الْأَرْبَعِينَ عَنِ الشَّعْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مَيْمُونَةَ وَ ابْنِ فَيَاضٍ فِي شَرْحِ الْأَخْبَارِ؛ از عَمَّارٍ وَ مَيْمُونَةَ روایت شده که هر یک گفتند: دیدم که حضرت فاطمه علیها السلام خواب است و آسیاب می چرخد، پس این امر را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دادم ایشان فرمودند: همانا خداوند ضعف کنیزش فاطمه علیها السلام را دانست لذا به آسیاب وحی نمود که بچرخد و آسیاب چرخید. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 524؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 45. به همین مضمون با اختلاف کم: مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 110.

منقبت نودم: جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل، خدمت گزاران فاطمة زهرا عليها السلام

«أَنَّ أُمَّ أَيْمَنَ قَالَتْ مَضَيْتُ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى مَنْزِلِ مَوْلَاتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِأَزُورَهَا فِي مَنْزِلِهَا وَكَانَ يَوْمًا حَارًّا مِنْ أَيَّامِ الصَّيْفِ فَاتَّيْتُ إِلَى بَابِ دَارِهَا وَإِذَا بِالْبَابِ مُغْلَقٌ فَتَطَرْتُ مِنْ شُقُوقِ الْبَابِ فَإِذَا بِفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ نَائِمَةً عِنْدَ الرَّحَى وَرَأَيْتُ الرَّحَى تَطْحَنُ الْبُرَّ وَهِيَ تَدُورُ مِنْ غَيْرِ يَدٍ تُدِيرُهَا وَ الْمَهْدُ أَيْضًا إِلَى جَانِبِهَا وَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَائِمٌ فِيهِ وَ الْمَهْدُ يَهْتَرُ وَ لَمْ أَرَ مِنْ يَهْرُةٍ وَرَأَيْتُ كَفًّا يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى قَرِيبًا مِنْ كَفِّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ.

قَالَتْ أُمَّ أَيْمَنَ فَتَعَجَّبْتُ مِنْ ذَلِكَ فَتَرَكْتُهَا وَ مَضَيْتُ إِلَى سَيِّدِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَأَيْتُ عَجَبًا مَا رَأَيْتُ مِثْلَهُ أَبَدًا فَقَالَ لِي مَا رَأَيْتِ يَا أُمَّ أَيْمَنَ فَقُلْتُ إِنِّي قَصَدْتُ مَنْزِلَ سَيِّدَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ فَلَقَيْتُ الْبَابَ مُغْلَقًا وَإِذَا أَنَا بِالرَّحَى تَطْحَنُ الْبُرَّ وَ هِيَ تَدُورُ مِنْ غَيْرِ يَدٍ تُدِيرُهَا وَرَأَيْتُ مَهْدَ الْحُسَيْنِ يَهْتَرُ مِنْ غَيْرِ يَدٍ تَهْرُةٍ وَرَأَيْتُ كَفًّا يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى قَرِيبًا مِنْ كَفِّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ لَمْ أَرَ شَخْصَهُ فَتَعَجَّبْتُ مِنْ ذَلِكَ يَا سَيِّدِي.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يَا أُمَّ أَيْمَنَ اعْلَمِي أَنَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ صَائِمَةٌ وَ هِيَ مُنْعَبَةٌ جَائِعَةٌ وَ الزَّمَانُ قَيْظٌ فَأَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهَا التُّعَاسَ فَتَأَمَّتْ فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يَنَامُ فَوَكَّلَ اللَّهُ مَلَكًا يَطْحَنُ عَنْهَا قُوْتَ عِيَالِهَا وَ أَرْسَلَ اللَّهُ مَلَكًا آخَرَ يَهْرُةً مَهْدَ وَلَدِهَا الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَنَلَّ يُزَعِّجَهَا مِنْ

نَوْمَهَا وَوَكَّلَ اللَّهُ مَلَكًا آخَرَ يُسَبِّحُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَرِيبًا مِنْ كَفِّ فَاطِمَةَ يَكُونُ ثَوَابُ تَسْبِيحِهِ لَهَا لِأَنَّ فَاطِمَةَ لَمْ تَفُتِّرْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِذَا نَامَتْ جَعَلَ اللَّهُ ثَوَابَ تَسْبِيحِ ذَلِكَ الْمَلَكِ لِفَاطِمَةَ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَنْ يَكُونُ الطَّحَّانَ وَمَنِ الَّذِي يَهْزُ مَهْدَ الْحَسَنِ وَيَنَاقِيهِ وَمَنِ الْمُسَبِّحِ؟ فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضَاحِكًا وَقَالَ أَمَّا الطَّحَّانُ فَجَبْرِئِيلُ وَأَمَّا الَّذِي يَهْزُ مَهْدَ الْحُسَيْنِ فَهُوَ مِيكَائِيلُ وَأَمَّا الْمَلِكُ الْمُسَبِّحُ فَهُوَ إِسْرَافِيلُ. (1)

ترجمه:

ام ایمن گوید در تابستان که هوا بسیار گرم بود به خانه مولایم فاطمه علیها السلام رفتم تا ایشان را زیارت نمایم. به در خانه حضرت زهرا علیها السلام که رسیدم دیدم که درب خانه بسته است اما از شکاف در، درون خانه دیده می شد. پس دیدم که حضرت زهرا علیها السلام کنار آسیاب به خواب رفته است اما آسیاب بدون این که کسی آن را بگرداند می چرخد. همچنین دیدم که گهواره ای که حسین علیه السلام درون آن خوابیده است تکان می خورد و کسی را ندیدم که آن را تکان دهد و نیز کف دستی را دیدم که کنار دست فاطمه علیها السلام مشغول گفتن تسبیح است.

ام ایمن گوید که از این امر متعجب شدم و به سوی آقای خودم رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و بر ایشان سلام کردم و گفتم: ای رسول خدا! من امر عجیبی را دیدم که تا به حال چنین چیزی مشاهده نکرده بودم و حکایت آسیاب و تکان خوردن گهواره و کف دستی که تسبیح می گفت را برای ایشان عرض کردم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ام ایمن بدان که فاطمه علیها السلام روزه است و به دلیل گرمی زیاد هوا از کارهای خانه به زحمت افتاده است. پس خداوند خواب را به فاطمه علیها السلام القا

1- منتخب، طریحی، ص 245-246؛ مدینه المعاجز، علامه بحرانی، ج 4، ص 48؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 98.

نمود [خواب را بر ایشان غلبه داد] و سپس ملکی را عهده دار آسیاب کردن نمود و نیز ملک دیگری را ارسال فرمود که گهواره حسین علیه السلام را بجنابند تا این که فاطمه علیها السلام بیدار نشود و ملکی را فرستاد تا نزدیک دست فاطمه علیها السلام تسبیح گوید و ثواب تسبیحش را برای حضرت فاطمه علیها السلام قرار دهد چرا که دخترم فاطمه علیها السلام دائماً ذکر خدا می گوید. پس هنگامی که فاطمه علیها السلام به خواب می رود خداوند ثواب تسبیح آن ملک را برای فاطمه علیها السلام قرار می دهد.

ام ایمن گوید به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: یا رسول الله، آن ملکی که آسیاب می کرد و ملکی که گهواره را تکان می داد و با حسین علیه السلام نجوا می کرد و آن ملکی که تسبیح می گفت نامشان چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی کردند و فرمودند: ملکی که آسیاب می کرد جبرئیل بود و آن ملکی که گهواره را تکان می داد میکائیل و ملکی که تسبیح می گفت اسرافیل بود. (1)

1- همچنین: أَبُو عَلِيٍّ الصَّوَلِيُّ [المتوفى 353] فِي أَحْبَابِ فَاطِمَةَ وَ أَبُو السَّعَادَاتِ فِي فَصَائِلِ الْعَشْرَةِ بِالْإِسْمِ نَادِي عَنْ أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ قَالَ: بَعَثَنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَدْعُو عَلِيًّا فَأَتَيْتُ بَيْتَهُ وَ نَادَيْتُهُ فَلَمْ يُجِبْنِي فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ عُدْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ فِي الْبَيْتِ وَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَرَأَيْتُ الرَّحَى تَطْحَنُ وَ لَا أَحَدَ عِنْدَهَا فَقُلْتُ لِعَلِّي إِنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَدْعُوكَ فَخَرَجَ مُتَوَحِّشًا حَتَّى أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَأَخْبَرْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِمَا رَأَيْتُ فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَعْجَبْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَأْخُذُونَ فِي الْأَرْضِ مُوَكَّلُونَ بِمَعُونَةِ آلِ مُحَمَّدٍ. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 116؛ تسليمة المجالس، كركي حائري، ج 1، ص 524؛ بحار الانوار، علامه مجلسي، ج 43، ص 45. و همچنین: « ما رواه الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن بابويه (رحمه الله عليه) باسناده عن أبي ذرٍّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ افْتَحَرَ إِسْرَافِيلُ عَلَى جِبْرَائِيلَ فَقَالَ أَدَا خَيْرٌ مِنْكَ قَالَ وَ لِمَ أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي قَالَ لِأَنِّي صَاحِبُ الثَّمَانِيَةِ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ أَنَا صَاحِبُ النَّفْخَةِ فِي الصُّورِ وَ أَنَا أَقْرَبُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. قَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا خَيْرٌ مِنْكَ فَقَالَ بِمَا أَنْتَ خَيْرٌ مِنِّي قَالَ لِأَنِّي أَمِينُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى وَحْيِهِ وَ أَنَا رَسُولُهُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَنَا صَاحِبُ الْكُصُوفِ وَ الْخُصُوفِ وَ مَا أَهْلَكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا عَلَى يَدَيَّ. فَأَخْتَصَمَ مَا إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمَا أَنْ اسْكُنَا فَوْعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَقَدْ خَلَقْتُ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْكُمَا قَالَا يَا رَبِّ أَوْ تَخْلُقْ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنَّا وَ نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ نُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَعَمْ وَ أَوْ مَا إِلَى الْقُدْرَةِ أَنْ انْكَشِفَتْ فَإِذَا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ الْأَيْمَنِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحِبَّاءُ اللَّهِ [خير خلق الله]. فَقَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ إِلَّا جَعَلْتَنِي خَادِمَهُمْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ فَعَلْتُ. فَجِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ إِنَّهُ لَخَادِمُنَا.» ابو ذر گفت شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: که اسرافیل بر جبرئیل افتخار و مباحات می کرد جبرئیل پرسید چرا تو از من بهتری؟ گفت من صاحب هشت فرشته ای هستم که عرش خدا را حمل می کنند من صاحب نفخه صورم، من نزدیکترین فرشتگان به خدای عز و جل هستم. سپس جبرئیل گفت من از تو بهترم اسرافیل پرسید به چه دلیل؟ گفت زیرا که من امین خدایم در وحی، من رسول خدایم به سوی پیامبران من صاحب خسوف و کسوف باشم، خداوند هیچ امتی را نابود نکرد مگر به دست توانای من. مرافعه را به خدای عز و جل عرض کردند. خطاب رسید شما ساکت باشید به عزت و جلالم، کسی را آفریدم که از هر دوی شما برتر است. عرض کردند پروردگارا آیا آفریده ای کسی را که از ما بهتر باشد! و حال اینکه ما از نور خدای عز و جل آفریده شده ایم خدای تبارک و تعالی فرمود آری اشاره کرد به سوی قدرت که پرده بردار. پرده برداشته شد ناگاه دیدند بر ساق عرش طرف راست نوشته شد: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی و فاطمه و الحسن و الحسين عليهم السلام دوستان خدا و بهترین مخلوقات او هستند. پس جبرئیل عرض کرد پروردگارا همانا از تو می خواهم به حق اینها که مرا خادمشان قرار دهی. خدای تبارک و تعالی فرمود: انجام دادم پس

جبرئیل از اهل بیت علیهم السلام است و او خادم ماست. إرشاد القلوب، دیلمی، ج2، ص404؛ تأویل الآیات، سید شرف الدین، ج2، ص834؛ مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج2، ص395؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج16، ص364. شیخ فخر الدین طریحی ذیل روایت را به این صورت ذکر نموده اند: «فقال جبرئیل: بحقهم علیک إلا ما جعلتني خادماً لهم. فقال: لک ذلک. فافتخر جبرائیل علی الملائکه أجمع لَمَا صار خادماً لهم، فقال: مَنْ مثلی وأنا خادم آل محمد؟ فانکسرت الملائکه أن یفاخروه.» پس جبرئیل گفت: خداوندا [از تو می خواهم] به حقی که اهل بیت علیهم السلام بر تو دارند مرا خادم ایشان قرار دهی. پس خداوند دعای جبرئیل را مستجاب کرد و او را خادم ایشان مقرر فرمود. در این هنگام جبرئیل بر تمام ملائکه فخر ورزید و گفت: چه کسی مقامش مثل من می باشد و حال این که من خادم آل محمد علیهم السلام هستم. پس دیگر هیچ ملکی نتوانست بر جبرئیل فخر بورزد. منتخب، طریحی، ص290-291.

بخش چهاردهم: فاطمه زهرا علیها السلام در قیامت

اشاره

فصل اول: شفاعت در محشر

فصل دوم: اولین شخصیت انسانی در جنت خلد

فصل سوم: کیفیت ورود به بهشت

فصل چهارم: نام آن حضرت علیها السلام بر درب بهشت

فصل پنجم: قبه آن حضرت علیها السلام در بهشت

فصل ششم: آثار محبت آن حضرت علیها السلام در قیامت

فصل اول: شفاعت در محشر

منقبت نود و یکم: شفاعت در نزول آیه (و لسوف یعطیک ربک فترضی)

«عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلِّهِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرَضِعُ وُلْدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)» (1)

ترجمه:

جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را در حالی دید که کسائی از پوست شتر بدوش افکنده و با دست خود مشغول آسیاب کردن و شیر دادن فرزندش است.

1- التمهیص، اسکافی، ص 6؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 120؛ مکارم الأخلاق، شیخ طبرسی، ص 117 و ص 235 (با اختلاف کم)؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج 5، ص 341؛ تسلیه المجالس، کرکی حائری، ج 1، ص 532؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 86. منابع اهل تسنن: تفسیر ثعلبی، ثعلبی، ج 10، ص 225؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج 2، ص 445.

چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله پر از اشک شد و به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ای دختر عزیزم، تلخیهای دنیا را در مقابل شیرینی آخرت قرار بده.

فاطمه زهرا علیها السلام گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله خدا را سپاس به سبب نعمتهای فراوانی که عنایت فرموده، و شکر برای اوست در مقابل عطاهایش.

در همین موقع بود که خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمود: (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)؛ و به زودی پروردگارت [در قبال این مراتب و سختی، مقام شفاعت امت در روز قیامت را] به تو عطا می کند که راضی شوی. (1)

1- همچنین: «عَنْ جَابِرٍ [قَالَ:] إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَآلِهِ] وَسَلَّمَ رَأَى عَلِيَّ فَاطِمَةَ [عَلَيْهَا السَّلَامُ] كِسَاءً مِنْ أُوْبَارِ الْإِبِلِ وَهِيَ تَطْحَنُ فَبَكَى وَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ [عَلَيْهَا السَّلَامُ] اصْبِرِي عَلَى مَرَارِهِ الدُّنْيَا لِنَعِيمِ الْآخِرَةِ غَدًا. وَنَزَلَتْ: (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى)؛ جابر بن عبد الله انصاری نقل کرده: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را دید، در حالی که کسائی از موی شتر بر شانه فاطمه علیها السلام بود و او به آسیاب کردن گندم مشغول بود. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله، [وقتی دخترش فاطمه علیها السلام را در آن حالت مشاهده نمود]، اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: ای فاطمه علیها السلام! سختی و تلخی دنیا را برای رسیدن به نعمت آخرت تحمل کن و آیه کریمه (و به زودی پروردگارت [آنچنان] به تو عطا می کند که راضی شوی) نازل شد. منابع اهل تسنن: مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 105؛ جامع الاحادیث، سیوطی، ج 34، ص 39؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 422. و به همین مضمون در این منابع: دُر المنثور، سیوطی، ج 6، ص 361؛ فتح القدير، شوکانی، ج 5، ص 460؛ تفسیر آلوسی، آلوسی، ج 30، ص 160.

منقبت نود و دوم: مظهر عفو و رحمت الهی و شفاعت کبری در محشر

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَقْبِلُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مَدْبَجَةً الْجَنِّيِّنَ خِطَامُهَا مِنْ لَوْلُؤِ رَطْبِ قَوَائِمِهَا مِنَ الزُّمُرِ الْأَخْضَرِ ذَنْبَهَا مِنَ الْمَسِّكِ الْأَذْفَرِ عَيْنَاهَا يَأْفُوتَانِ حَمْرَاوَانَ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلُهَا عَفْوُ اللَّهِ وَخَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيَّ رَأْسُهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ رُكْنًا كُلُّ رُكْنٍ مُرْصَعٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ يُضِيءُ كَمَا الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَعَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَعَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ وَجَبْرِئِيلُ أَخَذَ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُبَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ: غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا رَسُولٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَادِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَرْجُحُ [فَتَرْجُحُ] بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَوَلَدِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا حَبِيبَتِي وَابْنَةَ حَبِيبِي سَلِّبْنِي تُعْطَى وَاسْتَفْعَى تَسْتَفْعَى فَوْعَزْتِي وَجَلَالِي لَا جَارَنِي ظَلَمَ ظَالِمٍ فَتَقُولُ: إِلَهِي وَسَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَشِيعَتِي وَشِيعَةَ ذُرِّيَّتِي وَمُحِبِّي وَمُحِبِّي ذُرِّيَّتِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةَ فَاطِمَةَ وَ

شَبِعَتْهَا وَ مُجِئُوهَا وَ مُجِئُ ذُرِّيَّتِهَا فَيُقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقَدَّمُ لَهُمْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ حَتَّى تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ». (1)

ترجمه:

از امام باقر علیهما السلام روایت شده که فرمود: شنیدم جابر بن عبد الله انصاری می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون روز قیامت شود دخترم فاطمه علیها السلام بر ناقه ای از ناقه های بهشت به محشر رو کند که دو پهلویش نگار دارد و مهارش از لؤلؤ تر و چهارپایش از زمرد سبز و دمش از مشک اذفر [بابوی شدید] و دو چشمش از یاقوت سرخ است. بر روی آن ناقه، قبه ای است از نور که برونش از درونش دیده شود و درونش از برونش. درون آن گذشت خداست و برونش رحمت خدا. بر سر آن مخدره، تاجی است از نور که آن تاج، هفتاد رکن دارد و هر رکنی مرصع به دُرّ و یاقوت است. بدرخشد چنانچه اختر فروزان در افق آسمان بدرخشد و بر سمت راستش هفتاد هزار فرشته باشد و بر سمت چپش هفتاد هزار فرشته و جبرئیل مهار آن ناقه را گرفته و به بلندترین صدایش فریاد کشد: دیده بر هم نهد تا فاطمه علیها السلام دختر محمد بگذرد. پس در آن روز تمام پیغمبران، رسولان، صدیقان و شهیدان، دیده بر هم نهد تا فاطمه علیها السلام بگذرد. فاطمه زهرا علیها السلام حرکت می کند تا در برابر عرش پروردگارش جل جلاله قرار گیرد و از ناقه اش فرود آید و گوید:

معبودا! سیدا! میان من و هر که به من ستم کرده حکم کن. خدایا، حکم کن میان

1- امالی، شیخ صدوق، ص 69-70؛ و با اختلاف کم: فضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، ص 11 (شاذان بن جبرئیل با این عبارت آورده: عَلِيَّهَا قَبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرَى بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ عَقْوَالَهُ وَ ظَاهِرُهَا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ)؛ روضه الواعظین، فتال نیشابوری، ص 148-149؛ بشاره المصطفی، طبری، ص 42-43؛ مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 107-108؛ غایه المرام، علامه بحرانی، ج 6، ص 88-89؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43 - ص 219-220.

من و هر کس که فرزندانم را کشته است. به ناگاه پاسخی از طرف خدای جل جلاله می رسد که: ای حبیبه من و زاده حبیبم از من بخواه تا عطا شوی و شفاعت کن تا پذیرفته گردد. به عزت و جلالم سوگند که ستم هیچ ستمگری [بدون حساب] از من نمی گذرد.

پس می گوید: ای معبود من و ای آقای من! ذریه ام و شیعیانم و شیعیان ذریه ام و دوستانم و دوستان ذریه ام [را دریاب]. پس از طرف خدای جل جلاله ندا رسد: کجایند ذریه فاطمه و شیعیان او و دوستان او و دوستان فرزندان او؟ پس آنها پیش آیند در حالی که فرشتگان رحمت آنان را احاطه کرده اند و فاطمه علیها السلام جلوی آنها می رود تا آنها را وارد بهشت کند. (1)

1- همچنین: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَفَهُ عَلَى بَابِ جَهَنَّمَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْ كُلِّ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَوْ كَافِرٍ فَيُؤْمَرُ بِمُحِبِّ قَدْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ إِلَى النَّارِ فَتَقْرَأُ فَاطِمَةُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُحِبًّا فَتَقُولُ: إِلَهِي وَ سَيِّدِي سَمَّيْتَنِي فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتَنِي بِمَنْ تَوَلَّانِي وَ تَوَلَّيْتُ مِنْ النَّارِ وَ وَعَدَكِ الْحَقُّ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقْتِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّي سَمَّيْتُكِ فَاطِمَةَ وَ فَطَمْتُكِ بِكِ مَنْ أَحَبَّكِ وَ تَوَلَّاهُ وَ أَحَبَّ ذُرِّيَّتَكَ وَ تَوَلَّاهُمْ مِنَ النَّارِ وَ وَعَدَيْ الْحَقُّ وَ أَنْتَ لَا أُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ إِنَّمَا أَمَرْتُ بِعَبْدِي هَذَا إِلَى النَّارِ لِتَشْفَعِي فِيهِ فَأَشْفَعَكَ وَ لِيَتَبَيَّنَ لِمَلَائِكَتِي وَ أَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي وَ أَهْلِ الْمَوْقِفِ مَوْقِفَكَ مِنِّي وَ مَكَاتُكِ عِنْدِي فَمَنْ قَرَأَتْ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنًا فَخَذِي بِيَدِهِ وَ أَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ.»؛ محمد بن مسلم ثقفی، گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: فاطمه علیها السلام بر درب جهنم توقفی دارد. وقتی روز قیامت شود بین دیدگان هر شخصی نوشته می شود که او مؤمن است یا کافر. بسا شخصی را که دوستدار اهل بیت پیامبر است می آورند و به واسطه کثرت گناهانش امر می شود وی را در آتش بیاندازند. حضرت فاطمه علیها السلام بین دو دیدگانش را می خواند که نوشته او محب اهل بیت است به درگاه پروردگار عرض می کند: پروردگارا تو مرا فاطمه نام نهادی و وعده داده ای هر کسی که من و ذریه ام را دوست دارد از آتش دوزخ بر حذر داری و وعده تو حق بوده و تخلف پذیر نیست. خداوند عز و جل می فرماید: ای فاطمه تو راست می گویی، من نام تو را فاطمه نهاده ام و وعده داده ام که هر کس که محبت و ولایت تو و فرزندان را داشته باشد از آتش جهنم جدایش کنم، وعده من حق بوده و خلف وعده نخواهم نمود و این که به بنده ام امر کردم به جهنم برود به خاطر آن بود که تو او را شفاعت کنی و من شفاعت تو را بپذیرم تا موقعیت و منزلت تو در پیش من برای فرشتگان و رسولان و انبیا و همه مردم معلوم گردد. پس هر کسی را که دیدی بین دیدگانش مؤمن نوشته شده دستش را بگیر و به بهشت داخل نما. علل الشرائع، شیخ صدوق، ج 1، ص 179؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 91؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 233؛ جواهر السنیة، حر عاملی، ص 247؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 14. و همچنین: «چادر حضرت زهرا علیها السلام وسیله شفاعت محبین ایشان» «عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسَدِ كَرِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آيَةٌ مِثْلُ آيَةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَفْعِهِ الْجَبَلَ فَوْقَ رُءُوسِ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ قَبُولِ مَا أَمُرُوا بِهِ؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِي وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا مِنْ آيَةٍ كَانَتْ لِأَحَدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ أَنْتَهَى إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا وَ قَدْ كَانَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِثْلُهَا أَوْ أَفْضَلُ مِنْهَا... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِهَذِهِ الْفِرْقَةِ الثَّانِيَةِ لَمَّا آمَنُوا: يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَغَاثَكُمْ بِتِلْكَ الْمَرَأَةِ أَتَدْرُونَ مَنْ هِيَ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: تِلْكَ تَكُونُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا بَعَثَ الْخَلَائِقَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ نَادَى رَبَّنَا مِنْ تَحْتِ عَرْشِهِ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ لِتَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ عَلَى الصَّرَاطِ. فَتَغُضُّ الْخَلَائِقُ كُلُّهُمْ أَبْصَارَهُمْ فَتَجُوزُ فَاطِمَةُ عَلَى الصَّرَاطِ. لَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْقِيَامَةِ إِلَّا غَضَّ بَصَرَهُ عَنْهَا إِلَّا مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الطَّاهِرِينَ [الطَّاهِرُونَ] مِنْ أَوْلَادِهِمْ فَإِنَّهُمْ مَحَارِمُهَا. فَإِذَا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ بَقِيَ مِرْطُهَا مَمْدُودًا عَلَى الصَّرَاطِ طَرَفٌ مِنْهُ يَبْدِيهَا وَ هِيَ فِي الْجَنَّةِ وَ طَرَفٌ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ فَيَنَادِي مُنَادِي رَبَّنَا يَا أَيُّهَا الْمُحِبُّونَ لِفَاطِمَةَ تَعَلَّقُوا بِأَهْدَابِ مِرْطِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَلَا يَبْقَى مُحِبًّا لِفَاطِمَةَ إِلَّا تَعَلَّقَ بِهَيْدِهِ مِنْ أَهْدَابِ مِرْطِهَا

حَتَّىٰ يَتَّعَلَّقَ بِهَا أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِ فِئَامٍ وَ أَلْفِ فِئَامٍ. قَالُوا وَ كَمْ فِئَامٌ وَاحِدٌ؟ قَالَ أَلْفٌ يُنَجِّونَ بِهَا مِنَ النَّارِ.» امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: از امیر مومنان علیه السلام سؤال شد که آیا برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله نشانه ای [معجزه ای] همانند معجزه موسی علیه السلام هست؟ چرا که موسی علیه السلام کوه را بلند کرد و بر سر کسانی که از او امر الهی امتناع می نمودند قرار داد. امیر المومنین علیه السلام فرمود: بله به آن خدایی که او را به حق به پیامبری مبعوث فرمود؛ از زمان آدم تا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هر معجزه ای که انبیا علیهم السلام داشته اند، مثل آن یا برتر از آن را حضرت محمد صلی الله علیه و آله داشته است... [سپس حضرت علیه السلام معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد کسانی که از قبول دعوت ایشان ممانعت می کردند را بیان فرمودند تا آن جا که فرمود: [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گروه سوم که ایمان آوردند فرمود: ای بندگان خدا به درستی که خداوند به وسیله این زن از شما فریاد رسی می نماید. آیا می دانید او کیست؟ گفتند: نمی دانیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن زن، دخترم فاطمه علیها السلام است و او برترین زنان از ابتدا تا انتهای عالم است. هنگامی که خداوند در روز قیامت تمام مخلوقاتش از اولین و آخرین را بر می انگیزد و از قبورشان بیرون می آورد منادی از زیر عرش الهی ندا می کند که ای گروه خلائق چشمان خویش را ببندید تا این که فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله سرور زنان عالم از صراط بگذرد. همه مردم چشمانشان را می بندند تا این که حضرت زهرا علیها السلام از صراط عبور می فرمایند. در عرصه قیامت احدی باقی نمی ماند مگر این که چشمانش بسته می شود و فقط چشمان محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام و طاهرین از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام باز می باشد و به درستی که ایشان محارم حضرت زهرا علیها السلام است. پس هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام [قبل از همه، حتی انبیا علیهم السلام] وارد بهشت می گردند چادر ایشان بر روی صراط کشیده می شود و بر صراط پهن می شود که یک طرف چادر به دست حضرت فاطمه علیها السلام هستند و حال این که حضرت علیها السلام در جایگاه خویش در بهشت هستند و یک طرف چادر نیز در عرصات قیامت است. در این هنگام منادی از طرف پروردگار ندا می دهد که ای دوستداران فاطمه علیها السلام به رشته های چادر فاطمه علیها السلام آویزان شوید و باقی نمی ماند از محبین حضرت زهرا علیها السلام مگر این که هر کدام به رشته ای از رشته های چادر آن حضرت علیها السلام آویزان می گردد تا این که بیشتر از هزار فئام و هزار فئام به چادر حضرت علیها السلام آویزان می شوند. اصحاب گفتند یا رسول الله، یک فئام چند نفر است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هزار هزار [یک میلیون] و همه ایشان به سبب چادر حضرت زهرا علیها السلام از آتش جهنم نجات پیدا می کنند. تفسیر امام عسکری علیه السلام، ص 434؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 8، ص 68 و ج 17، ص 243؛ مجمع النورین، شیخ ابو الحسن مرندی، ص 171.

منقبت نود و سوم: مهريه حضرت زهرا عليها السلام شفاعت گنهكاران امت

«فَلَمَّا بَلَغَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مَبْلَغَ النِّسَاءِ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعْتَمُّ لِأَجْلِهَا وَيَقُولُ: لَيْسَتْ لَهَا وَالِدَةٌ تُرَبِّيهَا وَتَهَيِّئُ أَسْبَابَ تَزْوِيجِهَا فَتَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ وَقَالَ: الْجَبَّارُ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ لَا تَعْتَمَّ فِي أَمْرِ تَزْوِيجِهَا فَإِنَّهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ فَفَوَّضَ أَمْرَ تَزْوِيجِهَا مِنْكَ إِلَيَّ فَإِنِّي أُزَوِّجُهَا مِنْ أَحَبِّ مَنْ أَحَبَّ فَسَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ثُمَّ رَجَعَ جِبْرِئِيلُ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ جَاءَ جِبْرِئِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِيَدِهِ طَبَقٌ وَمِيكَائِيلُ وَإِسْرَافِيلُ وَعِزْرَائِيلُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ طَبَقٌ مُغَطَّى بِمِنْدِيلٍ وَعِنْدَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَلْفُ مَلَكٍ وَوَصَّ عُوا الْأَطْبَاقَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَا هَذَا يَا جِبْرِئِيلُ؟ قَالَ: فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنِّي زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ [صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى نَبِيِّنَا وَعَلَيْهِ] وَهَذَا أَثْوَابُ الْجَنَانِ وَأَثْمَارُهَا السُّسُّ عَلَيْهَا الثِّيَابُ وَأَنْثَرُ عَلَيْهَا الثَّمَارَ فَسَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: يَا جِبْرِئِيلُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَرْضَى بِمَا أَرْضَى وَإِنِّي أَحَبُّ مِنْكَ هَذِهِ الْهَدَايَا وَالْعَطَايَا فِي دَارِ الْبَقَاءِ لِأَنَّ فِي دَارِ الْفَنَاءِ وَلَكِنْ يَا جِبْرِئِيلُ أَخْبِرْنِي كَيْفَ كَانَ تَزْوِيجُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي السَّمَاءِ.

قَالَ جِبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنَا بِأَنْ نَفْتَحَ أَبْوَابَ الْجَنَانِ وَنُعَلِّقَ أَبْوَابَ النَّيِّرَانِ فَعُلِّقْتُ ثُمَّ زَيْنَ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَشَجَرَةَ طُوبَى وَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ

تَعَالَى الْوَالِدَانَ وَالْغُلَمَانَ بِأَنْ يَنْصِبُوا فِي كُلِّ قَصْرِ وَفِي كُلِّ خَيْمَةٍ وَفِي كُلِّ غُرْفَةٍ حَجَلَةً وَيَجْلِسُوا لِوَلِيمَةِ عُرْسِ فَاطِمَةَ وَأَمَرَ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ الْمَقْرَبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ بِأَنْ يَجْتَمِعُوا تَحْتَ شَجَرِهِ طُوبَى ثُمَّ أَرْسَلَ اللَّهُ تَعَالَى الرِّيحَ الْمُشِيرَةَ فَهَبَّتْ فِي الْجَنَانِ فَاسْتَقَطَتْ مِنْ أَشْجَارِهَا الْكَافُورَ وَالْمِسْكَ وَالْعَنْبَرَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ...

ثُمَّ نَادَى الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ وَأَثْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَقَالَ: إِنِّي زَوَّجْتُ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَدِّقِ لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَى نَبِيِّنَا وَعَلَيْهِ وَقَالَ: يَا جَبْرَيْلُ كُنْ أَنْتَ خَلِيفَةَ عَلِيٍّ وَأَنَا خَلِيفَةَ رَسُولِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَزَوَّجَهَا اللَّهُ وَقَبِلْتُهَا أَنَا لِعَلِيٍّ فَهَذَا عَقْدُ نِكَاحِ فَاطِمَةَ فِي السَّمَاءِ فَأَعْقِدْ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فِي الْأَرْضِ. فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَجَمَعَ أَصْحَابَهُ فِي الْمَسْجِدِ فَنَزَلَ جَبْرَيْلُ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ عَلِيًّا عَلَيْهَا السَّلَامَ بِأَنْ يَقْرَأَ الْخُطْبَةَ بِنَفْسِهِ فَقَرَأَ الْخُطْبَةَ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْجَلَالِ الْمُتَفَرِّدِ بِالْكَمَالِ خَالِقِ بَرِيَّتِهِ وَمُحَسِّنِ صِفَاتِ خَلْقِيَّتِهِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَلَا يَكُونُ كَمِثْلِهِ إِلَّا هُوَ خَلَقَ الْعِبَادَ فِي الْبِلَادِ فَالْتَمَهُمُ بِالثَّنَاءِ فَسَبَّحُوا بِحَمْدِهِ وَقَدَّسُوا وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمَرَ عِبَادَهُ بِالنِّكَاحِ فَأَجَابُوهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَانِهِ وَأَيَادِيهِ أَشَدُّ هَدًى أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَهَادَةٌ تَبْلُغُهُ وَتُرْضِيهِ وَتُنَجِّي قَائِلَهَا وَتَقِيهِ يَوْمَ يَمُوتُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الَّذِي اجْتَبَاهُ لَوْحِيهِ وَيَرْضَاهُ بِصَلَاةٍ تُبْلِغُهُ الرُّلْفَى وَتُحْطِيهِ وَرَحْمَةً لِلَّهِ عَلَى آلِهِ وَمُحِبِّيهِ وَالنِّكَاحِ مِمَّا قَضَاهُ اللَّهُ تَعَالَى وَأَذِنَ فِيهِ وَإِنِّي عَبْدُهُ وَابْنُ عَبْدِهِ وَابْنُ أُمَّتِهِ الرَّاغِبُ إِلَى اللَّهِ وَالْخَاطِبُ خَيْرِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَقَدَّرْتُ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ أَرْبَعِمِائَةَ دِرْهَمٍ عَاجِلَةً غَيْرَ أَجَلٍ فَهَلْ تُرَوِّجُنِيهَا يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ عَلَى سُنَّةِ مَنْ مَضَى مِنَ الْمُرْسَلِينَ؟

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْكَ يَا عَلِيُّ وَزَوَّجَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ بِكَ وَاخْتَارَكَ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَبِلْتُهَا مِنَ اللَّهِ وَمِنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ بِأَنَّ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَجَعَلَ الدَّرَاهِمَ مَهْرَهَا قَالَتْ: يَا أَبَتِ إِنَّ بَنَاتِ سَائِرِ النَّاسِ يُزَوَّجْنَ عَلَى الدَّرَاهِمِ وَالدَّنَانِيرِ وَزَوَّجْتَنِي عَلَى الدَّرَاهِمِ وَالدَّنَانِيرِ فَمَا الْفَرْقُ بَيْنَ بَنَاتِكَ وَبَيْنَ سَائِرِ النَّاسِ

فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ مَهْرِي شَفَاعَةَ عَصَاهُ أُمَّتِكَ فَتَنْزَلَ جِبْرِيْلَ مِنْ سَاعَتِهِ وَبِيَدِهِ حَرِيْرٌ وَفِيهِ مَكْتُوبٌ: جَعَلَ اللَّهُ مَهْرَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصَوَّبِ طَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَفَاعَةَ أُمَّتِهِ الْعَاصِمِينَ فَأَوْصَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ وَقَفَتْ خُرُوجَهَا مِنَ الدُّنْيَا بِأَنْ يُجْعَلَ ذَلِكَ الْحَرِيْرُ فِي كَفْنِهَا وَقَالَتْ: إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَزْفَعُ هَذَا الْحَرِيْرَ وَأَشْفَعُ عَصَاهُ أُمِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ». (1)

ترجمه:

آنگاه که فاطمه علیها السلام به سن ازدواج رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله برای او غصه می خورد و می فرمود: او مادری ندارد که به او رسیدگی نماید و اسباب ازدواج او را مهیا کند. جبرئیل نازل شد و گفت: خدای جبار به تو سلام می رساند و می گوید: ای محمد صلی الله علیه و آله! در امر ازدواج او غصه نخور؛ چرا که من بیشتر از تو او را دوست دارم. امر ازدواجش را به من واگذار کن و من او را همسر کسی می کنم که دوستش دارم. رسول خدا صلی الله علیه و آله سجده شکر کرد و جبرئیل بازگشت. وقتی روز جمعه شد جبرئیل با طبقی به همراه هزار ملک نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. میکائیل، اسرافیل و عزرائیل نیز با طبقی به همراه هزار ملک آمدند و طبق ها را پیش روی پیامبر نهادند. حضرت صلی الله علیه و آله از جبرئیل سؤال کرد: اینها چیست؟ جبرئیل عرض کرد: خداوند می فرماید: من فاطمه علیها السلام را همسر علی علیه السلام قرار دادم اینها لباس ها و میوه های بهشت است لباس ها را بر او بپوشان و میوه ها را بر او نثار کن. رسول خدا سجده کرد. بعد سرش را بلند نمود و فرمود: ای جبرئیل! فاطمه علیها السلام به آنچه من راضی باشم راضی است و من دوست دارم این هدایا و عطایا را در دار بقاء [آخرت] نه در دار فناء [دنیا] از تو بگیرم. اما ای جبرئیل! به من خبر بده ازدواج فاطمه علیها السلام در آسمان چگونه بود؟

1- سبعیات، شیخ ابونصر حنفی، ص 78؛ وسیله النجاه، علامه محمد مبین هندی، ص 217. (بنا بر نقل شرح إحقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 19، ص 127).

جبرئیل گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند تعالی به ما دستور داد درهای بهشت را باز کنیم و درهای آتش را ببندیم. سپس عرش و کرسی و درخت طوبی و سدره المنتهی را زینت نمود و به ولدان و غلمان دستور داد در هر قصر و خیمه و اتاقی حجله ای نصب کنند و برای ولیمه عروسی فاطمه علیها السلام بنشینند و به ملائکه مقرب آسمانها و [ملائکه] روحانین دستور داد زیر درخت طوبی جمع شوند سپس خداوند بادی برانگیزاننده فرستاد، آن باد در بهشت وزید و از درختهای بهشت، کافور و مشک و عنبر بر ملائکه ریخت...

سپس خدای جلیل بر خود ثنا کرد و فرمود: من سیده زنان عالم، فاطمه علیها السلام را همسر علی بن ابی طالب علیه السلام قرار دادم و فرمود: ای جبرئیل! تو جانشین علی علیه السلام باش و من جانشین رسولم محمد صلی الله علیه و آله پس خداوند فاطمه علیها السلام را تزویج کرد و من برای علی علیه السلام قبول نمودم. این عقد نکاح فاطمه علیها السلام در آسمان است. پس ای محمد صلی الله علیه و آله تو در زمین عقد او را بخوان. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام و بعد به فاطمه علیها السلام خبر داد و اصحابش را در مسجد جمع کرد. جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند امر کرده که علی خودش خطبه بخواند. [علی علیه السلام] خطبه خواند و فرمود: حمد مخصوص خدایی است که در جلال، یگانه و در کمال، فرد و تنهاست. آفریننده مخلوقاتش و زیبا گرداننده صفات خلقش. کسی که هیچ چیز مثل او نیست و مثل او نیست مگر خود او. بندگان را در بلاد آفرید و ثنای خودش را به آنها الهام نمود پس آنها به حمد او، او را تسبیح و تقدیس نمودند و اوست خدایی که معبودی جز او نیست بندگان را به نکاح امر کرده و آنها اجابت نمودند و حمد، مخصوص خداست بر نعمتهایش. شهادت می دهم که معبودی جز الله نیست؛ شهادتی که به او برسد و او را راضی گرداند و گوینده اش را نجات بخشد و حفظ نماید در روزی که انسان از برادر و مادر و پدر و همسر و فرزندان فرار می کند و خدا درود فرستد بر محمد صلی الله علیه و آله پیامبری که او را برای وحیش برگزید و از او راضی است درودی که او را به مقام قرب برساند و او را

نزدیک گرداند و رحمت خدا بر خاندان و دوستان او. نکاح از اموری است که قضا و اذن الهی به آن تعلق گرفته است و من بنده او و پسر بنده او و پسر کنیز اویم. رغبتم به سوی خداست و بهترین زنان عالم را خواستگاری نمودم و مهر او را، چهارصد درهم نقد معین کردم. ای رسول و پیامبر ما! آیا او را بر سنت رسولان گذشته، به ازدواج من در خواهی آورد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من فاطمه علیها السلام را همسر تو کردم ای علی علیه السلام و خداوند تو را همسر او قرار داد و تو را پسندید و اختیار نمود.

علی علیه السلام گفت: آن را از خدا و از تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله قبول کردم.

وقتی فاطمه علیها السلام شنید که پدرش او را تزویج نموده و درهم ها را مهر او قرار داده است گفت: پدر جان! دختران سائر مردم بر درهم و دینار شوهر می کنند شما هم مرا بر درهم و دینار تزویج نمودی. پس چه فرقی است بین دختر تو و سائر مردم؟ از خدا بخواه که مهر مرا شفاعت گنهاران امت قرار دهد. جبرئیل همان لحظه نازل شد و در دستش حریری بود که در آن نوشته بود: «خداوند، مهر فاطمه زهرا علیها السلام دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را شفاعت گنهاران امت او قرار داد».

حضرت فاطمه علیها السلام به هنگام رفتن از این دنیا وصیت نمود تا آن حریر در کفنش گذاشته شود و فرمود: وقتی روز قیامت محشور شوم این حریر را بر می دارم و گنهاران امت پدرم را شفاعت می کنم. (1)

1- همچنین: قَدْ وَرَدَ فِي الْخَبَرِ: إِنَّهَا لَمَّا سَمِعَتْ بِأَنَّ أَبَاهَا زَوَّجَهَا وَجَعَلَ الدَّرَاهِمَ مَهْرًا لَهَا فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ بَنَاتِ النَّاسِ يَتَزَوَّجْنَ بِالْدَّرَاهِمِ فَمَا الْفَرْقُ بَيْنِي وَبَيْنَهُنَّ؟ أَسْأَلُكَ تَرِدَهَا وَتَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ مَهْرِي الشَّفَاعَةَ فِي عَصَاهِ أُمَّتِكَ. فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ بَطَاقَةٌ مِنْ حَرِيرٍ مَكْتُوبٌ فِيهَا جَعَلَ اللَّهُ مَهْرَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ شَفَاعَةَ الْمُدْنِيِّينَ مِنْ أُمَّهَ أَبِيهَا فَلَمَّا احْتَضِرَتْ أَوْصَتْ بِأَنْ تُوَضَعَ تِلْكَ الْبَطَاقَةُ عَلَى صَدْرِهَا تَحْتَ الْكُفَنِ فَوَضَعَتْ وَقَالَتْ: إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَفَعْتُ تِلْكَ الْبَطَاقَةَ بِيَدِي وَشَفَعْتُ فِي عَصَاهِ أُمَّهَ أَبِي. أخبار الدول و آثار الأول، احمد بن يوسف قرمانی، ج 1، ص 257؛ تجهیز الجیش، امان الله دهلوی، ص 102؛ (بنابر نقل شرح احقاق الحق، آیت الله مرعشی نجفی، ج 10، ص 267). قَالَ النَّسَفِيُّ: سَأَلْتُ فَاطِمَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَكُونَ صَدَاقُهَا شَفَاعَةً لَأُمَّتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِإِذَا صَارَتْ عَلَى الصَّرَاطِ طَلَبْتُ صَدَاقَهَا.؛ شیخ عبدالرحمن صفوری شافعی از فاضل نسفی نقل کرده است که فاطمه از پدر بزرگوارش درخواست نمود که صداق او شفاعت امت در روز قیامت باشد [و این معنی مقبول گردید] و چون [فردای قیامت] آن مخدره بر صراط بیاید و بایستد صداق خود را طلب کند. منبع اهل تسنن: نزهة المجالس و منتخب النفایس، صفوری، ج 2، ص 319. همچنین: در کتب اهل تذکیر مثل سبعیات و غیره در نظر درآمده که: «چون سیده النساء از چهارصد درهم صداق که بهای درع بود واقف شد، به حضرت رسالت گفت: بنات همه مردم را صداق درهم و دینار باشد و دختر تو را هم از این جنس صداق بود. پس فرق چه باشد؟ از حق تعالی درخواست فرمای که صداق مرا شفاعت امت تو گرداند. آن سرور مسئلت نمود. فی الفور به اجابت رسید و قطعه حریری جبرئیل - علیه السلام - آورد، دو سطری در وی مکتوب بود. مضمونش آنکه: حق تعالی مهر فاطمه زهرا را شفاعت امت عاصی پدر بزرگوار او گردانید. گویند: سیده النساء رقعہ را به تبرکی نگاه می داشت تا به آخر عمر و چون وقت ارتحال سیده النساء وصیت فرمود که: این نامه را با من در قبر دفن کنید که چون فردا برخیزم. حجت خویش گردانیده امت عاصی پدر خود را به شفاعت رسانم. منبع اهل تسنن: مناقب مرتضوی، کشفی، ص 244.

فصل دوم: اولین شخصیت انسانی در جنت خُلد

منقبت نود و چهارم: اولین شخصیتی که به بهشت در آید

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ [بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]». (1)

ترجمه:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه علیها السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله است.

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 110؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 70 و ج 43، ص 44. منابع اهل تسنن: نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص 180؛ فصول المهمه، ابن صباغ، ج 1، ص 659؛ کنز العمال، متقی هندی، ج 12، ص 110؛ سبیل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج 10، ص 386؛ ینایع الموده، قندوزی، ج 2، ص 322. همچنین: قال رسول الله صلی الله علیه و آله [و آله] و سلم: أول شخص یدخل الجنة فاطمه. [اخرجه أبو صالح المؤذن، فی مناقب فاطمه]. میزان الاعتدال، ذهبی، ج 2، ص 618؛ لسان المیزان، ابن حجر، ج 4، ص 16.

فصل سوّم: کیفیت ورود به بهشت

منقبت نود و پنجم: ورود به محشر با بهترین صورت و کرامت و منظر

[عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ] قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ [يَوْمَ الْقِيَامَةِ] وَ عَلَيْهَا حُلَّةُ الْكِرَامَةِ [وَ] قَدْ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا الْخَلَائِقُ فَيَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا ثُمَّ تُكْسَى أَيْضاً مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ أَلْفَ حُلَّةٍ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حُلَّةٍ بِحَظِّ أَحْضَرٍ: أَدْخِلُوا ابْنَتَ [ابْنِهِ] مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْجَنَّةَ عَلَى أَحْسَنِ الصُّورِ وَ أَحْسَنِ الْكِرَامَةِ وَ أَحْسَنِ مَنْظَرٍ فَتَرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرْفُ الْعُرْسُ وَ يُوكَّلُ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ.» (1)

ترجمه:

امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: دخترم

1- عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 2، ص 33؛ دلائل الامامه، طبری، ص 155؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 461؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 221. منابع اهل تسنن: مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی، ص 295؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 90؛ و با اختلاف کم در این منابع: تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 13، ص 334؛ فرائد السمطین، جوینی، ج 2، ص 64.

فاطمه علیها السلام محشور گردد در حالی که حلّه کرامت - که به آب حیات مخلوط شده- در بر دارد، و تمام خلائق به آن نظر کنند و از آن تعجب نمایند. سپس هزار حلّه از حلّه های بهشتی برتن او پوشانده شود که بر هر یک با خط سبز نوشته شده است: دختر محمد صلی الله علیه و آله را داخل بهشت گردانید به زیباترین صورت و با بالاترین کرامت و نیکوترین منظر. هفتاد هزار کنیز موکل او گردند و او را مانند یک عروس به سوی بهشت بدرقه کنند. (1)

1- همچنین: «أَنْبَأَنَا دَاوُدُ بْنُ سَلَيْمَانَ الْقَارِيَّ أَنْبَأَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا أَنْبَأَنَا أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أَخْبَرَنَا أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَنْبَأَنَا أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تُحَسِّرُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ [يَوْمَ الْقِيَامَةِ] وَعَلَيْهَا حُلَّةٌ [الْكَرَامَةِ] وَقَدْ عُجِنَتْ بِمَاءِ الْحَيَوَانَ فَيَنْظُرُ الْخَلَائِقُ إِلَيْهَا فَيَتَعَجَّبُونَ مِنْهَا [ثُمَّ] تُكْسَى أَيْضاً أَلْفَ حُلَّةٍ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حُلَّةٍ مِنْهَا بِحَطِّ أَخْضَرَ أَدْخِلُوا ابْنَ نَبِيِّ الْجَنَّةِ عَلَى أَحْسَنِ صُورِهِ وَأَحْسَنِ الْكَرَامَةِ وَ أَحْسَنِ الْمَنْظَرِ فَتَرَفُّ كَمَا تَرَفُّ الْعُرُوسُ وَتَتَوَجَّحُ بِتَاجِ الْعِزِّ وَ يَكُونُ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ جَارِيَةٍ فِي يَدِ كُلِّ جَارِيَةٍ مِنْدِيلٌ مِنْ إِسَدٍ تَبْرَقُ وَ قَدْ زُيِّنَ لَهَا تِلْكَ الْجَوَارِي مَدُّ حَلَقَهُنَّ اللَّهُ [مَدُّ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا]» داود بن سلیمان قاری روایت کرد از امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرینش از علی بن ابی طالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن حضرت فرمود: دخترم فاطمه علیها السلام محشور گردد در حالی که حلّه کرامت - که به آب حیات مخلوط شده- در بر دارد، و تمام خلائق به آن نظر کنند و از آن تعجب نمایند. سپس بر او از حلّه های بهشتی هزار حلّه پوشانده شود که بر هر یک با خط سبز نوشته شده است: فاطمه علیها السلام دختر نیم را با نیکوترین صورت و بهترین کرامت و نیکوترین منظر وارد بهشت کنید. پس در این حال به مانند عروسی به سوی بهشت روان می شود و تاج عزت بر سر دارد و هفتاد هزار کنیز همراه وی هستند و در دست هر کنیز پارچه ای از ابریشم است و این کنیزان را خداوند برای او زینت کرده از هنگامی که آنها را آفریده است. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 13، ص 334. و با اختلاف کم در این منابع: مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی، ص 295؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 90؛ فرائد السمطين، جوینی، ج 2، ص 64. و با اختلاف کم در منابع شیعه: عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 2، ص 33؛ دلائل الإمامه، طبری، ص 155؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 461؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 221.

منقبت نود و ششم: حضور در صحرای محشر با پیراهن خونین امام حسین علیه السلام

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحَشَّرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالدَّمَاءِ [بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] تَتَعَلَّقُ بِقَائِمِهِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ: يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ [يَا عَدْلُ يَا جَبَّارُ] أَحْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَيَحْكُمُ لِابْنَتِي فَاطِمَةَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ» (1)

ترجمه:

امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت فرمود: دخترم فاطمه علیها السلام روز قیامت در

1- مسند زید بن علی علیه السلام، زید بن علی علیه السلام، ص 460؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، ج 2، ص 11؛ کشف الغمه، إربلی، ج 3، ص 62؛ المنتخب، طریحی، ص 17؛ حدائق الوردیه، محلی، ج 1، ص 203؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 70 و ج 37، ص 95 و ج 43، ص 220. منابع اهل تسنن: مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغزلی، ص 294؛ مناقب آل محمد، عبد الواحد موصلی، ص 217؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 90؛ جواهر العقدين، سمهودی، ج 3، ص 389؛ فرائد السمطين، جوینی، ج 2، ص 225؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 323 و ج 3، ص 46.

حالی وارد صحرای محشر می شود که لباس هایی غرقه به خون [سید الشهدا علیه السلام] همراه خود دارد. پایه ای از پایه های عرش را می گیرد و می گوید: ای خدای احکم الحاکمین! بین من و قاتل فرزندم حکم کن... قسم به خدای کعبه [آن روز پروردگار عادل] به نفع دخترم قضاوت خواهد کرد. (1)

1- همچنین: امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرنش علیهم السلام از امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده است: «تُحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالِدَمِ فَتَعْلَقُ [بِدَمٍ فَتَعْلَقُ] بِقَائِمِهِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ: يَا عَدْلُ [يَا حَكِيمُ] احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وُلْدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَيَحْكُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِابْنَتِي وَرَبِّ الْكَعْبَةِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْضِبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» روز قیامت دخترم فاطمه علیها السلام در حالی محشر می شود که لباس های خون آلودی با وی خواهد بود. آنگاه یکی از پایه های عرش را می گیرد و می گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندم حکم کن! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به حق خدای کعبه سوگند که خداوند برای دخترم قضاوت می کند، و خداوند برای غضب فاطمه علیها السلام غضب می نماید و با رضایت او راضی می گردد. عیون أخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق، ج 2، ص 29؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 220. و همچنین: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوْلِيْنَ وَ الْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصِّرَاطَ قَالَ فَتَغُضُّ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجُبِ الْجَنَّةِ يُشِيعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهَا مُضْمَخًا بِدَمِهِ وَ تَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا صَنِعَ بِهِ فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عَذَابِي الرَّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى عُنُقًا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَفِطُ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا يَلْتَفِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيَعِدُّونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ مَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشِيعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَوْلِيَائُهَا مِنْ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا»؛ حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز قیامت شود خدای توانا خلق اولین و آخرین را در یک زمین جمع می کند. آنگاه منادی ندا می نماید: چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر افکنید تا فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله عبور کند. مردم چشمان خود را می بندند و حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که بر یکی از ناقه های بهشتی سوار است می آید و تعداد هفتاد هزار ملک آن بانوی با عظمت را مشایعت می نمایند. آنگاه آن حضرت در یکی از مکان های شریف قیامت توقف می کند و پیراهن امام حسین علیه السلام را به دست می گیرد در حالی که به خون آغشته است و می گوید: بار خدایا، این پیراهن فرزند من حسین علیه السلام است، تو می دانی با او چه کردند. بعد از این جریان از طرف خدا خطاب می رسد: رضای من از آن توست. حضرت زهرا صلی الله علیه و آله خواهد گفت: پروردگارا انتقام مرا از قاتلین فرزندم بگیر. خدای قهار دستور می دهد: هیمنه ای از آتش جهنم بیرون می آید و کشندگان امام حسین علیه السلام را نظیر مرغی که دانه برچیند از صحرای محشر می رباید و به طرف دوزخ باز می گردد و آنان را دچار انواع عذاب می نماید. سپس فاطمه علیها السلام بر ناقه خویش سوار می شود و داخل بهشت می گردد. ملائکه ای که آن حضرت علیها السلام را مشایعت می کردند و فرزندان بزرگوار حضرت زهرا علیها السلام نزد آن بانو خواهند بود و دوستان ایشان طرف راست و چپ حضرت زهرا علیها السلام قرار می گیرند. امالی، شیخ مفید، ص 130؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 224. و همچنین: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تُحْشَرُ فَاطِمَةُ وَ تُخْلَعُ عَلَيْهَا الْحُلَّةُ وَ هِيَ آخِذَةٌ بِقَمِيصِ الْحُسَيْنِ مُلَطَّخٌ بِالِدَمِ وَ قَدْ تَعَلَّقَتْ بِقَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ رَبِّ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وُلْدِي الْحُسَيْنِ»؛ دخترم فاطمه محشر می شود در حالی که خلعت های بهشتی بر ایشان پوشانده شده و پیراهن آغشته به خون حسین را به قائمه عرش می آویزد و عرض می کند بارالها حکم فرما بین من و بین قاتل فرزندم حسین

علیه السلام . مناقب آل ابیطالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 108؛ تسلیه المجالس، محمد بن ابیطالب، ج 1، ص 60. و همچنین: صاحب
 حاویه گوید که فاطمه علیها السلام روز قیامت به عرصه قیامت درآید جامه سبز بر دستی و جامه سرخ بر دستی، فریاد برآورد که: «رب
 احکم بینی و بین قاتل ولدی»؛ یعنی حکم کن میان من و کشندگان فرزند من که ایشان را به چه حجت کشتند یکی را به زهر و دیگری را به
 شمشیر. بدین عبارت: «إن فاطمه تجی ء یوم القیمه بیدها قمیص أخضر، و بأخری قمیص أحمر، فتقول یا رب انتصف من قتله ولدی، لم سم
 أحدهما و ذبح الآخر فیحکم الله لها أولا یعنی الحسن علیه السلام من معاویه و ثانیاً من یزید لعنه الله . کامل بهائی، عماد الدین طبری،
 ص 518. و همچنین: ذکر صاحب الطائف: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَجِيءُ فَاطِمَةُ وَ يَدِيهَا الْيُمْنَى الْحَسَنَ وَ يَدِيهَا الْيُسْرَى الْحُسَيْنَ وَ عَلَيَّ
 كَتَفَهَا الْأَيْمَنَ قَمِيصَ الْحَسَنِ مُلَطَّخٌ بِالسَّمِّ وَ عَلَيَّ الْأَيْسَرَ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ مُلَطَّخٌ بِالدَّمِ فَتَنَادِي وَ تَقُولُ رَبِّ احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَاتِلِي وَ لَدَى قِيَامِ
 اللَّهِ الزَّبَانِيَةَ فَيَقُولُ لَهُمْ: (خُذُوهُ فَعُلُوهُ)، (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ). شرح احقاق الحق، مرعشی نجفی، ج 26، ص 304، (به
 نقل از کتاب تبر المذاب). و همچنین: قال سليمان بن يسار هلالی: وجد حجر مكتوب عليه: لا بد أن ترد القيامة فاطم و قميصها بدم
 الحسين ملطخ و يل لمن شفعاؤه خصماؤه و الصور في نشر الخلائق ينفخ سليمان بن يسار گوید سنگی یافتند که بر آن نوشته بود: البتة روز
 قیامت فاطمه علیها السلام بیاید و پیراهنش آغشته به خون حسین علیه السلام باشد. وای بر کسی که شفیعان [روز قیامت] دشمن او باشند،
 در وقتی که صور قیامت دمیده شود. منابع اهل تسنن: تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، ج 2، ص 235؛ جواهر العقدين، سمهودی، ج 3،
 ص 388؛ نظم درر السمطين، زرندي حنفي، ص 219؛ ینابيع الموده، قندوزی، ج 3، ص 46.

منقبت نود وهفتم: مشاهدۀ رگ های بریدۀ امام حسین علیه السلام در محشر

«عن سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ مُعَنَّأً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهِيَ حَزِينَةٌ فَقَالَ لَهَا: مَا حُزْنُكَ يَا بُنَيَّةُ قَالَتْ: يَا أَبَتِ ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُفُوَ النَّاسِ عُرَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: يَا بُنَيَّةُ إِنَّهُ لَيَوْمٌ عَظِيمٌ وَلَكِنْ قَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ: أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا ثُمَّ أَبِي إِبْرَاهِيمُ ثُمَّ بَعْلُكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْكَ جِبْرِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فَيَضْرِبُ عَلَى قَبْرِكَ سَبْعَ قِيَابٍ مِنْ نُورٍ ثُمَّ يَأْتِيكَ إِسْرَافِيلُ بِثَلَاثِ حُلَلٍ مِنْ نُورٍ فَيَقِفُ عِنْدَ رَأْسِكَ فَيُنَادِيَنَّكَ: يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فُومِي إِلَى مَحْشَرِكَ فَتَقُومِينَ أَمِنَهُ رَوْعَتِكَ مَسَّةً تُورَةُ عَوْرَتِكَ فَيَنَالُكَ إِسْرَافِيلُ الْحُلَلَ فَيَتَلَبَّسُ بَيْنَهَا وَيَأْتِيكَ رُوقَائِلُ بِنَجِيهِهِ مِنْ نُورٍ زَمَامُهَا مِنْ لَوْلُؤٍ رَطْبٍ عَلَيْهَا مِحْفَهُ مِنْ ذَهَبٍ فَتَرْكَبِينَهَا وَ يَقُودُ رُوقَائِلُ بِزَمَامُهَا وَبَيْنَ يَدَيْكَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ الْوَيْهَ التَّسْبِيحِ.

فَإِذَا جَدَّ بِكَ السَّيْرُ اسْتَقْبَلَتْكَ سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مِجْمَرَةٌ مِنْ نُورٍ يَسْطَعُ مِنْهَا رِيحُ الْعُودِ مِنْ غَيْرِ نَارٍ وَعَلَيْهِنَّ أَكَالِيلُ الْجَوْهَرِ

الْمُرْصَعِ بِالرَّبْرِ جَدِ الْأَخْضَرِ فَيَسِرُ زَنْ عَنِ يَمِينِكَ فَإِذَا سِرْتَ مِثْلَ الَّذِي سِرْتَ مِنْ قَبْرِكَ إِلَى أَنْ لَقِينِكَ اسْتَقْبَلَتْكَ مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فِي مِثْلِ مَنْ مَعَكَ مِنَ الْحُورِ فَتَسَلَّمُ عَلَيْكَ وَتَسِيرُ هِيَ وَ مَنْ مَعَهَا عَنْ يَسَارِكَ.

ثُمَّ تَسَّ تَقْبَلُكَ أُمَّكِ خَدِيجَةَ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ مَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَهُ التَّكْبِيرِ فَإِذَا قَرُبْتَ مِنَ الْجَمْعِ اسْتَقْبَلَتْكَ حَوَاءُ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ حَوْرَاءَ وَ مَعَهَا أَسِيَهُ بِنْتُ مُزَاهِمٍ فَتَسِيرُ هِيَ وَ مَنْ مَعَهَا مَعَكَ فَإِذَا تَوَسَّطْتَ الْجَمْعَ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ الْخَلَائِقَ فِي صَدْعٍ وَاحِدٍ فَيَسْتَتَوِي بِهِمُ الْأَقْدَامُ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يُسْمِعُ الْخَلَائِقَ غُصْبُوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُورَ فَاطِمَةُ الصِّدِّيقَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَنْ مَعَهَا فَلَا يَنْظُرُ إِلَيْكَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ يُطَلَّبُ آدَمُ حَوَاءَ فَيَرَاهَا مَعَ أُمَّكِ خَدِيجَةَ أَمَامَكَ.

ثُمَّ يُنْصَبُ لَكَ مِنْبَرٌ مِنَ الثُّورِ فِيهِ سَبْعُ مَرَاقِي بَيْنَ الْمِرْقَاهِ إِلَى الْمِرْقَاهِ صَفُوفُ الْمَلَائِكَةِ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَهُ الثُّورِ وَ يَصْطَفُ الْحُورُ الْعَيْنُ عَنْ يَمِينِ الْمَنْبَرِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ أَقْرَبُ النِّسَاءِ مَعَكَ عَنْ يَسَارِكَ حَوَاءُ وَ أَسِيَهُ فَإِذَا صِرْتَ فِي أَعْلَى الْمَنْبَرِ أَتَاكَ جِبْرَائِيلُ فَيَقُولُ لَكَ: يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتِكَ فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ أَرِنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ فَيَأْتِيَانِكَ وَ أَوْدَاجُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَشْحُبُ دَمًا وَ هُوَ يَقُولُ:

يَا رَبِّ خُذْ لِي الْيَوْمَ حَقِّي مِمَّنْ ظَلَمَنِي فَيَغْضَبُ عِنْدَ ذَلِكَ الْجَلِيلُ وَ يَغْضَبُ لِعُضْبٍ بِهِ جَهَنَّمُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَجْمَعُونَ فَتَزْفُرُ جَهَنَّمُ عِنْدَ ذَلِكَ زَفْرَةً ثُمَّ يَخْرُجُ فَوْجٌ مِنَ النَّارِ وَ يَلْتَمِطُ قَتْلَةَ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءَ أَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ إِنَّا لَمْ نَحْضُرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَيَقُولُ اللَّهُ لِرَبَائِيهِ جَهَنَّمُ: خُذُوهُمْ بِسِيْمَاهُمْ بِرُزْقِهِ الْأَعْيُنِ وَ سَوَادِ الْوُجُوهِ خُذُوا بِنَوَاصِيهِمْ فَالْقُوهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ فَإِنَّهُمْ كَانُوا أَشَدَّ عَلَى أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ مِنَ آبَائِهِمُ الَّذِينَ حَارَبُوا الْحُسَيْنَ فَقَتَلُوهُ ثُمَّ يَقُولُ جِبْرَائِيلُ:

يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَلِي حَاجَتِكَ فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَتِي فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: قَدْ عَفَرْتُ لَهُمْ. فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَةُ وُلْدِي فَيَقُولُ اللَّهُ: قَدْ عَفَرْتُ لَهُمْ. فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَهُ

شِيعَتِي فَيَقُولُ اللَّهُ: انْطَلِقِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكِ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَوَدُّ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيَّينَ فَتَسِيرِينَ وَ مَعَكَ شِيعَتُكَ وَ شِيعَهُ وَ لَدَيْكَ وَ شِيعَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِنَهُ رَوْعَاتِهِمْ مَسْتَوْرَةً عَوْرَاتِهِمْ قَدْ ذَهَبَتْ عَنْهُمْ الشَّدَائِدُ وَ سَهَلَتْ لَهُمُ الْمَوَارِدُ يَخَافُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَخَافُونَ وَ يَظْمَأُ النَّاسُ وَ هُمْ لَا يَظْمَأُونَ.

فَإِذَا بَلَغَتْ بَابَ الْجَنَّةِ تَلَقَّتْكِ اثْنَتَا عَشْرَةَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ يَلْتَمِينَ أَحَدًا قَبْلَكَ وَ لَا يَتَلَقَّيْنِ أَحَدًا كَانَ بَعْدَكَ بِأَيْدِيهِمْ حِرَابٌ مِنْ نُورٍ عَلَى نَجَائِبٍ مِنْ نُورٍ رَحَائِلُهَا مِنَ الذَّهَبِ الْأَصْفَرِ وَ الْيَاقُوتِ أَزْمَتُهَا مِنْ لَوْلُؤِ رَطْبٍ عَلَى كُلِّ نَجِيبٍ نُمْرَقَةٌ مِنْ سُدُسٍ مَنْصُودَةٍ فَإِذَا دَخَلْتَ الْجَنَّةَ تَبَاشَّرَ بِكِ أَهْلُهَا وَ وُضِعَ لِشِيعَتِكَ مَوَائِدُ مِنْ جَوْهَرٍ عَلَى أَعْمَدِهِ مِنْ نُورٍ فَيَأْكُلُونَ مِنْهَا وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ.

وَ إِذَا اسْتَمَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ زَارَكَ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ إِنَّ فِي بَطْنَانِ الْفِرْدَوْسِ لَوْلُوتَانِ [الْوَلُوتَيْنِ] مِنْ عَرَقٍ وَاحِدٍ لَوْلُوءَةٌ بِيضَاءَ وَ لَوْلُوءَةٌ صَفْرَاءَ فِيهِمَا قُصُورٌ وَ دُورٌ فِي كُلِّ وَاحِدٍ سَبْعُونَ أَلْفَ دَارٍ فَالْبَيْضَاءُ مَنَازِلُ لَنَا وَ لِشِيعَتِنَا وَ الصَّفْرَاءُ مَنَازِلُ لِإِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

قَالَتْ: يَا أَبَتِ فَمَا كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى يَوْمَكَ وَ لَا أَبْقَى بَعْدَكَ. قَالَ: يَا ابْنَتِي لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَالْوَيْلُ كُلُّهُ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ لِمَنْ نَصَرَكَ». (1)

ترجمه:

سليمان بن محمد با سند از ابن عباس روایت کرده است که گفت: شنیدم از امیر مؤمنان علی علیه السلام که فرمود:

روزی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نزد حضرت زهرا علیها السلام رفت و آن بانورا محزون یافت. به

1- تفسیر فرات، فرات بن ابراهیم کوفی، ص 444 و 446؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 8، ص 53 - 55.

فاطمه علیها السلام فرمود: دختر عزیز من! سبب غم و اندوه تو چیست؟ فاطمه علیها السلام گفت: پدر جان! محشر و ایستادن مردم در حال برهنگی به خاطر آمد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم! آن روز، روز بسیار بزرگی است؛ ولی جبرئیل از طرف خداوند به من خبر داد که: اوّل کسی که زمین از او شکافته شود من هستم، بعد از من پدرم ابراهیم خلیل، بعد از او شوهر تو علی بن ابی طالب علیه السلام. آنگاه خداوند جبرئیل را با هفتاد هزار ملک به سوی تو خواهد فرستاد و او بر قبر تو هفت قبه از نور نصب خواهد کرد. سپس اسرافیل سه حله از نور برای تو می آورد و نزد سر تو می ایستد و صدا می زند: ای فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله بایست و بیا به سوی محشرت. پس تو می ایستی در حالی که از خوف آن روز در امانی و بدنت پوشیده است و اسرافیل آن حله ها را به تو می دهد و تو آنها را می پوشی. آنگاه ملکی که او را زوقائیل می گویند ناقه ای از نور برای تو می آورد که مهار آن از مروارید تر است و کجاوه ای از طلا بر پشت آن نصب شده است. تو بر آن ناقه سوار می شوی و زوقائیل در حالی که در پیش تو هفتاد هزار ملک هستند و علم های تسبیح در دست دارند مهار آن را می کشد.

هنگامی که با سرعت در حال حرکتی هفتاد هزار حور [العین] به استقبال تو می آیند. آنها از نظر کردن به تو خوشحال می شوند، هر یک از آنان مجمره ای از نور - بدون آتش - در کف دارند که بوی عود از آن ساطع است. و تاجی از گوهر مرصع به زیر جسد سبز بر سر دارد. آنان در طرف راست تو حرکت می کنند و چون طی کنی مقداری از مسیر را به همان اندازه ای که از قبرت تا جایی که حور العین به دیدارت آمدند سیر کردی مریم دختر عمران با همان تعداد حوریه که همراه توست به استقبال تو می آیند. او بر تو سلام می کند و با آنها که همراهش هستند از طرف چپ تو حرکت می نماید.

آنگاه مادرت خدیجه دختر خویلد - که اوّل زنی است که به خداوند و رسول او ایمان آورده است - همراه با هفتاد هزار ملک که علم های تکبیر در دست دارند به استقبال تو می آیند. وقتی نزدیک محشر رسیدی، حوّا با هفتاد هزار حور [العین] همراه

با آسیه دختر مزاحم [زن فرعون] به استقبال تو خواهند آمد و او و هر که همراهش است با تو حرکت می نمایند. هنگامی که وسط صحرای محشر قرار گرفتی - که خداوند خلایق را در یک زمین جمع می کند و قدمهایشان [که همه بر یک زمین قرار می گیرد] را یکسان می نماید- منادی از زیر عرش ندا می دهد که خلایق عموماً می شنوند. او می گوید: چشمان خود را ببندید تا فاطمه صدیقه دختر محمد صلی الله علیه و آله و آنها که با او هستند عبور نمایند! در آن روز غیر از ابراهیم خلیل الرحمان و علی بن ابی طالب علیهما السلام کسی به تو نظر نمی کند و آدم، حوا علیهما السلام را طلب می کند و او را با مادرت خدیجه علیها السلام مقابل تو می بیند.

آنگاه منبری از نور برای تو نصب می شود که هفت پله دارد؛ میان هر دو پله صف هایی از ملائکه - که علم هایی از نور در دست دارند- ایستاده اند و حوریه ها در طرف راست و چپ منبر صف می کشند. نزدیکترین زنان از طرف چپ به تو حوا و آسیه خواهند بود. هنگامی که بر فراز منبر روی، جبرئیل نزد تو می آید و به تو می گوید: ای فاطمه! حاجت خویشتن را بخواه!

تو خواهی گفت: پروردگارا! حسن و حسین را به من نشان بده! حسنین در حالی نزد تو می آیند که خون از رگهای حسین فرو می ریزد و می گوید:

بار خدایا! امروز حق مرا از آن افرادی که به من ظلم و ستم کردند بگیر. در همین زمان است که [پروردگارا] جلیل به غضب می آید و برای غضب او جهنم و تمام ملائک غضب می کنند. جهنم در آن هنگام زبانه می کشد [و صدایش شنیده می شود] آنگاه فوجی از آتش بیرون می آید و قاتلین حسین علیه السلام را با فرزندان و فرزندان فرزندان آنان می رباید. ایشان می گویند: پروردگارا! ما که در زمان قتل حسین علیه السلام حاضر نبودیم! خداوند به زبانه جهنم [ملائکه موکل بر آن] دستور می دهد: آنها را به سیمایشان - که چشمشان کبود و صورتشان سیاه است - بگیرد! موهای جلوی سر ایشان را بگیرد و در پایین ترین طبقه جهنم بیفکنید! زیرا سختگیری ایشان بر

دوستان حسین علیه السلام از پدرانشان - که با حسین علیه السلام محاربه کردند و او را کشتند - بیشتر بوده است.

جبرئیل می گوید: ای فاطمه! حاجت خود را بخواه!

تو می گویی: پروردگارا! شیعیانم [را می خواهم]. خداوند عزیز و جلیل می فرماید: من [گناه] آنان را آمرزیدم. تو می گویی: بار خدایا! شیعیان فرزندانم.

خداوند می فرماید: آنان را آمرزیدم. تو می گویی: پروردگارا! شیعیان شیعیانم [را می خواهم].

خداوند می فرماید: آسوده باش که هر کدام از آنان دست به دامن تو شود، در بهشت کنار تو خواهد بود. در آن هنگام عموم خلائق آرزو می کنند کاش فاطمی [از شیعیان و دوستان فاطمه علیها السلام] بودند! آنگاه تو با شیعیانت و شیعیان فرزندان و شیعیان امیر المؤمنین حرکت می کنی در حالی که خوف آنان برطرف شده، عورت های ایشان پوشیده شده، سختی ها از ایشان رفته و مکانهای ورود برایشان آسان گشته است. عموم مردم ترسان و تشنه اند اما ایشان ترس و تشنگی ندارند.

زمانی که به درب بهشت می رسی دوازده هزار حوریه به استقبال تو می شتابند - آن حوریه ها قبل از تو از کسی استقبال ننموده اند و بعد از تو از کسی استقبال نمایند - مشعل هایی از نور در دست دارند، و بر ناقه هایی از نور سوارند که جهاز آنها از طلای زرد و یاقوت است. مهار آنها از مروارید تر است، بر هر ناقه ای یک بالش از سندس [دییای نازک] روی هم چیده شده است. هرگاه وارد بهشت شوی اهل بهشت یکدیگر را به [قدوم] تو بشارت می دهند و برای شیعیان تو سفره هایی از گوهر بر فراز ستونهایی از نور نصب می نمایند. آنان از آن سفره ها غذا می خورند در حالی که مردم مشغول حسابند و شیعیان در آنچه دلشان بخواهد جاودانند.

زمانی که اولیاء خدا در بهشت مستقر گردند عموم پیامبران - آدم و بعد از او - به زیارت تو می آیند. و همانا در وسط فردوس دو لؤلؤ هست که از یک ریشه اند، یکی از

آنها سفید و دیگری زرد رنگ است. در هر یک از آن دو قصرها و خانه ها و در هر قصری هفتاد هزار خانه است. آن مروارید سفید منزل ما و شیعیان ماست و آن مروارید زرد، منزل ابراهیم و آل ابراهیم است.

فاطمه علیها السلام گفت: پدر جان! من دوست ندارم این روزِ تو را ببینم و بعد از تو زنده بمانم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای دخترم! جبرئیل از طرف خداوند به من خبر داد: اول کسی که از اهل بیت من به من ملحق می شود تو خواهی بود. تمامی ویل [که چاهی در دوزخ است] برای کسی که به تو ظلم کند و رستگاری عظیم از آن شخصی است که تو را یاری نماید.

فصل چهارم: نام آن حضرت بر درب بهشت

منقبت نود و هشتم: نام فاطمه زهرا عليها السلام بر باب جنت

«حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُذْجِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلِيَّ بَابَهَا مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ [بِالنُّورِ] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ فَاطِمَةُ أُمُّهُ اللَّهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ». (1)

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا به بهشت بردند؛ دیدم بر در آن نوشته شده: «لا إله إلا الله،

1- خصال، شیخ صدوق، ص 323 - 324؛ مائه منقبه، ابن شاذان، ص 87؛ کنز الفوائد، کراچی، ص 63؛ دُر النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 771؛ مدینه المعاجز، علامه بحرانی، ج 2، ص 354؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 8، ص 191. همچنین: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْلَةَ عُرْجِ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلِيَّ بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ [عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ]، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ [أُمُّهُ اللَّهُ]، عَلَى بَاغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ». از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شبی که مرا به آسمان بالا بردند دیدم بر در بهشت نوشته بود «معبودی نیست جز الله، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست، علی علیه السلام محبوب خداست، و حسن و حسین علیهما السلام برگزیدگان خدایند، فاطمه علیها السلام اختیار شده خداست، و بر دشمنان آنها لعنت خدا باد. امالی، شیخ طوسی، ص 355؛ طرائف، سید ابن طاووس، ص 64؛ فضائل، شاذان بن جبرئیل، ص 83 (با کمی اختلاف)؛ کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 149؛ نهج الإیمان، ابن جبر، ص 568؛ صراط مستقیم، بیاضی عاملی، ج 1، ص 248؛ محتضر، حسن بن سلیمان حلی، ص 222؛ کشف الیقین، علامه حلی، ص 459؛ مشارق أنوار الیقین، برسی، ص 179؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 260 و 298 و 305. منابع اهل تسنن: مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مردویه، ص 67؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج 1، ص 274؛ مناقب، خوارزمی، ص 302؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 161؛ ترجمه امام حسین، ابن عساکر، ص 186؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، ص 423؛ فرائد السمطین، جوینی، ج 2، ص 74؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 288. همچنین: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلِيَّ بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَا رَسُولِ اللَّهِ وَفَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ صَفْوَةُ اللَّهِ عَلَى نَاكِرِهِمْ وَبَاغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. الفضائل، شاذان بن جبرئیل، ص 82؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 76.

مُحَمَّدَ حَبِيبِ اللَّهِ، عَلِيَّ وَآلِيَّ اللَّهِ، فَاطِمَةَ أُمِّهِ اللَّهِ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَفْوَةَ اللَّهِ، عَلِيَّ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ».

فصل پنجم: قبه آن حضرت در بهشت

منقبت نود و نهم: قبه الزهراء عليها السلام

«الْحَسَنُ بْنُ يَزِيدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ سَمَّيْتَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهَا فِي الْجَنَّةِ قُبَّةً مِنْ يَاقُوتٍ حَمْرَاءٍ اِرْتِفَاعُهَا فِي الْهَوَاءِ مِثْرَهُ سَنَةٍ مُعَلَّقَةٌ بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ لَا عِلَاقَةَ لَهَا مِنْ فَوْقِهَا فَتُمْسِكُهَا وَلَا دِعَامَةَ لَهَا مِنْ تَحْتِهَا فَتَنْزِمُهَا لَهَا مِائَةٌ أَلْفِ بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ أَلْفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَرَاهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ كَمَا يَرَى أَحَدُكُمْ الْكَوْكَبَ الدَّرِّيَّ الزَّاهِرَ فِي أُفُقِ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ هَذِهِ الزَّهْرَاءُ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ». (1)

ترجمه:

حسن بن یزید می گوید: به حضرت امام صادق علیه السلام گفتم: برای چه فاطمه علیها السلام، «زهراء علیها السلام» نامیده شد؟ فرمود: برای اینکه حضرت زهرا علیها السلام قبه ای از یاقوت سرخ در بهشت دارد که ارتفاع آن به قدر یک سال راه است. این قبه به قدرت خدا در هوا معلق است و چیزی آن را از طرف بالا نگه نداشته است و از سمت پائین هم به چیزی

1- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 111؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 16.

متکی نیست. صد هزار در دارد که بر هر درب آن هزار ملک ایستاده است. آن قبه را اهل بهشت آن طور می بینند که شما ستاره درخشانده را در افق آسمان مشاهده می نمایید. اهل بهشت می گویند: این قبه درخشانده برای فاطمه علیها السلام است. (1)

1- همچنین: «بناء بهشتی مخصوص امیر مؤمنان و حضرت زهرا علیهما السلام» عن ابن مسعود قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: «إن الله تعالى لما أمرني أن أزوجه فاطمه من علي ففعلت فقال لي جبرئيل: إن الله بنى جنة من لؤلؤه بين كل قصبه إلى قصبه لؤلؤة من ياقوت مشدرة بالذهب و جعل سقوفها زبرجداً أخضر و جعل فيها طاقات من لؤلؤ مكللة [مكللة بالياقوت بالياقوت] ثم جعل غرفاً لبنه من ذهب و لبنه من فضه و لبنه من در و لبنه من ياقوت و لبنه من زبرجد ثم جعل فيها عيوناً تنبع من نواحيها و حف بالأنهار و جعل على الأنهار قباباً من در قد شد عبث بسلاسل الذهب و حقت بأنواع السجر و بنى في كل غصن و جعل في كل قبه حوراء و القبه لها مائه باب على كل باب جاريتان [حارثان] و شد جرتان في كل قبه مفرش و كتاب مكتوب حول القباب آية الكرسي. فقلت: يا جبرئيل لمن بنى الله هذه الجنة؟ قال: بناها لعلي بن أبي طالب و فاطمة ابنتك سوى جنانهما تحفه أتحفهما الله و لتقر بذلك عينك يا رسول الله.»؛ ابن مسعود نقل می کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم: خداوند متعال به من فرمان داد تا فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام در آورم، چنین کردم سپس جبرئیل به من گفت: همانا خدای تعالی بهشتی از لؤلؤ بنا نمود که بین هر قصبه آن تا قصبه دیگر لؤلؤیی از جنس یاقوت است - و بین دانه های آن لؤلؤ قطعاتی از طلا قرار دارد - و سقفهای آن زبرجد سبز است و در آنها طاقه هایی [دسته هایی] از مروارید که با یاقوت زینت شده قرار داد. سپس اتاق هایی ساخت که خشتی از طلا و خشتی از نقره و خشتی از در و خشتی از یاقوت و خشتی از زبرجد است. در آن باغ چشمه هایی آفرید که از همه اطراف آن باغ می جوشد و نهرها آن را در برگرفته و بر آن نهرها قبه هایی از در قرار داد که با زنجیره های طلایی شعبه شعبه شده اند و در اطراف آنها انواع درختان روئیده اند، و بر هر شاخه ای از آن درختان [قبه ای] بنا کرد و در هر یک از آن قبه ها تختی از در سفید نهاد که پرده آن [از جنس] ابریشم نازک و ستبر است و زمین آن را با زعفران فرش نمود و با مشک و عنبر خوشبو کرد و در هر قبه ای حوریه ای قرار داد و هر قبه ای صد در دارد و بر هر دری از آن، دو جاریه و دو درخت است. در هر قبه ای فرش آن گسترانده اند و در اطراف بیرونی قبه ها آیه الکرسی نوشته شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به جبرئیل گفتم: این بهشت را خداوند برای چه کسی بنا کرده است؟ گفت: برای علی بن ابی طالب علیه السلام و دختری فاطمه علیها السلام، - و این غیر از بهشت های آن دو است - تحفه ای است که خداوند به آنها عطا نموده و [خداوند آنها را به این نعمت ها مفتخر نموده است] تا تو خوشحال شوی. دلائل الامامه، طبری، ص 143؛ نوادر المعجزات، طبری، ص 98؛ شرح الأخبار، قاضی نعمان مغربی، ج 3، ص 62؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 113؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 43، ص 41. منابع اهل تسنن: معجم الکبیر، طبرانی، ج 22، ص 408؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ج 1، ص 121؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 42، ص 129؛ کفایه الطالب، گنجی شافعی، ص 321؛ مجمع الزوائد، هیشمی، ج 9، ص 204؛ فضائل الثقلین، ایجی شافعی، ص 457. و همچنین: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَحِمَهُ اللهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سُلَيْمَانَ وَ كَانَ قَارِئاً لِلْكِتَابِ قَالَ: «قَرَأْتُ فِي الْإِنْجِيلِ يَا عِيسَى جِدَّ فِي أَمْرِي... فَسَّرَ لِأَهْلِ سُورِيَا الشَّرِيَانِيَّةِ بَلَّغَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ أَنِّي أَنَا اللهُ الدَّائِمُ الَّذِي لَا أَزُولُ صَدَّقُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْأُمِّيِّ... ذُو النَّسْلِ الْقَلِيلِ إِنَّمَا نَسَلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ لَهَا بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَبَ...»؛ عبد الله بن سليمان که [مردی بود دانشمند و] کتب آسمانی را خوانده بود می گوید من در انجیل چنین خوانده ام که خدا فرمود: ای عیسی در امر من کوشا باش... این کتاب را با قوت بگیر و برای اهل سوریا تفسیر کن و به آنها تبلیغ کن و بگو که من خدای دائمی هستم که زوال ندارد پس تصدیق کن نبی امی را... که خود او فرزندان اندکی دارد و نسل او از مبارکه [فاطمه علیها السلام] است که خانه ای در بهشت دارد، در آن

خانه هیاهو و رنج و آزاری نخواهد بود. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ص 159 و ص 160؛ امالی، شیخ صدوق، ص 345 و ص 347؛ خرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج 3، ص 1064؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، شیخ طبرسی، ج 1، ص 59 و ص 60؛ مشارق أنوار الیقین، حافظ رجب برسی، ص 116؛ إثبات الهداه، حر عاملی، ج 1، ص 202؛ جواهر السنیه، حر عاملی، ص 112 و ص 113؛ حلیه الأبرار، سید هاشم بحرانی، ج 1، ص 167 و ص 169؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 14، ص 284 و ج 16، ص 144 و ج 43، ص 22. منابع اهل تسنن: تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج 47، ص 382؛ بدایه و النهایه، ابن کثیر، ج 2، ص 93؛ قصص الأنبیاء، ابن کثیر، ج 2، ص 418.

فصل ششم: آثار محبت آن حضرت علیها السلام در قیامت

منقبت صدم: آثار محبت فاطمه زهرا علیها السلام در صد موطن از موت تا قیامت

«عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا سَلْمَانُ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ. يَا سَلْمَانُ حُبُّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مِنَ الْمَوَاطِنِ أَيْسَرُهَا الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْعَرْشُ وَالْحِسَابُ [المحاسبه] فَمَنْ رَضِيَتْ ابْنَتِي عَنْهُ رَضِيَتْ عَنْهُ وَ مَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ غَضِبَتْ عَلَيْهِ وَ مَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ. يَا سَلْمَانُ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُهَا وَ يَظْلِمُ بِعَلَّهَا [أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ شِيعَتَهَا وَ ذُرِّيَّتَهَا.» (1)

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای سلمان! کسی که دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد در

1- مائه منقبه، ابن شاذان، المنقبه الستون؛ ص 126؛ طُرف من الأنباء، ابن طاووس، ص 386؛ إرشاد القلوب، دیلمی، ج 2، ص 294؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 27، ص 116. منابع اهل تسنن: مقتل الحسين، خوارزمی، ج 1، ص 101؛ فرائد السمطين، جوینی، ج 2، ص 68؛ ینابیع الموده، قندوزی، ج 2، ص 332.

بهشت همراه من است، و کسی که او را ناراحت کند در آتش خواهد بود. ای سلمان! دوستی فاطمه علیها السلام در صد موطن نفع می دهد که آسانترین آنها حال مردن و قبر و محشر و صراط و حساب است. پس کسی که دخترم فاطمه علیها السلام از او خشنود باشد من از او خشنودم، و کسی که من از او خشنودم خدا از او خشنود است، و کسی که دخترم فاطمه علیها السلام بر او خشمناک باشد من بر او خشمناکم، و کسی که من بر او خشمناک باشم خدا بر او خشمناک است.

ای سلمان! وای بر کسی که به دخترم فاطمه علیها السلام ستم کند و وای به حال کسی که به شوهرش علی علیه السلام ظلم نماید، و وای بر کسی که به فرزندان و شیعیان او ستم کند. (1)

1- همچنین: «محبت خدا به فاطمه زهرا علیها السلام و محبینشان» از ابن عباس روایت شده که گفت: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ سَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ بِلَا رُكُوعٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَجُودٌ بِلَا رُكُوعٍ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ عَلِيًّا فَسَجَدْتُ وَرَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ فَاطِمَةَ فَسَجَدْتُ وَرَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَسَنَ فَسَجَدْتُ وَرَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحُسَيْنَ فَسَجَدْتُ وَرَفَعْتُ رَأْسِي فَقَالَ لِي: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُمْ فَسَجَدْتُ وَرَفَعْتُ رَأْسِي.»؛ دیدم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پنج سجده بدون رکوع به جا آوردند. پس من به ایشان گفتم: یا رسول الله! سجده بدون رکوع [حکمت این عمل چیست؟] پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و به من گفت: ای محمد! خداوند علی علیه السلام را دوست دارد پس من سجده کردم و سر از سجده برداشتم. پس دوباره عرض کرد: خداوند فاطمه علیها السلام را دوست دارد. من سجده کردم و سر خویش را بلند نمودم. او گفت: خداوند حسن علیه السلام را دوست دارد. من به سجده رفتم و سر از سجده برداشتم. باز به من گفت: خداوند حسین علیها السلام را دوست دارد پس من سجده کردم و سر برداشتم. دوباره جبرئیل به من گفت: خداوند محبین ایشان را نیز دوست دارد پس من به سجده رفتم و سر از سجده برداشتم. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج 3، ص 107؛ در النظیم، یوسف بن حاتم شامی، ص 768؛ مشارق أنوار الیقین، برسی، ص 244؛ حلیه الأبرار، علامه بحرانی، ج 1، ص 337؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 37، ص 59 و ج 83، ص 219. و با اختلاف کم در منابع اهل تسنن: کامل، جرجانی، ج 4، ص 264؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ج 2، ص 410؛ لسان المیزان، ابن حجر، ج 3، ص 276.

فهرست منابع کتاب

اشاره

1. احتجاج طبرسى (تحقيق: محمد باقر الخرسان/ المطبعه: منشورات دار النعمان للطباعه و النشر/ الناشر: دارالنعمان النجف الاشرف) [احمد بن على الطبرسى م. 560]
2. إرشاد الأذهان (تحقيق: الشيخ فارس حسون/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1410/ چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامى/ ناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [العلامه الحلى م. 726]
3. الأسرار الفاطميه (تقديم: السيد عادل العلوى/ چاپ: الثانيه/ سال چاپ: 1420 - 2000 م/ چاپخانه: أمير - قم/ ناشر: مؤسسه الزائر فى الروضه المقدسه لفاطمه المعصومه / للطباعه والنشر - رابطه الصداقه الإسلاميه) [الشيخ محمد فاضل المسعودى]
4. الاعتقادات فى دين الإماميه (تحقيق: عصام عبد السيد/ چاپ: الثانيه/ سال چاپ: 1414 - 1993 م/ ناشر: دار المفيد للطباعه والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان) [الشيخ الصدوق م. 381]
5. إعلام الورى بأعلام الهدى (تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: ربيع الأول 1417 - / چاپخانه: ستاره - قم/ ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم المشرفه) [الشيخ الطبرسى م. 548]
6. إلزام الناصب فى إثبات الحججه الغائب (تحقيق: السيد على عاشور) [الشيخ على اليزدى الحائرى م. 1333]
7. ألقاب الرسول وعترته (المجموعه) (سال چاپ: 1406 / چاپخانه: الصدر/ طبعه: طبعه حجرىه/ ناشر: مكتب آيه الله العظمى المرعى النجفى - قم) [من قدماء المحدثين م. ق 4]
8. امالى صدوق (تحقيق: قسم دراسات الاسلاميه - مؤسسه البعثه - قم/ الطبعه الاولى 1417 هـ - / الناشر: مؤسسه البعثه) و (طبع آخر) [شيخ صدوق م. 381]

9. امالی طوسی (تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه- مؤسسه البعثه/ الطبعة: الأولى 1414 هـ- / الناشر و المطبعة: دارالثقافه) [الشيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی م. 460]
10. امالی مفید (تحقیق: الحسين استاد ولی علی اکبر غفاری/ الناشر و المطبعة: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم) [شيخ مفید م. 413]
11. الإمامه و التبصره (تحقیق: مدرسه الإمام المهدي، قم المقدسه/ چاپ: الأولى / سال چاپ: 1404 - 1363 ش / ناشر: مدرسه الإمام المهدي- قم المقدسه) [ابن بابويه القمي م. 329]
12. بحار الانوار (الطبعة الثانية المصححة 1403هـ- ق - 1983م/ الناشر و المطبعة/ مؤسسه الوفاء - بيروت، لبنان) [علامه مجلسی م. 1110]
13. البرهان فی تفسیر القرآن (الطبعة الاولى 1417 هـ- ق- قطع رحلی / المطبعة: اسماعيليان - قم/ الناشر: مؤسسه دار التفسیر) و طبع آخر [سيد هاشم بحرانی م. 1107]
14. بشاره المصطفى (تحقیق: جواد القيومي الاصفهانی/ ناشر و طبعه: مؤسسه النشر الاسلامی- قم المقدسه/ الطبعة الاولى 1420 هـ- ق) و (طبع آخر) [محمدبن علی الطبري م. 525]
15. بيت الاحزان (چاپ: الأولى / سال چاپ: 1412 هـ- ق و طبع آخر: مكتبه الفدک / چاپخانه: امير/ ناشر: دارالحکمه - قم) [شيخ عباس قمي م. 1359]
16. تاج المواليد (المجموعه) (سال چاپ: 1406 / چاپخانه: الصدر - طبعه: حجریه / اسم المجموعه: مجموعه نقيسه / ياهتمام: السيد محمود المرعشي / ناشر: مكتب آيه الله العظمى المرعشي النجفي - قم) [الشيخ الطبرسي م. 548]
17. تأويل الآيات الظاهره في فضائل العتره الطاهره (تحقیق: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام/ چاپ: الأولى / سال چاپ: رمضان المبارك 1407 - 1366 ش / چاپخانه: أمير - قم/ ناشر: مدرسه الإمام المهدي) [السيد شرف الدين على الحسيني الاستر آبادی م. 965]
18. تذکره الفقهاء (ط.ق) (چاپخانه: حجریه / ناشر: منشورات المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية) [العلامه الحلبي م. 726]
19. كشف اليقين (تحقیق: حسين الدرگاھی / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1411) [العلامه الحلبي م. 726]
20. تسليه المجالس و زينه المجالس، (تحقیق: حسون / ناشر: مؤسسه المعارف الاسلاميه/ سال چاپ: 1418 هـ- ق) [سيد محمد بن ابيطالب كركي حائري م: قرن 10]
21. تفسير أطيّب البيان [سيد عبد الحسين طيب م. 1412]

22. التفسير الاصفى (التحقيق: مركز الأبحاث والدراسات الإسلامية/ الطبعة الاولى 1418 هـ- ق/ المطبعة: مكتب الإعلام الإسلامي / الناشر: مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي) [فيض كاشاني 1091]
23. تفسير الإمام العسكري عليه السلام (تحقيق: مدرسه الإمام المهدي/ چاپ: الأولى محققه/ سال چاپ: دربيع الأول 1409 / چاپخانه: مهر - قم المقدسه/ ناشر: مدرسه الإمام المهدي عجل الله فرجه الشريف - قم المقدسه) [المنسوب إلى الإمام العسكري م. 260]
24. تفسير الصافي (چاپ: الثانيه 1416 رمضان المبارك/ چاپخانه: مؤسسه الهادي - قم المقدسه/ الناشر: مكتبه الصدر - طهران) [فيض كاشاني 1091]
25. تفسير الصراط المستقيم (صححه وعلق عليه الشيخ غلامرضا بن علي أكبر مولانا البروجردى/ سال چاپ: 1416 - 1995 م / چاپخانه: الصدر - قم/ ناشر: مؤسسه أنصاريان للطباعه والنشر) [السيد حسين البروجردى م. 1340]
26. تفسير العياشى (التحقيق و التعليق و التصحيح: الحاج السيد هاشم الرسولى المحلاتى/ الناشر و المطبعة/ المكتبه العلميه الاسلاميه) [ابى النصر محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى المعروف بالعياشى م. 320 هـ- ق]
27. تفسير المحيط الأعظم والبحر الخضم فى تأويل كتاب الله العزيز المحكم (تحقيق: السيد محسن الموسوى التبريزى/ چاپ: الرابعه/ سال چاپ: 1428 / چاپخانه: الأسوه/ ناشر: مؤسسه فرهنگى و نشر نور على نور) [السيد حيدر الآملى م. 782]
28. تفسير جوامع الجامع (التحقيق: مؤسسه النشر الإسلامى/ الناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه/ الطبعة الاولى 1418 هـ- ق) [الشيخ ابى على الفضل بن الحسن الطبرسى م. 548]
29. تفسير غريب القرآن (تحقيق و تعليق: محمد كاظم الطريحي/ ناشر: انتشارات زاهدى - قم) [الشيخ فخر الدين الطريحي م. 1085]
30. تفسير فرات الكوفى (التحقيق: محمد الكاظم/ الطبعة: الطبعة الاولى/ سال چاپ: 1410 ق/ الناشر: مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامى - طهران) [فرات ابن ابراهيم الكوفى م. 352]
31. تفسير قمى (الناشر/ مؤسسه دار الكتاب - قم) [على بن ابراهيم قمى م. 307]
32. تفسير مجمع البيان (التحقيق و التعليق: لجنه من العلماء و المحققين الأخصائين/ چاپ:

الأولى / سال چاپ: 1415 هـ - ق/ الناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بيروت - لبنان) [الشيخ ابي على الفضل بن الحسن الطبرسي م. 548]

33. تفسير نور الثقلين (التحقيق: السيد هاشم الرسولى المحلاتى / الناشر و المطبعه: مؤسسه ى اسماعيليان - قم / الطبعه الرابعه 1412 هـ - ق) [الشيخ عبد على بن جمعه العروسى الحويزى م. 1112 هـ - ق]

34. التمهيص [محمد بن همام اسكافى م. 336]

35. تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر (مجموعه ورام) چاپ: الثانيه / سال چاپ: 1368 ش / چاپخانه: حيدرى - تهران / ناشر: دار الكتب الإسلاميه) [ورام بن أبى فراس المالکى الاشرى م. 605]

36. تنبيه الغافلين عن فضائل الطالبين (تحقيق: السيد تحسين آل شبيب الموسوى / سال چاپ: 1420 - 2000 م / چاپخانه: محمد / ناشر: مركز الغدير للدراسات الإسلاميه) [المحسن ابن كرامه م. 494]

37. تهذيب الاحكام (تحقيق سيد حسن خرسان و تصحيح شيخ محمد آخوندى / المطبعه: خورشيد، طبع رابع 1365 ش / الناشر: دارالكتب الاسلاميه) [شيخ طوسى م. 460]

38. الثاقب فى المناقب (تحقيق: نبيل رضا علوان / چاپ: الثانيه / سال چاپ: 1412 / چاپخانه: الصدر - قم / ناشر: مؤسسه أنصاريان للطباعه والنشر - قم المقدسه) [ابن حمزه الطوسى م. 560]

39. جمال الأسبوع (تحقيق: جواد قيومى الجزء اى الإصفهاني / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1371 ش / چاپخانه: مطبعه أختر شمال / ناشر: مؤسسه الآفاق) [السيد ابن طاووس م. 664]

40. الجنه العاصمه (چاپ: اول / سال چاپ: 1426 ق / ناشر: بيت الزهراء) [سيد حسن مير جهانى طباطبائى م. 1413]

41. جواهر السنيه (المطبعه: النعمان - النجف الاشرف / تاريخ الطبع: 1384 هـ - ق) [شيخ محمد بن الحسن الحر العاملى م. 1104]

42. الحدائق الورديه فى مناقب الائمة الزيديه (محقق: محطورى / ناشر: مكتبه البدر / محل نشر: صنعا - يمن) [حميد بن احمد محلى م: قرن 6]

43. حليه الابرار فى احوال محمد و آله الاطهار (تاريخ الطبع 1356 هـ - ش / الناشر و المطبعه: دار الكتب العلميه - قم) و (طبع آخر) [سيد هاشم بحرانى م. 1107]

44. الخرائج والجرائح (تحقيق: مؤسسه الإمام المهدي (ع) / بإشراف السيد محمد باقر الموحد

الأبطلحي / چاپ: الأولى / سال چاپ: ذى الحجه 1409 / چاپخانه: العلميه - قم / ناشر: مؤسسه الإمام المهدي - قم المقدسه [قطب الدين الراوندى م. 573]

45. الخصائص الفاطميه (ترجمه: سيد على جمال أشرف / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1380 ش / چاپخانه: شريعت / ناشر: انتشارات الشريف الرضى) [الشيخ محمد باقر الكجورى م. 1313]

46. الخصال (التحقيق: على اكبر غفارى / تاريخ الطبع: 1403 هـ - ق / الناشر و المطبعه: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم) [شيخ صدوق م. 381]

47. الدر النظيم (ناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [ابن حاتم العاملى م. 664]

48. دلائل الامامه (تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه - مؤسسه البعثه - قم / الناشر و المطبعه / مؤسسه البعثه - قم / الطبعه الاولى 1413 هـ - ق) (طبع الغرى) و (طبع آخر) [الشيخ ابى جعفر محمد بن جرير بن رستم طبرى م. قرن 4]

49. روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن (فارسي) (تصحيح: دكتور محمد جعفر ياحقى - دكتور محمد مهدى ناصح / سال چاپ: 1371 ش / ناشر: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوى) [الشيخ أبو الفتوح الرازى م. 6]

50. روضه الواعظين (تحقيق: السيد محمد مهدى السيد حسن الخرسان / الناشر: منشورات الرضى - قم، ايران) [محمد بن الفتال النيشابورى الشهيد م. 508]

51. رياض الأبرار، [سيد نعمت الله جزائرى م. 1112]

52. شرح إحقاق الحق (تعليق: السيد شهاب الدين المرعشى النجفى / تصحيح: السيد إبراهيم الميانجى / ناشر: منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفى - قم - ايران) [السيد المرعشى م. 1411]

53. شرح الاخبار فى فضائل الائمه الاطهار (تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى / الناشر و المطبعه: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم / الطبعه الثانيه 1414 هـ - ق) [القاضى ابوحنيفه النعمان بن محمد التميمى المغربى م. 363]

54. الصراط المستقيم الى صراط مستحقى التقديم (تحقيق: محمد الباقر البهردى / المطبعه: الحيدرى / الطبعه: الاولى 1384 / الناشر: المكتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفرية) [زين الدين ابى محمد على بن يونس العاملى النباطى البياضى م. 877]

55. الطوائف فى معرفه مذاهب الطوائف (الطبعه: الاولى 1399/المطبعه: الخيام- قم) [سيد بن طاووس م. 664]
56. طرف من الأنباء و المناقب [سيد بن طاووس م. 664]
57. عدّه الداعى ونجاح الساعى (تصحيح: احمد الموحدى القمى/ ناشر: مكتبه وجدانى - قم) [ابن فهد الحلى م. 841]
58. العدد القويه لدفع المخاوف اليوميه (تحقيق: السيد مهدي الرجائى - إشراف: السيد محمود المرعشى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1408 / چاپخانه: سيد الشهداء عليه السلام / ناشر: مكتبه آيه الله المرعشى العامه) [على بن يوسف المطهر الحلى م. 705]
59. علل الشرائع (التحقيق و تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم/ الناشر و المطبعه: المكتبه الحيدريه فى النجف سال چاپ: 1385 - 1966 م) و طبع آخر (شريعت قم) [شيخ صدوق م. 381]
60. عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيده النساء إلى الإمام الجواد).
61. عوالى اللئالى العزيزيه فى الاحاديث الدينيه (تحقيق: السيد المرعشى و الشيخ مجتبى العراقى / المطبعه: سيد الشهداء - قم / الطبعه الاولى 1403هـ - 1983م) [ابن ابى جمهور احسانى م. 880]
62. عيون اخبار الرضا عليه السلام (تحقيق: علامه الشيخ حسين الاعلمى / الناشر و المطبعه: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات - بيروت / الطبعه الاولى 1404) [شيخ صدوق م. 381]
63. عيون المعجزات (سال چاپ: 1369 / چاپخانه: الحيدريه - نجف / ناشر: محمد كاظم الشيخ صادق الكتبى) [حسين بن عبد الوهاب م. ق 5]
64. غايه المرام (التحقيق: سيد على عاشور و مطبعه: مؤسسه التاريخ العربى - بيروت) [سيد هاشم بحراني م. 1107]
65. الغدير (چاپ: الرابعه / سال چاپ: 1397 - 1977 م / ناشر: دار الكتاب العربى - بيروت - لبنان) [الشيخ الأمينى م. 1392]
66. الغيبه (تحقيق: عباد الله الطهرانى و الشيخ على احمد ناصح / المطبعه: بهمن / الطبعه المحققه: الاولى 1411 هـ - ق / الناشر: مؤسسه المعارف الاسلاميه - قم المقدسه) [شيخ الطائفه ابى جعفر محمد بن الحسن الطوسى م. 460]
67. فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى عليها السلام، [الرحمانى الهمدانى]

68. الفصول المهمة فى أصول الأئمة (تحقيق وإشراف: محمد بن محمد الحسين القائنى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1418 - 1376 ش / چاپخانه: نگین - قم / ناشر: مؤسسه معارف إسلامى إمام رضا عليه السلام) [الحر العاملى م. 1104]
69. الفضائل (الناشر و المطبعة / المكتبة الحيدريه النجف الاشرف 1381هـ - 1962م) [شاذان بن جبرئيل م. 660]
70. فلاح السائل [السيد ابن طاووس م. 664]
71. الفوائد الطوسيه (علق عليه وصححه العالمان المتتبعان الحاج السيد مهدي اللازوردى والشيخ محمد درودى / سال چاپ: شعبان 1403 / چاپخانه: المطبعة العلميه - قم) [الحر العاملى م. 1104]
72. قواعد الأحكام (تحقيق: مؤسسه النشر الإسلامى / چاپ: الأولى / سال چاپ: ربيع الثانى 1413 / ناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [العلامه الحللى م. 726]
73. كامل بهائى [عماد الدين حسن بن على طبرى م: قرن 7]
74. كتاب الأربعين (تحقيق: السيد مهدي رجائى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1417 / چاپخانه: أمير - قم) [الشيخ الماحوزى م. 1121]
75. كشف الغمه فى معرفه الأئمه (الناشر و التحقيق: دار الاضواء - بيروت / المطبعة الثانيه / سال چاپ 1405 هـ - ق - 1985 م / و (طبع آخر) مطبعة شريعت قم [على بن عيسى ابن ابى الفتح الإربلى م. 693]
76. كشف اللثالى، [صالح بن عبد الوهاب بن العرندس]
77. كنز الدقائق (التحقيق: حسين درگاهى / الناشر و المطبعة: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامى / چاپ: الاولى / سال چاپ: اسفند 1411 هـ - ق - 1991م) و (التحقيق: مؤسسه نشر الاسلامى جلد دوم 1410 رمضان و تحقيق: الحاج آقا مجتبى العراقى جلد اول 1407 شوال / الناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [الميرزا محمد المشهدى ابن محمد رضا بن اسماعيل بن جمال الدين القمى حدود عام 1125 هـ - ق]
78. الكوكب الدرى فى أحوال النبى و البتول و الوصى عليهم السلام [شيخ محمد مهدي مازندرانى]
79. حقائق التأويل (شرح: محمد رضا آل كاشف الغطاء / ناشر: دار المهاجر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان) [الشريف الرضى م.

80. كفايه الأثر (تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوهكمري الخوئي / سال چاپ: 1401 / چاپخانه: الخيام - قم / ناشر: انتشارات بيدار) [الخزاز القمي م. 400]
81. مائه منقبه (تحقيق: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام)، إشراف: السيد محمد باقر بن المرتضى الموحد الأبطحي / چاپ: الأولى / سال چاپ: ذى الحجه 1407 / چاپخانه: أمير - قم / ناشر: مدرسه الإمام المهدي (عليه السلام) بالحوزه العلميه - قم المقدسه) [محمد بن أحمد بن علي بن الحسن القمي (ابن شاذان) م. 412]
82. مجمع البحرين (چاپ: الثانيه / سال چاپ: شهر يور ماه 1362 ش / چاپخانه: طراوت / ناشر: مرتضوى) [الشيخ فخر الدين الطريحي م. 1085]
83. مجمع النورين (طبعه حجريه) [الشيخ أبو الحسن المرندى]
84. المحتضر (الطبعه: الطبعة الاولى / سال چاپ: 1370هـ - 1951م / الناشر و المطبعه: الحيدريه النجف) و موافقه للطبع (طبع جديد تحقيق: سيد علي اشرف / الطبعة: الطبعة الاولى / سال چاپ: 1382هـ - ش 1424هـ - ق / المطبعه: شريعت / الناشر: المكتبه الحيدريه) [الشيخ عز الدين حسن بن سليمان الحلبي م. قرن 8]
85. المحجبه البيضاء فى تهذيب الأحياء (صححه و علق عليه: على أكبر الغفارى / چاپ: الثانيه / چاپخانه: مهر - قم / ناشر: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم) [الفيض الكاشانى م. 1091]
86. مختصر بصائر الدرجات (چاپ: الأولى / سال چاپ: 1370 - 1950 م / ناشر: منشورات المطبعه الحيدريه - النجف الأشرف) [حسن بن سليمان الحلبي م. 9]
87. مختلف الشيعة (تحقيق: مؤسسه النشر الإسلامى / چاپ: الثانيه / سال چاپ: ذى القعدة 1413 / ناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [العلامه الحلبي م. 726]
88. مدينه المعاجز (تحقيق: الشيخ عزه الله المولانى الهمدانى / الطبعة: الاولى 1413هـ - ق / المطبعه: بهمن - قم / الناشر: مؤسسه المعارف الاسلاميه) [سيد هاشم بحراني م. 1107هـ - ق]
89. المزار (تحقيق: جواد القيومى الاصفهانى / چاپ: الأولى / سال چاپ: رمضان المبارك 1419 / چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامى / ناشر: نشر القيوم - قم) [محمد بن المشهدى م. ن 610]
90. المزار (تحقيق: مدرسه الامام المهدي قم المقدسه - باشراف السيد الابطحي / الطبعة: الاولى / المطبعه مهر - قم / الناشر: مدرسه الامام المهدي قم المقدسه) [شيخ مفيد م. 413]

91. المزار (تحقيق: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه / چاپ: الأولى / سال چاپ: ذى الحجه 1410 / چاپخانه: أمير - قم / ناشر: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه - قم المقدسه) [الشهيد الأول م. 786]
92. مستدرک الوسائل (التحقيق و الناشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث / الطبعة الاولى 1408هـ-) [ميرزا حسين نوری م. 1320]
93. مستدرک سفینه البحار (تحقيق و تصحيح: الشيخ حسن بن علي النمازی / سال چاپ: 1418 / ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [الشيخ على النمازی الشاهرودى م. 1405]
94. مسند زيد بن علي عليه السلام (ناشر: منشورات دار مكتبه الحياه - بيروت - لبنان) [زيد بن علي م. 122]
95. مشارق أنوار اليقين (تحقيق: السيد على عاشور / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1419 - 1999 م / ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بيروت - لبنان-) [الحافظ رجب البرسى م. 813 ح]
96. مشکاه الأنوار فى غرر الأخبار (تحقيق: مهدي هوشمند / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1418 / چاپخانه: دار الحديث / ناشر: دار الحديث) [على الطبرسى م. 7]
97. مصباح البلاغه (مستدرک نهج البلاغه) (سال چاپ: 1388) [ميرجهانى م. 1413]
98. مصباح المتهدد (الناشر: مؤسسه فقه الشيعه - بيروت، لبنان) [شيخ طوسى م. 460]
99. معانى الأخبار (تحقيق: على اكبر غفارى / الناشر و المطبعه: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم 1361 هـ - ش) [شيخ صدوق م. 381]
100. مناقب آل أبى طالب (تحقيق: لجنه من استاذہ النجف الاشرف / المطبعه: محمد كاظم الحيدرى - مطبعه الحيدريه النجف الاشرف / الطبعة 1376) [ابن شهر آشوب م. 588]
101. مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى / چاپ: الأولى / سال چاپ: محرم الحرام 1412 / چاپخانه: النهضه / ناشر: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه - قم المقدسه) [محمد بن سليمان الكوفى م. 300]
102. مناقب الطاهرين، [عماد الدين حسن بن علي طبرى م: قرن 7] (مؤلف كامل بهائى)
103. المنتخب فى جمع المراثى و الخطب (مصحح: على نضال / ناشر: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات / محل نشر: بيروت) [فخر الدين محمد طريحي]
104. منتهى المطلب (ط.ق - طبعه حجرىه) [العلامه الحلى م. 726]
105. منهاج الكرامه (تحقيق: عبد الرحيم مبارك / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1379 ش / چاپخانه: الهادى - قم / ناشر: انتشارات تاسوعاء -

106. نفس الرحمن فى فضائل سلمان (تحقيق: جواد القيوى الجزه اى الاصفهانى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1411 - 1369 ش / چاپخانه: بنکوئن / ناشر: مؤسسه الآفاق) [ميرزا حسين نورى طبرسى م. 1320]
107. نوادر المعجزات (تحقيق: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1410 / ناشر: مؤسسه الإمام المهدي - قم المقدسه) [محمد بن جرير الطبرى (الشيعى) م. ق4]
108. نهج الإيمان (تحقيق: السيد أحمد الحسينى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1418 - چاپخانه: ستاره - قم / ناشر: مجتمع إمام هادى عليه السلام - مشهد) [ابن جبر م. ق7]
109. نهج الحق وكشف الصدق (تقديم: السيد رضا الصدر - تعليق: الشيخ عين الله الحسنى الأرموى / سال چاپ: ذى الحجه 1421 / چاپخانه: ستاره - قم / ناشر: مؤسسه الطباعه والنشر دار الهجره - قم) [العلامه الحلى م. 726]
110. وسائل الشيعه (تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث - قم / المطبعه: مهر - قم / الطبعه الثانيه جمادى الآخره 1414 هـ - ق) [حر عاملى م. 1104]
111. ينابيع المعاجز (چاپخانه: العلميه - قم) [السيد هاشم البحرانى م. 1107]

كتب اهل تسنن

112. الآحاد و المثاني (التحقيق: باسم فيصل أحمد الجوابره/ الطبعة: الأولى: 1411 - 1991 م الناشر: دار الدرايه للطباعه و النشر و التوزيع) [ابن ابى عاصم (ضحاك) م. 287]
113. أخبار الدول و آثار الأول، (التحقيق: حليط احمد- سعد فهمي/ الناشر: عالم الكتب البيروت) [احمد بن يوسف قرمانى م. 1019]
114. الأدب المفرد (چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1406 - 1986 م/ ناشر: مؤسسه الكتب الثقافيه - بيروت - لبنان) [البخارى م. 256]
115. الاستيعاب (تحقيق: على محمد البجاوى/ چاپ الأولى/ سال چاپ: 1412/ چاپخانه: بيروت - دار الجيل/ ناشر: دار الجيل) [ابن عبد البر م. 463]
116. أسد الغابه (الناشر: انتشارات اسماعيليان- تهران) [عبد الواحد الشيبانى المعروف بابن الاثير م. 630]
117. إمتاع الأسماع (تحقيق: تحقيق و تعليق: محمد عبد الحميد النميسى/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1420 - 1999 م/ ناشر: منشورات محمد على بيضون، دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان) [المقریزی م. 845]
118. البدايه و النهايه (التحقيق و التدقيق و التعليق: على شيرى/ الطبعة: الاولى/ تاريخ الطبع: 1408هـ- ق/ الناشر و المطبعه: دار احياء التراث العربى - بيروت) [ابى الفداء اسماعيل بن كثير الدمشقى م. 774]
119. تاريخ الاسلام (التحقيق: عمر عبد السلام تدمرى / الطبعة: الاولى: 1407 هـ- ق/ الناشر و المطبعه: دار الكتب العربى) [ذهبى م. 748]
120. تاريخ بغداد (دراسه و تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1417 - 1997 م/ ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت) [الخطيب البغدادي م. 463]
121. تاريخ مدينه دمشق (التحقيق: على شيرى/ الناشر و المطبعه: دار الفكر للطباعه و النشر و التوزيع - بيروت - لبنان/ تاريخ الطبع 1415 هـ- ق) [ابن عساكر م. 571]
122. التذکره الحمدونيه (تحقيق: احسان عباس و بكر عباس/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1996 م/ ناشر: دار صادر للطباعه و النشر) [ابن حمدون م. 562]
123. تذکره الخواص (سال چاپ: 1418 ق/ ناشر: منشورات الشريف الرضى) [سبط بن جوزى م. 654 ق]

124. ترجمه الإمام الحسين (ع) (تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى/ قم چاپ: الثانية/ سال چاپ: 1414 - چاپخانه: فروردین/ ناشر: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه) [ابن عساكر م. 571]
125. تفسير الآلوسى [الآلوسى م. 1270]
126. تفسير الثعلبى (تحقيق: الإمام أبى محمد بن عاشور، مراجعه و تدقيق الأستاذ نظير الساعدى/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1422 - 2002م/ چاپخانه: بيروت - لبنان - دار إحياء التراث العربى/ ناشر: دار إحياء التراث العربى) [الثعلبى م. 427]
127. تنزيه الشريعة المرفوعه عن الأخبار الشنيعه الموضوعه (تحقيق: السيد عبد الله بن الصديق الغمارى - عبد الوهاب عبد اللطيف/ چاپ: الأولى/ چاپخانه: مطبعه عاطف - مصر/ ناشر: مكتبه القاهره - على يوسف سليمان) [على بن محمد الكنانى م. 963]
128. تهذيب الكمال (تحقيق و ضبط و تعليق: الدكتور بشار عواد معروف/ چاپ: الرابعه/ سال چاپ: 1406 - 1985 م/ ناشر: مؤسسه الرساله - بيروت - لبنان) [المزى م. 742]
129. جامع الاحاديث، [جلال الدين السيوطى م. 911]
130. الجامع الصغير (چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1401 - 1981 م/ ناشر: دار الفكر للطباعه و النشر و التوزيع - بيروت) [جلال الدين السيوطى م. 911]
131. الجامع لاحكام القرآن (تفسير القرطبى) (تحقيق: تصحيح: أحمد عبد العليم البردونى/ ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت - لبنان) [القرطبى م. 671]
132. جواهر العقدين فى فضل الشرفين، نورالدين على بن عبدالله سمهودى. م. 911.
133. الجوهره فى نسب الإمام على وآله (تحقيق: دكتور محمد التونجى/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1402/ چاپخانه: مؤسسه الأعلام للمطبوعات. بيروت/ ناشر: مكتبه النورى، دمشق) [البرى م. 7ق]
134. خصائص أمير المؤمنين عليه السلام (تحقيق و تصحيح الأسانيد و وضع الفهارس: محمد هادى الأمينى - ناشر: مكتبه نينوى الحديثه - طهران) [نسائى م. 303 هـ - ق]
135. دُر بحر المناقب، (المخطوط) [المحدث العارف الشيخ جمال الدين محمد بن أحمد الحنفى الموصلى الشهير بابن حسنويه م. 680]
136. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور (ناشر: دار المعرفه للطباعه و النشر - بيروت - لبنان) [جلال الدين السيوطى م. 911]
137. ذخائر العقبى (سال چاپ: 1356/ ناشر: مكتبه القدسى لصاحبها حسام الدين القدسى - القاهره) [احمد بن عبد الله الطبرى م. 694]

138. ربيع الأبرار ونصوص الأخبار (تحقيق: عبد الأمير مهنا/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1412 - 1992م/ ناشر: مؤسسه الأعلمی
للمطبوعات - بیروت) [الزمخشري م. 538]

139. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، آلوسی م. 1270

140. العرائس في قصص الانبياء (عرائس المجالس)، مطبع الحيدري [ثعلبي م. 427]

141. سبل الهدى و الرشاد (تحقيق: تحقيق و تعليق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الشيخ علي محمد معوض / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1414 - 1993 م / ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان) [الصالحى الشامى م. 942]

142. سقيفه و فدك، الجوهرى م. 323

143. سنن ابى داود (التحقيق و التعليق: سعيد محمد اللحام / الطبعة: الاولى / تاريخ الطبع: 1410 هـ - ق / الناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع) [ابن الاشعث السجستاني م. 275]

144. السنن الكبرى (التحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى و سيد كسروى حسن / الطبعة: الاولى: 1411 هـ - ق / الناشر: دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان) [نسائي م. 303 هـ - ق]

145. السنن الكبرى (الناشر و المطبعة: دار الفكر - بيروت) [احمد بن الحسين بن على البيهقى م. 458 هـ - ق]

146. سنن ترمذى (تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف / تاريخ الطبع: 1403 هـ - ق / الناشر و المطبعة: دار الفكر - بيروت) [ابوعيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذى م. 279 هـ - ق]

147. سير أعلام النبلاء (شرف و تخريج: شعيب الأرناؤوط و تحقيق: حسين الأسد / الطبعة: التاسعه / تاريخ الطبع: 1413 هـ - ق / الناشر: مؤسسه الرساله - بيروت) [ذهبي م. 748]

148. شرح نهج البلاغه (التحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم / المطبعة: منشورات مكتبه آيه الله العظمى المرعشى النجفى / الناشر: دار احياء الكتب العربيه) [ابن ابى الحديد المعتزلى م. 656]

149. شرف المصطفى، ابوسعيد خرگوشى نيشابورى (معروف به ابوسعيد واعظ - ابوسعيد زاهد) (سال چاپ: 1424 ق / ناشر: دار البشائر الإسلاميه) [ابوسعيد خرگوشى نيشابورى م. 406 ق]

150. صحيح بخارى (الناشر و المطبعة: دارالفكر - بيروت / الطبعة بالافست عن طبعه دار الطباعة العامره باستانلبول 1401 هـ - ق) [محمد بن اسماعيل بخارى م. 256 هـ - ق]

151. صحيح مسلم (الناشر: دارالفكر - بيروت / طبعه مصححه و مقابله على عده مخطوطات و نسخ معتمده) [مسلم ابن الحجاج ابن مسلم القشيري النيشابورى م. 261 هـ - ق]

152. الصواعق المحرقة فى الرد على أهل البدع و الزندقه (خرج أحاديثه و علق حواشيه و قدم له: عبد الوهاب عبد اللطيف / چاپ: الثانيه / سال چاپ: 1385 - 1965 م / چاپخانه: شركه الطباعة الفنيه المتحده / ناشر: مكتبه القايره) [أحمد بن حجر الهيتمى المكى م. 974]

153. ضعفاء العقيلي (الدكتور عبد المعطى أمين قلعجي / چاپ: الثانيه / سال چاپ: 1418 / چاپخانه: دار الكتب العلميه-بيروت/ناشر: دار الكتب العلميه بيروت) [العقيلي م. 322]
154. العسل المصفي من تهذيب زين الفتى فى شرح سوره هل أتى، احمد بن محمد بن علي عاصمى . م. قرن 4
155. عمدہ القارى (الناشر و المطبعه: دار احياء تراث العربى) [عيني م. 855]
156. الفائق فى غريب الحديث (چاپ: الأولى / سال چاپ: 1417 - 1996 م / ناشر: دار الكتب العلميه) [زمخشرى م. 538]
157. فتح القدير (چاپخانه: عالم الكتب/ ناشر: عالم الكتب) [الشوكانى م. 1255]
158. فراند السمطين، [جوينى]
159. فضائل الثقلين من كتاب توضيح الدلائل على ترجيح الفضائل (ناشر: المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الإسلاميه- المعاونيه الثقافيه) [سيد شهادب الدين احمد بن عبد الله الشافعى الإيجى م. 820 ق]
160. فضائل الصحابه (تحقيق: وصى الله بن محمد/ ناشر: دارين الجوزى / محل نشر: قاهره) [احمد بن حنبل م. 241 ه- ق].
161. فضائل الصحابه (ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان) [نسائى م. 303 ه- ق]
162. فضائل سيده النساء (تحقيق: أبو إسحاق الحوينى الأثرى / چاپ: الأولى / سال چاپ: 1411 / ناشر: مكتبه الترييه الإسلاميه - القاهره) [عمر بن شاهين (ابن شاهين) م. 385]
163. فضائل فاطمه الزهراء (تقديم و تحقيق: الدكتور محمد هادى الأمينى / سال چاپ: 1412 - 1992 م / ناشر: مؤسسسه الغدير للمطبوعات - دار الكتاب الإسلامى - بيروت - لبنان) [عمر بن شاهين (ابن شاهين) م. 385]
164. فيض القدير، شرح الجامع الصغير (التحقيق و التصحيح: أحمد عبد السلام / الطبعه: الاولى / تاريخ الطبع: 1415 ه- ق / الناشر: دارالكتب العلميه- بيروت) [مناوى م. 1031]
165. كشف الأسرار و عده الأبرار، رسيد الدين ميبدى م. قرن 6
166. كنز العمال (ضبط و تفسير: الشيخ بكرى حيانى / تصحيح و فهرسه: الشيخ صفوه السقا / تاريخ الطبع: 1409 ه- ق / الناشر و المطبعه: مؤسسسه الرساله- بيروت) و (طبع آخر) [المتقى الهندى م. 975]
167. الكامل (قراءه و تدقيق: يحيى مختار غزاوى / چاپ: الثالثه / سال چاپ: محرم 1409 - 1988 م / ناشر: دار الفكر للطباعه والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان) [عبد الله بن عدى الجرجانى م. 365]

168. لسان الميزان (الطبعة: الثانية/ تاريخ الطبع: 1390هـ-ق/الناشر: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات-بيروت) [شهاب الدين ابى الفضل احمد بن على بن حجر العسقلانى م. 825]
169. مجمع الزوائد (الناشر و المطبعة: دارالكتب العلميه- بيروت/ تاريخ الطبع 1408 هـ- ق - 1988 م) [نور الدين على بن ابى بكر الهيثمى م. 807 هـ-ق]
170. المستدرک على الصحيحين (التحقيق: الدكتور يوسف المرعشلى/ الناشر: دار المعرفه- بيروت/ تاريخ الطبع 1406 هـ- ق) [الحاكم النيشابورى م 405 هـ-ق]
171. المستطرف فى كل فن مستظرف [الأبشيهى م. 850]
172. مسند ابن راهويه (تحقيق: الدكتور عبد الغفور عبد الحق حسين برد البلوسى/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1412/ چاپخانه: مكتبه الإيمان - المدينه المنوره/ ناشر: مكتبه الإيمان - المدينه المنوره) [اسحاق بن راهويه م. 238]
173. مسند احمد (الناشر و المطبعة: دار صادر- بيروت) [احمد بن حنبل م. 241 هـ-ق]
174. المصنف (التحقيق: سعيد محمد اللحام/ الناشر و المطبعة: دار الفكر/ الطبعة الاولى 1409 هـ- ق) و طبع آخر (تاريخ الطبع 1414 هـ- ق/ الناشر: دار الفكر بيروت) [ابن ابى شيبه الكوفى م. 235 هـ-ق]
175. مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول صلى الله عليه و آله (تحقيق: ماجد ابن أحمد العطيه) [محمد بن طلحه الشافعى م. 652]
176. المعجم الأوسط (تحقيق: قسم التحقيق بدار الحرمين/ سال چاپ: 1415 - 1995 م/ ناشر: دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع) [الطبرانى م. 360]
177. ذكر أخبار إصبهان (سال چاپ: 1934 م/ چاپخانه: بريل - ليدن المحروسه) [الحافظ الأصبهاني م. 430]
178. المعجم الكبير (التحقيق و التخريج: حمدى عبد المجيد السلفى/ الطبعة: الثانى مزيده و منقحه/ المطبعة: دار احياء التراث العربى/ الناشر: مكتبه ابن تميميه- القايره) [سليمان بن احمد ايوب اللخمى الطبرانى م. 360 هـ-ق]
179. مقتل الحسين عليه السلام (سال چاپ: 1423 ق/ ناشر: انوار الهدى) [موفق بن احمد خوارزمى م. 568 ق]
180. المناقب (تحقيق: الشيخ مالك المحمودى، مؤسسه سيد الشهداء/ چاپ: الثانية/ ربيع الثانى 1414/ چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامى/ ناشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه) [الموفق الخوارزمى م. 568]

181. مناقب آل محمد المسمى بالنعيم المقيم لعترة النبأ العظيم (ناشر: مؤسسه الأعلمی) [شرف الدين ابی محمد عمر بن شجاع الدين محمد بن عبد الواحد الموصلى م. 657 ق]
182. مناقب على بن أبی طالب عليه السلام (عام الأولى 1426 - 1384 ش / چاپخانه: سبحان/ ناشر: انتشارات سبط النبى) [ابن المغازلى م. 483]
183. مناقب على بن أبی طالب عليه السلام و ما نزل من القرآن فى على عليه السلام (جمعه و رتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين/ چاپ: الثانيه/ سال: 1424 - 1382 ش / چاپخانه: دار الحديث/ ناشر: دار الحديث) [أحمد بن موسى ابن مردويه الأصفهانی م. 410]
184. موارد الظمان (تحقيق: حسين سليم أسد الدارانی/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1411 - 1990 م/ ناشر: دار الثقافه العربيه) [الهیثمى م. 807]
185. میزان الاعتدال (تحقيق: على محمد البجاوى/ چاپ: الأولى/ سال چاپ: 1382 - 1963 م/ ناشر: دار المعرفه للطباعه و النشر) [الذهبی م. 748]
186. نزهه المجالس و منتخب النفایس، [صفورى شافعى].
187. نظم درر السمطين (الطبعه: الاولى/ تاريخ الطبع: 1377 هـ - ق- 1958 م/ المطبعه: من مخطوطات مكتبه الامام امير المؤمنین عليه السلام [محمد الزندى الحنفى م. 750]
188. الوافى بالوفیات (تحقيق: أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفى - چاپخانه: بیروت - دار إحياء التراث/ ناشر: دار إحياء التراث) [الصفدى م. 764]
189. وفيات الأعيان و أبناء أبناء الزمان (تحقيق: إحسان عباس/ چاپخانه: لبنان - دار الثقافه/ ناشر: دار الثقافه) [ابن خلکان م. 681]
190. ينابيع الموده لذوى القربى (التحقيق: سيد على جمال اشرف الحسينى/ الطبعه: الاولى/ تاريخ الطبع: 1416 هـ - ق/ الناشر و المطبعه: دارالاسوه) و (طبع آخر) [الشيخ سليمان بن ابراهيم القندوزى الحنفى م. 1294 هـ - ق]

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

